رستاخیز کارگران

دوشنبه بیست و چهارم خرداد ماه ۲۵۳۵ شاهنشاهی شماره پانزدهم — بها ده ریال

در این شماره رپرتاژ، مطالب علمی، آموزشی و داستانهای بسیار جالب و خواندنی

/5

ازکارخانه تا صحنه اپرا

زندگینامه «انریکو کاروزو»، خواننده مشهور ایتالیا که در آغاز زندگی یک کارگر ساده بود...

رپرتاژ جالبی از

کارگران داروسازی، آنها که وسیله درمان بیماران را میسازند....

COLLECTION OF TAHEREN FOUNDATION

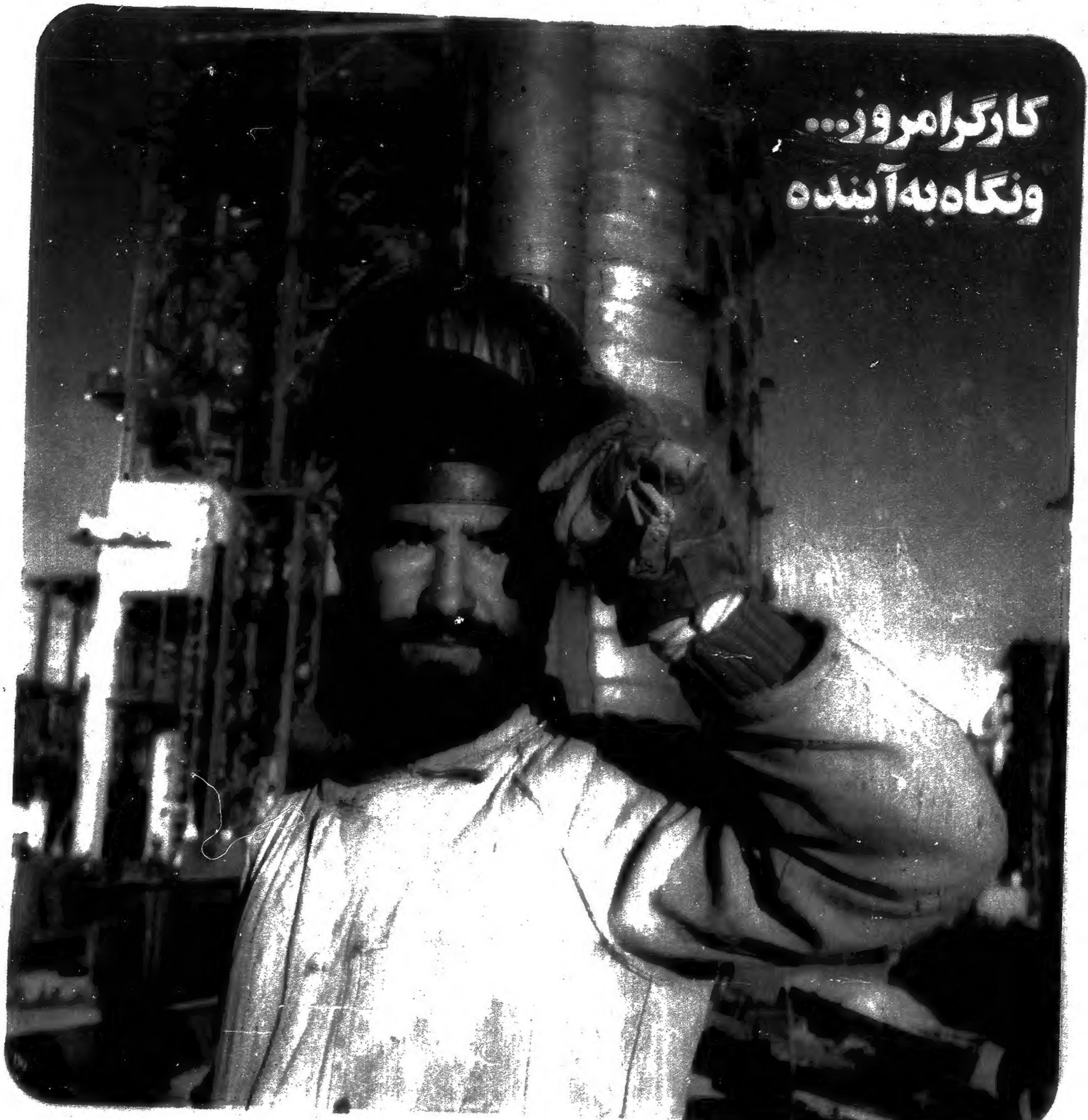

کارگر امروز، با اعتقاد و ایمان کامل به نظام شاهنشاهی، قانون اساسی و انقلاب شاه و ملت، همگام با دیگر قشرهای وطنش، درصف متحد حزب رستاخیز ملت ایران، به فرمان شاهنشاه بزرگ خویش، برای ساختن ایرانی آبادتر و نیرومندتر، می کوشد ... پیش می رود ...

کارگر امروز با آگاهی به این ضرورت، که هر لحظه مهارت خود را افزایش دهد، تا بهره‌وری افزون‌تری، مناسب با آهنگ سریع پیشرفت کشور داشته باشد، با دستهای پرتوان خویش چرخهای عظیم صنعت وطنش را می گرداند، و نگاه پر امیدش را به آینده دوخته است ... آینده یی نزدیک ... به آغاز تمدن بزرگ ... آرزوی عالی و نهائی ملت ...

رستاخیز کارگران

دوشنبه بیست و چهارم خردادماه ۲۵۳۵ شاهنشاهی شماره پانزدهم

نشریه حزب رستاخیز ملت ایران این نشریه ماهی دوبار منتشر میشود

مدیرمسئول: محمدحسین کردبچه

نشانی: خیابان وصال شیرازی چهارراه بزرگمهر - پلاک ۱۴۸/۱

تلفن مدیرمسئول و سردبیر ۶۴۰۴۲۲ بیت تحریریه: ۶۶۰۰۴۴ - ۶۶۷۱۵۹ - ۶۴۰۷۹۹
۶۶۳۷۵۵

کنفرانس بین المللی کار ژنو

جان سخن در زمینه‌ی کنفرانس بین‌المللی کار که از هفته گذشته در ژنو تشکیل گردیده اینست که: بعلت انسانی بودن مسائل کارگری، و بسبب اینکه «کالا» یا «ارزشی» بنام نیروی کار صرفاً براساس عرضه و تقاضا — مانند سایر کالاها — قابل ارزشیابی نیست، و باید جنبه‌های انسانی مسئله در درجه اول مورد توجه قرارگیرد. لذا دفتر بین‌المللی کار — بعنوان یکی از شاخه‌های اصلی سازمان ملل متحد — حل و فصل این مسئله را وجههٔ همت خود قرار داده است.....

سابقه تأسیس و فعالیت دفتر بین المللی کار حتی به پیش از پیدایش سازمان ملل متحد مربوط بوده و درواقع از هنگامی دنیا بفکر ایجاد چنین مرکزی افتاد که معلوم شد اختلافات بین خریدار و فروشنده نیروی کار انسانی، قابل حل در چهارچوب قانون صرفاً مرسوم به «عرضه و تقاضا» نبوده و باید با معیارها ومقیاس های دیگری حل وفصل شود که انسانی بودن آنها سایرجنبه هایشان بهچربد....

صرفنظر از ضرورتهای سیاسی که با پیدایش نظرات خاص اقتصادی — اجتماعی اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم بوجود آمد، اصولا انسانها این حقیقت را مورد توجه قرار دادند که بهای کالائی بنام نیروی کارانسانی ویا بزبانی ساده‌تر کارمزد و دستمزد و حقوق با نیازهای حیاتی انسان کارگروکار فروش مستقیماً ارتباط پیدامیکند. یعنی کارمزد و دستمزد وحقوقی که یک کارگر (ویا بهتر بگوئیم فروشنده نیروی کارانسانی) دریافت‌میکند باید‌بتواندنیازهای محتاج زندگی آن فرد انسانی را تأمین کند. بنابراین تنظیم رابطه ای منطقی وسالم بین این دوعامل ازضروری‌ترین‌وظایف‌جامعه انسانهاست.....

هرجامعه‌ای که نتواند چنین رابطه منطقی و معقولی را بین دو عنصر خریدار و فروشنده نیروی کاربرقرار ساخته، و درحقیقت نتواند رابطه صحیح و واقعی بین بازده فعالیت های اقتصادی و عامل کار را تشخیص دهد و قوانین رشد اقتصادی را برآن اساس تنظیم ننماید، بدون شک گرفتار ناهنجاری‌های اقتصادی — اجتماعی خواهد شد.

ازحق نباید گذشت که دفتر بین المللی کار در طی سالهائی که از دوران فعالیت آن میگذرد، حل وفصل این مسئله مهم جوامع صنعتی شده (یا درحال صنعتی شدن) انسانها را به بهترین وجه ممکن درمسیر منطقی آن رهنمون شده است، واین‌جای قدردانی وامیدواری است....

اما هنگامی که ما مسئله را درقالب مسائل ملی‌مان بررسی میکنیم، میبینیم که دروطن ما ضمن بهره‌گیری از تجارب گرانبهای سازمانهائی از نوع دفتر بین المللی کار، اصولا در پرتو انقلاب شاه‌وملت الهام و از روح فیاض وبخشنده آن نه تنهامسائل کارگری، بلکه کلیه عوارض و پی‌آمدهای ناشی ازتوسعه وپیشرفت راطبق مصلحت بینی های انسانی مخصوص ملت خودمان فیصله داده‌ایم و میدهیم .... با یادآوری نکاتی که در پیام شاهنشاه آریامهر رهبر انقلابمان بـــه هشتمین کنفرانس ملی کار بچشم میخورد، بخوبی این حقیقت روشن میشود که آنچه را که دیگران ازبرخورد با آن وحشت داشته ویا دارند، ما با کمال واقع بینی وسعه صدر وانصاف باگروهها وطبقات مختلف‌جامعه‌مان درمیان میگذاریم و امکانات و ضرورت‌های لازم برای زندگی انسانی امروز را نه تنها بمبنای حداقل، بلکه درسرحد تمام امکانات ملی و میهنی‌مان برای همه‌فراهم میسازیم....

بفرموده شاهنشاه آریامهر:

«اکنون طبقه کارگر ایرانی نه تنها در داخل جامعه خود از موقعیتی از هرجهت شایسته بهرمند است، بلکه درجامعه جهانی نیز از نظر حقوق و امتیازات قانونی و قوانین مترقی کار در صفوف مقدم پیشرفته‌ترین جوامع بین المللی قرار دارد ....وشاید دراین هنگام که کنفرانس بین المللی کاردرشهر تاریخی ژنوجریان دارد، بی‌مناسبت نباشد یادآوری سخنانی که رهبروطنمان دراجلاسیه عمومی سه سال پیش ازاین بنا بدعوت رئیس دفتربین المللی کاردرحضورصدها نفراز نمایندگان کارجهان ایراد فرمودند که بحق راهگشای بسیاری از جوامع درحال رشد درطریق حل مسائل ناشی ازرشدشان گردید.....

رهبر انقلاب وطن ما در همان کنفرانس تاریخی جهانی نیز بصراحت اعلام کردند:

«طبقه کارگر که رکن فعال وسازنده جامعه است، نباید تنها ابزاری در خدمت پیشرفت‌های ضروری صنعتی و مادی باشد، بلکه باید درپرتو عدالت اجتماعی همه جانبه، شخصیت واصالت معنوی او محفوظ بماند وحتی بالاتر هم برود......»

وعین این سخنان را درپیام شاهنشاه خطاب به هشتمین کنفرانس ملی کار و یا خطاب به کنگره بزرگ کارگران ایران ملاحظه میکنیم، و میبینیم که چگونه و با چه روشنی و وضوح خاصیت خیرخواهی و

بقیه در صفحه ۸۴

در این شماره

کارگران داروسازی، آنها که وسیله درمان بیماران را می‌سازند...

درچند سال اخیر، همگام با پیشرفت های کشور در همه زمینه ها، صنعت داروسازی ما، پیشرفتی چشمگیر داشته است، و هم اکنون چند هزار تن از خواهران و برادران کارگر ما، درلابراتوارها و کارخانه های داروسازی، در کوشش برای پیشبرد سریع این صنعت میباشند، تا کشور را از ورود داروهای خارجی بی‌نیاز سازند .... در اینشماره، رپرتاژ جامعی از این صنعت و کارگران داروساز مطالعه می کنید.

صفحات ۶—۷—۸—۹

ساعتی در کنار خانواده کارگر

اینبار، گزارشگر «رستاخیز کارگران»، ساعتی را در کنار خانواده عزیزالله خاموشیان راننده کامیون سپرده است، و خاموشیان از زندگی گذشته، پیشرفت‌هایش در زندگی، زندگی خانوادگی و آرزوهایش با گزارشگرما گفتگو کرده است، که خواندنی است....

صفحات ۲۸—۲۹

خودساخته ها...

«انریکو کاروزو»، درآغاز یک کارگر ساده بود.... اما، او برآن بود که پیشرفت کند... وبالاخره با نیروی اندیشه و پشتکار، بالاخره یک روز به صحنه اپرا راه یافت، وخواننده‌یی موفق ومشهورشد...

صفحات ۳۶—۳۷

کارگران ساختمانی، سازندگان بناهای بزرگ و کوچک

شاید کمتر کسی بداند، که برای ایجاد یک ساختمان، ۲۲ گروه کارگر، میبایست با یکدیگر همکاری کنند... نقش آنها در احداث یک ساختمـــــان متفاوت است، و دستمزدهای متفاوت دارند ... «رستاخیز کارگران»، در اینشماره رپرتاژ جالبی از کارگران ساختمانی وویژگی‌های کارآنها چاپ کرده است، که مسلماً برای شما خواندنی است...

صفحات ۱۴—۱۵—۱۶—۱۷

حادثه‌یی که در کارگاه ما پیش آمد

یکی از خوانندگان ما، ماجرای حادثه عجیبی را که در کارگاه آنها پیش‌آمد وموجب بیکاری او، وسپس فلج شدن مدیر کارگاه گردید، برای صفحه «بااین برزخ چکنم؟» فرستاده است، که این ماجرا، نشانگر حوادث تلخی است که دشمنی‌های گوناگون پیش می‌آورد. این ماجرا را حتماً مطالعه کنید.

صفحات ۳۸—۳۹

سرداران استقلال ایران

«رستاخیز کارگران» از نخستین شماره، برای آگاهی هرچه بیشتر خوانندگان عزیز خود با رویدادهای غرورآفرین تاریخ کشورمان، به‌انتشار زندگینامه مردانی پرداخته است، که در راه استقلال کشور، جان بر کف، با بیگانگان به‌ستیزه برخاسته‌اند، وحماسه‌هائی شگفتی انگیز آفریده‌اند.... دراین شماره، از «سرداران استقلال ایران» با مبارزات وطنپرستانه «سنباد» یکی ازیاران ابومسلم خراسانی علیه‌حکام عرب آشنایی شوید...

صفحات ۶۸—۶۹

احداث راه‌آهن سراسری کشور، از جملـه اقدامات اساسی رضا شاه کبیر در زمینه پیشرفت و آبادی کشور بود.
عکس، مراسم گشایش راه‌آهن را نشان می‌دهد، و رضاشاه کبیر، با فرزنـــد برومند خود (شاهنشاه آریامهر) در گفتگوست ...

رضاشاه
مردی که باید همه

دوست عزیز .....

در آخرین مقاله‌ای که پانزده روز پیش برایتان فرستادم پیش‌بینی کردم که سلسله مقالات مربوط بدوران پهلوی اول رضاشاه کبیر را با یک گفتار دیگر پایان داده و در گفتگو در باره بخش طولانی‌تر (و حساس‌تر) دوران پنجاه ساله شاهنشاهی دودمان پهلوی (تا امروز) بپردازم ....

و چه بسا که موفق شوم چنین کاری را انجام دهم، ولی هم‌اکنون که قلم بدست گرفته و قصد ادامه نگارش بقیه وقایع اصلی دوران سلطنت پهلوی اول را دارم، احساس میکنم که کار خطیر و مشکلی را قبول کرده‌ام و قول بزرگی داده‌ام ... یعنی می‌بینم که حتی قطره‌ای از دریا را نیز درباره کارهائی که در زمان رضاشاه کبیر انجام گرفته است بیان نداشته‌ام ....

از هیچ همه چیز .....

قصد مقایسه ندارم، ولی برای روشن شدن مسئله است که بذکر مثال میپردازم ... و آنهم از آن جهت است که خوانندگان این روزگار بتوانند تجسمی در ذهن خود داشته باشند:

من و شما بهرحال و کم‌بیش پایان جنگ دوم جهانی را بخاطر داریم، یعنی سی‌سال پیش را ...... وضع کشورهای شکست خورده و یا پیروز را هم تا اندازه‌ای میتوانیم بیاد آوریم ....

بی‌گمان میتوان از فرانسه بعد از جنگ

چیز را از نو بسازد

ازم — سعیدوزیری

بعنوان یک کشور جنگ‌زده نمونه یاد کرد که در اوایل جنگ‌جهانی دوم به سختی موردحمله قرار گرفت و اشغال شد ، و هستی‌اش بتاراج رفت و از اواسط جنگ به پیروزی خود دل بسته وبالاخره هم در پایان جنگ بر کرسی کشورهای غالب نشست ، ولی این غالب شدن چیزی از شدت ضربات و لطمه ها و زیانهای وارده بر پیکره اقتصاد یات فرانسه نکاسته بود ......

همچنین میتوان در این زمینه از کشور آلمان نام برد که مدتی در نقش ملت مهاجم و آغازگر جنگ مجبور به تحمل هزینه‌های کمرشکن جنگ و دورانی نیز بمناسبت شکست خوردگی ناچار به قبول عوارض ناشی از اشغال شدگی وسایر عواقب شکست گردید ... اما پس از آنکه جنگ پایان پذیرفت تمام سنگینی مرمت خرابی ها در آلمان و در فرانسه تنها بعهده یک نفر نبود ، بلکه بسیاری افراد و گروههای کارآزموده وجود داشتند که میتوانستند هر کدامشان گوشه‌ای از کارها را بدست گرفته و برفع خرابی ها بپردازند ..... درست است که هریک از گروهها که بنوبت برسر کار آمدند ، سرانجام کارها را بدست قاطع — ترین شخصیت‌ها و کارآزموده‌ترین « تیم »ها سپردند ولی تجارب همان گروهها و افراد هم در پیشبرد کارها بی‌اثر نبوده است ...... اگر دوران ژنرال دوگل (فی‌المثل) دوران شکوفائی فرانسه بحساب آمد ، برای آن بود که او علاوه بر امتیازات مربوط به شخصیت خود ، مقدار زیادی نتایج بررسی ها و مطالعات واقدامات پراثر دیگران‌را هم دراختیار داشت و از تمام آنها در تنظیم برنامه‌های دولت خویش بهره‌برداری کرد.......

و اصولا با مردمی سرو کار داشت که استعمار ریشه‌های امید و ابتکار و وحدتشان را نخشکانیده بود ....

همینگونه بود در آلمان، ولو در آن قسمت از آلمان که از او جدا شد وآلمان دیگری نامیده شد....

اما رضاشاه‌را در نظر بیاورید، در حالت مردی که (بقول فرزند ارجمندش شاهنشاه آریامهر) آتش گرفتن و خراب شدن خانه‌اش را بچشم خویش دیده بود، وناچار در یک اطاقک نیمه ویران باید بنشیند وبیاندیشد... و فرصت زیادی هم برای اندیشیدن در اختیار ندارد، وباید هرچه زودتر دست بکار شود، و کاری بس سخت وگران.

مردی در تنها اطاقک نیمه ویران بازمانده از خانه آتش‌سوزی شده، در اندیشه است.... در حالیکه همسایه‌ها بفکر کشیدن وبردن

تیرها و دروپیکره‌ها وبقایای مصالح ساختمانی هستند، در حالیکه چند تن بازماندگان از ساکنین خانه، هریک بصورتی دست بگریبان بدبختی‌های فردی و خصوصی هستند واز بازسازی خانشان مایوس ونومید....

وحتی از آن بدتر اینکه بعضی از آنان نیز گرفتار وسوسه‌های همسایگان هستند، بظاهر بیدار وهوشیار و کارکن، ولی در راهی که همسایه دوست دارد ومیپسندد. ومرد، در اطاقک خود نشسته وبفکر فرزندانی است که ازوحشت‌شعله‌های‌آتش‌وازترس دستبردهای وقت‌و بی‌وقت همسایه‌ها و دست بگریبان سوختگی‌ها و زخم‌های دلخراش دیگر، هر یک بگوشه‌ای خزیده‌اند ونیاز به‌دستگیری و راهنمائی دارند.....

نیاز بدان دارند که دست عطوفتی یک یک آنانرا از زیر آوارها بدر آورده و خاکستر و غبار دودزدگی را از رخسارشان برگیرد و زخمشان را شستشو کند وراه کوچه ها را برویشان بگشاید تا بادنیای خارج از خانه سوخته ارتباط پیداکنند ، راه بازار وفروشگاهها را فراگیرند،وزندگی ازسرگیرند.....

ومرد تک‌وتنهاست.....

رضاشاه درچنان حالتی بود.... اگر افراد یا گروههائی هم بودند که قصد ومیل داشتند که دستی در کارها داشته باشند، دست بیگانه از آستین آنها بدرمی‌آمد و نه رضاشاه و نه هیچ مرد ایران دوستی نمیتوانست آن دستها رابفشارد......

صحبت از تکمیل ارتش برای ایجاد امنیت وفراهم آوردن محیط کار شد وپس از آن تأسیس مدارس وفرهنگ جدید واعزام محصلین به‌اروپا... ولی تأسیس دادگستری برای استقرار عدالت قابل اعتماد واطمینان مردم، برای اینکه مردم بدانند که ضوابطی برای تشخیص حق وناحق در مملکت وجود دارد یکی دیگر از مهمترین اقدامات رضاشاه کبیر بود، که در راه تکمیل این ضابطه بود که میراث ننگین گذشتگان، یعنی حق قضاوت کنسولی (کاپیتولاسیون) را شجاعانه لغو نمود وبه‌خارجی‌ها نشان داد که ایرانی باید ومیتواند در استقرار واجرای عدالت در مملکتش دخالت تام وتمام وانحصاری داشته باشد. ایجاد راهها، راههای شوسه و راه‌آهن یکی دیگر از خدمات وتدابیر اساسی رضاشاه بود که شخصاً بخوبی دیده ومشاهده کرده بود که بزرگترین مانع استقرار امنیت وتعمیم اجرای برنامه‌های اصلاحی فقدان راههای ارتباطی بوده‌است.....

راه‌آهن ایران

و خصوصاً در این زمینه باید از احداث راه‌آهن سرتاسری ایران با افتخار و سربلندی نام برد.... از این جهت افتخارآمیزمی گوئیم که واقعاً ملت ایران شنیده و دیده بود که یکی از نشانه‌های ترقی ملل راقیه جهان وجود خطوط آهن است که حمل و نقل را دردورترین نقاط کشورها به سهولت امکان‌پذیر ساخته است و درواقع نداشتن راه‌آهن برای ملت ایران یک نشانه بارز بر عقب‌ماندگی بود و تبدیل به یک عقده ملی شده بود ... وافتخارآمیز از این

جهت دیگر که رضاشاه این راه‌آهن را با پول خود این ملت ساخت ... با پولی که ملت به تدریج به نام عوارض بسیار ناچیز بر مصرف قند و شکر پرداخت عوارضی که اصلا پرداختنش برای ملت ایران کمترین سنگینی هم دربر نداشت ... درجلسه ششم اسفندماه سال ۱۳۰۵ قانون راه‌آهن جنوب ایران در هفت ماده بـه تصویب مجلس شورای ملی رسید که به موجب این قانون مخارج ساختن راه‌آهن ازمحل عوارض قند و شکر و چای تأمین گردید و قرار شد خط آهن از (خورموسی) به محمره (خرمشهر)و از آنجا به همدان آمده به تهران متصل گردد که روز یکشنبه ۲۳ مهرماه ۱۳۰۶ خورشیدی اولین کلنگ احداث راه‌آهن را ، کلنگ نقره‌ای که تهیه شده شخص رضا شاه کبیر در محل ایستگاه راه‌آهن تهران با حضور والاحضرت ولیعهد و هیئت دولت و نمایندگان مجلس و مردم‌سرشناس دیگربر زمین زدود رهمان هنگام در بندرگز (شمال) و در (خرمشهر) جنوب نیز ساختمان وتسطیح راشروع شد.

و شاید جالب باشد اگر در همین رهگذر ازسخن یادآوری شود که بودجه کل مملکتی درسال ۱۳۰۷ خورشیدی به این صورت بود که درآمد پیش بینی شده چیزی نزدیک به ۳۱ میلیون تومان و هزینه‌ها مبلغی در حدود ۳۴ میلیون تومان بود (باید در نظر گرفت که عایدات نفت جنوب از این رقم بیرون بود) .....

دست زدن به آتش نفت

و اکنون که سخن از نفت و عایدات آن به میان آمد باید بازهم با غرور یادآوری کنیم که این رضاشاه بود که برای اولین بار به غارت حقوق ایران از نفت اعتراض کرد ... واین کار به این صورت بود که پس از آنکه مطبوعات به پیروی از تشخیص وطن‌پرستانه رضاشاه توانستند مسئله احقاق حقوق ایران را درمقیاس جهانی منتشر کنند و اعلام کنند که شرکت نفت انگلیس حقوق حقه ایران را نه محسوب می‌دارد و نه می‌پردازد ، روزششم آذرماه سال ۱۳۱۱ که مصادف با ۲۷ رجب و عید مبعث بود ، رضاشاه کبیر درجلسه هیئت دولت که مشغول « چکنم ! چکنم ؟ » با پرونده قرارداد نفت دارسی بودند، حضوریافته وامتیازنامه نفت دارسی را در آتش بخاری انداخت ودستورداد دولت ایران رسماً قرارداد دارسی را لغو شده اعلام نماید .... و بلافاصله نامه‌ای از طرف وزارت دارائی به شرکت نفت مشعر بر اعلام الغای قرارداد مزبور ارسال گردید .... دلایل وزارت دارائی این بود که اولا قرارداد دارسی درایام استبداد و بی‌خبری با وسایل غیرمشروع صورت گرفته وثانیاً شرکت نفت حتی به مواد همان‌قرارداد هم‌عمل نکرده‌است.

دولت انگلیس به جامعه ملل شکایت کرد و اظهار داشت که چون دولت ایران قرارداد را لغو کرده و دولت انگلیس عمل ایران را غیرمشروع می‌داند و ممکن است این واقعه موجب تزلزل صلح جهانی گردد ، جامعه ملل هم یادداشتی در این خصوص برای ایران فرستاد که دولت ایران با رهبری قاطعانه رضاشاه کبیر درجواب جامعه ملل استدلال کرد که چون ایران حاضر است قرارداد جدیدی براساس موازین حقوقی واقعی و احقاق حق ملت ایران و رعایت منافع مصرف کنندگان نفت با شرکت منعقد سازد لذا لغو قرار داد هیچگاه موجب تزلـزل میان صلح جهانی نخواهد شد.

اقتصاد ملی

تجـدیـد نظر درقـرارداد نفت ازجمله اقداماتی بود که ملت ایران به رهبری‌پیشوای مقتدرش رضاشاه کبیر در زمینه پی‌ریزی یک بنیه اقتصادی ومالی سالم‌می کرد ...

رضاشاه که خاطره تلخ قرضه‌های دولت ایران از روس و انگلیس را از یاد نبرده بود و می‌دانست که انجام بـرنـامـه‌هـای نوسازی کشورش باید متکی بر یک اقتصاد ملی سالم باشد ، ازفکر تنظیم و اجرای نقشه‌هائی در این زمینه هرگز غافل نگردید .... تنظیم مالیه کشورو نظارت و مراقبت درتدوین بودجه‌های معقول ومنطقی برای مملکت ، تثبیت پول ایران، ایجاد کارخانه‌های گوناگون برای تبدیل مواد خام کشاورزی ایران به محصولات صنعتی از قبیل قندوشکروغیره، و به کار انداختن بازوان وقدرت کار مردم ایران ، توجه به بهبود وضع کشاورزی از طریق پرداخت‌وام به مالکان اراضی کشاورزی‌واعزام کارشناسان کشاورزی و دامپزشکی به شهرستانها و روستاها ،وتحت کنترل درآوردن واردات و صادرات کشور به طوری که نیازمندیهای کشور به کالاهای خارجی از یک‌سو تأمین شود و ازسوی دیگر کالاهای تولیدات داخلی نیز به بازارهای جهان راه‌یابدو درآمد برای کشور کسب کند، و بسیاری اقدامات دیگر به دست رضاشاه کبیر انجام گرفت که بی‌شک استقلال اقتصادی کشوررا پی‌ریزی نمود .....

کارخانه‌های قند وسیمان و کبریت‌سازی و بعضی از کارخانه‌های دیگر که در زمان رضاشاه کبیراحداث گردیدند ،جملگی پایه‌های صنعتی‌شدن کشوربودند....

«ناتمام»

کارگران داروسازی،

آنها که وسیله درما

اسلایدها از: علی اکبر رهبر

در این رپرتاژ با تاریخچه داروسازی ووضع کارگران این صنعت نوپاد را یران آشنا می‌شوید...
اکنون ۹۰ درصد داروهای مصرفی کشور، در کارخانه‌های داخلی تولید می‌شود
داروها ولوازم آرایش تولیدات کارخانه‌های ایران در بازارهای کشورهای خارج با تولیدات کارخانه‌های اروپائی وآمریکائی رقابت می‌کنند

در کارخانه‌های داروسازی کشورمان، از انگشتان ظریف دختران و زنان کارگر کشورمان بهره زیادی گرفته می‌شود

راهی طولانی را می‌پیمائیم. گرما روزهای داغ خود را آغاز کرده‌است. همکارم رهبر، که از گرما به تنگ آمده دوربین خود را آماده می‌کند و منهم در این فکرم که درمقصد با چه چیزی روبرو می‌شوم وچه باید بنویسم؟ ... عاقبت به کارخانه می‌رسیم درحالی که فکرمی کنم گرما توان کار را ازمن گرفته و رهبر نیز حالی بهتر از من ندارد. با همین حال وارد کارخانه می‌شویم هوای مطبوع تهویه بر پوست بدنمان می‌نشیند و به یکباره گرمای بیرون را فراموش می کنیم.

اینجا شباهتی به کارخانه ندارد. این اولین جمله‌ایست که بر زبانم می‌آید ولی خیلی زود متوجه میشویم که در یک کارخانه صنایع سنگین نیستیم، در این کارخانه بازوها در تلاش نیستند، بلکه آنچه به کارگرفته می‌شود، انگشتان ظریف دخترها وپسرهایی است، که کارگران صنعت داروسازی کشورهستند.

در سالن بزرگ کارخانه کمتر صدایی شنیده می‌شود وصداها در حد ماشینهای ظریف قرص یا کپسول سازی است، درسالن تا چشم کارمی کند کارگران نشسته‌اند سرگرم کار، روپوشهای سفیدشان نشان دهنده کارشان است و همچنین آرامش عجیبی به محیط کارمی بخشد.

درست در چند قدمی، یک زن کارگر در کنار ماشینی نشسته است وانگشتان ظریفش دائماً کار می کند، با خودم می گویم اوحتی متوجه ورود ما نشده است. هنرمندانه مشغول کاراست وحیف است که با چند پرسش دنیای زیبای اورا که در کارش خلاصه شدهٔ خراب کنم، نمیدانم شما هیچگاه جرأت کرده‌اید تداوم افکار واندیشه‌های نقاش یا پیکره ساز هنرمندی را که مشغول کار است در هم بریزید؟ ... منهم دراین لحظات فقط در این فکر بودم، حتی سعی می کردم که اگر قدمی بر می‌دارم آهسته‌تر باشد تا مزاحم کار این کارگرنباشم.

در همین فکرم که نور فلاش دوربین عکاسی رهبر توجه اورا جلب می کند. چهره صمیمی اش را به طرف ما برمی گرداند ودرهمین دقایق جرأتی پیدا می کنم که به نزدیکش بروم، ازاو سئوال می کنم که چه می کند، با چشم اشاره‌ای به ماشین می کند وقرصهایی که از آن بیرون می‌آید تا بسته بندی شود. میگوید نامش فاطمه ابیوروی است زمان زیادی نیست که کارمی کند، ولی کارش را دوست دارد، مثل این که صحبتهای من باعث شده تا انگشتانش از حرکت بلاوقفه ماشین عقب نماند، این نگرانی را درچشمانش می‌خوانم، می‌خواهم پیشنهاد کنم که چند دقیقه ماشین را متوقف کند تا بیشتر با او گفتگو کنم ولی خیلی

به گفته آگاهان، صنعت داروسازی کشورمان پیشرفت چشمگیری دارد، این یکی از دستگاههای بسته بندی قرص است که نمونهٔ آن در بزرگترین واحدهای تولیدی جهان مشغول به کاراست.

زود متوجه میشوم که حتی یک لحظه توقف ماشین در زمانی که چرخهای صنعت مملکتمان با فرمان انقلاب شاه وملت باید بلاوقفه بچرخند گناهی بزرگ است با دست از او خداحافظی می کنم ولی هنوز فلاش دوربین عکاسی رهبر کارمی کند، اوسوژه خوبی پیدا کرده است چرا که من او را خوب می‌شناسم، به قول خودش اگر سوژه خوب باشد نمی‌تواند به چند عکس کفایت کند، آهسته درگوشش می گویم بهجای دیگری برویم... ولی اوصحبتم راقطع می کند و می‌گوید به این دستهای هنرمند نگاه کن چه بسا که این دستها انسانی را ازمرگ نجات دادمو یا حداقل درد شدیدی را با آنچه که ساخته آرامش بخشیده است ناچار تسلیم می‌شوم و تصمیم می‌گیرم در لحظاتی که او مشغول عکسبرداری است با نماینده کارگران که در کنارم ایستاده‌است صحبت کنم.

منوچهر دهگان می‌گوید ۳ سال است که

رپرتاژ جالبی از صنعت داروسازی در ایران

ن بیماران را میسازند

در کارخانه داورسازی کارمی کند واز چهار سال بیش نماینده کارگران کارخانه است ودر ماه بیش از چهار هزار و چهار صد تومان حقوق می‌گیرد . مثل این که تعجب را در چشمانم می‌خواند ، می‌گوید آقا کارگری همداریم که درماه تا ۸ هزار تومان حقوق می‌گیرد، ولی بهر حال حداکثر حقوق مبلغی بیش از ۴۵۰۰ تومان است واو استثنایی است ، اضافه می کند هرچه تخصص بالاتر برود حقوق هم بیشتر می‌شود و بیش از ۳۵۰۰ تومان فاصله بین حداقل حقوق تا حداکثر آن، با توجه به تخصص و تجربه کارگر به او داده‌میشود . ازاومی پرسم ، آیا کارگران راضی هستند ، در جوابم می گوید کارگر راضی است ولی قانع نیست . اکنون که در دوران انقلاب شاه و ملت درهای سعادت را بر روی خود باز می بیند ، می خواهد هرچه زودتر به دوران تمدن بزرگ برسد و برای همین با تمام وجودش کارمی کند . در کانون های حزبی شرکت می کند بحث و گفتگومی کند تا ازپیشرفت کلی مملکت عقب نماند و هر روز زندگیش از دیروز بهتر باشد .

از او می پرسم کارگر کارخانه شما چه چیز هایی به دست آورده است که قبلا نداشت ، بی درنگ می‌گوید : خیلی چیز ها ، البته همگام با دیگر کارگران ایران و سایر مردم مملکت . اکنون فرزندانش مجانی تحصیل می کنند ، سود ویژه می‌گیرد ، درمالکیت کارخانه سهیم است و .... می بینم این حرفها را در همه جا شنیده‌ام . درتمام کارخانه ها کارگران سخن از اصول انقلاب که تمامی ملت ایران و در نتیجه آنها را نیز دربرگرفته است گفته اند واونیز یک بار دیگر تکرارمی کند ، صحبت را عوض می کنم و می‌گویم منظورم کارخانه شماست . بحث کلی را کنار بگذاریم و از آنچه که بر همکارانت می گذرد صحبت کن . زود متوجه می شوم که تفکیک برایش مشکل است ، چون پیشرفتهای امروزما سطح و بعدی گسترده دارد و فقط در جهت کارگران یک کارخانه نیست ، بلکه همه

لطفاً ورق بزنید

کارگران داروسازی، آنها که وسیله درمان بیماران را می‌سازند

آنها را در برمی گیرد و همین امر او را در فکر فرو می‌برد. به کمکش می شتابیم و می‌گوییم: مثلا امر تعاونی در کارخانه شما تا به حال چه پیشرفتی کرده است؟ می‌گوید: دو نوع تعاونی اعتبار و مصرف مشغول به کاراست ومسکن هم مقدماتش فراهم شده که بزودی کار خود را آغاز می کند.

توضیح بیشتری می خواهم، می‌گوید تعاونی اعتبار در سال ۲۵۳۲ تشکیل شد و

نماینده کارگران در اینجا از مهد کودک و شیر خوارگاه که درحال تاسیس است سخن می گوید که از او در باره سود ویژه کارگران سؤال می کنم، می گوید در سال گذشته کارگرانی که حداقل حقوق را می گرفتند ۶ ماه سود ویژه دریافت داشتند و دیگر کارگران با حقوقهای بالا ۶۰ روز، و با یک حساب فوری اضافه می کند پارسال نسبت به سال قبل مبلغ سودویژه ۳۵۰، درصدافزایش داشت.

امکانهای ورزشی و نداشتن سالن سرپوشیده گله می کند. می بینم با او خیلی گفتگو کرده‌ام. تشکر می کنم و با رهبر به دیگر قسمتهای کارخانه‌می رویم.

کار ادامه دارد. با خیلی از کارگران گفتگومی کنم، مسلم ایبائی، سکینه عالیغب، احمد فـرهمنـد، داود زارع و علی دانا همـه آن چیـزهـایی را می گویند که قبلا نماینده‌اشان برایم گفته است.

از چگونگی کار کارخانه می‌پرسم، در جواب می‌شنوم که در کارخانه بیشتر تلاش برروی درآهم‌آمیختن مواد اولیه و به طور کلی پیروی مطلق از فرمول است. مواد اولیه بر اساس آنچه که در فرمول هرداروپیش بینی شده وارد ماشینها می‌شود و پس از گذراندن مراحل مختلف به صورت شربت، قرص و یا آمپول درمی‌آید. در تمام این مراحل آزمایشهای دقیق درصد مواد را در دارو معلوم می کند تا کمی یا افزونی یک ماده در آن بوجود نیاید.

در پایان کار نیز هر محصول از نظر کیفیت و کمیت یک بار دیگر مورد آخرین آزمایش قرار می‌گیرد. این آزمایشها تحت نظر متخصصان داروسازی انجام می‌شود تا محصول عرضه شده به بازار به سبب مورد استفاده دقیق و خطیری که دارد خالی از هرگونه عیب و نقص باشد.

اما صنعت داروسازی به‌صورت مدرن در کشورما سابقه چندانی ندارد. اصولا داروسازی را می‌توان به دو قسمت سنتی و مدرن تفکیک کرد. سابقه داروسازی سنتی در کشورمان به زمانهای بسیار دور یعنی ساسانیان می‌رسد ولی آنچه که از نوشته ها باقیمانده نشان می‌دهد این صنعت همواره با طب در کشور ما پیشرفتی یک سان داشته است همان گونه که تاریخ از طب ذکریای رازی، بوعلی سینا

دراین ماشین مواد اولیه شیمیائی داروها بهم آمیخته می‌شود، اینجا آغاز کار است که تولید قرص، شربت و سایر فراورده‌های دارویی و بسته‌بندی را درپی دارد.

نظافت در صنعت داروسازی یک رکن اساسی است. کارگری که در کنار این ماشین قرص‌سازی کار می کند، می‌داند که حاصل کاراوبا بیماری و مرگ‌ مبارزمی کند.

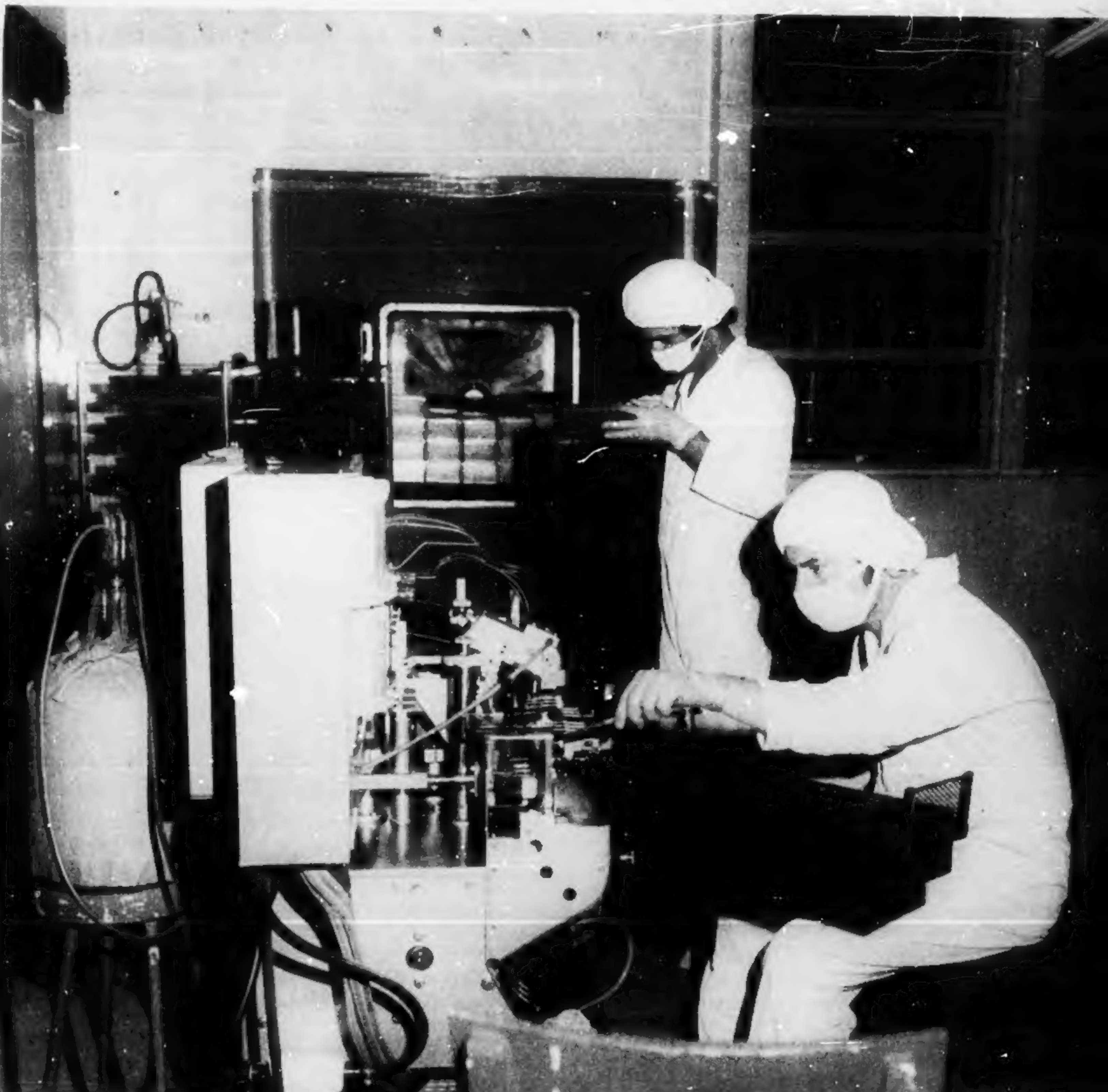

این عکس از پشت یک دیوار شیشه‌ای گرفته شده است دوتن از کارگران درشرایطی کاملا بهداشتی ودراتاقی که درهای بسته‌اش راه ورود آلودگی را بسته‌اند آخرین مراحل ساخت‌آمپول را پشت‌سرمی گذارند.

به کارگران وامهای ضروری تا ۲۰ هزار ریال می دهد.

تعاونی مصرف نیزاجناس بسیاری را با بهره ۲ تا ۵ درصد دراختیار کارگران می گذارد و خود کارگران و همچنین نماینده کارآنها مشترکا در امر خرید و توزیع نظارت دارند. و بلافاصله می افزاید این تعاونی ۸۰۰ هزار تومان سرمایه دارد که رقم کمی نیست.

درباره شرکت تعاونی مسکن نیز می گوید امسال مجمع آن تاسیس شده، ولی هنوز به ثبت نرسیده است ولی به طور کلی هدف از تاسیس آن ساختن خانه های ارزانقیمت کارگری است.

منوچهر دهگان نماینده کارگران بدون اینکه سؤال دیگری بکنم اضافه می کند: درمورد گسترش مالکیت صنعتی نیز باید بگویم تا به حال ۴۰ درصد سهام بین کارگران به فروش رفته است و استقبال زیادی ازآن شده است. او اضافه می‌کندحتی به‌بعضی از کارگران سهام قسطی فروخته‌شده و به هر حال تمام آن در آبانماه امسال تمام میشود.

نماینده کارگران صحبت های زیادی دارد از غذای مجانی، طرح دو روز تعطیل در هفته صحبت می کنند، ولی درمقابل از کمبود

و یا جابربن حیان سخن می‌گوید از دارو سازی آنها نیز صحبت بسیار رفته است واصولا در دوران این دانشمندان طب ایران و مشرق زمین در حداعتلای خود بود. این دانشمندان همپای پزشکی، داروسازی نیز می‌کردند و بلساخته های خود بیماران را شفامی دادند.

دارو سازی سنتی ایران چند قرن تنها ملجأ بیماران بود و همین داروها بود که در انواع و اقسام مختلف به صورت قرص که در گذشته نزدیکی به آن «حب» می‌گفتند یا عرق های مختلف گیاهی، یا گیاههای «دم کرده» به مدد بیماران می‌شتافت و هنوز هم نمونه های آن در عطاریهای بازارو مرکز تهران و دیگر شهر های کشورمان دیده میشود، داروهای سنتی در طول تاریخ تکمیل هم میشد و از کشوری به کشور دیگر می‌رفت وهمیشه سعی می‌شد که انواع واقسام داروها برای هرنوع بیماری تهیه شود.

در یک قرن گذشته زمانی که ما هنوز به داروهای سنتی چشم دوخته بودیم، در اروپا تهیه و عرضه دارو به صورت مدرنی در آمد و تحقیقات آزمایشگاهی و ماشین دست به دست هم داد تا این که بزرگترین کارخانه های صنایع داروئی دنیا به وجودآمد وپاره‌ای ازاین کارخانه ها حتی شروع به ساختن داروهایی کردند که منشاء آن همین گیاهان و داروهای سنتی کشور ما و دیگر کشور ها بود. این کمپانیها حتی مشتری پروپا قرص گیاهان دارویی ایران هستند و پس از خرید واستاندارد کردن به کشورمان بازمی گردانند.

دراین باره دکترعلی مولوی یکی ازداروسازان کشورمان می‌گوید، در سالهای اخیر کارخانه های داروسازی کشورمان، دنبال مسأله استاندارد کردن و عرضه داروهای سنتی بوده‌اندولی مشکلاتی دراین زمینه هست که تا بحال کاررا به عقب انداخته است. برای این کار باید ماشین آلات را نصب کرد و به طور مرتب شروع به کار کرد، ولی چون این نوع داروها معمولا خود رو هستند، هیچ اطمینانی برای پیدا کردن مداوم مواد اولیه نیست و در نتیجه نمی‌توان کارخانه‌ای را برای عرضه این نوع داروها برپا داشت و به این ترتیب کار زیادی در زمینه عرضه داروهای سنتی کشورمان نمی‌شود و البته این مساله باید مورد بررسی قرار بگیرد.

دکتر مولوی البته کتمان نمی کند که دانشگاه تهران تحقیقاتی را در این زمینه آغاز کرده است و این کار از سوی دانشکده دارو- سازی این دانشگاه با رقه امیدی است در یک سطح عالی پزشکی. او می‌گوید در کشور ما گیاهی می‌روید به نام لاله سیاه یا شقایق سیاه که محیط و خاک کشورمان برای رویش آن مناسب است. این گیاه که تپائین و الکولید دارد دارای اهمیت بسیاری است و دانشکده داروسازی دانشگاه تهران درپی فرمان ملوکانه وباحمایت دولت شروع به زراعت این گیاه کرده و تحقیقات آزمایشگاهی وسیعی بر روی آن آغاز شده است.

دانش داروسازی جدید در ایران با تأسیس مدرسه دارالفنون در ایران پایه گذاری شد، تدریس این علم توأم با دروس پزشکی در کشور معمول گشت و یک فرهنگ داروئی توسط شخصی به نام «شلمیر» درچاپخانه سنگی مدرسه دارالفنون به چاپ رسید.

یک ماشین بسته‌بندی دارو و در کنار آن کارگری که وظیفه خطیر خود را به خوبی می‌داند

سپس یک مدرسه داروسازی که درواقع صورت آزمایشگاه داشت با کمک داروسازان فرانسوی در ایران دایر شد و عده‌ای تحت تعلیم قرارگرفتند و داروخانه ای نیز زیر نظر یک آلمانی برای مدرسه دارالفنون دایرشد.

اولین مدرسه مستقل داروسازی در سال ۲۴۸۱ شاهنشاهی تأسیس شد و دروس آن به وسیله عده‌ای پزشک تدریس می‌شد و دوره آن سه سال بود.

در سال ۲۴۸۹ شاهنشاهی این مدرسه به صورت مدرسه عالی درآمد و در سال ۲۴۹۳ شاهنشاهی همزمان با تأسیس دانشگاه تهران مدرسه عالی داروسازی به دانشکده تغییر نام یافت و در حال حاضر سه دانشکده داروسازی در تهران و اصفهان و تبریز وجود دارد و نیز بیش از دو هزار پزشک داروساز در ایران فعالیت می کنند.

تشکیل اولین دانشکده داروسازی عامل بزرگی در ایجاد صنعت داروسازی در ایران بود ولی تاقبل از سال ۲۵۰۰ این صنعت به صورت واقعی در تهران وجود نداشت.

از سال ۲۵۰۰ به تدریج کار ایجاد صنعت داروسازی در ایران آغاز شد و اولین کارخانه درسال ۲۵۰۵ شروع به کار کرد.

به موازات رواج سرمایه گذاری در تولید داخلی و با توجه به پشتوانه دانشکده دارو- سازی راه سرمایه گذاران در صنعت داروسازی هموارشد و تعدادی لابراتوار و کارخانه کوچک و بزرگ برای ساختن فراورده‌های داروئی بوجود آمد که روندافزایش آن تا سال ۲۵۲۰ کند بود و ازاین سال به یکباره جهشی در جهت صنعت دارو سازی بوجود آمد که در حال حاضر ۶۸ کارخانه و لابراتوار داروسازی در کشور وجود دارد، باید گفت که در صنعت داروسازی ایران بخش خصوصی نقش عمده‌ای دارد.

کارخانه های داروسازی داخلی در حال حاضر با ۳۵۰۰ نفر کارگر کار می کنند.

دربرنامه کنونی عمرانی کشور برنامه های مشخصی برای پیشبرد این صنعت با کمک بخش خصوصی در نظر گرفته شده است اما در آغاز لابراتوارهای داروسازی و کارخانه های کوچک با حداقل امکانات داروسازی به وسیله دست و یا گاهی اوقات با ماشینهای کوچک دستی انجام می گرفت، البته ساخت در آن زمان مبتنی بر تحقیقات شیمیائی، میکروبیولوژی و یا استفاده از حیوانات آزمایشگاهی نبود و آنچه که عرضه میشد نیاز های جامعه را برآورده نمی‌ساخت و کماکان داروهای وارداتی مورد توجه پزشکان برای تجویز بود.

در سالهای ۲۵۱۵ تا ۲۵۴۰ شاهنشاهی وزارت بهداری برای هر محصول دارویی پروانه ساخت در نظر گرفت ولی این پروانه هم بازگویا نبود و فرمول و مشخصات و استاندارد در آن گنجانیده نشده بود.

از سال ۲۵۴۰ شاهنشاهی و همزمان با آغاز انقلاب شاه و ملت که چرخهای صنعتی و اقتصادی و رفاهی کشور به چرخش در آمد صنعت داروسازی در کشور بسیار مورد توجه قرار گرفت و کارخانه های بسیاری بر پا شد. از این تاریخ وزارت بهداری برای دادن پروانه ساخت دارو مدارک علمی دلیلی بر ثبات و اثر درمانی و دیگر استانداردها را طلب کرد و این مسأله بقدری پیشرفت کرد که در سالهای اخیر کوچکترین تغییر استاندارد، مواد و حتی تغییرات جزئی فرمولی داروها و نوشته های علمی جعبه و بروشور تحت کنترل شدید وزارت بهداری است و به این ترتیب داروسازی صنعتی و کارخانجات آینده‌نگر داروسازی در کشورمان شروع بکار کردند، در این سالها صنعت داروسازی کشورمان با بزرگترین کمپانیهای داروسازی اروپا و آمریکا قرارداد بست و فرمولهای آنان را در اختیار گرفت و داروهای مشابه به دست کارگر ایرانی به بازار عرضه شد. به همین موازات نیز تحقیقاتی برای ساخت و عرضه محصولات داروئی بدون استفاده از امتیاز مؤسسات خارجی آغاز شده است و کارخانه های ما در لابراتوارهای مجهز شروع به ساخت و عرضه داروهایی با فکر و کوشش ایران کرده‌اند که اکنون با نام ساخت و تهیه لابراتواری در ایران به بازار عرضه می‌شود و این خود گامی است برای بی نیازی از محصولات خارجی.

متخصصان کارخانجات داروسازی کشورمان می گویند در این مرحله گر چه گام درنخستین هستیم، ولی به‌خود می بالیم. آنان می گویند دیگر قانع به پیروی مطلق از فرمولهای خارجی نیستند و در پی تحقیقات بیشتر پایه ای برای بوجود آوردن مواد جدید داروئی می باشند.

برنامه درمان عمومی نیز که در کشور ما به اجرا در آمده آنان را به این نوع تحقیقات راغبتر کرده است. ولی آنان حمایت شدید دولت را هم برای ساخت محصولات داخلی طلب می کنند. بطور کلی در حال حاضر حدود ۴۰ در صد داروی مصرفی ایران در کشور ما ساخته میشود که برای ساخت این داروها یا فرمول ایرانی تهیه شده ویا از امتیاز کمپانیهای خارجی استفاده میشود.

۶۰ در صد محصول وارداتی نیز از جمله داروهایی است که مشابه ایرانی نیز دارد، در این زمینه گفته می‌شود اگر بررسی بر روی محصولات ایرانی و مشابه خارجی آن نظیر شربتهای مختلف سینه درد انجام گیرد واردات دارو به کشورمان باز هم کاهش می یابد.

تولید و عرضه دارو در کشور با توجه به کیفیت آن و تأثیرش بر نوع بیماری تفاوت دارد. مثلا پاره‌ای از کارخانجات قرصهایی می‌سازند که درسال بیش از ۵۰ بسته آن مصرف نمی‌شود و این قرصها ویژه بیماریهای نادریست که کمتر دیده میشود. درمقابل آن تولید و عرضه ویتامینهای مختلف مثلا ویتامین «ث» هر روز در حال افزایش است.

درچندسال اخیر مصرف داروهای مختلف با بیمه های درمانی کشور و پیشرفت بسیار زیاد مصرف بیشتری پیدا کرده است و تمام کارخانه‌ها مشغول تجهیز وسائل خود هستند، کارخانه‌های دارو سازی می گویند اجازه ورود وسائل و ماشینهای داروسازی که درگذشته به سختی گرفته می‌شد اکنون از شرایط بهتری برخوردار است و می‌توانند به زودی خود را با نیازهای جامعه هماهنگ سازند، کارخانه‌های دارو سازی همپای کمبود کادر متخصص و پزشک از کمبود کارگر نیز گله دارند.

در کشور ما مانند دیگر کشورهای دنیا کارخانه‌های دارو سازی بخش بزرگی از کار خود را به ساخت محصولات آرایشی و بهداشتی اختصاص داده‌اند و بیشتر این نوع محصولات اکنون ساخت کارخانه‌های داخلی است. لوازم آرایشی و بهداشتی نیز به دو صورت ساخته می‌شود: یا با استفاده از لیسانس و فرمول کارخانه‌های خارجی و یا ساخت مستقل با فرمول و فکر ایرانی و به این ترتیب درمان و بهداشت و آرایش از رشته‌های بزرگ صنعتی کشورمان می‌شود، ساخت محصولات بهداشتی وآرایشی که خود قسمتی از حرفه داروسازیست، با همان دقت و احتیاط دارو سازی صورت می‌گیرد تا محصول بهتر و قابل عرضه در بازار داخلی و قابل رقابت در بازارهای جهانی عرضه شود.

در زمینهٔ صادرات محصولات داروئی و بهداشتی و آرایشی کشورمان آمار جالبی در دست است، ایران کشوری که دربیست یا حتی ده سال پیش تمام یا قسمت اعظم این گونه محصولات را از خارج وارد می کرد، اکنون به بازارهای وسیعی دست یافته است.

دکتر منوچهر گنجی، رئیس هشتمین کنفرانس ملی کار، درگفتگوی اختصاصی با «رستاخیز کارگران» گفت:

لازمست نظام آموزشی با

منطبق بانیات شاهنشاه آریامهر، لازم بود که بجای کلمه «کارفرما»، کلمه یی که شایسته عصر انقلاب ورستاخیز باشد، جایگزین آن شود.

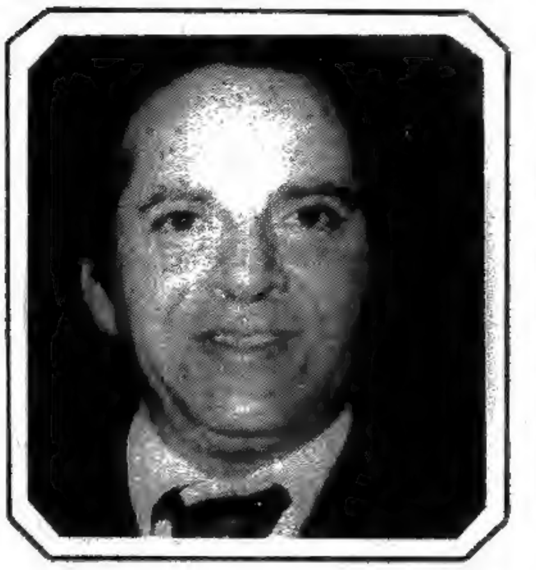

برگزاری هشتمین کنفرانس ملی کار فرصتی بدست داد تا با آقای دکتر منوچهر گنجی، مشاور نخست‌وزیر و استاد دانشگاه تهران که ریاست این دوره کنفرانس را بعهده داشتند، گفتگویی داشته باشیم و از نظریات ایشان درمورد مسائل کار و کارگری و سایر موارد که در تحلیل نهائی به‌زندگی کارگران ارتباط‌مییابد، آگاه‌شویم.

لازم میدانیم قبل ازتحریر مطالبی که در این گفتگومطرح شد، برای آشنائی بیشتر با این شخصیت سیاسی و دانشگاهی خلاصه‌ای از فعالیت های ایشان را ازنظرتان بگذرانیم.

دکتر منوچهر گنجی درسال ۱۳۱۰ در تهران متولد شد، و تحصیلات متوسطه را در دبیرستان البرز بپایان رسانید، و از انستیتوی مطالعات بین المللی دانشگاه ژنو (سوئیس) دکترای علوم سیاسی و از دانشگاه کمبریج (انگلستان) دیپلم حقوق بین‌المللی و از دانشگاه کنتاکی (امریکا) فوق لیسانس علوم سیاسی و روابط بین المللی دریافت کرده است.

بعد از پایان تحصیلات و بهنگام آغاز کارهای اداری ایشان درسازمان بین‌المللی کار بعنوان کارمند اداره اجرای مقاوله نامه‌های کار وسپس ازسال ۱۹۶۳ تا ۱۹۶۶ کارمند اداره‌حقوق بشر سازمان ملل متحد واز سال ۱۹۶۷ تا ۱۹۷۴ با سمت عضوعلی‌البدل هیئت نمایندگی ایران در کمیسیون حقوق بشر در اجلاسیه های این کمیسیون مشغول انجام وظیفه بوده‌اند. آقای دکتر گنجی طی سال های ۱۹۶۷ و ۱۹۶۸ از طرف کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد مامور تحقیق درباره کشورهای آفریقای جنوبی — نامیبیا و رودزیای جنوبی شدند، و گزارشهائی که ازطرف ایشان دربارهوضع اجرای حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در کشورهای عضو سازمان ملل ارائه شد، در اجلاس ۱۹۷۳ کمیسیون حقوق بشر بررسی ومورد تصویب قرارگرفت. درحال حاضر آقای دکتر گنجی عضو کمیسیون حقوق بشر مؤسسه جهانی حقوق بین‌الملل، مسؤول مطالعه درمورد مؤسسات مختلف برای حمایت از حقوق بشر [illegible] جهان از طرف کنفرانس بین‌المللی صلح و عضو سمینار بین المللی کارشناسان حقوق بین الملل، مامور مطالعه درمورد حق پناهندگی بین الملل بوده و هم‌اکنون استاد حقوق بین‌الملل و سازمانهای بین‌المللی دانشکده‌حقوق وعلوم‌سیاسی دانشگاه تهران می‌باشند. ایشان ازسال ۱۳۴۸ تا ۵۰ رئیس دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران بوده‌اند و مدتی در دانشگاه کنتاکی بتدریس اشتغال داشته‌اند.

لازم بیادآوری است که آقای دکتر گنجی کتب و رسالات متعددی در زمینه حقوق و سازمانهای بین الملل تألیف کرده‌اند.

باشناخت فوق، رستاخیز کارگران برآن‌شد تا با این شخصیت برجسته ایرانی گفتگوئی داشته باشد، بهمین جهت در پایان کار کنفرانس ملی کار با ایشان قرار گفتگوئی را گذاشتیم که با حسن نیت دعوت ما را پذیرفتند و مطالبی که درزیرمی‌آید، حاصل دیداری است با یک چهره صمیمی که بقول اکثر شرکت کنندگان حضورش درپشت میز ریاست هشتمین کنفرانس ملی کار، اعتبار وجلوه خاصی به کار کنفرانس بخشیده بود.

درآغاز سؤال می کنم: به نظرمن شما درمورد مسائل کار و کارگری تخصص و اطلاع چندانی ندارید، چطور شد که بعنوان ریاست این کنفرانس منصوب شدید؟ در پاسخ میگویند: اتفاقا این طور که شما تصورمی کنید نیست، زیرا من دراولین جائی که استخدام شدم، اداره اجرای مقاوله‌نامه‌ها و توصیه نامه‌های کارگری سازمان بین‌المللی کار بود [illegible] تماس خود را با مسائل کارگری حفظ کرده‌ام. واگر شما به آرشیو روزنامه‌های هشت سال پیش نگاه کنید می‌بینید که من برای اولین بار در کمیته‌ایرانی حقوق بشر سمینار مستخدمین منازل را تشکیل دادم، وازآن زمان تاکنون کوشیده‌ام در کنار مسائل کارگری باشم. دراین دوره از کنفرانس نیز میبایست یک نفر بعنوان نماینده دولت ریاست کنفرانس را بعهده میگرفت، برای این کار، با علاقه شخصی خودم، نمایندگان دولت پیشنهاد کردند ریاست این کنفرانس بعهده من محول شود، که این پیشنهاد با تصویب سازمان کارگران و همچنین کارآمایان مواجه گردید و باین ترتیب افتخار یافتم ریاست کنفرانس را بعهده بگیرم.

آقای دکتر گنجی سپس به [illegible] که در جلسات کنفرانس مطرح شده بود، اشاره کردند ودرپاسخ این سؤال که با اجرای اصل سیزدهم انقلاب شاه وملت که کارگران را تا ۴۹ درصد در سهام واحدهای تولیدی و صنعتی شریک میسازد، آیا نیازی هست که باز هم در رابطه‌میان کارگر و کارفرما، کلمه «کارفرما» حاکم باشد؟ گفتند: [illegible] مسلم اینست که این مطلب مورد تایید گروه دولت، کارآما و کارگر است و این پیشنهاد که ازطرف یکی از کارفرمایان مطرح گردید در قطعنامه گنجانده شد، و این امر منطبق با نیات شاهنشاه‌آریامهر نیز میباشد، چرا که ما در مملکتی زندگی می کنیم که القابی چون «خان» و «ارباب» و «رعیت» ازبین رفته است، بدون‌شک موقع آن فرارسیده که اصطلاحهائی مانند کارفرما، که بانظام سنتی گذشته مربوط است، ازبین برود واصطلاح بهتری که شایسته عصر انقلاب و رستاخیز است جایگزین آن گردد. همانطور که شاهنشاه بارها تاکید فرموده‌اند هیچ فرقی بین یک کاسب، یک کارگر، یک بنا و یک نجار وحتی نخست‌وزیر مملکت وجود ندارد، بلکه تنها فرق بین افراد وظیفه‌شان میباشد و کوشش و صداقت و بازدهی است که میان دونفر یکی را بیشتر و دیگری را کمتر محبوب و موفق می کند..

پس لزومی ندارد که با این اصطلاحات، افراد را از یکدیگر جدا ساخته، یکی را فرمانده و دیگری را فرمانبر بخوانیم، ما درمملکتمان فقط یک فرمانده داریم و آن شخص شاهنشاه هستند که با هوشیاری و درایت و کفایتی خاص، ناظر براموراجاری کشور هستند و در مواقع لازم فرمان‌های قاطع راصادرمیفرمایند.»

دراینجا فرصت مناسبی بود که ازنظرآقای دکتر گنجی در باره کنفرانسهای ملی کار که در سالهای قبل برگزارشده بود و مقایسه آن‌ها با کنفرانس فعلی جویا شوم ..... ایشان در پاسخ این پرسش گفتند:

«آنچه مسلم است تاسیس حزب رستاخیز ملت ایران یکپارچگی چشمگیری در سطح مملکت بوجود آورده است واین اتحاد و یکپارچگی در این کنفرانس جلوه‌خود را بخوبی نشان داد. در کنفرانس کنونی، برخلاف گذشته، سازمانهای کارگری وابسته به احزاب‌گوناگون‌نداشتیم که بخواهند نظرحزب خودشان را پیش ببرند و با آنچه که نظر گروه دیگری که وابسته به حزب دیگری است مخالفت بکنند و این یکی از خصوصیات برجسته و یکی از دلایلی است که ما را به موفقیت کاراین کنفرانس امیدوار کرده‌است.

و همانطور که ملاحظه کردید، روح تفاهم و همکاری بین نمایندگان دولت، کارآمایان و کارگران دراین کنفرانس بخوبی محسوس بود، و درنتیجه ما شاهد گفت‌و‌شنودی بازوصمیمانه وصادقانه وسازنده بودیم طبعا، ازچنین فضائی نتیجه بسیاردلپذیری برای پیشرفت و پیشبرد هدفهای کنفرانس ملی کاربدست خواهیم آورد.»

با اطمینانی که آقای دکتر گنجی درمورد موفقیت کارکنفرانس از خودنشان دادند بی‌مورد ندانستم درباره‌دستور جلسه کنفرانس، که دلپذیر کردن محیط کار، آموزش و تربیت و تحرک نیروی انسانی و ارتقاء سطح بهره‌وری را دربر داشت، از ایشان سئوال کنم و نظرشان را برای دست‌یابی به این سه مهم جویا شوم .. مشاور نخست‌وزیر در پاسخ با اشاره به نقش آموزش در رسیدن به این هدف ها، گفت:

«سه موضوعی که در دستور کار کنفرانس قرار گرفته بود، بهم‌مرتبط‌است‌واز یکدیگر نمیتواند جدا باشد. ولی مهمترین مسئله‌ایکه در حال‌حاضر برای‌مااهمیت دارد‌مسئله آموزش است، نظام آموزشی ما ومحتوای آن باید به نحوی باشد که‌ما را

احتیاجات مردم منطبق شود

دکتر گنجی به پرسش های شاهرخ تویسرکانی، نویسنده رستاخیز کارگران پاسخ می دهد.

برای انجام کارهای بهتر با استانداردبالاتری آمادهسازند.

نکته قابل توجه دیگر اینکه در کنار آموزش صحیح باید نظام ارزشی وجود داشته باشد. در شرفیابی اخیر اعضای دفتر سیاسی و هیأت اجرایی حزب رستاخیز ملت ایران بحضور شاهنشاه آریامهر و علیاحضرت شهبانو، اعلیحضرتین با بیاناتی صریح و روشن نظام ارزشی را تشریح فرمودند. اگر ما نظام تشویق و تنبیه صحیحی در تمام سطوح داشته باشیم باعث خواهد شد که محیط کار ما نه تنها در آموزش، بلکه در دستگاههای اداری، در ردههای بالای سیاسی حزب و در بخش خصوصی دلپذیرتر بشود مسلما این خود موجب خواهد شد تا نیروی انسانی کشور کاربرد بیشتر و بهرهوری بهتری داشته باشد. متأسفانه مشکلی که ما داریم این است که نظام آموزشی ما تا این اواخر و حتی تا اندازهای امروز با احتیاجات، رشد اقتصادی ما و با جامعه پویا و تقاضاهای روزافزون مردم ما، منطبق نیست. مردمی که وضعشان بهتر شده و توقعات آنها بالا رفته، میخواهند بهتر بپوشند، بهتر بخورند و به تحصیلات بالاتری دست یابند. برای پاسخ گوئی باین خواسته که مورد تأکید شاهنشاه آریامهر میباشد بدون تردید باید نظام آموزشی ما خودش را با احتیاجات مردم منطبق کند، یعنی کارگر ماهر و مهندسی کارآموده و دکتر و معلم مورد نیاز تعلیم و تربیت کند. در اینجا توجه باین مسئله نیز ضروری است که تربیت کارگر و مهندس و یا طبیب کافی نیست. باید کاری کرد که این افراد اعتقاد و ایمان، انضباط و خصوصیات اخلاقی داشته باشند که جامعه امروز ما به آن احتیاج دارد.

کارگر، مهندس، طبیب، معلم ما باید بداند که منافع مملکت را نباید فدای منافع شخصی و فردی خود بکند. باید حس تعاون و همکاری در آنها زیاد باشد. باید در حرف و عمل یکی باشند. برای ساختن چنین افرادی لازم است که نظام آموزشی صحیح و دقیقی را دیگری و به مرحله اجراد رآوریم.»

دکتر منوچهر گنجی: عضو دفتر سیاسی و هیأت اجرائی حزب رستاخیز ملت ایران سپس به نقش حزب در رساندن ما باین هدف اشاره می کند و می گوید: «خوشبختانه فرهنگ ملی ما که در آن احترام به ارزشهای انسانی و دوستی و مودت بین مردم، مکانی رفیع دارد به بهتر کردن محیط کار کمک فراوان می کند و می توان از این میراث برارزش در زمینه بهبود و اعتلاء روابط در محیط کار، بهرههای فراوان گرفت. تشکیل حزب رستاخیز ملت ایران نیز که یکی دیگر از درخشنده ترین جنبه فکری رهبر بزرگ ما بود به ترتیب خصلت فراگیرنده بودن خود، احساس مشارکت گروههای مختلف، خاصه کارگران را تقویت می کند و محیط کار در مطبوع تر می سازد، اوامر مطاع ملوکانه مبنی براینکه برنامه سهیم کردن به تبدیل طرفهائی که بین همه سطوح جامعه وار صریح کانونهای حزبی صورت گیرد تعیین کننده خطمشی در روابط انسانی در محیط کار و برقراری نوع متناسب بین کارگران، مدیران و کارآمادان است.

با اشاره دکتر گنجی به نقش کانونها، از ایشان پیرامون وظایف کار آنها و بی تفاوتی که در بعضی از اعضاء کانونها بچشم می خورد، سؤال کردم.

ایشان در پاسخ گفتند: «لازم است این نکته را دانسته باشیم که از زمان تشکیل کانونهای حزبی در کشور ما ساخته شده است، چرا که بدلیل کمبود تجربه کافی و نبودن برنامههای وسیع آموزش سیاسی، مردم با حزب بیگانه بودهاند.

حزب رستاخیز تاکنون حدود ۲۴ هزار کانون حزبی تشکیل داده است، و از آنجا که شاید هنوز به مسئول این کانونها آموزش لازم جهت فراگیری کارهای مقدماتی داده نشده است و نقشه برنامههائی که در دست تهیه است این کار پیگیری و عملی خواهد شد و من اطمینان دارم درآینده نزدیک درمواردی که هنوز بی تفاوتی وجود دارد آن نیز از بین خواهد رفت و جای خود را به گفت و شنودهای بارور، صمیمانه وسازنده خواهد داد.

احتیاجات مردم منطبق شود

دکتر گنجی به پرسش های شاهرخ تویسرکانی، نویسنده رستاخیز کارگران پاسخ می دهد.

برای انجام کارهای بهتر با استانداردبالاتری آماده سازند.

نکته قابل توجه دیگر اینکه در نظام آموزش صحیح باید نظام ارزشی وجود داشته باشد. در شرفیابی اخیر اعضای دفتر سیاسی و هیأت اجرائی حزب رستاخیز ملت ایران بحضور شاهنشاه آریامهر و علیاحضرت شهبانو، اعلیحضرت با بیانی صریح و روشن نظام ارزشی را تشریح فرمودند. اگر ما نظام تشویق و تنبیه صحیحی در تمام سطوح داشته باشیم باعث خواهد شد که محیط کارما نه تنها در آموزش، بلکه در دستگاههای اداری، در رده‌های بالای سیاسی حزب و در بخش خصوصی دلپذیرتر بشود مسلماً این خود موجب خواهد شد تا نیروی انسانی کشور کاربرد بیشتر و بهره‌وری بهتری داشته باشد. متأسفانه مشکلی که ما داریم این است که نظام آموزشی ما تا این اواخر و حتی تا اندازه‌ای امروز با احتیاجات، رشد اقتصادی ما و با جامعه پویا و تقاضاهای روزافزون مردم ما، منطبق نیست. مردمی که وضعشان بهتر شده و توقعات آنها بالا رفته، می‌خواهند بهتر بپوشند، بهتر بخورند و به تحصیلات بالاتری دست یابند. برای پاسخ گوئی باین خواسته که مورد تأکید شاهنشاه آریامهر می‌باشد بدون تردید باید نظام آموزشی ما خودش را با احتیاجات مردم منطبق کند، یعنی کارگر ماهر و مهندسی کارآزموده و دکتر و معلم مورد نیاز تعلیم و تربیت کند، در اینجا توجه باین مسئله نیز ضروری است که تربیت کارگر و مهندس و یا طبیب کافی نیست. باید کاری کرد که این افراد اعتقاد و ایمان، انضباط و خصوصیات اخلاقی داشته باشند که جامعه امروز ما به آن احتیاج دارد.

کارگر، مهندس، طبیب، معلم ما باید بداند که منافع مملکتش را باید فدای منافع شخصی و فردی خود بکند. باید حس تعاون و همکاری در آنها زنده باشد. باید در حرف و عمل یکی باشند. برای ساختن چنین افرادی لازم است که نظام آموزشی صحیح و دقیقی را پیگیری و به مرحله اجراد رآوریم.

دکتر منوچهر گنجی، عضو دفتر سیاسی و هیأت اجرائی حزب رستاخیز ملت ایران سپس به نقش حزب در رساندن ما باین هدف اشاره می کند و می گوید: «خوشبختانه فرهنگ سنتی ما که در آن احترام به ارزشهای انسانی و دوستی و مودت بین مردم، مکانی رفیع دارد به دیگر کردن محیط کار کمک فراوان می کند و می توان از این میراث برای رسیدن به راستی و اعتلاء روابط در محیط کار، بهره‌های فراوان گرفت. تشکیل حزب رستاخیز ملت ایران نیز که یکی دیگر از درخشنده‌ترین جهشهای فکری رهبر بزرگ ما بود بنابراین خصلت فراگیرنده خود، احساس مشارکت گروههای مختلف، خاصه کارگران را تقویت می کند و محیط کار را مطبوع‌تر می‌سازد. اوامر مطاع ملوکانه مبنی براینکه برنامه‌ها باید بدون در نظر گرفتن تفاوتی که بین همه سطوح جامعه و از طریق کانونهای حزبی صورت گیرد نقش شده خاصی در روابط انسانی در محیط کار و برقراری تفاهم بین کارگران، مدیران و کارآفرینان است.

با اشاره دکتر گنجی به نقش کانونها، از ایشان پیرامون وظایف کار آنها و بی‌تفاوتی که در بعضی از اعضاء کانونها بچشم می خورد، سؤال کردم.

ایشان در پاسخ گفتند: لازم است این نکته را دانسته باشیم که افراد تشکیل دهنده کادرهای حزبی در کشور ما ساخته شده نیست، چرا که در گذشته بعلت نداشتن تجربه کافی و نبودن برنامه‌های وسیع آموزش سیاسی، مردم با حزب بیگانه بوده‌اند.

حزب رستاخیز تا کنون حدود ۳۳ هزار کانون حزبی تشکیل داده است، ولی آنجا نکه باید و شاید هنوز به مسؤول این کانونها آموزش لازم جهت فراگیری کارهای مقدماتی داده نشده است و بعداً با برنامه‌هائی که در دست تهیه است این کار پیگیری و عملی خواهد شد و من اطمینان دارم در آینده نزدیک در مواردی که هنوز بی‌تفاوتی وجود دارد آن نیز از بین خواهد رفت و جای خود را به گفت و شنودهای باز، صمیمانه و سازنده خواهد داد.

شاهنشاه آریامهر، در مراسم آغاز ساختمان کارخانه ذوب آهن فرمودند:

استقلال مادر صنایع توأم است

پس از برقراری نظم و امنیت در کشور که با تلاش همه جانبه و کوشش مردانه بوسیله رضاشاه کبیر و در سایه قدرت فرماندهی و تصمیم گیری این رادمرد بزرگ بدست آمد، همانطور که در شماره‌های پیش اشاره رفت، کارخانه‌های ... و صنعتی متعددی ... از طرف دولت و بخش خصوصی در سطح کشور، خصوصاً در شهرهائی که امکانات ... جهت بکار انداختن کارخانه‌ها ... از جهت نیروی انسانی و چه ... دسترسی به مواد اولیه‌ای که مصرف ... داشته باشد ایجاد گردید. و ... بتدریج احتیاجات مردم از واردات کالاهای صنعتی و ... تا حدود زیادی برطرف شد. ولی هنوز خواسته‌ها بنیانگذار ایران نو که خواسته‌هائی در خور تمدن کهن و تاریخ پرافتخار این سرزمین ... بصورت کامل تحقق نیافته بود. از این رو، رضاشاه در ... اساسی که در داخل کشور بدست آمده بود تصمیم به ایجاد روابط گسترده با کشورهای جهان، بخصوص کشورهائی که از جهت صنعتی و تکنیکی پیشرفته بودند گرفت تا ... از صنایع آنها و از دانش و تکنیک پیشرفته آن برای هرچه آبادتر کردن ایران بهره گیرد.

یکی از آرزوها و خواسته‌های رضاشاه کبیر ایجاد کارخانه «مادر» در صنایع فلزی، یعنی کارخانه اینکه قادر به تغذیه کارخانه‌های صنعتی بزرگ و کوچک باشد، بود. رضاشاه، بدرستی دریافته بود کشورهای گمنام و تازه باستقلال رسیده‌ای که نه تمدنی دارند و نه سابقه تاریخی، ولی اگر ملت آنان در رفاه و آسایش زندگی می‌کند، داشتن و بهره گرفتن از این کارخانه ومشتقاتی است که از آن بدست میآید. بهمین جهت و با توجه به این مهم رهبر آینده نگر ملت ایران مقرر فرمودند در تاریخ ۲۱ آبان ماه ۲۴۹۶ شاهنشاهی (۱۳۱۶ شمسی) بدنبال مطالعاتی که قبلا در این زمینه صورت گرفته بود، قرار دادی با دو شرکت بزرگ آلمانی معروف به کنسرسیوم (دماگ، کروپ) منعقد گردد. به موجب این قرارداد مقرر شد که کمپانی مذکور در مقابل ۲/۵۰۰/۰۰۰ لیره انگلیسی یک کارخانه ذوب آهن و تهیه فولاد با ظرفیتی معادل ۱۰۰/۰۰۰ تن درسال در ایران تأسیس نماید.

بعد از ... درست یکسال، یعنی در روز دوم اسفند ماه ۲۴۹۷ شاهنشاهی (۱۳۱۷ شمسی) ساختمان‌های کارخانه ذوب آهن در زمینی به مساحت ۶۰۰/۰۰۰ متر مربع در نزدیکی کرج آغاز شد. ناگفته نماند که برای احداث بنای اساسی این کارخانه گروهی از مهندسین ... با آنها همکاری داشتند و ... ذوب آهن ... واحد صنعتی ... شهرسازی ... ساختمان‌هائی برای اسکان کارگران و مهندسان ... در ... واحد مشغول در خواهند شد آغاز گردید.

درحضور بنیانگذار ایران نو، اولین سنگ بنای ذوب‌آهن ایران در کرج گذاشته میشود، اما اندیشه‌های پلید دشمنان ایران ووقوع جنگ جهانی دوم، مانع تحقق این آرزوی بزرگ گردید.

پس از دو سال که از فعالیت ساختمانی ذوب آهن گذشت، حدود ۷۰ درصد ماشین آلات لازم و مورد نیاز کارخانه بوسیله کشتی از آلمان وارد و به محل کارخانه منتقل شد.

از سوی دیگر مسئله تأمین احتیاجات کارخانه از لحاظ مواد اولیه نیز از نظر دور نمانده بود و قرار شد که سنگ آهن مورد احتیاج از معادن سمنان، و زغال سنگ لازم از معادن واقع در سلسله کوههای البرز، و آب مورد مصرف کارخانه نیز از رودخانه کرج تأمین شود و اصولا یکی از علل عمده انتخاب کرج برای احداث کارخانه ذوب آهن، نزدیکی آن به هرسه محل تأمین مواد اولیه (سنگ آهن زغال سنگ آب) بود. باین ترتیب و با این ... کارها پیش میرفت و در تاریخ ۷ اسفند ۲۴۹۹ شاهنشاهی (۱۳۱۹ شمسی) نصب ماشین آلات کارخانه شروع گردید و این طور بنظر میرسید که سرانجام طلسم ایجاد کارخانه ذوب‌آهن شکسته شده ومسأله ازمرحله حرف و برنامه و پروژه وارد مرحله عمل و ایجاد شده است. اما حدوث یک واقعه بین المللی سبب شد تا کار احداث کارخانه ناتمام بماند و این واقعه عبارت از بروز جنگ بین المللی دوم با حمله نیروهای آلمان نازی به لهستان بود که بتدریج آتش آن دامن همه ممالک جهان منجمله ایران را گرفت، درحالیکه دولت ایران در اوایل جنگ بطور رسمی اعلام بیطرفی کرده بود.

بهرحال روزسوم شهریور ۲۵۰۰ شاهنشاهی (۱۳۲۰ شمسی) حرمت بیطرفی ایران با تجاوز مسلحانه نیروهای روسیه از شمال و انگلستان از جنوب شکسته شد و ایران تحت اشغال نظامی قرار گرفت و همچنان صدها مسئله وطرح و پروژه دیگر عمرانی وصنعتی براثر وجود نیروهای بیگانه در ایران نا تمام ماند. مسأله احداث کارخانه ذوب آهن نیز با وجودیکه کارهای آن درشرف اتمام بود، متوقف گردید و حتی بدستور سرفرماندهی متفقین از حمل قسمت مهمی ازماشین آلات کارخانه که در راه بود ممانعت بعمل آمد، زیرا درجنگ دوم بین المللی، آلمان دشمن روسیه وانگلستان بود وطبیعی است که کشتی‌های بازرگانی آلمان درگرماگرم جنگ نمی توانستند به آسانی دردریاها رفت وآمد کنند وچون یکی دو کشتی آلمانی علیرغم اخطارهای متفقین می‌خواستند محمولات خود را که قسمتهائی از کارخانه‌های ذوب آهن ایران بود بایران برسانند، در یکی از بنادر شرقی آفریقا در دریای سرخ توقیف شدند و سعی و تلاش دولت ایران برای آزاد کردن محمولات کشتی (که پول خرید آن نیز پیش از آن پرداخت شده بود) بی نتیجه ماند و اعزام هیاتی از رجال اقتصادی وسیاسی ایران نیز به قاهره (که در اشغال انگلیسی‌ها بود) بی‌ثمر ماند. نکته جالب ومتاثر کننده این بود که انگلیسی‌ها نه تنها محمولات کشتی‌های توقیف شده را اجازه ورود بایران ندادند بلکه بکمک متفقین دیگر خود همه دستگاههای نصب شده در کرج را نیز بتدریج پیاده کرده وبخارج حمل کردند و بتدریج بناها و تاسیسات کارخانه نیز عمداً و سهواً منهدم شد، بطوریکه وقتی پس از پایان جنگ بدنبال مذاکرات پیگیر دولت ایران مقداری از دستگاهها و ماشین آلات توقیف‌شده کشتی های آلمانی، به ایران پس داده‌شد، اولا براثر گذشت زمان همه آنها فرسوده و زنگ زده و خراب شده بود وثانیاً چون مهندسین ایران از چگونگی کار این ماشینها اطلاعی نداشتند و نقشه اصلی نصب دستگاهها نیز وجود نداشت، همه آن ماشینهای پرارزش و گرانبها بعنوان «آهن قراضه» بیک شرکت خارجی فروخته شد.

* پایان گرفتن جنگ جهانی دوم تا سال ۱۳۳۴ شمسی (۲۴۱۵ شاهنشاهی) دولت ایران همیشه درصدد بود که کارخانه ذوب آهن در ایران احداث کند، ولی وجود مسائل مختلف داخلی و خارجی ایجاد کارخانه ذوب‌آهن را تحت‌الشعاع خود قرارداده بود تا اینکه بعد ازقیام تاریخی بیست‌و هشتم امرداد ماه که دوران‌تازه‌ای در ثبات سیاسی وسازندگی درهمه شئون ایران آغازشده بود، باردیگر ایجاد کارخانه ذوب‌آهن درایران

چهره کارگر، در آئینه درخشان پنجادسال شاهنشاهی پهلوی

با استقلال مادر سیاست

ذوب‌آهن آریامهر
به‌آرزوی رضاشاه وملت ایران تحقق بخشید

در پرتو سیاست مدبرانه و اندیشه توانای شاهنشاه آریامهر، ذوب‌آهن ایران در اصفهان آغاز بکار کرد و آرزوی رضاشاه کبیر و ملت ایران برآورده شد.

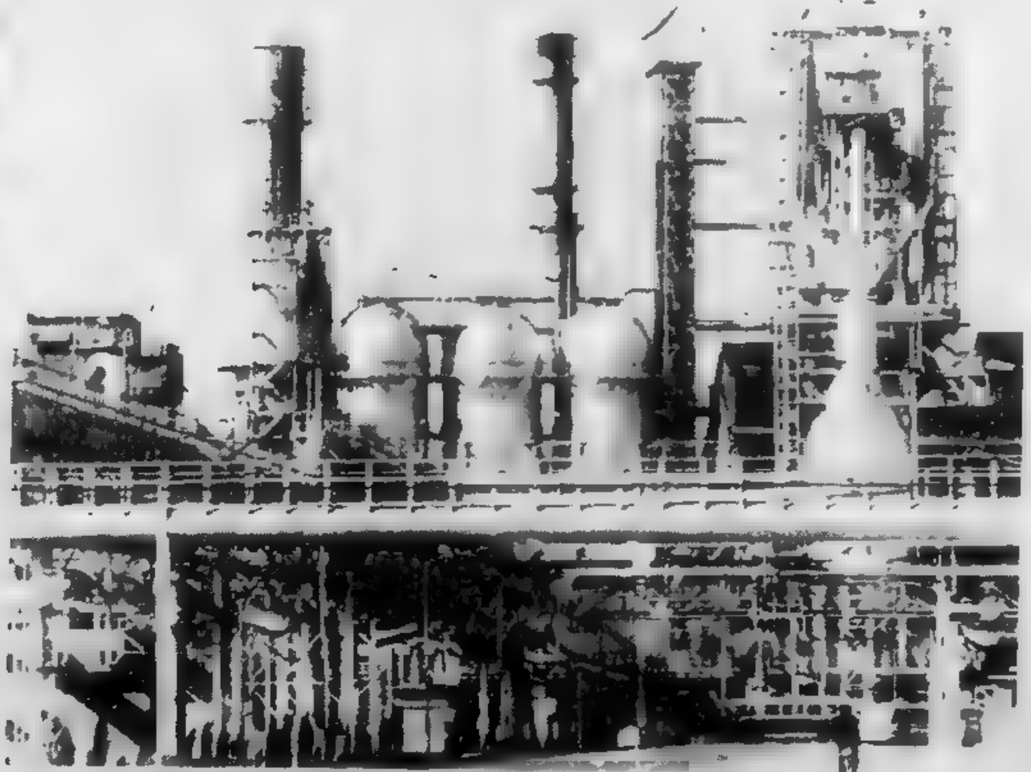

نمائی از کارخانه ذوب‌آهن آریامهر

مورد توجه قرار گرفت و بفرمان شاهنشاه آریامهر دولت وقت (دولت مرحوم حسین علاء) مامور مطالعه جدی در این باره شد، قرارشد که محل کارخانه در ناحیه‌ای دیگر غیر از کرج باشد، بهرترتیب مذاکرات برای خرید کارخانه جدید و نصب آن در ایران بار دیگر با نماینده کمپانی «دماک، گروپ» آلمان به امضاء رسید که بر اساس مواد قرار داد، «دماک- کروپ» موظف میشد کارخانه‌ای با کوره برقی با ظرفیت نهائی ۲۰۰ هزار تن تاسیس کند. مدت انجام این قرارداد نیز سه‌سال قید گردیده بود، اما پس از چندین بار رفت وآمد هیات‌های مختلف فنی و صنعتی آلمان بـه ایران پس از یکسال ونیم مطالعه طرح اصلی تهیه شد وقــرارشد کــه کارخانه ذوب آهن درمنطقه‌ای بنام «چم زمان» در ۳۵ کیلومتری شمس‌آباد واقع در ده کیلو- متری جنوب ایستگاه راه‌آهن ازنا (بین اراک و دورود) احداث گردد ومواد اولیه نیز از معادن آهن شمس‌آباد ومعادن ذغال‌سنگ الیگاوگاجره تامین شود. ولی بعد از چهارسال که از امضای قرارداد مجدد ایران با کمپانی «دماک- کروپ» میگذشت، احساس شد که کمپانی آلمانی، دو رنگی میکند و به لطایف‌الحیل از زیربار اجرای مفاد قرارداد خود طفره میرود وچون مسلم شد که در کار کمپانی مذکور سرعت و علاقه لازم وجود ندارد، بفرمان شاهنشاه‌آریامهر یک هیات از مشاوران صنعتی سوئدی بایران دعوت شدند تا درباره طرحهای پیشنهادی «دماک-کروپ» نظر بدهند، این هیات به انجام ماموریتی که قبول کرده بود پرداخت و چنین نظر داد که اجرای پیشنهادات آلمانیها عــملی نیست وطرح «دماک- کروپ» بی‌ارزش است بــه این جهت روز ۱۲ آبــان ۲۵۱۸ شاهنشاهی (۱۳۳۸ شمسی) قراردادبا کمپانی دماک- کروپ ملغی وبی‌اثر اعلام شد.

دربی این کار، رهبر ژرف اندیش و آینده‌نگر ایران که نیک میدانست تاسیس و ایجاد کارخانه ذوب‌آهن چه اثری بر صنعت و در تحلیل نهائی اقتصاد کشور خواهد داشت، در اولین سفر رسمی خود به اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، ضمن انجام مذاکرات اقتصادی معظم‌له با رهبران کرملین موضوع احداث ذوب‌آهن ازطرف روسها در ایران مطرح گردید. بهمین منظور پس از بازگشت شاهنشاه بوطن اولین گام دراجرای هدفی که براساس آن می‌بایست برنامه صنعتی شدن ایران محقق یابد برداشته شد. بدینمعنی که فرمان شاهنشاه آریامهر برای ایجاد ذوب‌آهن به وزیر وقت اقتصاد ابلاغ شد. که متن فرمان شاهنشاه چنین بود:

«با تأییدات خداوند متعال — ما، محمدرضا پهلوی آریامهر شاهنشاه ایران بــه جناب علینقی‌عالیخانی وزیر اقتصاد خودمان اختیار می‌دهیم که موافقت‌نامه بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت اتحاد جماهیرشوروی سوسیالیستی دربارهٔ همکاری اقتصادی و فنی بمنظور ایجاد کارخانه‌ی ذوب‌آهن و تاسیسات صنعتی دیگر در ایران و واگذاری اعتبار برای این مقاصد را بنام ما و بنام دولت شاهنشاهی ایران امضاء نماید.

کاخ مرمر، بتاریخ پنجم دی‌ماه یکهزارو سیصدوچهل وچهار، بیست‌وپنجمین سال سلطنت‌ما.»

دراجرای فرمان مطاع ملوکانه ومتعاقب صدور فرمان شاهنشاه آریامهر در هیأت وزیران (کابینهٔ یکصدوهفدهم به ریاست آقای امیرعباس هویدا) تصویب نامه‌ای در همین زمینه صادر وبه‌وزارت اقتصاد ابلاغ شد.

با این ترتیب پس از موافقتنامه‌هائی که بین دوکشور ایران و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی بامضاء رسید، آرمان ملی ایران درمورد داشتن کارخانه ذوب‌آهن صورت حقیقت بخودگرفت وکشور ما در پرتو رهبری داهیانه شاهنشاه از مرحله صنایع کوچک و ابتدائی عبور کرد و وارد مرحله صنایع سنگین گشت ومقدمات ایجاد کارخانه‌ی ذوب‌آهن که بنام «صنعت مادر» در همه‌ی‌جهان مشهورشده است پس ازتقریباً نیم‌قرن انتظارفراهم شد. ودر روز ۲۲ اسفندماه ۱۳۴۶ شمسی (۲۵۲۶ — شاهنشاهی) طی مراسم خاصی شاهنشاه‌آریامهر با ریختن سکه‌های پهلوی طلا در محلی که می‌بایست کوره‌ی بلند ذوب‌آهن اصفهان‌نصب شود اجازه بتون‌ریزی اولین کارخانه‌ی ذوب‌— آهن را درمحلی بنام «ریزلنجان» صادرفرمودند وطی‌سخنانی اظهارداشتند.

«... امروز برای ملت ایران روزمبارک و میمونی است زیرا یکی از آرزوهای دیرین ملی ما به خواست خداوند متعال برآورده شده است قبل ازشهریورماه‌سال ۱۳۲۰ که مملکت ایران با استقلال سیاست ملی خود را دنبال می کرد، پدرمن دست به ایجاد یک کارخانه‌ی ذوب‌آهن زده بود، ولی جنگ بین‌الملل دوم آثار این امر را متوقف کرد. بعد از انقلاب‌ششم بهمن بود که توانستیم هرروزگامی دیگر در استحکام بنیان ملت ایران برداریم... استقلال ما درصنایع توأم اســت بــا استقلال ما در سیاســت و روی این اصل است که تمام پایه‌های صنعتی را مشغول پی‌ریزی هستیم...»

«... ذوب‌آهن رشته‌ی وسیعی است از صنایع فلزی که استقلال ما را تا درجه‌ی زیادی تأمین می کند.

درخاتمه، به شما مهندسین و کارگران و به تمام کسانی که درتهیه و احداث این کارخانه شرکت داشته و کارمی کنند تبریک‌می گویم و شما را درشمار سربازان حافظ استقلال مملکت محسوب‌می کنم...»

رپرتاژی کامل، از خانه و خانه سازها

کارگران ساختمانی سازندگان بنا

رپرتاژ از: محمود احیائی
عکسها و اسلایدها از: علی اکبر رهبر

یکی از کارگران آرماتورچی سرگرم کار سخت خود

این روزها، بازار کار کارگران ساختمانی گرم است. وقتی یک کارگر ساختمانی بیکار نیست، بلکه با کمبود کارگر هم روبرو هستیم.

[illegible] ساختمانی [illegible]
[illegible] گروهی [illegible] چند مسکن، نمودار [illegible] زوار مردم [illegible] صحبت [illegible]، ارزش [illegible] کارگران را در کار ساختمان [illegible] نمودار شده است.

برای تعیین [illegible] کارگران ساختمانی از کارگر ساده گرفته تا معمار [illegible] بررسی در دست [illegible] کارگران [illegible] معمار [illegible] در یک [illegible] فصل [illegible] به کارهای ساختمانی روی می‌آورند و [illegible] ماههای سال را به شهرها و روستاهای خود [illegible] می‌گردند و [illegible] شغل مناسب دیگری [illegible] کشاورزی می‌پردازند. بسیاری از مردم وقتی صحبت از کارگران ساختمانی می‌شود، صرفاً [illegible] کارگر ساده [illegible] را بخاطر می‌آورند، در حالیکه کارگران ساختمانی به گروههای متعددی تقسیم می‌شوند و هر کدام از این گروه‌ها [illegible] یک ساختمان [illegible] وقتی [illegible].

برای [illegible] یک ساختمان، حدود ۲۲ گروه از کارگران ساختمانی باید به همکاری با یکدیگر بپردازند.

بنای سفت کار، بنای گچ کار، کارگر ساده [illegible]، [illegible] کار، سنگ کار، سنگ‌تراش، نجار، قالب‌بند [illegible] آرماتورچی [illegible] لوله‌کش، سیم‌کش، کوره [illegible] نقاش و [illegible] از کارگرانی هستند که در ساختن یک بنا نقش اساسی دارند.

هر کدام از این صنفها، نسبت به میزان [illegible] کار به درجه‌های چندی تقسیم می‌شوند.

بنای سفت کار در واقع پایه‌گذار یک ساختمان و کسی است که کیفیت کار بیشترین تأثیر را در استحکام بنا دارد. گرچه چند [illegible] میزان دستمزد کارگران ساختمانی [illegible] و دیگر رشته‌های کارگران [illegible] دفتر [illegible] برنامه و بودجه اعلام شده است، اما پیش از این اعلام، مشخص نبودن [illegible] کارها و عدم تفکیک آن‌ها از یکدیگر، وضعی دشواری را در امر به کارگیری کارگران و اقدام به کارهای ساختمانی بوجود آورده بود.

این درهم بودن [illegible] از اسراف دیگری [illegible] گرانی [illegible] مسکن هم کمک می‌کرد، در حالیکه مشخص [illegible] دستمزدها در واقع یکی از موانع عمده را در جهت [illegible] های خانه‌سازی از بین برد.

این نحوه تعیین دستمزد براساس اصول و ضوابط صحیح و [illegible] منطقی [illegible] آلات به بررسی [illegible] که بتواند مبنای جدیدی برای مناقصه‌های مختلف بوجود آورد، باید توجه داشت که این دستمزدها تنها بعنوان ضوابطی برای تعیین دستمزد کارگران توسط سازمان‌های دولتی مشخص

نجارها در بنیانگذاری ساختمان‌های امروزی نقشی عمده دارند

هاى بزرگ وكوچک

برای احداث یک ساختمان، حدود ۲۲ گروه از کارگران ساختمانی باید با یکدیگر همکاری کنند..

[illegible]

مرد یک‌عمر زحمت

[illegible]

بیماری‌ها

[illegible]

آفتاب تابستان تأثیری بر این بنا ندارد

لطفاً ورق بزنید

کارگران ساختمانی، سازندگان بناهای بزرگ و کوچک

تهران است، درباره نحوه کار بناها و دیگر کارگران ساختمانی می‌گوید : « امیدوارم اعلام دستمزدهای جدید دشواری‌های موجود درجریان کارهای ساختمانی را از بین ببرد. من برای انجام یک خانه ۳۰۰ متری تاکنون بیش از ۱۰ معمار عوض کرده‌ام، چون با هیچکدام آن‌ها نتوانسته‌ام کنار بیایم. با یکی بر سر دستمزد اختلاف پیدا کردم، با یکی به علت طرز کارش نتوانستم بسازم و با دیگری برسر انتخاب کارگران سازش نکردم. درواقع بی نیازی بناها و اطمینان آن‌ها بر وجود کار به مقدار کافی باعث شده است تا مثل گذشته به کاری که انجام می‌دهند دلبستگی نداشته باشند ولی با وجود کمبود کارگران ساختمانی باید بهر ترتیبی شده با آن‌ها کنار آمد»

ارماتوربندها بیشترین دستمزد را درکارهای ساختمان می‌گیرند.

جوشکارها باید بجز آگاهی به کار خود بندبازهای ماهری باشند تا بتوانند از تیرهای آهن بالا بروند و روی آن کار کنند.

این بنا روزانه ۸۰۰ ریال دستمزد می‌گیرد.

تاریخچه‌ای درباره ساختمان

برای ساختن یک بنا مراحل بسیار گوناگونی انجام می‌گیرد، هرچند بیشتر افراد ازوجود این کار آگاهی دارند اما کمتر کسی از رموز کارهائی که درهرمورد انجام می‌شود، خبری می‌دارد.

کیفیت روی هم قرار گرفتن قسمت‌های مختلف یک ساختمان شاید بهترین سمبل تکامل فکری بشر و همچنین نشانه‌ای از علاقه‌ی بشر به شکل دادن هرچه بهتر وسائل زندگی باشد.

نیاز بشر به خانه

بشر اولیه بدون اینکه فکر ساختن مسکن در سر داشته باشد، در بیرون غارها، و یا در قلب جنگل زندگی میکرد و در مواقع بروز بلاهای طبیعی، بداخل غارها می‌رفت و یا به زیر درختان انبوه پناه میبرد.

غارهای سنگی و یا شاخ و برگ‌های انبوه درختان جنگلی درواقع اولین مسکن بشر بشمار می‌رود. در دوره‌های بعد با آگاهی بشر به لزوم داشتن سرپناهی به میل خود و امن، ساختن کلبه‌هائی از تنه درختان مورد توجه قرار گرفت. این خانه‌ها که بیشتر در کنار رودخانه‌ها بنا می‌شد، چندان استحکامی نداشت و با وزش بادهای شدید درهم می‌ریخت از این گذشته حیوانات درنده جنگلی همواره در کمین ساکنین کلبه‌ها بودند. باین جهت بعد از چندی اندیشه تازه‌ای برای تأمین آسایش بیشتر به مغز غارنشینان و ساکنان جنگل‌ها رسید. باین ترتیب که آن‌ها برای رهائی از دست دشواری‌های موجود، خانه‌های خود را برروی بستر رودخانه‌ها و دریاچه‌ها بنا کردند. هرچند این کار با دشواری زیادی روبرو بود و بیش از هرچیز پوشاندن قسمتی

ازسطح رودخانه یا دریاچه را ایجاب می‌کرد، اما بهرحال با تکاپوی پایان ناپذیر بشر صورت

سریزدی، موسی کرمانی و رشید سریزدی از این گروه هستند.

ساختمان شرکت می‌کنند. آن‌ها بعد از تعیین اضلاع ساختمان بوسیله معمار، که موظف

لازم برای کار آن‌ها و همچنین دستمزدی که [illegible]
می‌گیرند [illegible]

آیا میدانید کمترین و بیشترین دستمزد یک کارگر ساختمانی چقدر است؟...

حقیقت بوجود گرفت و به مرحله عمل درآمد ولی پس از این دوره با دست‌یابی بشر به تکنیک معماری ساختن خانه‌های گلی و سنگی رواج یافت. این خانه‌ها که از تکنیک بسیار ساده‌ای برخوردار بود در واقع نمونه‌ای از [illegible] جلوه‌های تمدن بشر است.

خانه‌هائی که از دوران مصر باستان و همچنین دوره های باستانی ایران بجا مانده است، بیش از هرچیز دوری بشر را ازجلوه‌های [illegible] نشان می‌رساند.

[illegible]

*معماری اسلامی و ایرانی

[illegible] دوران باستانی و هجوم اعراب [illegible] تکنیک‌های معماری اسلامی [illegible] قرار گرفت و تکامل این [illegible]

در تاریخ ایران به نام معماران بزرگ و معروفی برمی‌خوریم که هر کدام سمتی از هنر معماری ایران بشمار می‌روند. افرادی مانند شیخ بهائی (دانشمند دوره صفویه) سید رضا

هنر معماران هنرمند ایرانی چه در دوران باستان و چه بعد از آن باعث ایجاد قصرها، معابد، مساجد، و ساختمانهائی شده که هنوز به‌عنوان آثار تاریخی ارزشی فوق‌العاده دارند. آثار باز مانده در تخت‌جمشید، نقش‌رستم و ساختمان‌هائی مانند مسجد العتیق در سیستان مساجد و میدان‌های اصفهان مربوط به‌عصر صفویه و امثال آن‌ها از این گروه آثاراست.

*آپارتمان سازی

چندسال پس با رواج آپارتمان‌سازی در ایران معماری [illegible] دچار دگرگونی‌هائی شد. مهندسین اولین کسانی هستند که برای پی‌ریزی یک ساختمان دست بکار میشوند. آن‌ها قطعه زمینی را که برای ساختن خانه یا آپارتمان تعیین شده در نظر می‌گیرند و بسته به سلیقه خودشان و یا خواسته صاحبکار، نقشه آن را طرح می‌کنند. برای این کار دفترهائی هم وجود دارد که کارشان طرح و بررسی نقشه ساختمان است. وسعت حیاط خانه، محل قرارگرفتن اتاق‌ها، تعداد آنها وسایر سرویس‌های طبقه هم کف خانه در این نقشه‌ها مشخص میشود.

مهندسین [illegible] نقش اصلی را در [illegible] شکل ساختمان برعهده دارند و [illegible]

معماران و کارگران ساده ساختمانی دومین گروهی هستند که در کار ایجاد خانه یا

به‌پیاده کردن طرح زیر نظر مهندس است، دست بکار می‌شوند و قبل از هرچیز به حفر پایه‌ها می‌پردازند. بعد ازانجام این کار، بتون‌ریزها وارد عمل می‌شوند تا زیر بنای ساختمان را استحکام بخشند. بتون کاری در بسیاری از مواقع بیشترین هزینه را دربردارد.

بتون ریزی بزودی پایان می‌گیرد و در اینجاست که کارهای اصلی ایجاد بنا شروع می‌شود.

بناهای سفت کار در این مرحله نقش عمده را بازی می‌کنند. آن‌ها آجرچینی، زدن سقف، کار گذاشتن تیرهای آهنی و درواقع کارهای خشن ساختمان را به‌عهده دارند.

بناهای سفت کار پس از هر قسمت از ساختمان به کارگران ساده نیاز دارند، [illegible] وسعت کارآن‌ها استفاده از نیروی [illegible] را ایجاب می‌کند.

*کارهای جنبی

پایان کار سفت [illegible] کارهای جنبی ساختمان همراه است. [illegible] آن هنوز [illegible] است. درا [illegible] کارهای جنبی ساختمان شروع می‌شود [illegible] کارها، [illegible] کاشی کارها و نقاشی‌ها از کارگرانی هستند که دراین مرحله به کار مشغول می‌شوند. هرچند این کارگران ظریف کاری بنای ساختمان را برعهده دارند، اما هزینه

[illegible]

* [illegible]

[illegible] که با رواج [illegible] کارهای ساختمانی [illegible] کرده‌است.

در ساختمان‌های [illegible] آهنی [illegible] اصلی را [illegible] و جوشکاران [illegible]

[illegible]

***

*تکنیک کار

امروزه [illegible] وسایل مدرن، نحوه [illegible] ساختمانی را کاملا دگرگون کرده [illegible]

[illegible] برای این [illegible] کارهای مکانیکی وجود دارد. [illegible] خاکبرداری هم بوسیله بولدوزرهای [illegible] انجام می‌شود. بتون‌ریزی نیز وسائل مخصوص خود دارد، حتی ماشین‌ها با پمپ‌های مکانیکی [illegible] و این همه وسائل زحمت کارگران ساختمانی را [illegible] کم کرده و درعوض [illegible] آن‌ها را بالا برده‌است. [illegible] ساختن آن [illegible] دوماه یا کمی بیشتر آنهم بااستفاده‌از کارگران کمتری تمام می‌شود.

نکته‌مهمتر اینکه استفاده از دستگ‌های مکانیکی خطرات کارهای ساختمانی را نیز تا اندازه زیادی کاهش داده است. اماهنوز هم این کارگران باخطراتی روبروهستند، که این خطرات [illegible] ازعدم آگاهی کارگران دراستفاده از وسایل مدرن کار است. [illegible] کارگر ساده [illegible] عدم آگاهی از [illegible]

[illegible] دیوار وهمچنین [illegible] همواره از حوادث عمده‌ای است که در جریان فعالیت‌های ساختمانی روی میدهد و بی‌احتیاطی کارگران در اینگونه حوادث نیز ازعلل مهم [illegible]

***

*آپارتمان‌نشین

[illegible] تهران و دیگر شهرهای بزرگ، آپارتمان‌سازی و [illegible] ساختمان‌های عمودی مورد توجه قرار گرفته است.

[illegible] مردم تهران [illegible] هستند.

ایجاد شهرک‌های متعدد دراطراف تهران وبرنامه‌های آپارتمانسازی هرروز رواج بیشتری میگیرد. اما هنوز هم بسیاری ازمردم به‌علت

بقیه درصفحه ۷۰

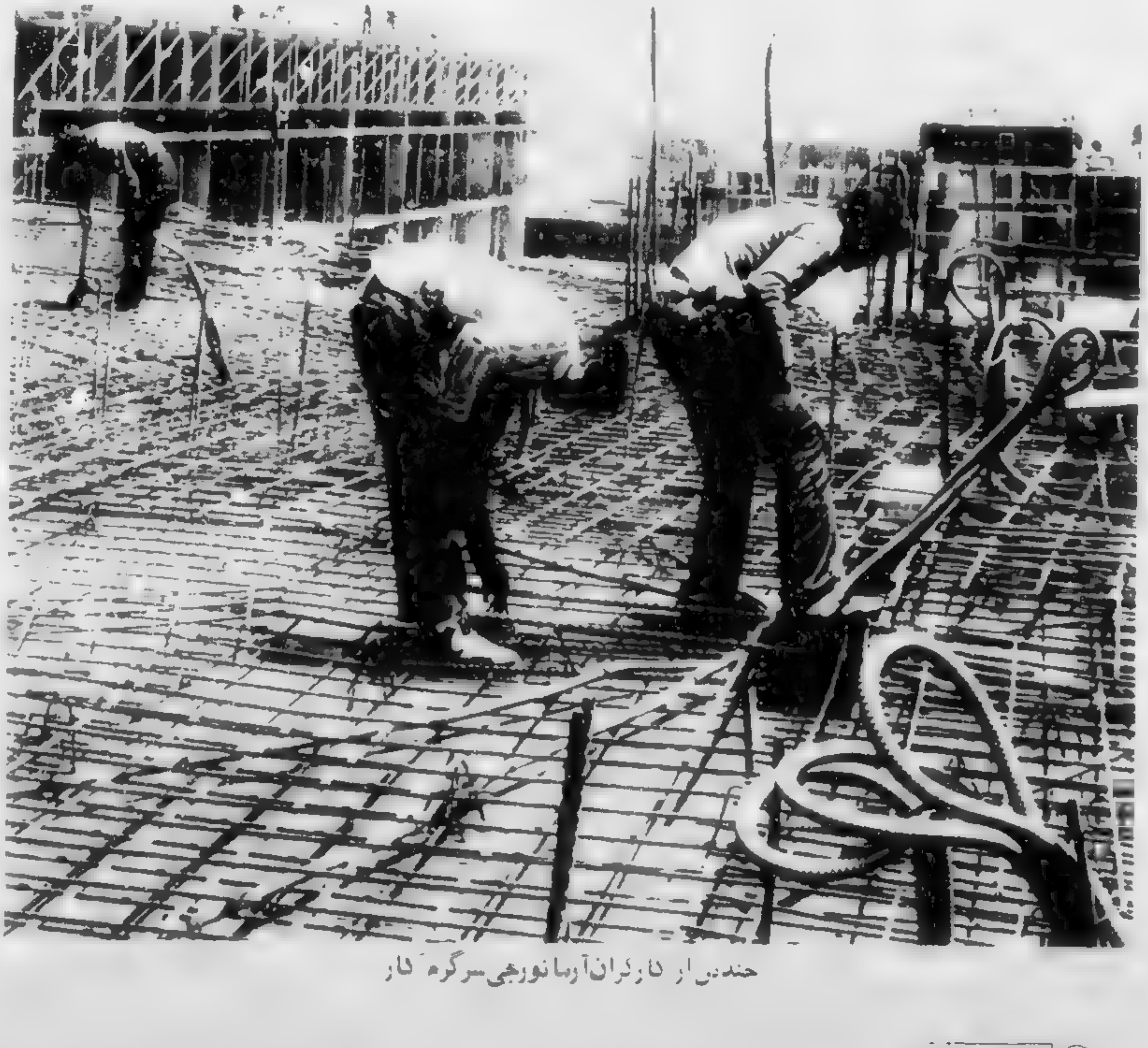

چندتن از کارگران آرماتوربندی سرگرم کار

از: عباس پزشکی

دیگر خانه دل کارگر سیاه نیست

پای صحبت کارگران خوزستانی

برگزاری سومین کنگره کارگران ایران فرصتی بود که ما از آن برای گفتگو با کارگران عزیز ایران و شنیدن نظرها و آگاهی مسائل آنان بهره بسیار بردیم. در دو شماره گذشته قسمتهائی از این گفتگوها را منعکس کردیم و در این شماره مشکلات و مسائل سه گروه دیگر از کارگران خوزستان را بازگو می کنیم. محمداسمعیل کریمی و ناصری نماینده کارگران سد رضاشاه کبیر مسجد سلیمان — اسدالله آشوب و محمدقاسمی دبیر و رئیس سندیکای کارگران کشت وصنعت نیشکر هفت تپه و مرادمحمد کربلائی وسیدصادق نوویری دبیر و رئیس سندیکای کارگران کاغذ پارس هفت تپه، کارگرانی هستند که در این گفتگو شرکت داشتند.

نمایندگان کارگران کشت و صنعت نیشکر هفت‌تپه، ازمسائل خودمی‌گویند...

سرمایه شرکت تعاونی کارگران کشت و صنعت نیشکر هفت تپه، از ده میلیون ریال متجاوز است

اسدالله آشوب، دبیر سندیکای کارگران کشت و صنعت نیشکر هفت‌تپه، نارسائی‌های درمانی و کمبود دارو را بعنوان اسلی‌ترین مشکل کارگران این واحد میداند و میگوید:

— «درمانگاه هفت‌تپه، بعلت کمبود پرسنل، عدم تجهیزات و داروی کافی، قادر نیست ۳ هزار کارگر و افراد خانواده آنان را تحت پوشش درمانی قرار دهد. لذا بایستی نسبت به استخدام دندانپزشک، متخصص رادیولوژی، تکنیسین آزمایشگاهی، پزشک متخصص بیماریهای زنان و نیز تجهیز و توسعه درمانگاه، هرچه زودتر اقدام شود.»

محمدقاسمی رئیس سندیکای کارگران این واحد دردنباله سخنان همکارش می‌افزاید:

— «مشکل دیگر ما مسئله مسکن است. با اینکه ازمدتها پیش مسئولان کارخانه وعده داده بودند برای کلیه کارگران خانه‌سازی میکنند، ولی تنها اقدام به احداث ۱۲۰۰ دستگاه خانه کرده‌اند که امورساختمانی آنهم مدتی است متوقف مانده و معلوم نیست چرا برای تکمیل و تحویل خانه‌های مزبور به کارگران اقدامی بعمل نمی‌آید. از سوی دیگر در حال حاضر ۲۵۰۰ نفر از کارگران فاقد منزل مسکونی هستند و طبعاً ۱۲۰۰ دستگاه خانه‌های دردست ساختمان کافی نیست و باید برای سایر کارگران نیز هرچه زودتر فکری کرد.

اسدالله آشوب:

— «جدول دستمزد کارگران با هزینه زندگی امروز که درحال تزاید است متناسب نیست. از سوی دیگر وضعیت خاص جغرافیائی و شرائط اقلیمی خوزستان ایجاب میکند که حداقل دستمزد کارگران این استان افزایش یابد، گو اینکه ما حداقل دستمزد کارگران کارخانه را به ۲۲۳ ریال رسانده‌ایم، ولی معتقدیم که این رقم هنوزناچیز است.»

بقیه در صفحه ۸۴

سدهای ایران به مدد بازوی توانای کارگر ایرانی احداث میشود

نمایندگان کارگران سدسازی

کارگران سد سازی کشور، خواهان برخورداری بیشتر از مزایای قانون کار هستند

محمداسمعیل کریمی:

«کارگران سدسازی همانطور که میدانید در زمره فعالترین و زحمتکش‌ترین کارگران کشور محسوب میشوند که در عمران و آبادی میهن عزیزمان ایران، سهم بسزائی دارند. آنان با تجربیاتی که اندوخته‌اند، بخوبی از عهده انجام و اداره بسیاری از امور کارگاههای سدسازی برمی‌آیند و از این رو از آنان بجای کارشناسان خارجی استفاده میشود. با اینهمه چون کارگر «ساختمانی» محسوب میشوند و در قانون کار، امتیازی برای این قبیل کارگران در نظر گرفته نشده، لذا از مزایائی که کارگران شاغل در گروههای صنعتی از آن برخوردارند، بی‌بهره هستند. مثلا هم‌اکنون در کارگاه سد رضاشاه کبیر کارگرانی وجود دارند که بعد از ۲۰ سال خدمت در اقصی نقاط مملکت و شرکت در بسیاری از پروژه‌های سد سازی، از مزایای سود ویژه کارخانجات، وام مسکن، عیدی سالیانه، بدی آب و هوا، دریافت پاداش برای انجام کارهای شاق، هزینه ایاب و ذهاب وحتی وسائل ایمنی و لباس کار بطور کامل، محروم هستند، لذا تقاضا داریم در قانون جدید کار که درسومین کنگره کارگران ایران مژده تدوین و تصویب آن داده شد، تسهیلات لازم برای رفاه حال کارگران سد سازی کشور و

بقیه در صفحه ۸۹

لزوم اعزام گروههای واکسیناسیون به منطقه کارگری هفت‌تپه

نمایندگان کارگران کاغذسازی پارس هفت‌تپه خوزستان،

پاره‌ای از مفاد پیمان دسته جمعی کارگران کارخانه کاغذسازی هفت تپه اجرا نشده‌است

محمد کربلائی دبیر سندیکای کارگران کاغذ پارس هفت تپه

«باتشکر از مجله ستاره سحر کارگران باید بگویم اسلی‌ترین مشکل ما نیز مانند سایر واحدهای کارگری مسئله مسکن است. تعداد کارگران واحد ما متجاوز از ۱۲۰۰ نفر هستند در حالیکه کارفرما تنها ۲۵۰ واحد مسکونی احداث کرده و در اختیار کارگران قرار داده است و در نتیجه گروه کثیری از کارگران فاقد منزل سازمانی هستند. برای رفع این مشکل باید هرچه زودتر چاره‌اندیشی شود. خود ما نیز مقدمات تشکیل شرکت تعاونی مسکن کارگران را فراهم آورده‌ایم ولی آشکار است که بدون کمک و یاری کارفرما و بانک رفاه کارگران از کوشش های خود نتیجه‌ای حاصل نمیکنیم. از سوی دیگر در منطقه ما وسیله سرگرمی و تفریحی موجود نیست. کارگران و افراد خانواده آنان

بقیه در صفحه ۸۹

خواهران و برادران شریف کارگر، این مطلب را حتماً مطالعه کنید، برای راهنمائی شماست...

[illegible]

خدمات درمانی [illegible]

در این صفحه میخوانید:

— آیا به پزشکان حق ویزیت بدهیم؟ ...

— آیا در مراجعه به داروخانه ها و دریافت دارو پولی هم باید پرداخت؟

— بیمه شدگان یکدام بیمارستان ها می توانند مراجعه کنند؟

— آیا هزینه بستری شدن را بیمه شده باید بپردازد؟

— آیا درمان بیماران روانی با سازمان خدمات درمانی است؟

— آیا کشیدن و پر کردن دندان رایگان است؟

— بیمه شدگان در چه صورتی میتوانند به درمانگاههای بخش خصوصی مراجعه کنند؟

— اگر بیمه شده یی بناگهان بیمار شود، به کجا باید مراجعه کند؟..

[illegible] درمانی کارگران و بستگان [illegible] سازمان خدمات درمانی [illegible] و [illegible] [illegible] خدمات درمانی [illegible] [illegible] خدمات درمانی دارد. بهمین جهت [illegible] کارگران [illegible] خدمات درمانی و نحوه [illegible] [illegible] و [illegible].

ویزیت پزشکان

از اول فروردین ماه [illegible] [illegible] بیمه شدگان درمان [illegible] هنگام مراجعه به پزشکان طرف قرارداد سازمان تأمین خدمات درمانی [illegible] حق ویزیت [illegible] [illegible] ویزیت [illegible] [illegible] [illegible] بیمه را ویزیت مینمایند.

دریافت دارو

از همین تاریخ (اول فروردین ماه سال جاری) [illegible] بیمه شده ای [illegible] به دارو داشته باشد [illegible] نسخه نوشته شده توسط پزشک معالج به داروخانه ای که با سازمان خدمات درمانی قرارداد دارد [illegible] داروخانه همکار [illegible] بیمه شده متعهد است علاوه بر پرداخت [illegible] درصد [illegible] هزینه دارو [illegible] [illegible] داروخانه [illegible] [illegible] آوری است که [illegible] تعداد معدودی از داروخانه ها که [illegible] سازمان تأمین خدمات درمانی [illegible] داروخانه [illegible] [illegible] سازمان خدمات درمانی همکاری [illegible] دارند و بیمه شدگان میتوانند به نزدیکترین داروخانه محل سکونت یا کارخود، مراجعه و داروهای مورد نیاز را دریافت دارند.

هزینه‌های بیمارستانی

از اول فروردین ماه ۲۵۳۵ پرداخت هزینه‌های بیمارستانی مطلقاً منوط به بستری شدن بیمه شدگان در بیمارستانهای طرف قرار داد (همکار) میباشند. لذا هزینه های درمانی بیماران بستری درسایر بیمارستانهائی که با سازمان تأمین خدمات درمانی قراردادی در این [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] و [illegible] بیمارستانهائی که با سازمان تأمین خدمات درمانی قرارداد دارند [illegible]:

بیمارستانهای [illegible] امیرعلم، آبادان، امیر صدقه، [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] دادگستری، [illegible] [illegible] و [illegible] [illegible] [illegible] صرفه، [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] مدائن، [illegible] [illegible] نصرت، بخشی از عشرودبان و داریوش کبیر.

درمان بیماران روانی

سازمان تأمین خدمات درمانی در مورد معالجه بیماران روانی در بیمارستانهای خصوصی و یا بوسیله پزشکان آزاد تعهدی ندارد. این گونه بیماران بایستی به مؤسسات درمانی انجمن توان بخشی وزارت تندرستی و رفاه اجتماعی مراجعه کنند و بطور رایگان تحت درمان قرارگیرند.

کشیدن و پر کردن دندان

طبق مقررات موجود، بیمه شدگان [illegible] غیرمستقیم جهت کشیدن هر دندان باید [illegible] ریال به دندانپزشک طرف قرارداد سازمان تأمین خدمات درمانی بپردازند. و بگفته یکی از مقامات مطلع در سازمان خدمات درمانی در آینده نزدیک کارگران خواهند توانست با مراجعه به درمانگاههای وابسته بسازمان تأمین خدمات درمانی از مزایای پر کردن دندان رایگان استفاده کنند.

درمانگاههای خصوصی و پلی کلینیک‌ها

سازمان خدمات درمانی با هیچ یک از درمانگاههای خصوصی طرف قرارداد نیست، بلکه با تعدادی از پزشکان این درمانگاهها طرف قرار داد میباشد و این همکاری نیز در ساعات [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] پزشک دارد، گر بیمه شده [illegible] [illegible] به این درمانگاهها مراجعه کرد و پزشکی در آنجا نبود که با سازمان خدمات درمانی قراردادی داشته باشد باید تمام حق ویزیت را پرداخت کند و اگر پزشک طرف قرار داد با سازمان خدمات درمانی در آن شیفت مشغول انجام وظیفه بود، آن پزشک موظف است بدون دریافت حق ویزیت بیمه شده را ویزیت و [illegible] مداوا کند.

معرفی بیمه‌شدگان

بیمه شدگان [illegible] [illegible] [illegible] تأمین خدمات درمانی در [illegible] پزشک و بیمارستان طرف قرارداد سازمان [illegible] [illegible] [illegible] نمی توانند بغیر پزشک و بیمارستانی که با سازمان تأمین خدمات درمانی همکاری دارند مراجعه و تحت معالجه قرار گیرند.

موارد فوری (اورژانس)

با توجه به مواردیکه ذکر شد، هنگامیکه بیمه شده‌ای ناگهان بیمار شود و احتیاج فوری به پزشک یا بیمارستان داشته باشد، میتواند از اورژانس بزرگ تهران که در شبانه روز آماده انجام کمکهای لازم میباشد، درخواست اعزام آمبولانس و سایر کمکهای مورد نظر را بنماید.

شماره تلفنهای اورژانس بزرگ تهران عبارتند از: ۶۶۹۹۹۱ و ۶۶۲۲۲

خوانندهٔ عزیز، گرچه آرزومندیم هیچگاه دچار بیماری نشوی، و با مشکلات درمانی روبرو نگردی، اما از آنجا که هیچ [illegible] را نمی‌توان پیش‌بینی کرد، مجله [illegible] کارگران، که پیوسته خود را موظف می‌داند در طریق منافع، رفاه و آگاهی هرچه بیشتر خوانندگان خود گام بردارد، تصمیم گرفته است از این پس ستون مخصوصی برای پاسخگوئی به پرسش‌های پزشکی و بهداشتی و مشکلات مسائلی که احتمالا در جریان خدمات درمانی خواهران و برادران عزیز کارگر ممکنست پیش بیاید، باز کند، که پاسخ این پرسشها را آقای دکتر مرتضی روحانی مدیر دفتر کل پاسخگوئی سازمان خدمات درمانی خواهد داد.

با تشکر از همکاری دکتر روحانی در انتظار نامه های خوانندگان خوب خود هستیم.

سندیکا
باید موجب پیشرفت در کار و ارتقاء سطح

تنظیم از: قیصری

این کارگران میگویند:
سالن های غذاخوری کارگندما را مجهز بدستگاه های شوفاژ و تهویه کنید

شرکت کنندگان در میزگرد این هفته:

۱ — علی جاوری نایب رئیس دوم هیات مدیره سندیکا
۲ — حسین کلاهیان خزانه دار
۳ — خانم طوبی حسینی منشی
۴ — نورالله کیاشمشکی دبیر سندیکا
۵ — ناصر سلطانی نماینده کارفرما
۶ — محمد کریم کیهریان نائب رئیس اول
۷ — عباس آئین روزبهانی نماینده کارگران
۸ — علی داودآبادی رئیس هیات مدیره سندیکا
۹ — حبیب الله حسامی مدیر کل نظارت بر فروش سهام و نماینده وزارت کار و امور اجتماعی

رستاخیز کارگران: از حضور اعضای مدیره سندیکای کارگران کارخانه آزمایش و نماینده وزارت کار و امور اجتماعی در این میزگرد سپاسگزاریم. باتوجه به اطلاعاتی که از هدف مجله و مخصوصاً این گردهمائی ها و نتایج مثبت آن دارید، خواهشمندیم مطالب و مسائل خود را عنوان کنید.

نورالله کیاشمشکی (دبیر سندیکا):
«بعد از اظهار کمال امتنان و سپاسگزاری از مجله رستاخیز کارگران، بخاطر این گردهمائی بهتر است. ابتدا از نارسائی های بیمه و درمان شروع کنیم. قبل از تصویب قانون خدمات درمانی، قراردادی با بیمه کلینیک و سپس بیمه البرز داشتیم که در چهارچوب مندرجات قرارداد امور درمانی مربوط به کارگران را حل و فصل میکردیم، از اول مهرماه ۲۵۳۴ که قانون خدمات درمانی بتصویب رسید، بالطبع قراردادها فسخ شد و وارد مرحله جدیدی از خدمات درمانی شدیم. در این فرم جدید مشکلاتمان مانند گذشته برجای خود باقی است. برای رفع این مشکل، طی نامه هائی بسیار تقاضا کردیم، دفترچه های بیمه ما را صادر کنند تا اینکه چندی قبل آقای دکتر روحانی نژاد دستور توزیع پرسشنامه های مربوط را بعنوان مقدمه صدور کارتها داد بلافاصله آنها را پر کرده به پیوست مدارک لازم برگرداندیم و ایشان هم اجرای این امر را بعهدهٔ شعبه ۶ گذارد، شعبه یاد شده معتقد است مادام که سازمان تامین اجتماعی پرسشنامه ها را مهر و امضا نکند، نمیتوان دفترچه صادر کرد.

تامین اجتماعی هم به عذر اینکه در این مورد دستوری دریافت نکرده، از صدور دفترچه ها خودداری میکند، ناگزیر به قسمت فنی تامین اجتماعی مراجعه کردیم که این مرجع نیز پاسخ داد در بخشنامه صادره، مهر و امضای پرسشنامه بعهدهٔ او واگذار نشده است شما بفرمائید اگر همسر یکی از کارگران بناگاه نیاز به وضع حمل داشته باشد، به کدام مرجع درمانی باید مراجعه کند؟ بعلاوه خانمهای شاغل در کارخانه باید کجا وضع حمل کنند؟ برای کارگری که فقط نهصد تومان حقوق میگیرد چگونه ممکن است بابت وضع حمل خانمش مثلاً در یکی از بیمارستانهای ملی مبلغ ششهزار تومان بپردازد، حال آنکه این مبلغ را نه کارخانه خواهد پرداخت و نه تامین اجتماعی.

این تقاضای عموم ماست که سازمان درمانی هرچه زودتر نسبت بصدور دفترچه های مربوطه اقدام کند

عباس روزبهانی (نماینده کارگران):
در قوانین جدید مشکلاتی وجود دارد که هنگام تدوین آن میبایستی مورد توجه قرار میگرفت، زیرا قانون باید جامع باشد، مثلاً در بخشنامه مربوط به پروتزها (عینک، کرست جوراب، کفی و...) مقرر شده است از دهم مرداد تا سال ۲۵۳۶ به خانواده بیمه شدگان نیز پروتز داده شود. یکی از کارگران به استناد این بخشنامه برای دریافت پروتز به درمانگاه مراجعه کرده، نه تنها وسیله مورد نیازش را به او نداده اند بلکه از وجود چنین بخشنامه ای هم اظهار بی اطلاعی کرده اند.

مسأله دیگر یکنواختی داروها است، هر مرضی که به پزشکان مراجعه کند، بیماریش هرچه باشد، فقط یک نوع دارو تجویز میکنند. اگر گفته شود، اظهار نظرما نوعی دخالت در کار پزشکی است در جواب عرض میکنم که اگر اطلاعی در زمینه مسائل پزشکی نداریم حداقل میدانیم که داروی سردرد، غیر از داروی چشم درد است. بعقیده شما این یکنواختی داروها از نظر روانی تاثیر خوشایندی در بیماران خواهد داشت؟ مطلب دیگر اینکه لزوم معاینه دقیق بیمارستان ها و درمانگاههاست.

موضوع اعطای شیرخشک به فرزندان کارگران نیز مسأله دیگری است که با همهٔ کوچکی ایجاد نگرانی میکند، یک خانوادهٔ کارگر مثلا از قرچک ورامین، مسافتی را طی میکند و به شهر میآید که برای تغذیه فرزندش شیرخشک بگیرد، شیرخشکی را که به او میدهند برای یک هفته هم کافی نیست، در عصری که این همه به تغذیه اطفال اهمیت داده میشود، برای تقلیل مراجعه این گونه متقاضیان هم که شده، باید حداقل مصرف یکماه شیرفرزند متقاضی را دراختیارش بگذارند.

همه میدانیم که یک اورژانس بزرگ در تهران تأسیس شده است، ولی به تنهائی دردی را دوا نخواهد کرد، بخصوص اهمیت آمبولانس را با توجه بفوریت نیازها نمیتوان نادیده گرفت، هردرمانگاه لااقل باید یک آمبولانس آماده بخدمت داشته باشد، گاهی اتفاق میافتد، بیماری فوراً باید بدرمانگاه اعزام شود و تا بازگشت آمبولانس مأمور خدمت نمیتوان ونباید منتظر ماند، اینجاست که اهمیت وجود آمبولانس بشدت احساس میشود.

در گذشته پرداخت حق نوزاد را شعبه ها حداکثر با صرف یک روز وقت انجام میدادند، اما از وقتی که پرداخت این حق بعهده سازمان خدمات درمانی گذاشته شده، ۳۰ تا ۳۵ روز بطول میانجامد تا کارگران به این حق خود برسند.

مورد دیگر اعتبار دفترچه های سازمان است در گذشته برای استفاده از اعتبار این دفترچه ها، سابقه سه ماه خدمت لازم بود و در قوانین جدید (از فروردین ۲۵۳۴) فقط با یک روز سابقه هم میتوان از اعتبار آن استفاده کرد، باآنکه قانون بصراحت تعیین تکلیف کرده است ولی درمانگاهها مانند گذشته عمل میکنند و شعبه ها اعتبار آنرا قابل قبول میدانند!

حرف دیگرمن این است که بیمارستانها نباید قبل از بهبود کامل مریض را مرخص کنند.

حسین کلاهیان (خزانه دار سندیکا):
آقای دکتر روحانی در میزگرد کارگران پارس مینو، مدت تعیین شده برای صدور دفترچه های سازمان را کافی ندانسته و توصیه کرده اند، بیش از این باید بردباری کرد، به عقیده من جواب ایشان نمیتواند قانع کننده باشد، چرا که در عصر رستاخیز، نمیتوان هیچ کاری را بدون برنامه ریزی انجام داد، مخصوصاً امر مهم درمانی را، مضافاً به اینکه بیماری امری نیست که بتوان آنرا پیش بینی کرد تا زمان صدور دفترچه آنرا به تأخیر انداخت، بنابراین عذر کمبود پرسنل وغیره قابل قبول بنظر نمیرسد.

برخورد پرستاران بیمارستان ها با بیماران نیز رضایت بخش نیست، مگر نه اینکه پرستار وظیفه مراقبت مریض را بعهده دارد و مراقبت هایش بیمار را شفا میدهد، این بی توجهی برای چیست؟

نورالله کیاشمشکی (دبیر سندیکا):
ماهانه ۷ درصد از حقوق کارگران به اضافه ۱۸ درصد کارفرما به سازمان خدمات درمانی پرداخت میشود که کارگر بیمار را بهبودی بخشیده و بکارخانه برگردانند، متأسفانه در عمل می بینیم که بیماران مخصوصاً مبتلایان به امراض روانی بطور کامل معالجه نمیشوند و به آنها اجازه کار میدهند و درعوض کسانی وجود دارند که بنا حق استراحت میگیرند، هم اکنون کارگرانی داریم که شش تا هشت ماه است که کار نمیکنند، حتی بعضی هم که بعنوان سرپائی مراجعه کرده اند مجوز استراحت به آنها داده اند. اگر بیمار نیاز بمداوا دارد بایستی در بیمارستان تحت مداوا قرار گیرد اگر بدرمان نیازمند نیست چرا به او استراحت میدهند؟

درقسمت پلاستیک سازی کارخانه گاهی اتفاق می افتد که پلاستیک مذاب بسر و صورت کارگران میپاشد، این قبیل بیماران معمولا به بیمارستان شماره ۵ ژاله اعزام میشوند، در این بیمارستان مثل اینکه کسانی که اطلاعاتی در زمینه مسائل شیمیایی داشته باشند وجود ندارند که بیمار را معالجه کنند، از طرفی آمبولانس بیمارستان هم در اکثر ساعات در مأموریت است. ناچار مریض با هزینه خود، بوسیله تاکسی بکارخانه برمیگردد و متخصص شیمی کارخانه او را مداوا میکند، این مورد، بخصوص درباره کسانیکه مواد پلاستیکی به چشمشان می چسبد صدق میکند.»

علی داودآبادی (رئیس هیات مدیره سندیکا): بعضی درمانگاهها و بیمارستانها گاه بجای معالجه بیماران، توصیه نامه ای بدست کارگرمیدهند که در آن قید شده است که کار سبکتری به او ارجاع شود، کارگری که روزانه هفتاد تومان حقوق میگیرد و در کار خود تخصص پیدا کرده، مگر میشود او را مثلا بکار دربانی گماشت؟

کیاشمشکی: کارگری داریم که پیسه آهن به چشمش رفته و یکی از چشمهای خود را از دست داده و بزودی چشم دیگرش هم کور خواهد شد، پزشکان میگویند، چون این کارگر برگ حادثه نداشته، نمیتوان او را در ردیف حادثه دیدگان قرارداد. براساس این اظهار نظر کمیسیون پزشکی هم او را مستحق دریافت مستمری نمی شناسند.

کارگر دیگری داشتیم که براثر ابتلا به بیماری سرطان مغزی مرد، چون سابقه کارش از ۵ سال کمتر است، مستمری به او تعلق نمیگیرد، منتهی کارفرمای ما با حسن نیت کمکهائی به او میکند، در این مورد ویژه مکاتباتی با سازمان تأمین خدمات درمانی بعمل آورده ایم که امیدواریم به نتیجه مثبت برسد.

علی جاوری نایب رئیس دوم سندیکا:
با سپاسگزاری از مجله رستاخیز کارگران که به تشکیل این میزگرد اقدام کرده است، اخیراً کارگری را از درمانگاه شماره ۶ به بیمارستان بهادری اعزام میکنند که خانمش را برای وضع حمل در آنجا بستری کند، چون ساعت دو بعد از نیمه شب مراجعه کرده، بعنوان یک فرد بیمه شده بیمارش را نمی پذیرند، ناگزیر مریضش را در بخش خصوصی بیمارستان بستری و پرداخت

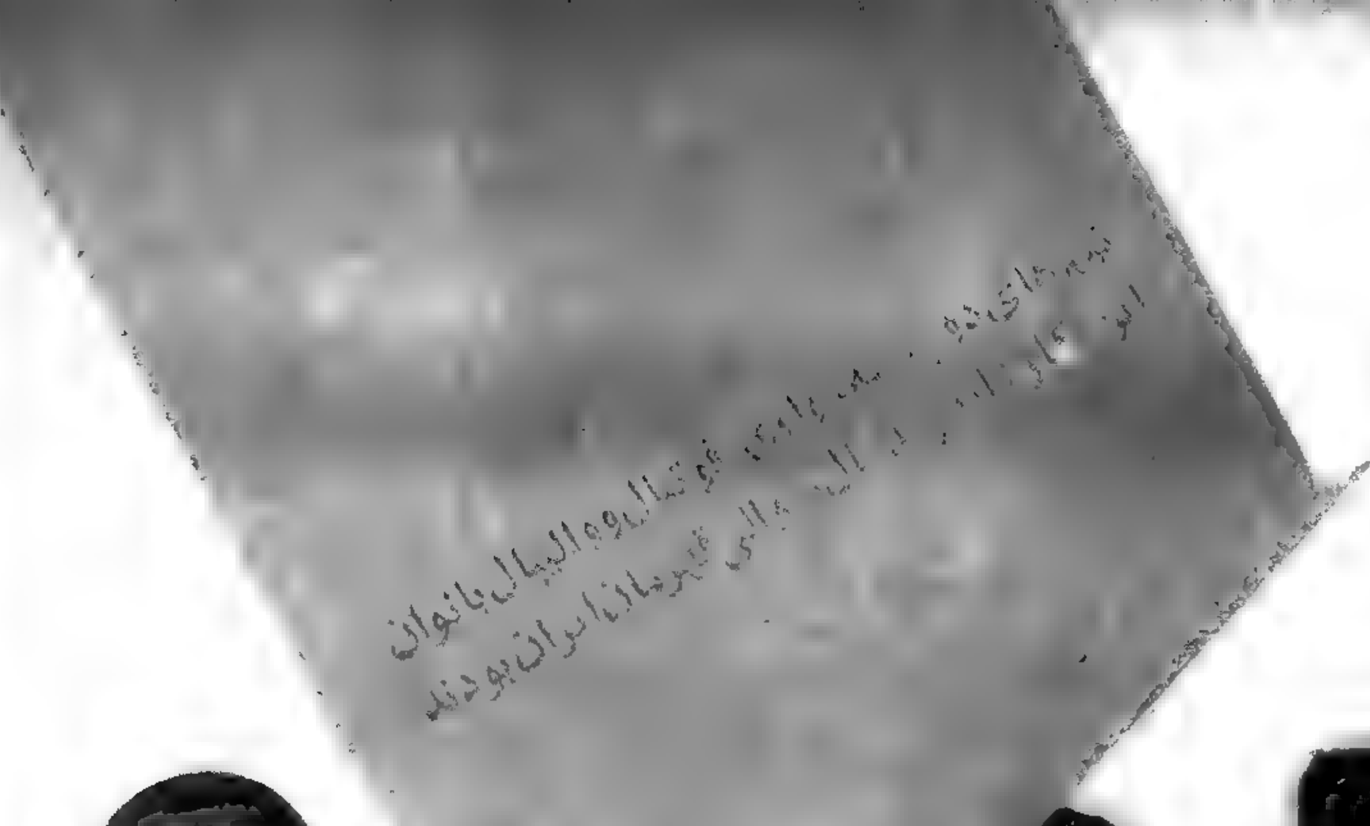

تولید باشد

میزگرد:
«رستاخیز کارگران»
باشرکت نمایندگان کارگران، نماینده کارفرما و نماینده وزارت کار و اموراجتماعی

حسین کلاهیان

نورالله کیاشمشکی

علی جاوری

طوبی صاحب حسینی

ناصر سلطانی

عباس امین روزبهانی

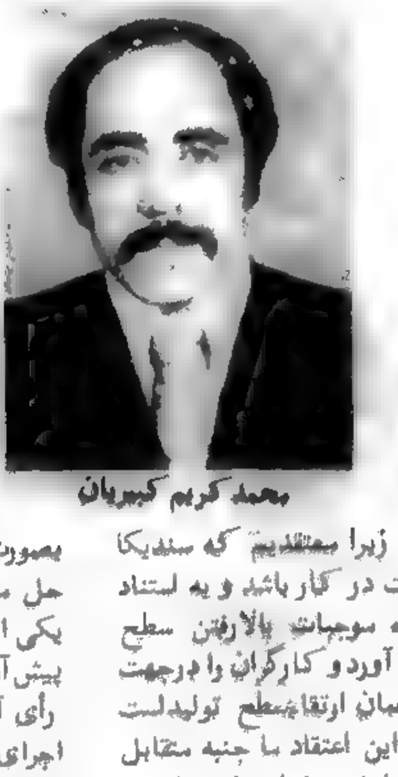
محمد کریم کیریان

علی داودآبادی

مبلغ بیشتری را تعهد میکنند.
همچنین کارگر دیگری براثر اعمال کاری و تأخیر در عمل جراحی انگشتش ، مدتی بعد بستری وجراحی شد.

علی داود آبادی : باشگاه ورزشی بسیار خوبی داشتیم که بیشتر تیمهای ما در ردهٔ قهرمانی کارگری وحتی قهرمانی ایران به عنوانهائی دست یافته بودند . این باشگاه باتمام اهمیتش دوسال گذشته که سال ورزش بود، تعطیل شد و زمین چمنش که شاید یکی از زمینهای کم نظیر فوتبال است بصورت انباری درآمده وقابل استفاده نیست .

علت اینکه باشگاه تعطیل شده این است که سرپرستی ندارد و بطور کلی ورزش در کارخانه ما تعطیل شده است. تیمهای دوچرخه سواری، فوتبال و بسکتبال بانوان این کارخانه چندین سال متوالی قهرمان ایران بودند مخصوصاً که از تیم بسکتبال دختران ۵ نفر بعضویت تیم ملی ایران درآمدند. بقیه تیمها هم اغلب در ردیف یک یا دو قرار داشتند . هم اکنون ماهانه یک تومان، کارگران و دو تومان کارمندان بابت حق باشگاهی که وجود ندارد میپردازند.

ناصر سلطانی رئیس کارگزینی کارخانه آزمایش ونمایندهٔ کارفرما:

من خود لیسانسیه ورزش هستم ، زندگیم عجین ورزش است و در مورد این مسأله حساسیت دارم، تمام این بهمریختگی ها را من بگردن مسؤولان ورزش کارگری میگذارم ، وقتی مسؤولان ورزش توجه کافی نکردند ماهم دلسرد شدیم، اگر آنها نخواهند ومدارا یاری نکنند، بالطبع ماهم دلسرد میشویم ، ما هرگز چیزی از آنها نمیخواهیم جز اینکه دلگرمی بما بدهند وگرنه چطور ممکن است باشگاهی را که این همه زحمت برایش کشیده ایم ، بگذاریم تعطیل شود ؟

کیاشمشکی : من هم مربی فدراسیون اسکی کشور هستم و چندسالی قهرمان بودم، بهمین دلیل عاشق ورزش، بخصوص اسکی و کوهنوردی هستم . در گذشته که همه ساله فصل زمستان کلاب اسکی میگذاشتند، ماهم شرکت میکردیم تا یک مدال بر مدالهایمان بیفزائیم. خوشبختانه عنوانهائی هم کسب کردیم ازآنجائیکه در دوسه سال اخیر مسابقات اسکی برگزار نشده کارگران ماهم دلسرد شده اند امیدواریم مسؤولان ورزش کارگری ما را در این راه یاری کنند تا بار دیگر بورزش روی آوریم .

ناصر سلطانی : در گذشته توجه بیشتری به ورزش کارگری می شد . درآن زمان اگر کسی بدیده تحقیر، حتی بدیوار باشگاه هم نگاه میکرد، بشدت ناراحت میشدیم ولی امروز با کمال تأسف باید ازبین رفتن باشگاه را ببینیم .

کیاشمشکی : در سندیکای ما ، تمام مشکلات کارگران، کارمندان وحتی کارفرما حل وفصل میشود، زیرا معتقدیم که سندیکا باید موجب پیشرفت در کار باشد و به استناد فرمایشات شاهنشاه موجبات بالارفتن سطح تولید را فراهم آورد و کارگران را درجهت پیشرفت کار که همان ارتقاء سطح تولید است ارشاد کند , البته این اعتقاد ما جنبه متقابل دارد و کارفرمای ما نیز بخواستهای ما توجه داشته و دارد.

در طرح طبقه بندی مشاغل مثلا در مورد یک کارگر مونتاژ کار که بخواهد بدرجه بالاتر ارتقا یابد ، شرط شده است که سه سال فعالیت و کسب تخصص برای این امر لازم است، در آبانماه سال ۵۰ دستور داده شد به اینگونه متقاضیان پس از گذشت سه ماه از تاریخ تقاضا یک پایه و بعد از ۶ ماه یک پایه دیگر داده شود.

حقوق یک کارگر جدیدالاستخدام در سابق ۱۲۰ ریال و بعد ۱۶۰ و حالا ۲۰۰ ریال است و این رقم درست معادل حقوقی است که بیک کارگر پس از سه سال سابقه خدمت داده میشود که این وضع مناسب نیست . کمیته ای داشتیم تحت عنوان کمیته داوری متشکل از مدیر تولید کارخانه، سرپرست پرسنل، رئیس، دبیر سندیکا و اعضای شورای داوری که به رفع اختلافات بین کارگر و کارفرما میپرداختند و نحوهٔ عمل این کمیته مانند یکی از محاکم دادگستری بود که رأی میداد و اجرای حکم را هم میخواست . این کمیته اختلافات را و بصورت جریمه از کارگر و تذکر نسبت بکارفرما حل میکرد اخیراً پس از برخوردی که بین یکی از رؤسای قسمت و یکی از کارگران پیش آمده بود ، این کمیته تشکیل شد، اما رأی آن اجرا نشد، و حق میدهید که عدم اجرای رأی این کمیته صحیح نیست

علی داودآبادی : منظور از اجرای طرح طبقه بندی مشاغل در کارگاهها، ایجاد نظم و سیستم پولی و کاری کارگاهها است و میدانیم که اجرای آن بسیار مشکل است. با همه این احوال ما آنرا اجرا کردیم ولی درعمل در مورد جدول بندی حقوق با مشکلاتی مواجه شدیم. به عقیدهٔ من خوبست در این طرح تجدید نظر شود.

سالنهای غذاخوری کارگاهها باید مجهز بدستگاههای شوفاژ و تهویه شوند. در فصل زمستان بخاری مورد استفاده قرار میگیرد که گاهی خراب میشود و دود میکند ، همچنین کولرها در تابستان که کارگری میخواهد جهت کولر بسوی او باشد.

در مورد مسکن بخصوص در کارخانه ما هیچگونه تقصیری متوجه کارفرما نیست ، زیرا ایشان حاضر است بدون دریافت وام و بدون استفاده از آب و برق ، خانه ازری کند و به تنگناهای موجود خاتمه دهد ، متأسفانه اجازه ساختمان به او نمیدهند!

کیاشمشکی: گاهی پیش آمده که کارگران

بقیه در صفحه ۷۷

آشنائی با مدارهای الکترونیکی

دستگاه تنظیم ک

زیر نظر: کونل دیهی

مدارخودکار «آ-اف-سی» بهترین تنظیم کننده فرکانس در مدارهای تلویزیونی است.

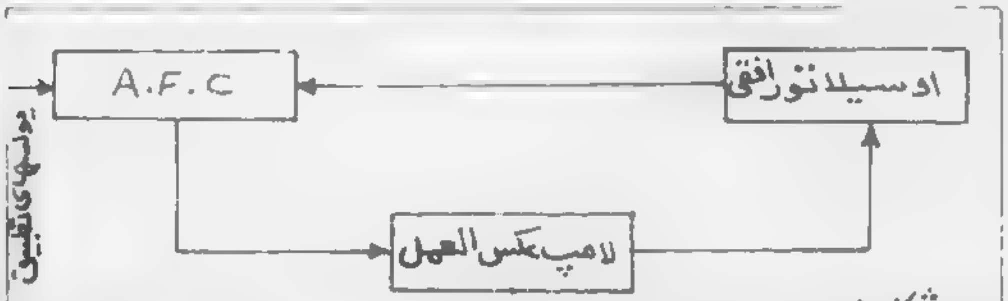

شکل ۱

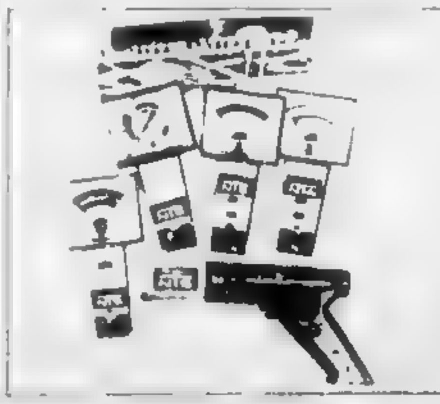

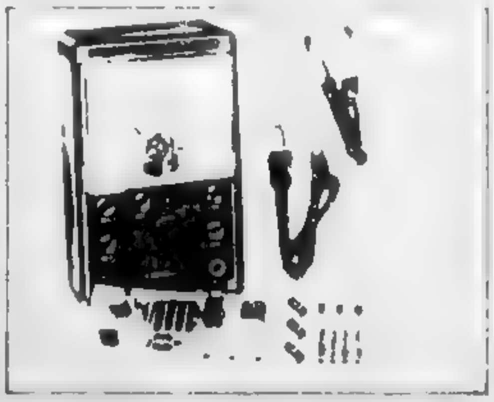

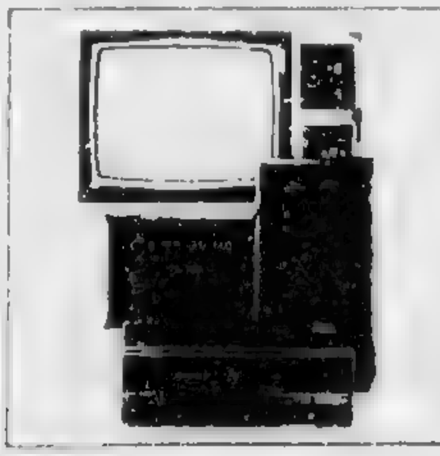

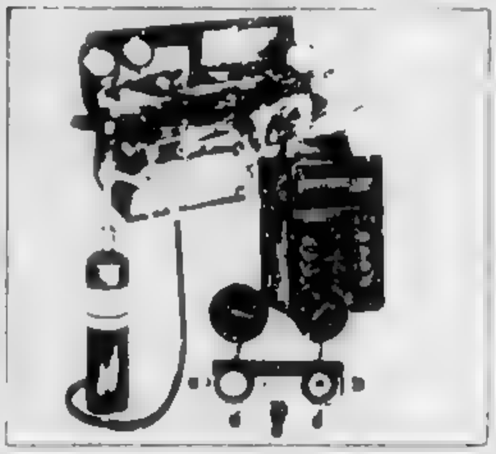

- برای تنظیم فرکانس اوسیلاتور افقی در تلویزیون از مدارهای خودکار استفاده میشود. این مدار اتوماتیک، با کنترل فرکانس اوسیلاتور افقی، یک فرکانس ۱۸۶۲۵ سیکل بر ثانیه‌ای را بوجود می‌آورد.

موقعیت این مدار در دستگاه تلویزیون، عامل مهمی بشمار می‌رود. چراکه باید سیستم افقی بخوبی وظیفه‌اش را به انجام رساند تا گیرنده تلویزیونی بتواند تصویرهای زنده بوجود آورد.

این مدار که به آ-اف-سی (A.F.C) شهرت دارد، در کنار مدار اوسیلاتور بسیاری از گیرنده‌ها قرار می‌گیرد. البته در گیرنده‌های تلویزیونی که برای تنظیم فرکانس از سیم‌پیچ های ویژه استفاده می‌شود، دیگر نیازی به این مدار اتوماتیک نیست.

درمدار A.F.C از چند نوع مدار-بندی استفاده میشود که میتوان آنها را بصورت زیر خلاصه کرد:

۱- نوع سینکرولاک
۲- نوع دیسکریمیناتور
۳- نوع سینکروگاید

۱- مدار سینکرولاک

نوع سینکرولاک اولین بار درسال ۱۹۴۶ در مدارهای تلویزیونی مورد استفاده قرار گرفت. باوجود اینکه از آن تاریخ تا کنون طرحهای دیگری نیز در مدارهای تلویزیونی بکار رفته، ولی بعلت قابلیت مناسب این مدار در تنظیم و تثبیت فرکانس اوسیلاتور سیستم افقی، هنوز هم در بسیاری از گیرنده‌ها، این مدار مورد استفاده قرار می‌گیرد. طرح کلی نوع A F C در شکل ۱ نمایش داده شده است.

همچنانکه مشاهده میکنید، مدار A.F.C یک موج از اوسیلاتور افقی، یک موج دیگر از مدار تطبیق دریافت کرده و این دو موج را با یکدیگر مقایسه میکند. درصورتیکه فرکانس اوسیلاتور افقی، مساوی فرکانس پولسهای تطبیق باشد، مدار مقایسه عملی انجام نداده و در حال تعادل باقی میماند. ولی هرگاه فرکانس اوسیلاتور افقی بیشتر یا کمتر از «فرکانس پولسهای تطبیق» شود، مقدار مقایسه، از مقایسه این دو موج یک ولتاژ مستقیم (DC) تهیه میکند که مقدار آن گاهی مثبت و گاهی منفی است. این ولتاژ که از نتیجه مقایسه دو موج بدست آمده به شبکه کنترل لامپ عکس العمل اعمال می‌شود، لامپ عکس العمل که نظیر یک سیم‌پیچ در مدار اوسیلاتور افقی عمل میکند، باعث میشود که فرکانس اوسیلاتور در حد مورد نظر تنظیم و تثبیت شود.

* تشابه مدار با ترازو

عمل مدار مقایسه را در حقیقت میتوان با یک ترازو مساوی دانست. همانطوریکه در ترازو برای کشیدن یک جسم آنرا با وزنه معلومی مقایسه میکنند، در اینجا نیز مدار مقایسه، فرکانس اوسیلاتور را که میزان آن مشخص نیست با فرکانس پولسهای تطبیق (که مقدار آن کاملا معلوم است) مقایسه میکنند. درصورتیکه جسم و وزنه (فرکانس اوسیلاتور افقی و پولسهای تطبیق) هر دو باهم برابر باشند شاهین ترازو در وسط (یعنی روی صفر) قرار می‌گیرد و ترازو بحال تعادل باقی میماند. ولی هرگاه جسم سبک‌تر و یا سنگین‌تر از مقدار وزنه باشد، تعادل ترازو بهم خورده و شاهین ترازو گاهی بسمت چپ و گاهی بسمت راست متمایل میشود. از این انحراف معلوم می‌شود که جسم مورد نظر و وزنه با هم برابر نیستند. در سیستم مدار مقایسه نیز عیناً بهمین ترتیب عمل می‌شود.

ولی فرکانس اوسیلاتور افقی بیشتر باشد مدار مقایسه از حال تعادل خارج شده و یک ولتاژ مثبت تولید میکند. این ولتاژ بشبکه کنترل لامپ عکس العمل رفته و خاصیت سیم‌پیچی این لامپ را زیاد می‌کند و بانتیجه فرکانس اوسیلاتور کاهش می‌یابد. اگر فرکانس اوسیلاتور کمتر شود، مدار مقایسه یک ولتاژ منفی تولید می‌کند و این ولتاژ خاصیت سیم‌پیچی مدار عکس العملی را کم کرده و فرکانس اوسیلاتور را زیاد میکند. باین ترتیب با مقایسه دو موج اوسیلاتور و پولسهای افقی میتوان، فرکانس اوسیلاتور را در حد دلخواه تثبیت کرد.

درگیرنده‌های جدید، بجای بکاربردن دایودهای لامپی، از دایودهای سلیکانی ترانسفور ترانزیستوری استفاده میکنند. ضمنا ممکن است، ازوجود ترانسفورماتور نیز در مدار صرفنظر شود.

۲- مدار آ-اف-سی-دیسکریمیناتور

در این سیستم نیز، نظیر سیستم قبلی، مدار مقایسه از دو دایود لامپی یا ترانزیستوری بوجود آمده، و مدار این دایودها تقریباً نظیر مدار «آشکارسازهای نسبتی» بسته میشوند.

به مدار مقایسه دو موج مثبت و منفی از طبقه پولسهای تطبیق، و یک موج اره‌دندان ازطبقه تقویت قدرت سیستم افقی اعمال میشود. از مقایسه این امواج با یکدیگر ولتاژ مورد نیاز جهت کنترل اوسیلاتور افقی تهیه می‌شود.

مکانیزم عمل به این ترتیب است که پولسهای مثبت و منفی از طریق دو خازن کوپلاژ ... ، پیکوفارادی به دایودهای مدار مقایسه اعمال می‌شوند. ضمناً موج افقی از ترانسفورماتور ولتاژ خیلی زیاد، به نقطه مشترك اتصال، کاتد وصفحه دو دایود داده میشود.

ننده فرکانس اوسیلاتور افقی

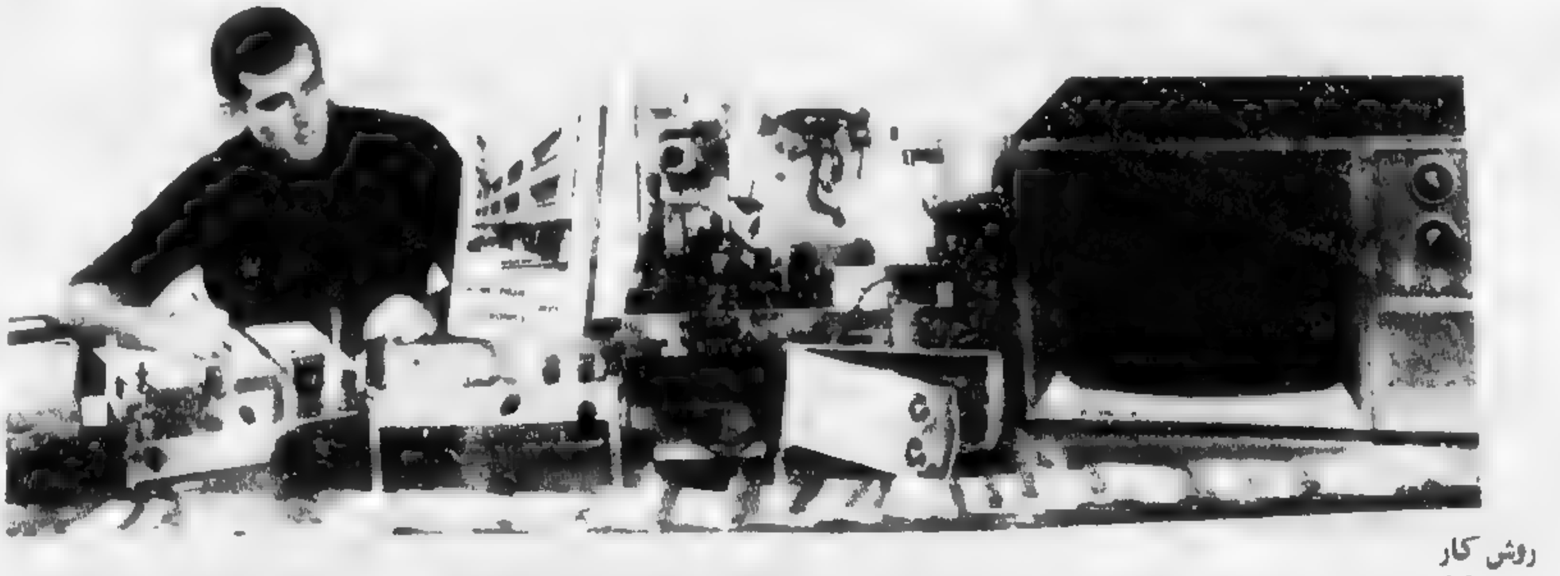

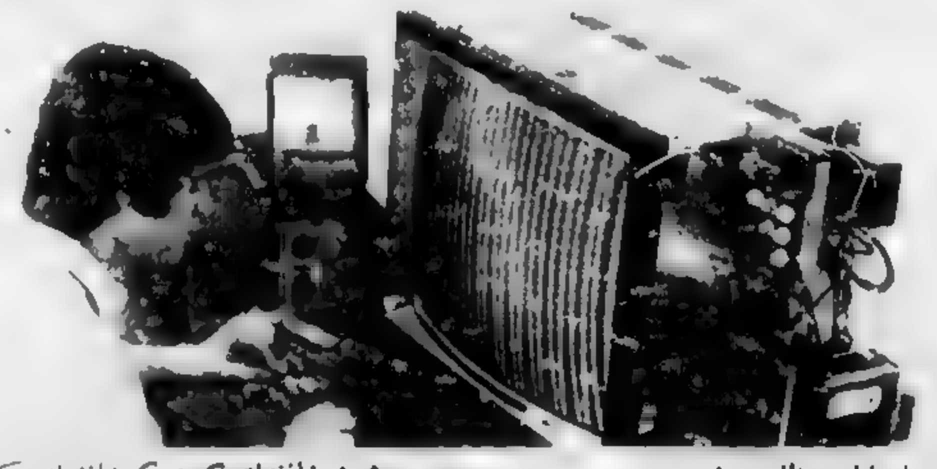

روش کار

با کمی دقت میتوان این مدار را به‌صورت زیرمورد تجزیه و تحلیل قرارداد:

۱ — وقتی پولسهای مثبت تطبیق به تنهائی به مدار برسند، صفحه دایود بالائی نسبت به کاتدش مثبت‌تر شده، درنتیجه جریان از طریق کاتد، به صفحه، از آنجا به مقاومت ۱۰۰ کیلو اهمی بالائی، و ازآنجا به مقاومت ۴/۷ میلیون اهمی و بالاخره به شاسی و از شاسی به ترانس ولتاژ خیلی زیاد عبور کرده و از طریق مقاومت ۲۲ کیلو اهمی بکاتد دایود برمیگردد. درنتیجه عبور جریان، یک ولتاژ منفی در دوسر مقاومت ۴/۷ میلیون اهمی القاء می کند.

۲ — وقتی پولسهای تطبیق منفی به‌تنهائی بمدار برسند، کاتد دایود پائین نسبت به صفحه‌اش منفی‌تر شده و در نتیجه جریانی، از کاتد به صفحه و ازآنجا ازطریق مقاومت ۲۲ کیلو اهمی و ترانسفورماتور ولتاژ خیلی زیاد، ومقاومت ۴/۷ میلیون اهمی و ۱۰۰ کیلواهمی عبور کرده و به کاتد دایود برمیگردد. بر اثر عبور این جریان، ولتاژ مثبتی در دوسر مقاومت ۴/۷ میلیون اهمی القاء می کند.

۳ — هرگاه هر دو پولسهای تطبیق همزمان با یکدیگر به مدار داده شوند، ولتاژیکه در دو سر مقاومت ۴/۷ میلیون اهمی تولید میشود مساوی صفر خواهد بود. زیرا ولتاژ حاصله از اثر هر یک از پولسها در این مقاومت مخالف دیگری بوده ونتیجه دوولتاژ در یک‌زمان مساوی صفرمیشود.

۴ — اینک فرض کنید، که همزمان با پولسهای تطبیق، موج اره‌دندان حاصله از تقویت قدرت خروجی نیز بین دو دایود اعمال شده باشد. تا هنگامیکه فرکانس این موج با فرکانس پولسهای تطبیق یکی باشد. بهمان اندازه که کاتد دایود بالائی مثبت میشود دایود پائین نیز منفی می‌شود، باین ترتیب جریانی که ازدایود بالائی و پائینی عبورمیکند با هم مساوی بوده وولتاژ حاصله دردوسرمقاومت ۴/۷ میلیون اهمی صفر خواهد بود. ولی هرگاه فرکانس این موج با فرکانس پولسهای تطبیق مساوی نباشد جریانی که از دایود بالائی و پائینی میگذرد با هم مساوی نبوده و بهمین علت یک ولتاژ مثبت یا منفی در دو سر مقاومت ۴/۷ میلیون اهمی ظاهر میشود.

بدیهی است که این ولتاژ نماینده میزان اختلاف فرکانس پولسهای افقی و پولسهای تطبیق بوده و اگر این ولتاژ را به شبکه کنترل لامپ اوسیلاتور اعمال کنیم، فرکانس اوسیلاتور را در جهت مطلوب تصحیح کرده و آنرا درحد معینی تثبیت می کند. ولتاژ «DC» حاصله را که ولتاژ کنترل نامیده میشود، میتوان مستقیماً به شبکه لامپ اوسیلاتور اعمال کرد. و با اینکه طبق آنچه که قبلاً گفته‌ایم، میتوانیم آنرا به شبکه کنترل لامپ عکس‌العمل داده و فرکانس اوسیلاتور را ازطریق این لامپ تحت کنترل قرار دهیم.

۳ — مدار آ — اف — سی سینکروگایډ

این سیستم ساده‌ترین، مشهورترین و با صرفه‌ترین نوع است که در گیرنده‌های جدید، آمریکائی وژاپنی استعمال فراوان دارد. در این سیستم علاوه بر سادگی مدار عناصر کمتری نیز بکارمیروند.

معمولا در این سیستم، یک لامپ دوبل ترایود بکارمیبرند، که یکی ازاین لامپها عمل اوسیلاتور را تشدید و دیگری عمل کنترل مدار را انجام میدهد.

دراین مدار به لامپ ترایود کنترل کننده دو موج وارد میشود:

۱ـ موج مثبت «پولسهای تطبیق افقی» که از طبقه جدا کننده پولسها دریافت میشود.

۲ — موج پارابولیک یا هذلولی، که از ترانسفورموتور خروجی سیستم افقی دریافت می‌شود خازنهای C_2 و C_3 خازنهای کوپلاژ امواج افقی تطبیق و پارابولیک بوده وخازن C_4 به منظور ترکیب ولتاژ این دو موج بکار رفته است.

خازن C_1 و مقاومت R_1 مدار ورودی لامپ کنترل را تشکیل میدهند و مقاومت R_2 ولتاژ «بایس» مورد نیاز را تهیه می کند.

شبکه کنترل لامپ اوسیلاتور (لامپ سمت راست) مستقیماً بکاتد لامپ کنترل کننده متصل شده است. بدیهی است که هرگاه ولتاژ کاتد لامپ کنترل کننده براثر عبور جریان وتغییرات آن، کم و زیاد شود، ولتاژ مثبت می‌شود وشبکه کنترل لامپ اوسیلاتور نیز بهمان نسبت، کم و زیاد می‌شود در نتیجه فرکانس اوسیلاتور در جهت مطلوب تصحیح میشود.

یکی از موجهای موردنظر «پولسهای تطبیق» است که بصورت چهارگوش‌اند، و دیگری یک موج هذلولی است که نقطه ماکزیمم آن بسیار تیز و تغییرات آن بسیار زیاد است. وقتی فرکانس و فاز این دوموج کاملا با یکدیگر مساوی باشند، از ترکیب این دو موج، جریان مشخص و معلومی از لامپ کنترل کننده عبور کرده و تا زمانیکه فرکانس و فاز این دوموج باهم برابر باشند، جریان لامپ کنترل کننده نیز ثابت می‌ماند. در نتیجه این عمل، ولتاژ شبکه کنترل لامپ اوسیلاتور ثابت مانده و فرکانس آن نیز درحد مطلوب ثابت می‌ماند.

ولی هرگاه بعللی فرکانس اوسیلاتور زیادتر ازحد معمول شود، فرکانس موج هذلولی رسیده به لامپ کنترل، نیز زیادتر شده، و درنتیجه، دامنه ماکزیمم موج هذلولی قدری جلوتر از دامنه ماکزیمم پولسهای تطبیق می‌شود و از ترکیب این دوموج، ولتاژ کمتری تهیه شده و به شبکه کنترل لامپ کنترل اعمال می‌شود. باین ترتیب جریان لامپ کنترل کمتر شده و ولتاژ (DC) حاصله از کاتد آن کاهش می‌یابد. با کم شدن مقدار این ولتاژ، ولتاژ شبکه کنترل لامپ اوسیلاتور کمترشده و فرکانس آن نیز کم می‌شود. بالعکس، هرگاه فرکانس اوسیلاتور افقی کمتر ازحد معمول شود، فرکانس موج هذلولی رسیده به شبکه کنترل نیز کمتر ازفرکانس پولسهای تطبیق شده و از ترکیب این دو موج، ولتاژ بیشتری بدست می‌آید. با افزایش این ولتاژ، شبکه کنترل لامپ کنترل کننده زیادتر شده و جریان لامپ افزایش می‌یابد. با افزایش جریان در لامپ ولتاژ دوسر مقاومت کاتد لامپ ودرنتیجه شبکه کنترل لامپ اوسیلاتورزیادتر شده وفرکانس اوسیلاتور افزایش می‌یابد ومقدار آن در جهت مطلوب تصحیح می‌شود.

اثرخرابی دایودهای مدار «آ — اف — سی» درتصویر

خرابی یکی از دایودها، یا دودایودیکه درمدار آ — اف — سی بکار رفته‌اند در وضع کار سیستم افقی کاملا مؤثر بوده و اغلب اوقات باعث ازکارافتادن کامل سیستم افقی می‌شود. ولتی ملاحظه می کنید که کنترل کننده‌های سیستم افقی قادر به تنظیم اوسیلاتور نبوده و نمی‌توانند از جهش تصویر در جهت افقی یا تثبیت آن در روی صفحه تلویزیون جلوگیری کنند. ممکن است عیبی درمدار آ — اف — سی وجود داشته باشد. درچنین‌حالتی مهمترین عناصری که باید در مدار مورد آزمایش قرار گیرند، دایودها را بسهولت می‌توانید بوسیله یک «اهم‌متر» سالم به ترتیب زیر آزمایش کرده وسالم بودن آنها را تشخیص دهید. برای اینکار بصورت زیرعمل کنید:

۱ — گیرنده را خاموش کنید.

۲ — یک سردایودی را که می‌خواهید آزمایش کنیدازمدار قطع کنید.

۳ — بوسیله اهم‌متر از دوطرف اهم دایود را اندازه بگیرید. بایستی از یکطرف مقاومت دادیود درحدود ۱۰۰ کیلو تا ۳۰۰ کیلواهم باشد. ولی از طرف دیگرمقاومت آن بین ۴۰۰ اهم تا ۶۰۰ اهم است. درصورتیکه مقاومت دایود از هر دو طرف یکی باشد دایود اتصال بوجود می‌آورد و خراب می‌شود. بایستی آنرا با یک‌دایودسالم عوض کنید.

۴ — درصورتیکه فکر می کنید دایود اول سالم است، دایود دوم را بهمانطریق آزمایش کنید. باید هر دو دایود مشخصات واحدی داشته باشند. درصورتیکه مشخصات دایود دوم با دایود اول تطبیق نکند بازهم دایود سالم نیست وبایستی آنراعوض کرد.

مته‌های جدید حفاری

سالهاست که حفاری بعنوان یکی از مشکلترین و در عین حال دقیق‌ترین عملیات صنعتی و زمین شناسی مورد توجه کارشناسان قرارگرفته است.

چگونگی بکار گیری مته‌های ویژه برای حفاری و روشهای جلوگیری از فرسایش وزنگ‌زدگی آنها، زمینه مطالعاتی مناسبی را برای مهندسان فراهم ساخته است.

شکستن ناگهانی مته و روش تعویض مته‌های کند با مته‌های تیز و نو یکی از مشکلات عملیات حفاری است.

محو گرمای حاصل از اصطکاک نکصته و سنگها و خاکهای سفت چاه نیز عامل دیگر کند کاری در فعالیتهای اکتشاف آب، نفت و سایرمعادن بشمار می‌رود.

اخیراً نشریه اداره اطلاعات امریکا طی مقاله مشروحی اعلام کرد که دانشمندان این کشور طرح جدیدی را برای دوام مته‌های حفاری مورد مطالعه گسترده قرار داده‌اند.

به‌موجب این طرح اگر کوششهای کارخانه مته سازی نتیجه‌بخش باشد باچهار نوع مته جدید وضع حفاری بهتر شده ودیگر نیازی نخواهد بود که میله حفاری را بالا بیاورند تا مته‌های کند شده را عوض کنند بنابراین، به کارگیری مته‌های مدرن، سبب صرفه‌جوئی زیاد در هزینه و وقت خواهدشد.

باازدیاد عمر مته‌ها در حفاری چاه‌های گرم زیرزمینی نیز پیشرفتهائی حاصل خواهد شد چراکه این چاه‌ها باید در صخره‌های سخت حفاری شوند.

کاربرد مته‌ها

برای بکار بردن این مته‌ها که بوسیله لابراتوارهای «ساندیا» البوکرک در نیومکزیکو ساخته میشوند میتوان از دکل های حاضر استفاده کرد. مته های جدید برای حفاری های زیرمناسب است:

۱ــ حفاری جرقه ای
۲ــ حفاری زمینی
۳ــ حفاری بامته های زنجیره‌ای
۴ــ حفاری بامته های قابل تعویض درته حفره

حفاری جرقه‌ای

حفاری جرقه‌ای براساس نظریه کارخانه ساندیا، بیش‌از سایر حفاری ها مورد استفاده است. ولی در هرحال روش استفاده ازآن پیچیده است و درساخت آن مشکلات عمده وجود دارد.

در این مته، جرقه هائی با ولتاژ قوی بین فاصله های الکترودها که درته مته قراردارند، جریان مییابد. جرقه ها بدور محیط مته ها جریان یافته وبا تماس بسنگ وصخره، آنها رامتلاشی می کنند وباعث ایجاد سوراخ می شوند.

جرقه ها یک موج ضربه‌ای بافشار قوی در مایع حفاری که بافشار جریان مییابد ایجاد میکنند وتشکیل حباب میدهند.

ترکیدن حباب یک فشار شدید مایع ایجاد میکند که آن فشار نیز باعث خرد کردن سنگ میشود. جرقه های الکتریکی بوسیله ژنراتور ایجاد میشوند که در هر ثانیه درحدود ۴ ضربه میزند و این ضربه ها بوسیله یک ژنراتور معمولی با کابل بدرون حفره فرستاده میشوند.

تا کنون فقط از مدل‌های کم انرژی لابراتواری برای حفاری الکتریکی استفاده شده ولی برای انرژی های جرقه‌ای ۱۰۰ تا ۲۰۰ ژول (معادل ۱/۵ تا ۳ قوه‌اسب) فشارهای اتمسفری ۲،۰۰۰ تا ۱۰،۰۰۰ تعیین شده‌است. نیروی جت حاصله ازترکیدن حباب‌ها باحتمال قوی، فشار بیشتری تولید خواهد کرد. در آزمایش‌های روی تخته سنگها و قالبهای سیمانی که ازمدلهای لابراتواری استفاده شده مقدارحفاری تامیزان ۳۰ فوت درهرساعت بوده است. با طرح مته‌های ۱۵۰ قوه اسب ممکن است کار حفاری به بیش از ۱۰۰ فوت درساعت برسد. با این امتیاز که عمر مته نیز بیشتر است. طراحان درنظر دارند مته هائی بسازند که بیش از ۱۰۰ ساعت دوام داشته باشد.

درحالیکه مهندسان امیدوارند تا دو سال دیگر مته‌های حفاری برای زمینهای

سخت را تکمیل کنند. درحال‌حاضر کار آنها درمورد تشریح جزئیات تولید جرقه ، پی بردن به‌سیستم و روشی که بوسیله آن جرقه باعث ترکیدن و ایجاد شکاف در تخته سنگها میشود متمرکز است . همچنین ساختن سرمته‌هائی با دوام بیشتر با استفاده از کامپیوتر و آزمایشهای لابراتواری متمرکز نیز یکی از زمینه‌های پژوهشی مهندسان راتشکیل میدهد.

نمونه سنگهای مورد آزمایش در دانشگاه تکزاس مورد مطالعه است تا معلوم کنند سنگها به‌چه طریقی خرد و شکسته‌میشوند.

***حفاری زمینی**

در حفاری زمینی بین فواصل مته‌های گردان آتش بوجود می‌آید و از تکنولوژی نفوذ سریع درزمین « ترادینامیک » که در طی ۵۰ سال فعالیت کارخانه « ساندیا » در زمینه ساختن سلاحهای هسته‌ای تکمیل شده ، استفاده می کند . کار مته‌ها براین اصول استواراست که سنگهائی که شکاف‌های زیاد دارند سریعتر از سنگهای بدون شکاف و یکپارچه سوراخ میشوند . « پروژ کتیل ها » یا دستگاههای پرتاب که در پیشاپیش سرمته کارگذاشته شده ، در سنگ نفوذ کرده و آنرا سست می کند و سپس نوبت به‌سر مته میرسد تا سنگ را بقطر مناسب سوراخ کند.

*** دستگاه پروژ کتیل**

قسمت‌های مختلف مته‌های گردان

هنوز بصورت یک واحد یکپارچه درنیامده است . درآزمایشهای کنونی ابتدا دستگاه جلو برنده را بپائین میفرستند تا آتش کند و سپس آنرا بالا میکشند و مته های دوار بجای آن کار میگذارند تا به حفاری ادامه دهد . دراین آزمایش نتیجه حفاری سه برابر میزانی است که فقط با مته‌های دوار حفر میشود . آزمایشهائی که درخاک‌های آهکی انجام شد در هرثانیه ۳۷۰۰ فوت درسنگ آتش کردند . سپس دستگاه جلو برنده توانست ۹ سانتیمترسنگ راسوراخ کند.

یک مته زنجیر دار اکنون برای حفر سوراخهای باریک (به قطر تقریبا ۱۲ سانتی‌متر) در دست تکمیل است که با آن بعدها میتوان سوراخهای گشادتر نیز حفر کرد. این مته ها ممکن است موارد استفاده زیاد در صنعت حفاری داشته باشد و برای اینکه درآنها ازلوله حفاظ ودکل حفاریهای اکتشافی استفاده خواهد شد.

*** حفاری با مته زنجیردار**

مته زنجیردار دارای یک سطح برش روی صفحه زنجیر است که بین دونده زنجیر درته و بالای مته گردش میکند. حلقه‌های این زنجیر با تکه‌های کاربید ، تنگستن یا الماس پوشیده‌شده‌اند.

آن قسمت از زنجیر که در دور نیمه پائینی دنده ته‌دستگاه قرار دارد سنگ را سوراخ میکند وقتیکه حدود ۱۵ سانتی‌متر طول ازآن زنجیر کند میشود یک قسمت دیگر جای آن قرارمیگیرد ، بدون اینکه مته را ازسوراخ بیرون بیاورند.

طراحان عقیده دارند که میتوان دودنده زنجیر بفاصله ۱۰ فوت کارگذاشت تا یک زنجیر بطول ۲۰ فوت مورداستفاده قرارگیرد و درنتیجه این امکان بوجود آید که ۳۰ قسمت جداگانه برای بریدن سنگ بکار افتد . بفرض اینکه کاربرد هریک از این مته‌ها معادل نصف کاربرد مته‌های معمولی الماس باشد ، سیستم جدید ۱۰ برابر از لحاظ دوام مته بر سیستم معمولی برتری خواهد داشت.

***حفاری با مته‌های قابل تعویض**

سیستم مته‌های قابل تعویض ، درته چاه یک گروه مته نو را بجای مته‌های کند شده قرار خواهد داد ، بدون اینکه لازم باشد دکل حفاری را خارج کرد . هر دو دست مته‌های نوومته‌های کندشده درمحفظه‌ای قرار دارند و بوسیله زنجیر تعویض میشوند .

عبور دادن مته‌های کند و نو ازکنار یکدیگر درداخل ابزاری بقطر تقریبی ۱۸ سانتی‌متر بوسیله اسباب ویژه‌ای انجام میگیرد و بمحض آنکه مته ها درته چاه قرار بگیرند قفل میشوند.

مشکل اساسی در مورد مته‌های کوچک اینستکه آنها زودتر از مته‌های مخروطی که درمته‌های دوار استاندارد ، بکار میروند فرسوده میشوند . لیکن اگر میزان فرسودگی فقط سه تاچهاربرابر مته‌های بزرگتر باشد بازهم سیستم جدید با صرفه‌تر است چون میتوان تا ۱۲ مته در محفظه نگهداری کرد . این برنامه باهتمام اداره تحقیقات انرژی امریکا و با مسؤولیت کامل بـــــــخش تکنولوزی حفاری « ساندیا » اجرامیشود.

تازه‌های علم وصنعت

با اینکه سالها قبل ، استفاده ازصندلی های چوبی ، راحتی وآسودگی مخصوصی به افرادمی داد درسالهای نخست قرن بیستم ، پیدایش آلیاژهای فلزی وارائه وسایل فلزی(و ازجمله «میز و صندلی »فلزی) تاحدود زیادی عرصه‌را برفرآورده‌های چوبی تنگ کرد.

لیکن درچندسال اخیر، صنایع معظم پتروشیمی وفرآورده‌های بیشمار آن، « پلاستیک » را درصورتهای گوناگون وبرای کاربردهای متفاوت دردسترس مردم قرارداد.

ویژگیهای صندلی پلاستیکی

صندلی پلاستیکی که ازیک نوع « پلیمر » مقاوم و نرم ساخته شده ،می‌رود تا مراکز تولید صندلیهای فلزی را نیز تحت‌الشعاع قراردهدوفروش صندلیهای فلـــــزی راازسکه بیاندازد

این صندلی‌را که در تصویرمی‌بینید تنها ۵ پاوند (حدود دو کیلوو ۷۰۰ گرم)وزن دارد « کفی » راحت‌و «پشتی »متناسب آن ، بسیارجالب است‌جنس این صندلی از« پلی‌اورواتان »است که دررنگهای قرمز، زرد ، سفید ، سیاه‌و آبی به بازار آمده و برای خرید یک جفت آن‌باید در حدود ۵۰ پول به فروشنده داد.

صندلی « پلی اوره اوتان » بسادگی قابل حمل است و بخوبی تا شده و جای کمی‌را اشغال می کند.

این چند سطر را بخوانید

سرویس حرفه وفن ، با علاقه و پشتکار بسیار برای پاسخگوئی به هرگونه پرسش فنی وحرفه‌ای که امکان دارد درحین انجام کار و یا مطالعه برای شما پدید آید ، آماده است . بنا براین دوستان عزیزی که درعملیات یا فعالیتهای صنعتی دچار اشکال میشوند میتوانند پرسشهای خود را ضمن نامه‌ای به آدرس « مجله کارگران — سرویس حرفه وفن ، — ارسال دارندتا پس ازبررسی دقیق ، پاسخ کامل را درمجله درج کنیم.

کاربرد تلمبه‌های پیستونی...

برای تغییرمکان و بالا بردن سطح آب و سیال ها از تلمبه های پیستونی استفاده می شود.

تعریف تلمبه: تلمبه دستگاهی است که برای تغییر مکان، بالا بردن و تحت فشار قرار دادن مایعات بکار می‌رود.

کاربرد تلمبه‌ها: تلمبه‌ها در تأسیسات صنعتی و ساختمانی، نظیر شبکه آبرسانی، عملیات نفتی، تأسیسات حرارتی، آبیاری و کشاورزی مورد استفاده قرار می گیرند.

انواع تلمبه‌ها: شش نوع تلمبهٔ مهم وجود دارد که در زیـــر به شرح هـــر یک از آنها می پردازیم:

۱ — تلمبه‌های پیستونی:

تلمبه‌های پیستونی بر اصل ایجاد فشار مستقیم بوسیلهٔ پیستون روی مایع داخل سیلندر کار می کنند.

این تلمبه‌ها به دو دستهٔ یک طرفه و دو طرفه تقسیم می‌شوند.

«تلمبه‌های پیستونی یک طرفه» بر اساس شکل (۱) ساخته‌شده‌اند. همانطور که دراین تصویر ساده دیده می‌شود، دستگاه از یک سیلندر، پیستون، محفظه جمع شدن مایع، دو دریچهٔ فوقانی و تحتانی تشکیل یافته و چگونگی عمل باین ترتیب است که وقتی پیستون به عقب رانده می‌شود درداخل محفظه خلاء نسبی ایجاد می‌شود و فشار هوا که روی مایع است آنرا از لولهٔ مکش به داخل محفظه منتقل می کند.

در این حالت روی دریچهٔ فوقانی به علت وجود فشار هوا مسدود است، حال اگر بر اثر حرکت پیستون به طرف جلو، فشار داخل محفظه بالا رود دریچهٔ فوقانی بازشده و باعث فشارگرفتن مایع داخل لوله می‌شود.

ادامهٔ رفت و برگشت، پیستون را از منبع ذخیره به محل مورد نظر منتقل می کند.

عیب اساسی تلمبه‌های پیستونی یک طرفه، یکنواخت نبودن فشار آب در داخل لولهٔ فشار است، که بجای این تلمبه‌ها از نوع دوطرفه استفاده می کنند.

«تلمبه پیستونی دو طرفه» نوع تکامل یافته تلمبه‌های یک طرفه است. دراین تلمبه‌ها، هر دو جهت پیستون، کار انجام می‌دهد باین ترتیب که در هر حرکت، در یکطرف ایجاد فشار می کند و در طرف دیگر مکش بوجود می‌آورد. به همین جهت، روی مایع همیشه فشار تقریباً یکنواخت ایجاد می‌شود. درشکل ۲ یکنوع تلمبه‌ی دو طرفه دیده می‌شود، که با شمای ساختمان ساده آن، سیستم تلمبـــه مشخص‌تر شده است.

تلمبه‌های پیستونی، بیشتر در مواردی بکار می‌روند که مقدار کمی مایع تحت فشار زیاد مورد نیاز است.

نکته‌های مهم درساختمان تلمبه‌های پیستونی:

در این تلمبه‌ها، برای یکنواختی بیشتر فشار لوله و مکش، از کلاهک هوا استفاده می‌شود، با اینکار از پدید آمدن ضربه‌های هیدرولیکی جلوگیری شده، ستون مکش افزایش می‌یابد.

همچنانکه در شکل ۳ دیده می‌شود، کلاهک هوا از یک اتاقک پر از هوا تشکیل شده است. زمانیکه پیستون بسوی جلو حرکت می کند و مایع وارد لوله فشار می‌شود و همراه آن، هوای داخل کلاهک فشار، نیز متراکم شده و فشارش افزایش می‌یابد.

با برگشتن پیستون، فشار موجود روی مایع، به صفر می‌رسد که دراین حالت، هوای متراکم منبسط شده، مایع داخل لوله را تحت فشار قرار می‌دهد.

روش کار «کلاهک مکش» کاملا شبیه «کلاهک فشار» است.

ویژگیهای تلمبه‌های پیستونی

مهمترین مشخصات این تلمبه‌ها را می‌توان اینطور خلاصه کرد:

۱ــ گنجایش تلمبه یا میزان آبدهی: که برابر مقدار مایعی است که تلمبه درواحد زمان از دهانه خود خارج می کند و بصورت حجمی یا وزنی بیان می‌شود. (متر مکعب در ساعت، گالن در دقیقه، کیلوگرم در ساعت وغیره).

۲ــ ارتفاع مکش: برابر ارتفاع ستون مایعی است که بر اثر خلاء نسبی و فشار هوا روی آن بوجود می‌آید. این بلندی در مایعات گوناگون، متفاوت است و به ارتفاع محل از سطح دریا، درجه حرارت مایع و همچنین مسیر و ویژگیهای لوله بستگی دارد. (بلندی مکش آب در شرایط متعارفی و خلاء ۱۰/۳۳ متر است، اما ارتفاع حقیقی آن ۷ــ ۶ متر است که باید به هنگام نصب تلمبه به آن توجه داشت.

۳ــ فشار تلمبه: برابر مقدار انرژی داده شده به واحد وزن مایع هنگام عبور از تلمبه است که این امر فشار را با سرعت لازم، به ارتفاع مورد نظر می‌رسانند و بر حسب کیلوگرم بر سانتی متر مربع یا میلی متر آب و میلی اینچ آب تعیین می‌شود. (میلی متر آب، فشاری است معادل یک کیلوگرم بر متر مربع).

ــ تلمبه‌های پیستونی، جدا از دو نوع دوطرفه و یک طرفه، از نظر میزان فشار آبدهی و همچنین سرعت رفت و برگشت پیستون، کاربردهای متفاوت دارند.

«انواع دیگر تلمبه را در بحث جداگانه‌ی دیگری مورد بررسی قرار خواهیم داد...»

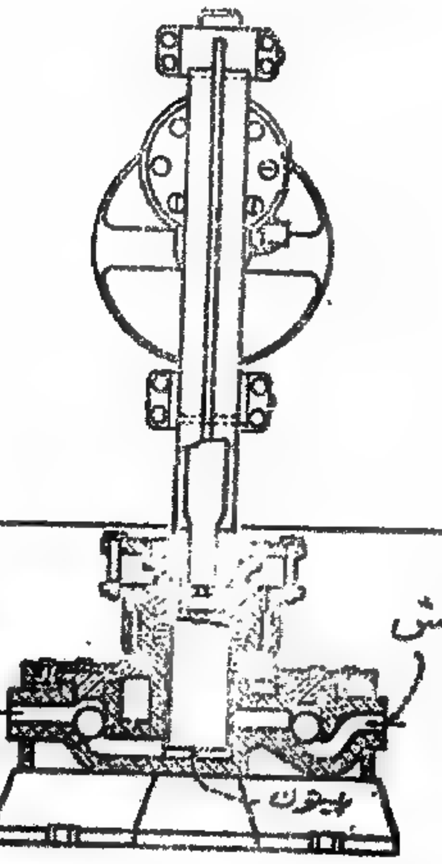

شکل ۱

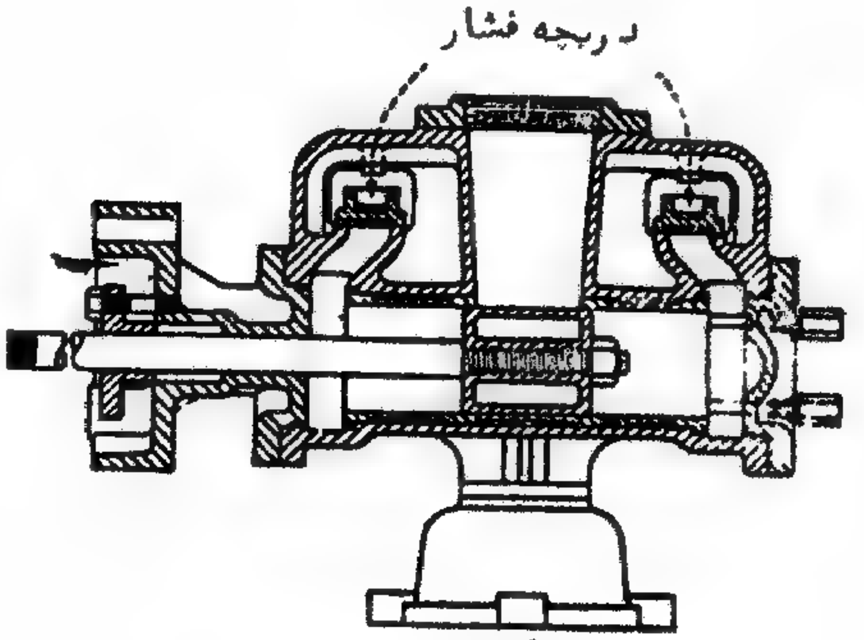

شکل ۲

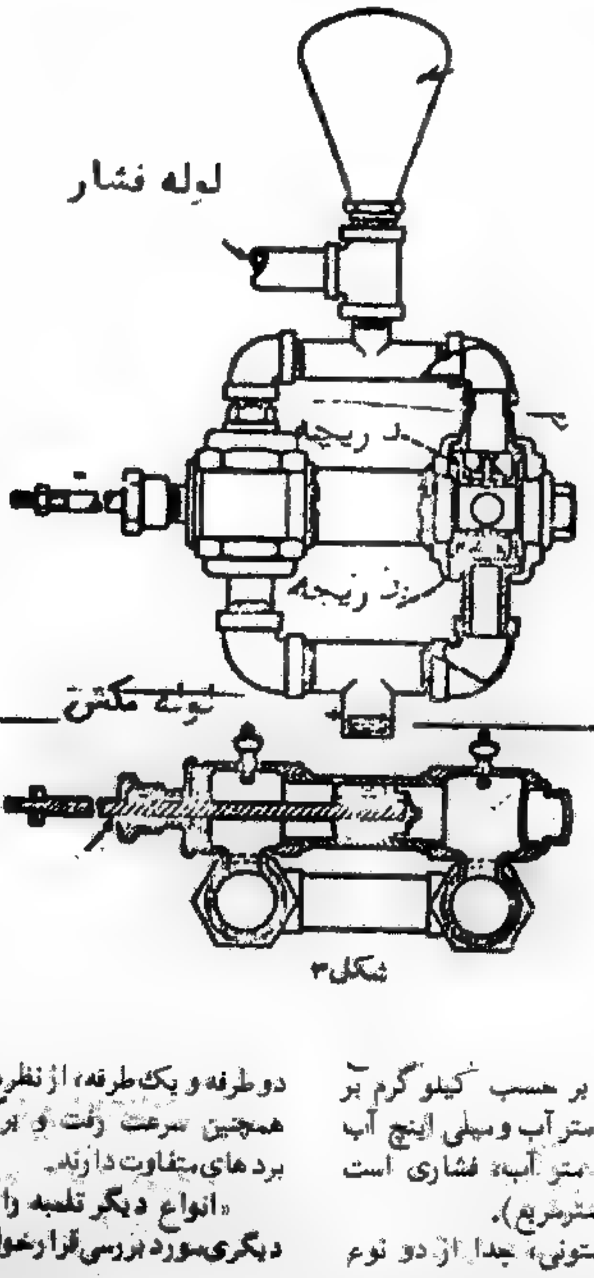

شکل ۳

گزارش ششماهه فعالیت «سرویس حرفه وفن»

کارگران عزیز

سرویس «حرفه‌وفن» با عرضه ۵۷ صفحه مطالب صنعتی، علمی، حرفه‌ای و اقتصادی هم‌اکنون شش‌ماه از فعالیت خود را پشت سر می‌گذارد.

این بخش از مجله کارگران که هدفی جز افزایش دانش حرفه‌ای وصنعتی دست‌اندرکاران فعالیتهای فنی، ندارد، در ۲۲ شماره گذشته بیش از ۲۰۰ مطلب کوچک و بزرگ درباره ۱۲ رشته صنعتی وحرفه‌ای را دراختیار خوانندگان خود قرار داد. گرچه عرضه مطالب علمی — صنعتی که جنبه آموزشی صرف داشته باشد، کمتر مورد توجه مطبوعات بوده، لیکن انتشار اینگونه مباحث در مجله کارگران و استقبال خوانندگان، نشان داد که بسیاری از خوانندگان به مطالعه مقالات فنی و علمی علاقه زیادی ابراز می‌دارند.

نامه‌هایی که در این مدت بدست ما رسیده، گویای این نکته است وباشروع مسابقه «دانش صنعتی» سیل نامه‌های علاقمندان مسایل صنعتی، بخوبی نشان داد که نه تنها کارگران و دست‌اندرکاران صنایع از صفحات حرفه و فن استقبال می‌کنند بلکه سایر افراد عادی ودانش‌آموزان و هنرجویان نیز به مطالعه اینگونه مباحث علاقمندند.

*کارگران خارج از کشور

در این مدت، هم‌میهنان خارج از کشور نیز بانامه‌های خود ما را مورد تشویق قرار دادند و در این راه خواسته‌هایی را عنوان کردند. در این جا باید از آقای محمدرضا فارسی هم‌میهن ساکن کشور «کویت»، آقای فرهاد محمدی ساکن «قطر» وشاهین بهرامی ساکن «بحرین» یاد کرد.

کارگران‌عزیزی هم که از اقصی نقاط کشور برای ما زحمت نوشتن نامه را بخود هموار ساختند، بنوبه خود ادامه کار ما را خواستار شدندودرارائه مطلب بهتر و فعالیت بیشترما راتشویق کردند.

*سهم رشته‌های صنعتی

درشش ماه گذشته، سرویس «حرفه‌وفن» کوشید تا حدامکان برای اکثر گروههای کارگری ورسته‌های صنعتی، مطالب‌آموزنده‌ای ارائه دهد. همچنین تهیه و عرضه خبرهای تکنیکی و رویدادهای دستگاهی و فنی نیز یکی دیگر از فعالیتهای این بخش از مجله کارگران بود.

تازه‌ترین روشهای حرفه‌ای و دستگاههای جدید وسیستم های تازه‌ای که در جهان صنعت و علم به بازار می‌آید نیز، مقاله‌های ریز و درشت صفحات حرفه‌وفن را تشکیل می‌داد.

طی ۲۲ شماره گذشته، سعی شد تا برای آندسته از کارگرانی که در رشته‌های کم کار و به اصطلاح محدود نیز فعالیت دارند مطالب آموزنده و بجایی عرضه شود.

لازم به یادآوری است که چون هم‌اکنون رشته‌های اتومکانیک، برق و ساختمان و تأسیسات بیشترین فعالیت کارگری را به خود اختصاص داده‌اند، سهم‌مطالب این رشته‌ها بمراتب بیشتر بوده است.

بطوریکه در این مدت ... درصد ازمطالب حرفه‌وفن به رشته اتومکانیک اختصاص یافت. «اتومبیل چیست» که بصورت یک پاورقی فنی ازنخستین شماره مجله دراختیار خوانندگان قرار گرفت، مهمترین مطلب این رشته بشمار می‌آید. «روش امتحان باتری»، «جک‌لاستیک‌بادی»، «تعویض روغن موتور به روش کاملا جدید» و مانند اینها درزمره دیگر مقالات این رشته ازسرویس‌راد بررسی گیرد.

از آنجا که هم‌اکنون «کامیون» و «کامیون‌داری» یکی از کارهای مورد علاقه رانندگان است، ازشماره هشتم مجله در قالب یک داستان جالب، اصول کامیونداری ازدید علمی و عملی عرضه شد، که این مطلب تا دو شماره‌قبل ادامه داشت.

مقالات مربوط به «اتومکانیک» ۲۸/۳۷ صفحه از ۵۷ صفحه حرفه‌وفن درشش ماه اخیررا تشکیل می‌داد.

۸ درصد سهم برقی‌ها

پس از اتومکانیک، برق و سیم کشی ساختمان والکترونیک بیشترین صفحات‌رابه خود اختصاص دادند. مطالب مربوط به برق بیش از ۵/۵ صفحه از صفحات شش ماهه حرفه‌وفن را در برمی‌گرفت که «چگونگی ساخت دستگاههای الکترونیکی»، «روش کارآمپرمتروولت‌متر»، «موتوربرقی» ازجمله این مطالب بود.

این مبحث ۲۲/۷ درصد از کل نوشته‌های حرفه و فن در مدت شش‌ماه اخیررا تشکیل می‌داد که هم برای کارگران ساده و هم درجه یک می‌توانست مورد استفاده قرار گیرد.

دراینجا بایدمتذکرشد که درشماره‌های آینده ازمبحث اتومکانیک کاسته خواهد شد و مطالب مربوط به برقکاری والکترونیک سهم بیشتری رابخوداختصاص می‌دهد.

۵ صفحه برای معدنچی‌ها

رشته معدن و متالوژی بصورت کنونی، یکی از رشته‌های صنعتی گسترده‌ونوپای صنعتی کشورشمارمی‌آید که البته نقش‌ارزنده‌ای که دست اندرکاران معدن، کداز فلزات و متالوژی می‌توانند به عنوان پایه‌های صنایع «مادر» ایفا کنند، سرویس حرفه وفن را بر آن داشت تا درزمینه استخراج، تبدیل و تهیه مواد معدنی مطالب آموزنده‌ای ارائه دهد.

طی ۶ ماه گذشته، ۵ صفحه از ۵۷ صفحه حرفه وفن به این رشته صنعتی اختصاص یافته.

روش الکترولیزمس، تشویه و چگونگی انواع آن، گاز زدایی معدنی، در این سرفصل جای می‌گیرند. نکته مهم بیشتراختصاصی بودن این مطالب درمقایسه با دو رشته قبلی است که هدف ما نیز ارائه این مطالب برای تکنسین‌ها و هنرآموزان بوده است.

سهم کم جوشکاری

گرچه «جوشکاری» درسالهای اخیر مورد توجه‌بسیاری از کارگران قرار گرفته ونیاز به دانستنیهای گسترده دراین زمینه بخوبی احساس می‌شود، لیکن باید گفت برتری رشته اتومکانیک وبرق، ازسهم‌مطالب جوشکاری به نحو چشمگیری کاست. دراین شش ماه تنها ۲/۲ صفحه از کل صفحات حرفه وفن به «جوشکاری وانواع آن» اختصاص یافت. به عبارت دیگر در میان مطالب ارائه شده، پس از اتومکانیک، برق‌ومعدن، وتأسیسات پنجمین رقم‌را به خود مربوط کرد ودر مجموع ۳/۶ درصد ازکل مطالب را دربرگرفت.

۵/۶ درصد مطلب «تأسیساتی»

تأسیسات نیز یکی دیگر ازمباحث مورد توجه درسرویس حرفه وفن مجله کارگران بوده است.

اگر بتوان تأسیسات را درانجام فعالیتهای لوله کشی (اعم‌ازگازوآب)، نصب کنتورهای سیال، شوفاژو غیره خلاصه کرد، باید گفت که در طی ۲۲ شماره گذشته مجله، مطالبی‌نظیر «چگونه ازچکه کردن شیرهای آب جلوگیری کنیم؟»، «روش کار بالوله‌های مسی» و کنتورهای اندازه‌گیری ۵/۳ صفحه از صفحات حرفه‌وفن رادربرمی‌گرفت.

این مطالب ۵/۶ درصد ازکل مطالب حرفه‌وفن رابه‌خوداختصاص داد.

رشته‌های دیگر

در زمینه سایر رشته‌های صنعتی و حرفه‌ای نیز تاحد امکان مطالبی ارائه شد که باتوجه به‌محدودبودن رشته‌ها، سهم متفاوتی‌نصیب هریک‌شده‌است.

«فلزکاری» که‌به‌عنوان رکن‌اصلی صنایع فلزی مورد توجه است، با ۵/۶ صفحه، ساختمان بادوصفحه وریخته‌گری بایک‌صفحه ازجمله رشته‌های دیگری است که مطالبی‌از صفحات‌حرفه‌وفن رابه‌خود اختصاص دادند.

صنعت پشم‌وکشاورزی نیز دراین‌میان بی‌نصیب نماندند. کارگران کشاورزباخواندن ۵ ۲/۲ صفحه‌وکارگزارانو دست‌اندرکاران پشم نیز بامطالعه $\frac{1}{2}$ صفحه مطلب، چندان قانع نشدند که‌امیدواریم درآینده‌مقالات‌بیشتر ومتنوعی‌را دراختیارآنها قرار دهیم.

مطالب‌صنعتی عمومی

سرویس «حرفه‌وفن» ازآغازانتشار مجله، کوشید تادر زمینه مباحث مشترک‌گروههای صنعتی، مطالبی‌راعرضه کند.

به‌همین سبب طی ۲۲ شماره گذشته، بیش از ۵/۲۲ صفحه ازصفحات حرفه‌وفن به‌مطالبی اختصاص یافت که برای حداکثرکارگران و دست‌اندرکاران صنایع مورد استفاده‌قرار گیرد.

«تازه‌های علم‌وصنعت» نخستین‌مطالب «عمومی» ، وآشنایی‌بارشته‌های مهندسی‌وفنی تازه‌ترین مقاله‌ای است که دراین زمینه عرضه شده است.

دراین بخش ازمطالب، کوشش‌می‌شود تامطالبی ارائه شود که برای کارگران‌ساده، تکنسین‌هاو کارگران درجه‌یک کارسازومفید باشد.

معرفی کتاب‌های گوناگون صنعتی و حرفه‌ای، مطالب‌ویژه مدیریت‌واقتصاد، دانستنیهای وانشناسی صنعتی‌و پاسخ به‌نامه‌های خوانندگان ازجمله‌مقالاتی است که در این زمینه‌انتشاریافته.

برگزاری‌مسابقه‌دانش صنعتی ازابتدای سال‌نو نیز به پیروی از اهداف مجله کارگران بودو افزایش دانش حرفه‌ای‌وفنی را همواره دنبال کرده است.

تاکنون ۵/۰۳ درصد ازمطالب حرفه‌وفن بمقالات حرفه‌ای‌و صنعتی عمومی اختصاص یافته است.

* *

باین ترتیب دراینجا خلاصه‌ای ازفعالیت سرویس حرفه‌وفن‌ذکر شدو شما خوانندگان عزیز باچگونگی کارو نحوه عرضه‌مطالب این بخش ازمجله کارگران‌آشنا شدید.

امیدواریم درآینده، خیلی بهتروباپشتکار بیشتری نیازهاو خواسته‌های فنی‌و علمی شما را برطرف‌سازیم‌ودرراه افزایش‌سطح دانستنیهای حرفه‌ای‌ یاریتان کنیم.

از نسرین نادرشاهی

زندگی فردای کارگران ما، روش

ساعتی در کنار خانواده عزیزالله خاموشیان، راننده کامیون

عزیزالله خاموشیان ، سی‌ساله ، راننده کامیون مخصوص حمل گازوئیل است و ازدواج کرده و با شادی خاص هر پدری انتظار تولد فرزندش را می کشد او ماهانه یکهزارو پانصد تومان حقوق میگیرد. و در خانه‌ای که اجاره‌اش ماهانه چهارصد تومان است ، زندگی می کند. کلاس پنجم طبیعی را گذرانده ولی بعلت گرفتاری‌های خانوادگی ترک تحصیل کرده است. با او وهمسرش به‌گفتگو می‌نشینیم و آنچه در پی میاید ، بازگوی این دیدار است...

* * *

خانه‌اش در کوچه پس کوچه های خیابان حشمت‌الدوله است. با خبرنگار عکاس مجله ، بدیدارشان می رویم. معصومه خاموشیان که بیست‌وسه‌سال دارد ، چادرنماز گلدار سفیدی بسر کرده است و درحالیکه از اضافه وزن ناشی از حاملگی ناراحت بنظر میرسد ، در را بروی ما باز می کند ، و لحظه‌ای بعد به اتاقی وارد می‌شویم که زینتش گهواره سفید زیبائی است که تورهای آبی وسپید از آن آویزان است. فضای اطاق بوی شادی و خوشحالی میدهد ، شادی انتظار تولد فرزندی که کانون زندگی خانواده را بیش از پیش گرم می‌سازد.

سختی از گذشته

بعداز نوشیدن یک فنجان چای گرم اولین سئوالم را با آقای خاموشیان درمیان می‌گذارم و سئوال این است : از کی بکار پرداختید و اولین دستمزد شما چه مبلغ بوده است؟

جواب میدهد: درکرمانشاه اقامت داشتیم و تا کلاس سوم متوسطه درس خوانده‌بودم که باز همان قصه قدیمی و غم‌انگیز گذشته ، یعنی عدم امکانات مالی سبب شد بناچار ترك تحصیل کنم. این بود که درگاراژی بعنوان شاگرد میکانیسین مشغول به کار شدم. حقوق روزانه‌ام هشت تومان بود و ازآنجا که به تحصیل دانش علاقه زیادی داشتم ، در کلاس شبانه نام‌نویسی کردم و ضمن کار موفق شدم دو کلاس دیگر را نیز بپایان برسانم.

بعد حس کردم که علاقه‌ام نسبت به کارهای فنی بمراتب بیشتر از دلبستگی به تحصیل دبیرستانی است. این‌بود که دوباره ترك تحصیل کردم وفعالیت خود را روی‌مسائل فنی متمرکز کردم. در این سالها بود که پدرو برادرانم بتدریج از کرمانشاه راهی تهران شدند. به این‌جهت محیط شهر کرمانشاه برای من هم حالتی خسته کننده و غریب پیدا کرد و ناچار تصمیم گرفتم بار سفر به تهران ببندم. همینکه به تهران آمدم ، درگاراژی که متعلق به دائی‌ام بود ، مشغول کار شدم ، اما این همکاری دیری نپائید ، چون خلق‌وخوی من با کیفیت اخلاقی دائیم سازگار نبود.

او مردی مشروب‌خوار بود که باوجود رسیدن به سن پیری ، ازدواج‌هم نکرده بود. به این‌جهت و دلائل دیگر ازکارکردن در گاراژ او منصرف شدم و در تعمیرگاه دیگری در خیابان نظام‌آباد به کار پرداختم.

حدود یکسال وپنج‌ماه پیش بود که اتومبیل تازه تعمیری را برای آزمایش از گاراژ بیرون‌بردم. در راه برای بازرسی قسمت زیرین اتومبیل پیاده شدم و در لحظاتی که سرم را بزیر اتومبیل برده و مشغول‌بازرسی بودم ، موتورسواری که با سرعت حرکت میکرد. با من برخورد کرد. در این‌حادثه دونقطه ازجمجمه‌ام شکست و به قفسه سینه‌ام نیز لطمه شدیدی وارد آمد. مدت چندماه در بیمارستان و منزل بستری بودم. بعداز اینکه سلامت خود را دوباره بازیافتم ، تصمیم گرفتم کار جدیدی در پیش گیرم ، کاری که فرصت‌های بیشتری برای استراحت داشته باشد...

چطور باهمسر خود آشنا شدید؟

حرف از بیماری وگرفتاری زیادگفته شد. ازخاموشیان و همسرش درباره ماجرای‌عشق و آشنائی و ازدواج می‌پرسم تا شاید به این‌سبب خاطرات غم‌انگیز بیماری فراموشش شود.

خاموشیان می گوید:

ماجرای آشنائی و ازدواج ما به‌نظر خودم بسیارعجیب‌وباورنکردنی‌است، بطوریکه آنرا برای هرکس بازگوئی کنم ، دچار حیرت میشود. جریان ازاین‌قرار است که حدود هشت ماه قبل‌از ازدواج ، یعنی زمانیکه من بستری بودم ، روزی خواهرم ضمن گذشتن از کوچه‌ای متوجه‌میشود که آش نذری‌میدهند. او به‌اعتقاد خودش که فکر می کنم بین اغلب مردم ایران رایج است ، جلومیرود و بصاحب خانه‌ای که آش‌نذری پخته بود ، میگوید : چون برادرم مریض است ، خواهش می کنم برای بهبود اویک کاسه آش بدهید...

هرچند که صاحب‌خانه دست او را کوتاه نکرد ، ولی بطوریکه بعدها فهمیدم ، همسر صاحب‌خانه که مادرزن فعلی من است ، به شوهرش‌گفته بود فکر نمی کنم ظرفی‌راکه باین‌زن میدهیم ، دیگر برگرداند ، چون او را نمی‌شناسیم.

ولی نظر آنها درست نبود ، چون خواهرم بلافاصله ظرف آش را با چندگل‌سرخ که درآن گذاشته بود ، برای آنها بازگرداند. این مسئله

ما ازدواج کرده‌ایم برای دست یافتن
به خوشبختی نه برای دعوا و اختلاف و جار و جنجال

ن ترازامروزاست

موجی ازحیرت درمیان خانواده همسرم بوجود آورد سبب شد که باهم آشنائی بیشتری پیدا کنیم واین آشنائی خوشبختانه بعداً منجر به ازدواج شد.

معصومه خاموشیان خیلی خاموش نشسته است و باچشمهای کنجکاوش حرفهای شوهرش راگوش می‌دهد. این است که ازاو نیز دراین باره سؤال می کنم ، می‌گوید : حدود شش‌سال پیش زمانی که برای زیارت بمشهد رفته بودم، شوهر فعلیم را در خواب دیدم. ازآن زمان خواستگاران زیادی بخانه مارفت‌وآمدمیکردند ولی من هربار به پدرم می‌گفتم او کسی نیست که من در خواب دیده‌ام. چندسال به‌این ترتیب گذشت ، تااینکه یک روز برای میهمانی بخانه شوهر فعلیم رفته بودیم. درآنجا بود کمن عکس اورا روی‌طاقچه اتاق خواهرش دیدم وآنقدر هیجان زده‌شدم که همانجا بمادرم گفتم خودش است .وشب‌هم که بخانه بازگشتیم ،موضوع را باپدرم درمیان گذاشتم، اتفاقاً روز بعدبود که‌آنها بخواستگاریم‌آمدند، وما هم بلافاصله قبول کردیم و ازدواج سرگرفت. جشن کوچکی گرفتیم و باهم زندگی‌زیریک سقف راشروع کردیم.

آینده‌نگری درباره کارگر فردا

این‌بار ازآقای خاموشیان در باره کارگر فردا می‌پرسم ، جواب این است : طرحها و برنامه‌هائی که برای بهسازی‌هرچه بیشتر زندگی کارگران در دست تهیه است ، همه قابل ستایش و تعمق است ،البته این‌راهم میدانم که این‌همه از اثرات توجه‌خاص پدر تاجدار شاهنشاه‌آریامهر است و بهمین‌جهت بااطمینان میتوان گفت کـه زندگی فردای کارگران‌ما روشن تر ازامروزخواهد بود.

آرزوهای خانواده

از معصومه خاموشیان در باره آرزوهای خانواده‌سؤال‌می کنم،می‌گوید:

— اول اینکه یک چهار دیواری‌داشته باشیم تابه میل خودمان حیاطش را گل کاری کنیم ، برای اتاقها پرده بدوزیم ، تمیز نگاهش داریم و بعد اینکه دراین محیط سالم و پاکیزه کودکمان را تربیت‌وپرورش دهیم. میدانید ما برای این بچه خیلی‌آرزوها داریم. یعنی می‌توان گفت‌که تمام آرزوهای ما برای خوشبختی اوست. چه پسر باشد ، چه‌دختر ، فرقی نمی کند ، مهم این است که ماوسائل رفاهش را آماده سازیم.

تنظیم خانواده

این بار ازخاموشیان درباره‌مهم ترین‌مسئله زندگی‌خانوادگی ، یعنی تنظیم‌خانواده‌می‌پرسم، می‌گوید : من ترجیح میدهم بیش از دواولاد نداشته باشم. تربیت‌شایسته این دوبچه‌می‌تواند بزرگترین افتخار برای من باشد ، چه‌من همواره کیفیت‌رابر کمیت ترجیح داده‌ام.

تفریحات خانواده

هرخانواده‌ای بنوعی تفریح‌می کند و تفریح غذای‌روح است. ببینم خانواده خاموشیان در اوقات فراغت بچه نوع تفریح هائی‌روی میآورند ؟ـ از آقای خاموشیان‌دراینبار‌سؤال می کنم، پاسخ می‌دهد :

— من سینما‌ومطالعه را برهرگونه تفریح دیگری ترجیح میدهم. فیلم‌های اخلاقی‌مورد انتخاب من است خوشبختانه همسرم هم این‌گونه فیلمها را می‌پسندد. گهگاهی‌هم به تماشای‌تلویزیون می‌نشینیم. من درگذشته از خوانندگان یکی از مجلات هفتگی‌بودم ، ولی ازبدو انتشاراولین‌شماره‌مجله «رستاخیز کارگران» دریافتم که‌هم از نظرفرم‌وهم ازنظر مطلب‌نشریه دلخواه‌خود را یافته‌ام.

روزنامه رستاخیز راهم مطالعه‌می‌کنم، و از دوسال پیش مطالعه کتابهای‌ادبی‌هم بصورت یکی ازسرگرمیهای درجه‌اول من درآمده است. کتابهای صادق‌هدایت‌وهمچنین‌آثار نویسندگان خارجی‌مثل‌ویکتورهوگو ، بالزاک وداستایوسکی‌مورد علاقه‌ام است...

حرف زیاد گفته شد و خیلی خوشحال شدم از اینکه وقتی ازاختلافات خانوادگی حرف به میان آمد ،این زن‌و شوهر سعادتمند هردوگل تبسمی بروی‌هم انداختندوگفتند «ما ازدواج کرده‌ایم برای دست یافتن به خوشبختی ،نه برای دعوا واختلاف‌وجاروجنجال.»

از این گفته آنها ، غرق در لذت شدم ، وآرزو کردم پیوسته این خوشبختی‌و خوشحالی را باخود داشته باشند......

دقت کنید. ازنگاه این زن و شوهر بهم ، بخوبی می توان خواند که سخت یکدیگر را دوست دارند، و این عشق وصداقت . بی تردید‌خوشبختی دائمی‌آنها را تضمین خواهد کرد.
پدرآقای خاموشیان درحال‌چای خوردن، چشم به نگاه‌عاشقانه پسر وعروسش دوخته است.

این چهره ، به چهرهٔ یک میلیون دلاری نمی‌ماند ، بلکه بیشتر به چهرهٔ یک‌مشت زن نامناسب می‌ماند.

با این وجود ،قیافه زشت اما مردانـــه «چارلز برونسون» که زمانی کارگر زغال‌سنگ در معادن « پنسیلوانیا »ی آمریکا بوده است ، سرمایهٔ اوست . قیافهٔ زشت این کارگر پیشین ، برای اوسبک زندگی یی به وجود آورده است که تا همین چند سال پیش بی‌تردید برایش غیر ممکن بود. درآن زمان ، او یکی ازشناخته‌ترین اما ناشناس ترین هنرپیشگان در فیلم ها و تلویزیون بود.

کارگر پیشین ، راه خود را از میان یک سلسله طولانی ازفیلم های‌به خاطر نیاوردنی باز کردمیس ، بعد از این فیلم که او درفیلم‌های « هفت دلاور» و« دوازده مرد خبیث » درخشید، همهٔ کارها برایش روبراه‌شد.

و امروز در ۵۲ سالگی « چارلز برونسون » که پسر یک مهاجر بی‌سواد روسی است ، بیش‌از نمونه‌های مشهور مردانگی مانند « رابرت ردـ فورد » ، « مارلون براندو »و « استیومک کوئین » پول به دست‌می آورد.

همهٔ این چهار هنرپیشهٔ برجسته ، برای بازی در هر فیلم ، یک‌میلیون دلارمی‌گیرند، اما « برونسون» که تشنهٔ کار کردن است ، معمولا سالانه درسه فیلم بازی می کند ، درحالی که سه هنر پیشه دیگر به بازی در یک فیلم قانع هستند.

همسر معدنچـــــی پیشین پنسیلوانیا ، « جیل ایرلند » است که یک ستاره سینمای انگلیسی است.

*اگر پول بتواند خوشبختی را بخرد

اگر پول بتواند خوشبختی را بخرد ، به نظر میرسد که برای‌این زن و شوهر چنین کرده است.

این زوج هنرمند ، دراوقات فراغت ، میل دارند به خانهٔ روستائی و بی‌آلایش خود در « ورمونت » پناه ببرند.

اعضای خانوادهٔ معدنچی سابق ، مجموعاً هشت‌نفرند همسر «برونسون» سه پسر ازشوهر سابق خود « دیوید مک کالوم » دارد و خود « برونسون » هم یک پسر و یک دختر از همسر سابق خود دارد . اما فرزند مشترک این زوج هنرمند، « زلیخا »ی چهارساله است.

مرد زشت سیما ، بوی روستا و غرش یک موتورسیکلت خوب‌را دوست دارد و او نزدیک به ۴۰ موتورسیکلت در« اصطبل » خود نگه‌ـ داری کرده‌است.

مسخره این‌جاست که دهۀ ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ ، هرگز نمی‌توانست هنرپیشهٔ برجسته‌یی با قیافه « برونسون » تولید کند ، زیرادر آن زمان ها به پسرهای زیبا و مردان خوش تیپ میدان‌می‌دادند.

زیرنظرشاهرخ تویسرکانی

صفحه خودتان

نوری در تاریکی

محسن خوابش نمیبرد. گرمای تابستان، پشه‌های ریز ودرشت که باسماجت دور وبرش وزوزمیکردند، وبهتر از همه، افکار ناراحت کننده‌ای که داشت دست بدست هم داده بودند که مانع استراحت اوشوند وهرچه سعی میکرد خودش را از فکر بیرون ببرد، نمیتوانست. ناچار برخاست، توی رختخواب نشست. پاهایش را دراز کرد. همسر وبچه‌اش قدری دور از او خوابیده بودند.

محسن به‌آن‌ها فکر میکرد، وبه‌سرنوشت نامعلومی که در انتظارشان بود اندیشید. سه سال بود که روی یک «اختراع» کار کرده بود. او کارگرماهری بود، همیشه مهمترین کارهای فنی درکارخانه باو واگذار میشد. از کودکی علاقه شدیدی به کارهای مکانیکی داشت. وقتی در کلاس دوم متوسطه مردود شد، دیگر به‌مدرسه نرفت ودر یک گاراژ شروع بکار کرد. دراینجا بهتر میتوانست به کارهای ذوقی‌اش برسد وتجربه‌های تازه‌ای بدست آورد.

او ازهمان موقعی که در دبستان تحصیل میکرد، در کاردستی بهترین نمره‌ها را می‌آورد ومعلمانش ازاینهمه استعداد او تعجب میکردند.

ازسه سال پیش محسن تمام کوشش خودش را برای تکمیل کردن اختراعش صرف کرده بود. در عرض اینمدت کمتر به‌سر کارش میرفت. حتی بیشتر درآمدش را هم دراین راه بکار برده بود. ولی از یک ماه پیش در راه تکمیل اختراعش به‌یک بن‌بست فنی رسیده بود و هر کارمیکرد نمیتوانست آن را از بین ببرد.

حالا حس میکرد تمام زحماتش بهدر رفته است، نه تنها آرزویش را دست نیافتنی میدید، بلکه فکرمیکرد آینده همسروبچه‌اش هم دچارابهام شده‌است.

ازطرفی صرفنظر کردن از اختراعی که برایش آنهمه زحمت کشیده وپول خرج کرده بود، غیرممکن بود. هماطور که توی رختخواب نشسته بود، ازشدت ناراحتی چند بارسرش را بهو طرف تکان داد. پشه‌ها همینطور دور وبرش میچرخیدند. حدس زد دو سه ساعت از نیمه شب گذشته است. دستگاه نیمه تمامی که اختراع کرده بود، درنظرش مجسم شد. فکر کردن درباره آن را بیهوده میدانست، اما هر کار میکرد نمیتوانست آن را فراموش کند. آخر زندگیش را روی این دستگاه گذاشته بود. افکارش مثل سیل مهیبی بسوی دستگاه هجوم بردند. به‌بن‌بستی که رسیده بود، اندیشید، انگار میخواست باافکارش آن را آب کند واز بین ببرد.

ضربان شقیقه هایش را حس میکرد. سرش داشت دردمیگرفت، اماسماجتش هرلحظه بیشتر میشد. فکر میکرد، خودش را میکاوید، تمام توانائی ذهنش را بکار میگرفت وباز درباره دستگاه می‌اندیشید.

خودش هم نفهمید چه مدت زمان باین ترتیب گذشت: یک ساعت، دو ساعت، بیشتر یا کمتر، که ناگهان ازجا پرید. ازبس عجله داشت پایش به‌سر بچه‌اش گرفت. بچه وحشت‌زده از جایش پریدو گریه راسرداد. همسرش هم بیدارشد، اما محسن متوجه آنها نشد بسرعت بطرف زیر زمین دوید، چراغ را روشن کرد، نگاهی به‌دستگاه انداخت. تعداد زیادی آچار، قوطی‌های روغن وپیچ ومهره‌های کوچک وبزرگ اطراف زیر زمین ریخته بود. محسن یکی از آچارها را برداشت، از بس دستهایش میلرزید، درست نمی‌توانست آچار را لای پیچ بگذارد.

در همین موقع همسرش باحالتی خواب آلود از پله‌های زیر زمین پائین آمد. چشمهایش را مالید وحیرت زده گفت: محسن، مگربسرت زده؟! اینموقع شب اینجاچکارمیکنی؟

محسن حرفی نزد. فقط سرش را تکان داد. چند لحظه بعد، در آهنی محفظه وسط دستگاه را باز کرد ونگاهی بداخل آن انداخت. چند لحظه باسیم‌های داخل آن ور رفت. همسرش همینطورایستاده او را نگاه میکرد. عرق پیوسته ازسروروپش میریخت. حالا دستهایش باسرعت بیشتری کار میکرد. کمرش را راست کردو به‌اینطرف‌وآنطرف دستگاه نگاهی انداخت. بلند میشد ومینشست ودراین حین ناگهان چراغ سبز رنگ روی دستگاه روشن شد. محسن فریادی ازخوشحالی کشید. نور چراغ روی صورت عرق کرده‌اش منعکس شده زنش همینطور او را نگاه میکرد، وحالا متوجه شده بود که شوهرش موفق شده است. او سرانجام دستگاه اختراعش را کامل کرده وبه‌آرزویش رسیده بود.

فرستنده — محمدبهائی تکنیسین شرکت مخابرات

چرا هنگام مکالمه تلفنی میگویند:

الو

نخستین کسی که بفرستادن یک پیام تلفنی توفیق حاصل کرد، یکنفر اهل مجارستان بود و به نام «تیوادای بوش کلش». در زبان مجاری «هالود» یعنی «آیا میشنوی؟» و همین کلمه بود که بتدریج به هالو و بالاخره آلو مبدل گردید و برای همیشه در مکالمات تلفنی بکار رفت.

اصغرپاکزاد. کارگرشرکت مخابرات (تهران)

جسم یک انسان چقدر ارزش دارد؟

شاید شما نیز مثل میلیونها نفر از مردم جهان گاهگاهی از خود این سؤال را کرده باشید که یک آدم چقدر ارزش دارد؟ که مسلماً این جواب نسبت به‌ذوق وسلیقه وشغل هر کسی فرق میکند.

یک شیمیست معروف فرانسوی پس‌از بدست‌آوردن وزن وقد یک‌آدم معمولی او را دقیقاً مورد تجزیه وتحلیل قرار داده ونتیجه‌ای بدین‌شرح بدست آورده است:

۱— مقدارچربی اندام یک انسان‌معمولی، بحدیست که باآن میتوان دوقالب کوچک صابون رختشوئی تهیه کرد.

۲— زغال موجود در بدن انسان بحدی است که اتاق را یکساعت گرم می کند.

۳— آهن باندازه‌ای است که‌میتوان چنلمیخ ازآن‌ساخت وتابلو یاعکسی را بدیوار اتاق کوبید.

۴— فسفر وگوگرد باندازه‌ای است که بتوان‌چندقوطی کبریت ازآن‌ساخت.

۵— گچ بمقداری است که می‌توان چند لوله کوچک برای نوشتن روی تخته سیاه ازآن درست کرد.

۶— نمک باندازه یکمشت است، که بتوان باآن خورش خوشمزه‌ای پخت.

۷— .... وبالاخره آب به‌اندازه‌ای است که حجم بدن یک‌آدم معمولی را باآن‌می‌توان پوشاند.

علی باقرآبادی— کارگر کارخانه پتروشیمی

زن وعقاید بزرگان

۱ — زن زیبا مرد را شیفته میسازد. زن دانا به مرد الهام میدهد و زن مهربان مرد را مالک میشود «بوریس پاسترناک»

۲ — زن‌وقتی رو به کمال میرود که مادر میشود «الکساندردوما»

۳ — خشم زن‌مانند الماس درخشندگی دارد، ولی نمی‌سوزاند «تاگور»

۴ — مردان بازیچه زنان میشوند و زنان بازیچه شیطان. «ویکتورهوگو»

۵ — مرد وقتی بابیعدالتی روبرومیشود، بخشم می‌آید، ولی زن میگرید. «ژان‌ژاك روسو»

۶ — عمر مردان زن دار، از مردهائی که تنها زندگی میکنند، طولانی‌تر است و یا شاید روزها و شبهای زندگی بچشم آنها طولانی‌تر می‌آید! «هرولد»

۷ یک نویسنده زن مرتکب دو گناه میشود. اول اینکه بر تعداد کتابها می‌افزاید دوم اینکه از تعداد زنان واقعی کم میکند. «آلفونس کار»

۸ — دختران پیوسته در این اندیشه هستند که زودتر ازدواج کنند و پسران همیشه نگرانند و راهی میجویند تا دیرتر بدام زناشوئی بیفتند. «برناردشاو»

۹ — برای زنان ملایمت و مهربانی بهترین وسیله پیروزی در زندگی و ایجاد حق است «مادام‌منتون»

۱۰ — اگر زیبائی زن با پاکی و فضیلت همراه نباشد چون گلی خواهد بود که عطر و بوئی ندارد «ویکتورهوگو»

ام کلثوم سعادت — کارگرشرکت ترانس‌پیک

زلزله چیست؟

زلزله از لرزش طبقات درونی زمین حاصل میشود که انواع گوناگون دارد.

۱ - زلزله افقی که درختها را بخوابانند و بلند میکند.

۲ - زلزله عمودی که اجسام روی زمین را به هوا بلند میکند.

۳ - زلزله موجی که در سطح زمین پستی و بلندی ایجاد میکند.

۴ - زلزله دورانی که ساختمانها را بدور خود میچرخانند.

حتماً میدانید که جلوگیری از خطر زلزله غیر مقدور است، ولی با مراعات نکاتی در بنای ساختمان‌ها میتوان تا حدودی از خطر آن جلوگیری کرد، بدین معنی که اگر شهرهای نواحی زلزله خیز را روی زمینهای محکم بنا کنند و دیوارهای اصلی را در طول مسیر زلزله بسازند مقاومت آنها در مقابل این عامل مخرب بیشتر شده و خسارت کمتری را بوجود می‌آورد.

ضمناً معروفترین زلزله‌ای که در جهان روی داده، زلزله شهر «یوکوهاما» در ژاپن بوده که در سال ۱۹۳۲ و نزدیک ظهر اتفاق افتاد و تکانهای شدید این زلزله در ظرف چند ثانیه تمام شهر «یوکوهاما» را بویرانه‌ای تبدیل کرد.

ناصر جوادی، کارگر ماشین سازی اراک

ارمغان های جنگ جهانی اول و دوم...

جنگ اول جهانی که ۱۵۶۵ روز ادامه یافت، خسارات جانی و مالی فراوان داشت. طی آخرین آمار در این جنگ حدود ۹ میلیون نفر از افراد سر نیزه شده بودند که از این عده درحدود ۹ میلیون نفر در میدان جنگ تلف شدند، و درحدود ۲۲ میلیون نفر از کار افتاده و عاجز گردیدند، هشت میلیون نفر برای همیشه [illegible] شدند و [illegible] میلیون نفر [illegible] مفقود گردیدند. مجموع هزینه واقعی این جنگ در حدود [illegible] میلیارد دلار تخمین زده شد... جنگ جهانی دوم نیز مجموع نیروهای مسلح [illegible] که به نبرد پرداختند، درحدود [illegible] میلیون نفر بود. که از این عده [illegible] میلیون نفر در میادین جنگ کشته شدند و مجموع تلفات انسانی در جنگ دوم جهانی بالغ بر ۳۵ میلیون نفر گردید که میلیونها نفر که در میدان‌های جنگ کشته شدند، در اثر بمباران‌های شهرها و روستاها و [illegible] در اردوگاههای اسیران از بین رفتند. در این جنگ بیست میلیون نفر ناقص‌الاعضو شدند و [illegible] میلیون نفر از صدمات [illegible] و غیره به خانواده [illegible] وارد آمد. بطور کلی در این جنگ حدود [illegible] میلیون نفر [illegible] و [illegible] شهر و [illegible] ویران [illegible] حدود چهارصد [illegible] این جنگ جهانی دوم [illegible] جهان [illegible] کشورهای [illegible].

بدین ترتیب خسارات مادی و معنوی حاصله از این دو جنگ بزرگ [illegible] می‌توان حساب کرد که [illegible] مخارج این دو جنگ [illegible] جهان [illegible] انجام داد.

غلامرضا آتش دامن - کارگر مکانیک مسجد سلیمان

شاهکارهای زن...

با نمد گیسو - مرد را در دام خود اسیر میکند.
با تیغ ابرو - سینه‌اش را میشکافد.
با تیر مژگان - سینه‌اش را هدف قرار میدهد.
با چشمان شهلا - قدرت را از او سلب میکند.
با نگاه مرموز - خشمش را فرو مینشاند.
با لبخند ملیح - دل و دینش را میربایند.
با دستهای لطیف - گلویش را میفشارد.
با سینه ظریف - هوسش را برمی‌انگیزد.
با بوسه آتشین - آتش بجانش می‌افکند.
با اندام دلربا - قامتش را درهم فرو می‌ریزد.

ولی با این همه، درمقابل استقامت مرد زانو میزند و از او تقاضای بخشش میکند.

[illegible] کارگر مکانیک مسجد سلیمان

حیوانات و جانوران تاریخی

....تصور نکنید که تنها مردان و زنان مشهور تاریخ هستند، که نامشان جاودانی شده است.

بلکه پاره‌ای از حیوانات و پرندگان هم وجود داشته‌اند که شهرت جاودانی کسب کرده و با بصورت افسانه باقی مانده‌اند بعضی از آنها عبارتند از: شیر حضرت علی «ع»، آهوی حضرت رضا «ع»، ذوالجناح اسب حضرت امام حسین «ع»، گربه ابوهریره، سگ اصحاب کهف، رخش رستم، شبدیز خسرو پرویز، خر عیسی، اژدهای موسی، مار حضرت آدم، سیمرغ زال، براحفس، مارانگو، اسب ناپلئون، و میمون و خرگوشی که پیشقدم مسافرت‌های فضائی شدند.

حسین ناصری کارگر شرکت شیلات

مادر

* عشق مادر، جاودانه بهاری است که پائیز نمی‌شناسد.

«ضرب المثل فرانسوی»

* آفتاب هر مادری پیشانی کوچک فرزند اوست

«ضرب المثل ایرلندی»

* آغوش مادر، مطمئن ترین پناهگاه آدمی است.

«فلوربان»

* کلمه مادر، بردل کودک معنی خدا دارد.

«کانت»

* دل مادر، مکتب دبستان کودک است.

«نیچه»

* همسرت ترا اندرزهای نیکو خواهد داد. مادرزنت از تو به نیکوئی استقبال خواهد کرد ولیکن گمان مدار که هیچکس بتواند جای مادری نیک‌صفت را در زندگی توبگیرد.

«تولستوی»

منصور وارگانی کارگر کارخانه ناسیونال

کارگر نمونه

رستاخیز کارگران نیز برای این دوست و کارگر عزیز آرزوی موفقیت بیشتری دارد.

آقای صفی اله افضلی، نماینده مجله رستاخیز کارگران در رضانه، طی گزارشی برای ما نوشته است، اخیراً در یکی از کارخانه‌های رضانه هرهفته یکی از کارگران این کارخانه که در کارشان جدیت و علاقه بیشتری نشان بدهند، بعنوان کارگر نمونه معرفی میشوند و ضمن تشویق‌نامه کتبی که از طرف کارآمای این واحد به‌آنان داده میشود، هدیه ارزنده‌ای به بهترین کارگر هفته اهداء میگردد.

درپی این هدف، هفته گذشته آقای محمد حسین مشتی آذر که در قسمت نظری برکنی این کارخانه مشغول فعالیت است، بعنوان کارگر نمونه انتخاب گردید و طی مراسمی که باین منظور برگزار شد، آقای داود یعقوبیان سرپرست کارخانه ضمن قدردانی از این کارگر فعال هدیه ارزنده‌ای باو داد.

سنگهای گرانبها و نشانه ها

الماس - نشانه عشق پاك و آشتی. عقیق - نشانه پاکی و صمیمیت و راستگوئی. فیروزه - نشانه پیوند کامل و وفاداری بعهد و پیمان. مرجان - نشانه زاری از هجر و عشق آتشین. مروارید - نشانه آمادگی برای هرگونه فداکاری. یاقوت - نشانه وجدان پاك و روح حقیقت جو. زمرد - نشانه عشق کامل و امید به آینده مشترك.

ثریا منیرانی - کارگر کارخانه آزمایش

تخم مرغ یک غذای کامل است؟

تخم مرغ حاوی کلیه مواد لازم برای تغذیه و رشد و نمو بدن است. بنابراین مصرف آن در دوران کودکی و حتی در سنین رشد به [illegible] لازم است.
یک تخم مرغ معمولی تقریباً ۷۰ کالری حرارت ایجاد می کند و یک تخم مرغ متوسط که حدود ۵۰ گرم وزن داشته باشد تقریباً ۱۷ گرم زرده و ۳۰ گرم سفیده دارد. ترکیب زرده و سفیده به شرح زیر است:

	زرده	سفیده
مواد ازت دار	۲/۸ گرم	۳/۳ گرم
چربی	۵/۵ گرم	—
مواد قندی	۱ گرم	۲ گرم
کلسیم	۲۵ میلی گرم	۱ میلی گرم
آهن	۰/۲ میلی گرم	۱ میلی گرم
ویتامین A	۵۵۰ واحد	—
ویتامین B_1	۰/۵ میلی گرم	—
ویتامین B_2	۰/۱ میلی گرم	۰/۸ میلی گرم

چنانکه ملاحظه میشود در ترکیب یک تخم مرغ انواع مختلف مواد غذائی و ویتامین

موجود است.

مشخصات تخم‌مرغ تازه

تخم‌مرغ هرچه تازه‌تر باشد سالم‌تر و مفیدتر است چون هرچه که کهنه‌تر میشود ترکیبش نیز دگرگون میشود و بعلت فعل و انفعالاتی که درد رون آن انجام میگردد گاهی نیز ممکن است تا بحدی ترکیبش عوض شود که دیگر قابل استفاده نباشد.

برای اینکه تخم‌مرغ تازه را بشناسیم آزمایش عبور نور از امتحانات روزمره است، یعنی تخم‌مرغ را جلوی نور آفتاب و یا چراغ پرنور الکتریکی مقابل چشم قرار میدهیم و در صورت عبور نور و شفافیت داخل آن بتازگی آن پی می‌بریم ولی طرق بهتر و مطمئن‌تر نیز موجود است که بدان وسیله نیز میتوان از تازه‌بودن تخم مرغ مطمئن شد

— اگر تخم‌مرغ را در محلول ۱۲٪ نمک معمولی قرار دهیم هرچه تازه‌تر باشد زودتر به ته آب میرود و هرچه کهنه‌تر باشد از ته آب بالاتر می‌ایستد تا آنجا که تخم مرغ پانزده روزمانده و یا بیشتر مسلماً روی آب می‌ایستد و این خود بهترین وسیله برای شناسائی تخم‌مرغ تازه یا کهنه است.

— در تخم مرغ تازه زرده در قسمت وسط سفیده قرار دارد یعنی اگر تخم مرغ را بشکنیم و در بشقاب بریزیم زرده در وسط سفیده بصورت حباب گرد عالی باقی میماند و هرچه تخم مرغ مانده‌تر باشد زرده بسطح پوست نزدیکتر میشود تا آنجا که ممکن است کاملاً بسطح داخلی پوست بچسبد.

— تخم‌مرغ تازه به هیچوجه فاصله هوائی در یکی از قطب‌هایش ندارد و بتدریج که از عمرش میگذرد بر اثر فعل و انفعال‌هائی که در داخل آن انجام می‌گیرد مقداری هوا در یکی از قطب‌هایش پیدا میشود که هرچه میزان آن بیشتر باشد تخم مرغ کهنه‌تر است.

— در تخم‌مرغ تازه زرده خاصیت چسبندگی خود را کاملاً حفظ کرده و با فشار معمولی فوراً تکه‌تکه نمیشود و هرچه بیشتر بماند خاصیت چسبندگی زرده کمتر میشود بطوریکه در تخم‌مرغ مانده زرده به محض ریختن در بشقاب پهن و گسترده میشود.

تخم‌مرغ را چگونه نگهداری کنیم؟

رسم معمول اینست که تخم‌مرغ را در جای خنک و خشک نگهداری میکنند زیرا زیرا گرما سبب تشدید عمل آنزیم‌های داخل آن و تغییر ترکیب آن میشود و تا آنجا که ممکن است ترکیبات مسموم کننده ایجاد کند.

رطوبت زیاد نیز برای نگهداری تخم مرغ مناسب نیست چرا که اولا تخم‌مرغ در درجه حرارت منهای ۳ یخ می‌بندد و مسلماً غیرقابل استفاده میشود و ثانیا در جای مرطوب قارچ ها و موجودات ذره‌بینی روی آن رشد میکنند و متدرجاً بداخل آن نفوذ می‌یابند و ترکیب عادی آنرا تغییر می‌دهند.

مخصوصاً باید دقت داشت که تخم‌مرغ را با همان لعاب عادی که روی آن است نگهداری کرد و از شستن آن تا حد ممکن اجتناب ورزید زیرا لعاب مخصوص روی آن قشر محافظ خوبی برای جلوگیری از ورود هوا و میکربهای مختلف است و با شستشو از بین می‌رود و بنابراین تنها هنگام مصرف که احتیاج به نگهداری تخم‌مرغ نیست می‌توان آنرا شست.

ترکیب تخم‌مرغ درفصول مختلف تغییر می‌کند؟

ترکیب اصلی تخم‌مرغ در فصول مختلف سال یکسان است ولی میزان ویتامین‌های مختلف آن همیشه در تغییر است بطوری که هنگام بهار میزان ویتامین A و B تخم‌مرغ بیشتر از سایر فصول است. زیرا مرغ در این فصل با دانه‌های تازه که حاوی مقدار زیادی از این ویتامین‌ها است تغذیه می‌کند و بتدریج که تغذیه مرغ عوض می‌شود میزان ویتامین A و B تخم‌مرغ نیز کاهش می‌یابد.

***نیاز روزانه کودکان به تخم‌مرغ**

ترکیب کامل تخم‌مرغ آنرا مبدل به یک غذای شایسته دوران کودکی ساخته است بخصوص که میزان اسیدهای آمینه آن (که همان مواد ازتدار تخم‌مرغ است) بصورت کامل و قابل جذبند و احتیاجات روزانه رشد و نمو کودک را تأمین می کنند. ولی باید درنظر داشت که هضم تخم‌مرغ در ماههای اول دوران کودکی برای معده ناتوان کودک میسر نیست و تنها از هفت ماهگی است که کودک می‌تواند زرده تخم‌مرغ را بخوبی هضم کند و در یکسالگی می‌توان روزانه یک تخم‌مرغ کامل بکودک داد از آن پس بهتر است تخم‌مرغ را در غذای روزانه کودک بصور مختلف وارد کرد و حتی در دوران بلوغ و رشد از مصرف آن غفلت نورزید.

پختن کامل تخم‌مرغ سبب ازبین رفتن ویتامین‌های A و B آن می‌شود و بنابراین بهتر است به تخم‌مرغ فقط اندکی حرارت داد که ویتامین‌های مخصوص آن نابود نشود.

دربین مردم چنین شایع است تخم‌مرغ پخته هضمش سخت‌تر از تخم‌مرغ خام است این موضوع به هیچوجه صحیح نیست زیرا شیره‌های معده روی سفیده تخم‌مرغ خام به هیچوجه اثر ندارد و بهمین دلیل تخم‌مرغ خام پس از مصرف بفوریت از معده وارد روده‌ها می‌شود که در آنجا با زحمت بیشتری هضم شود. درصورتیکه تخم‌مرغ پخته مدت بیشتری در معده می‌ماند و درنتیجه شیره معده روی آن اثر می کند و آنرا بصورت قابل هضم‌تری درمیآورد.

بعضی از اشخاص نسبت به تخم‌مرغ حساسیت دارند حتی با مصرف آن بدنشان جوش می‌زند و یا به تنگ‌نفس عصبانه گرفتار می‌شوند این دسته افراد مسلماً باید از مصرف آن پرهیز کنند.

با ایجاد فاصله طولانی در مصرف تخم‌مرغ می‌توان از حساسیت کاست.

***مبتلایان به بیماریهای کبدی نیز می‌توانند**

تخم‌مرغ بخورند؟

نخست باید در نظر گرفت که مردم اغلب بطور نادرست خود را مبتلا به بیماریهای کبدی میدانند درصورتیکه اغلب کبدشان سالم و عارضه‌ای دیگر ازجمله روده‌های بیمار دارند.

ولی فردی که به بیماری کبد مبتلا است نه تنها تخم‌مرغ برایش ضرر ندارد بلکه ازلحاظ مواد ازتدار و ویتامین‌هایش برای کبد می‌تواند مفید واقع شود و تنها در مواردی که کیسه صفرا ورم دارد و یا صفرا بعلتی در آن بیش از اندازه مانده و ناراحتی ایجاد کرده، باید از مصرف تخم‌مرغ پرهیز کرد.

بمحض اینکه رشد دندانهای شیری کودک تکمیل شد یعنی در ابتدای ۲/۵ سالگی دندانها احتیاج به مسواک کردن دارند. مادر دقیق در این دوره از سن کودک باید هرشب قبل از خواب دهان و دندان کودک خود را با دقت تمام با مسواک کوچکی تمیز کند.

بهتر است مسواک بدون خمیردندان استفاده شود. ولی باید دقت کرد که پس از شستشو به کودک خوراکی نداد.

از شش سالگی به بعد که کودک قادر بمسواک کردن است صبح و شب باید شخصاً دندانهایش را مسواک کند و مخصوصاً باید دقت کند که ذرات غذا لای دندانها و کنار لثه باقی نماند مسواک باید محکم و خشک باشد و مسلماً چنین مسواکی روزهای اول ممکن است سبب خونریزی از لثه و ایجاد ناراحتی شود ولی بتدریج لثه‌ها به مسواک عادت می کنند و محکم می‌شوند و خونریزی متوقف می شود.

درباره انتخاب خمیردندان بهتر است ماده ساینده آن زیاد نباشد و امروز خمیردندانهائی بازار آمده که محتوی ماده ای بنام فلورا بد است که مخصوصاً برای کودکان مفید است و از پوسیدگی دندانها جلوگیری می کند.

تأمین اجتماعی

خدمات توانبخشی در قانون تأمین اجتماعی

«پایه اصلاحات اجتماعی پشتکار و داشتن هدف و ایمان است. اگر اینها باشد هر مانعی برطرف خواهد شد و نتیجه کامل بدست خواهد آمد.»
از فرمایشات شاهنشاه آریامهر
در شرفیابی هیئت رئیسه سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی
۲۳ دی ماه ۱۳۴۷

به منظور آگاهی کارگران شریف کشور و سایر بیمه شدگان از مزایای «قانون تأمین اجتماعی رستاخیز کارگران» هرهفته ضمن گفتگو با آقای حیدرقلی عمرانی معاون تأمین اجتماعی وزارت رفاه اجتماعی و رئیس هیات مدیره و مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی، مواد قانون مزبور را مورد تجزیه و تحلیل قرار میدهد و فلسفه وجودی هر یک از مواد را ضمن مقایسه با وضع گذشته و موارد مشابه در قانون بیمه های اجتماعی بازگو می کند. لازم به تذکر است که خوانندگان عزیز می توانند نظرات و حتی انتقادات خود را طی نامه برای دفتر مجله ارسال دارند تا با آقای دکتر عمرانی مطرح شود، و پاسخ خود را در همین صفحه ملاحظه کنند.

در بحث مربوط به بیمه بیماری و چگونگی استفاده بیمه شدگان و افراد خانواده آنان از خدمات درمانی جا دارد که درخصوص خدمات توان بخشی نیز که در قانون جدید تأمین اجتماعی در فصل مربوط به بیماریها و حوادث از آن یاد شده است در تعقیب آنچه قبلا گفته شد توضیح بیشتری داده شود. قبلا در بحث های گذشته درباره کم و کیف عملیات توان بخشی توضیح داده شد و حاصل آنچه را که از تعاریف مربوط به توان بخشی و مفهوم عملی آن بدست میآید میتوان در یک جمله خلاصه کرد که هدف توان بخشی عبارتست از کمک به معلولین جسمی و روانی بمنظور بازگرداندن توانائی بآنان بنحوی که قادر باشند بخود کمک کنند. در واقع در چارچوبه عملیات توان بخشی و یا باز-توانی با استفاده از وسایل و خدمات درمانی و آموزشهای خاص به شخص معلول کمک میشود تا بتواند با خود یاری بنحوی از انحاء در تولید ملی جامعه و تأمین معاش خود سهیم باشد. باید توجه داشت که علاوه بر معالجات روانی و جسمانی و کوششهائی که برای توانائی مجدد بخشیدن به معلولین جسمی و روانی، بمنظور بازگردانیدن نیروی کار بآنان انجام میشود خدمات دیگری نیز مانند انواع آموزشهای بازتوانی و حرفه ای به معلولین در قلمرو برنامه های توان بخشی بمفهوم وسیع کلمه قرار میگیرد بنابراین بنظر میرسد عملیات توان بخشی را از مجموعه خدمات درمانی نباید بکلی جدا دانست. کما اینکه قانون تأمین اجتماعی در طبقه بندی خدمات و کمکهای قانونی ارتباط بین خدمات درمانی و خدمات توان بخشی را کاملا رعایت کرده است. در ماده ۶۰ قانون تأمین اجتماعی که بلافاصله پس از مواد مربوط باحکام ناظر بربیماریها و حوادث و خدمات درمانی آمده است تکلیف سازمان را از لحاظ توان بخشی و ترمیم و تجدید فعالیت بیمه شدگان آسیب دیده که قدرت کار اولیه خود را از دست داده اند معین کرده است. ماده مذکور مقرر میدارد که بمنظور توان بخشی، ترمیم و تجدید فعالیت بیمه شدگان آسیب دیده که قدرت کار اولیه خود را از دست داده اند سازمان تأمین خدمات درمانی برای اشتغال آنان بکارهای متناسب دیگر طبق آئین نامه هائی که از طرف شورای فنی سازمان مذکور پیشنهاد و بتصویب شورایعالی سازمان خواهد رسید از طریق مؤسسات حرفه ای معلولین اقدام خواهد کرد.

مؤسسات عمومی حرفه ای معلولین در حال حاضر تحت نظر انجمن توان بخشی قرار دارد که در زمره وظائف یکی از شاخه های معاونت وزارت رفاه اجتماعی میباشد و با تمام امکانات خود با سازمان تأمین خدمات درمانی که تحت نظر معاون خدمات درمانی وزارت رفاه اجتماعی قرار دارد همکاری میکند.

بدیهی است سازمان تأمین خدمات درمانی از لحاظ استفاده از امکانات مؤسسات حرفه ای معلولین الزامی ندارد که در این زمینه دامنه عملیات خود را صرفاً به امکانات مؤسسات وابسته بانجمن توان بخشی محدود کند بلکه با توجه باختیاری که ماده ۵۶ قانون تأمین اجتماعی بسازمان تأمین خدمات درمانی داده است سازمان مذکور میتواند برای انجام این وظیفه خود در قبال بیمه شدگان از طریق مؤسسات حرفه ای معلولین اعم از مؤسسات عمومی متعلق بدولت یا سازمانهای وابسته بدولت یا مؤسسات خصوصی اقدام کند و در مورد هر بیمه شده ای پس از انجام معالجات پزشکی اعم از سرپائی و بستری که نقص و علت جسمی یا روحی برای بیمه شده باقی میماند و نیاز به خدمات توان بخشی پیدا میکند اقدام لازم معمول دارد.

در این جا خالی از فایده نیست که برای مزید اطلاع کارگران کشور و بطور کلی کسانی که تا کنون در شمار بیمه شدگان سازمان تأمین اجتماعی درآمده اند و تعداد آنها برقم هفت میلیون نفر نزدیک شده است و بمنظور آگاه ساختن سایر افراد ملت ایران که بتدریج از حمایتها و مزایای قانون تأمین اجتماعی برخوردار خواهند شد مطالبی را که کمابیش مورد سؤال بیمه شدگان است درباب بیمه بیماری موضوع قانون تأمین اجتماعی و خدمات درمانی یادآور میگردد:

وجه امتیازی که قانون تأمین اجتماعی موضوع بحث ما (قانون مصوب تیرماه ۱۳۵۴) نسبت به قانون بیمه های اجتماعی سابق از لحاظ بیمه بیماری در کنار سایر امتیازات برای بیمه شدگان قائل شده است بشرح زیر خلاصه میشود:

۱ — از میان برداشتن محدودیت مدت درمان:

تا مرداد ماه ۱۳۵۴ یعنی قبل از اجرای قانون تأمین اجتماعی مدت درمان در مورد هر بیماری به شش ماه محدود شده بود، جز در مواردی که بیمه شده ضمن اشتغال بکار و پرداخت حق بیمه عندالزوم مداوا میگردید یا طبق نظر کمیسیون پزشکی ادامه درمان لازم تشخیص داده میشد درحالیکه در قانون تأمین اجتماعی چنین محدودیتی وجود ندارد و مادام که شخص بیمه شده یا افراد خانواده تحت تکفل او بیمار باشند از خدمات درمانی بطور کامل برخوردار خواهند بود و پس از برخورداری از معالجات صرفاً پزشکی چنانچه بیمه شده برای تجدید فعالیت نیازی بخدمات توان بخشی و ترمیمی داشته باشد بترتیبی که گفته شد از اینگونه خدمات هم بهره مند میشود تا حتی المقدور از گروه جمعیت فعال خارج نشود و همچنان عضوی مفید و متکی به نیروی کار و درآمد حاصل از قدرت کار خود باقی بماند.

۲ — از میان برداشتن شرط سابقه پرداخت حق بیمه برای استفاده از خدمات درمانی.

قبل از اجرای قانون تأمین اجتماعی براساس مقررات قانون بیمه های اجتماعی سابق اگر بیمه شده ای در زمان شروع بیماری خود یا افراد خانواده اش و نیاز بمراجعه به پزشک و استفاده از خدمات درمانی دارای سابقه پرداخت حق بیمه حداقل بمدت نود روز نبود از خدمات درمانی موضوع قانون بیمه های اجتماعی سابق محروم میشد و این موضوع سبب میشد که بیمه شده ناگزیر گردد بهزینه شخصی بدرمان خود یا خانواده اش اقدام کند و متحمل هزینه های سنگینی گردد و احیاناً اگر بیمه شده ای توانائی تحمل اینگونه هزینه ها را نداشت و احتمالا مایل نبود از خدمات درمانی رایگان مؤسسات خیریه موجود در مملکت مانند دستگاههای درمانی سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی و جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران استفاده کند و یا بمؤسسات درمانی وزارت بهداری مراجعه کند بدون تردید گرفتار عوارض نامطلوب بیماری شده و ضمن اینکه خود بیمار از این لحاظ رنجور و ناراحت میگردید سازمان تامین اجتماعی نیز بعنوان یک سازمان بیمه گر از عوارض و نتایج نامطلوب چنین وضعی بی نصیب نمیماند. چون در هر حال درنهایت امر مسئولیت درمان چنین افرادی بعهده سازمان بوده و بدون تردید زیان معنوی و مادی هرگونه تاخیر یا نارسائی در امر معالجه بیمه شدگان و خانواده آنان متوجه سازمان تامین اجتماعی خواهد بود. ولی خوشبختانه درقانون تامین اجتماعی مصوب تیرماه ۱۳۵۴ از جمله امتیازات فراوانی که به کارگران و سایر بیمه شدگان داده شده است از میان برداشتن شرط سابقه پرداخت حق بیمه برای استفاده از خدمات درمانی است. باین ترتیب که بموجب ماده ۵۴ قانون مذکور، بیمه شدگان و افراد خانواده آنان از زمانی که مشمول مقررات قانون تامین اجتماعی میشوند یعنی بمحض اینکه در ردیف بیمه شدگان قرار میگیرند درصورت ابتلاء به بیماری یا مصدوم شدن براثر حوادث، اعم از حوادث ناشی از کار یا غیرناشی از کار، حق دارند از کلیه خدمات پزشکی از قبیل معالجات سرپائی و بستری و بیمارستانی و انواع داروهای لازم و آزمایشهای تشخیص طبی استفاده کنند و برخلاف گذشته برخورداری از این حق موکول بدارا بودن سابقه پرداخت حق بیمه بسازمان تامین اجتماعی نیست. بدون تردید اهمیت و تاثیر این امتیاز که در قانون جدید به بیمه شدگان داده شده است بر هیچکس پوشیده نیست و بمنزله تحول عظیمی در نظام تامین اجتماعی کشور بحساب میآید.

۳ - افزایش میزان غرامت دستمزد ایام بیماری و رفع محدودیت مدت پرداخت آن:

از لحاظ بیمه بیماری رجحان و برتری دیگری که قانون جدید تامین اجتماعی نسبت بقانون سابق بیمه های اجتماعی دارد مربوط است به میزان غرامت دستمزد ایام بیماری یعنی وجوهی که وسیله سازمان تامین اجتماعی در زمان بیماری و عدم اشتغال بکار بعلت بیماری به جبران از دست دادن مزد یا حقوق یا درآمدی که بیمه شده در زمان کار دریافت میکرده است و در زمان بیماری قطع شده است به بیمه شده پرداخت میگردد. در قانون سابق میزان غرامت دستمزد ایام بیماری در وهله اول به شش ماه محدود شده بود و بعد از این مدت نیز چنانچه تحت شرائطی و با رسیدگی کمیسیونی از پزشکان ادامه درمان بیمار بیمه شده لازم تشخیص داده میشد میزان غرامت دستمزد بمبلغ کمتری قابل پرداخت بود. ثانیاً میزان غرامت دستمزد نیز در محدوده شش ماه معالجه معادل دوسوم ($\frac{2}{3}$) آخرین مزد یا حقوق روزانه بیمه شده پرداخت میشد و پس از شش ماه بفرض اینکه با رعایت شرایط مربوط درمان ادامه مییافت مبلغ غرامت دستمزد به پنجاه درصد آخرین مزد یا حقوق روزانه تقلیل مییافت. درحالیکه در قانون جدید (قانون تامین اجتماعی) همانطور که قبلا گفته شد هم محدودیت مدت درمان از میان برداشته شده است و هم میزان غرامت دستمزد در تمام دورانی که بیمه شده بیمار تحت درمان قرار دارد (که برای این دوران از نظر زمان قانوناً محدودیتی وجود ندارد) معادل سه چهارم ($\frac{3}{4}$) آخرین

بقیه در صفحه ۷

اتکاء شرکتهای تعاونی به اعضاء شرکت ضرورت تام دارد

وقتی بتوانیم اعتقاد و ایمان نسبت بیک شرکت تعاونی و معاملات آن در مردم به وجود آوریم و علاقه باطنی‌شان را به کیفیت کاری که میکنیم جلب کنیم. دیگر نه تابلوی پرزرق و برق لازم است و نه تبلیغات دور از حقیقت. زیرا مردم برای ورود بفروشگاه تعاونی همه تابلوهای مسیر راه را هرچقدر قشنگ و دلربا باشند نادیده میگیرند و به فروشگاه تعاونی قدم می‌گذارند، ولو آنکه محل آن داخل یک پستو و به یک بن بست پرپیچ و خم قرار گرفته باشد.

— همانطور که گفتیم تابلوها هر کدام نمایشگر محصولات وعرضه کسب و کارهای مخصوصی است. یکی کفش میفروشد، یکی تره‌بار، دیگری پارچه، آن یکی پوشاک.

در بازارهای امروز بسیاری از کالاها با انواع متفاوتشان زیر یک سقف به خریداران عرضه میشود که فروشگاههای تعاونی نیز در گوشه و کنار این بازار قرار دارند یعنی در هر خیابان و معبری ضمن عبور از کنار ده‌ها و صدها مغازه و فروشگاه غالباً به تابلوئی برمیخوریم که نام فروشگاه تعاونی روی آن دیده میشود.

آیا همه این تابلوها مظهر انگیزه واحدی است؟ آیا همه آنها از یک فلسفه و راه ورسم پیروی میکنند؟ مسلماً خیر. ممکن است هدف همه ما در تحلیل نهائی زندگی بهتر باشد. اما میتوان گفت که همه ما برای رسیدن باین هدف از راه‌مشابهی عبور می‌کنیم

فروشگاههای تعاونی ما میتوانند طرز زندگی خوب رابه همنوعان ما بیاموزند ودر این صورت بزرگترین خدمت را انجام دهند. یک فروشگاه تعاونی مصرف ممکن است ظاهر چیزی بیش از یک دکان به‌نظر نرسد، اما همین دکان میتواند وباید بصورت مکتب آموزشی راه ورسم نوین زندگی قرار گیرد وضمن فروش کالا، روح همکاری وخودیاری را در مشتریان خود بوجود آورد.

* عضویت مشتریان

چگونه میتوان ثابت کرد که بین دو فروشگاه تعاونی وغیرتعاونی تفاوت وجود دارد؟ آیا یک تابلوی ساده میتواند رساننده این مقصود باشد؟ برای احساس نه (اثبات) تفاوت میان دو فروشگاه تعاونی و غیرتعاونی میتوان کارهای بسیاری انجام داد. اما بایک دلیل ساده میتوان ماهیت تعاونی بودن این فروشگاه را بدیگران نشان داد وآن اینکه مشتریهای فروشگاه تعاونی اعضاء آن باشند در غیر اینصورت مشتریان یک مغازه غیر تعاونی خریداران یگانه‌ای بشمار میروند که از فروشنده‌ای غریبه خرید می‌کنند.

اگر این موضوع را از دیدگاه یک داد و ستد ساده نیز بررسی کنیم، ملاحظه خواهیم کرد که چه تفاوت زیادی بین این دو سیستم وجود دارد.

یک خریدار ساده به پیشرفت یا ورشکستگی یک مغازه یا فروشگاه معمولی کمترین اعتنائی ندارد. او بدنبال تهیه وخرید کالای مورد نظر خود به دهها فروشگاه وفروشنده سرمیزند و هر کجا که جنس مورد نظر خود را بیابد میخرد. دراین مورد مسلماً او از آگاهی وخبرگی‌اش بهره میگیرد وبا استفاده از این آگاهی سعی می کند جنس را هرچه ارزانتر بدست آورد. او ممکنست به صاحبان فروشگاهها ومغازه‌ها و لیستهای معرفی شده و آن فروشگاهها اعتماد بکند ودر ته دل احساس کند که تنها به منافع خود می‌اندیشند.

اما یک عضو شرکت تعاونی قاعدتاً نباید چنین احساس ونظری داشته باشد. عضو شرکت تعاونی وقتی به فکر خرید است نباید به جز فروشگاه تعاونی مصرف به مغازه وفروشگاه های دیگر بیاندیشد.

او اطمینان دارد که کالای مورد نیاز او در فروشگاه تعاونی وجود دارد واز لحاظ قیمت ومرغوبیت و کیفیت نیز در حد مطلوب است. او هرگز چانه نمی‌زند، زیرا مطمئن است کسی به او دروغ نخواهد گفت.

عضو شرکت تعاونی مصرف پس از هر خرید کمی هم درباره دانش وفن تولید انواع کالا— های مصرفی اطلاع بدست می‌آورد زیرا فروشنده- های شرکت بطور شفاهی یا به صورت کتبی آگاهیهائی در اختیار وی قرار می‌دهند.

گفتنی درباره فروشنده خوب و طریقه صحیح فروشندگی میگوید: «فروشنده زمانی میتواند اعتقاد خریدار را نسبت به کالای خود جلب کند، که قبل از هر چیز خود نسبت بخوبی جنسی که میفروشد معتقد باشد. فروشنده باید بخود و به دلایس و بر شرکت تعاونی که در آن کار می کند اعتقاد داشته باشد. ایمان و اعتقاد شوق و علاقه را در انسان برمی‌انگیزد و باعث موفقیت او در کارها میشود.»

در حقیقت فروش در شرکتهای تعاونی کار یکطرفه‌ای بشمار نیاید. بلکه نوعی همکاری است آیا اگر این شیوه و رسم در شرکتهای تعاونی ما معمول ومتداول شود گام بزرگی در راه توسعه وداد وستد تعاونی برداشته نخواهد شد؟ بدون تردید پاسخ این پرسش مثبت است.

باید ترتیبی داد تا مشتریهای امروزی تبدیل باعضاء باوفا و مؤمن فردای شرکت تعاونی شوند. یک عضو شرکت تعاونی مشتری مستمر اجناس شرکت است.

شرکت تعاونی میتواند روی عضو اعضای شرکت حساب کند و کالاهائی تهیه کند که مورد علاقه اعضاء است. باین ترتیب قسمت بازرگانی شرکت در امر خرید کالاها هرگز دچار ریسک نشده و درنتیجه جنسی را نخواهد خرید که بدون مشتری روی دست شرکت بماند.

شرکت تعاونی مصرف نباید برنامه توسعه فعالیت خود را به حساب مشتریان غیر عضو محاسبه کند و جنس ونیاز را حسابی نیز و اطمینان سازد.

اتکا به اعضاء به منزله پل مستحکم تعاونی است که شرکت تعاونی میتواند محصولات تجارتی خود را هرچقدر هم سنگین و زیاد باشد، از روی آن عبور دهد و آنرا بسلامت به سرمنزل مقصود برساند.

عضو شرکت تعاونی باید از هر لحاظ مدافع شرکت تعاونی خود باشد وقتی از کثرت تعداد عضو بحث میشود، مقصود جنبه‌های کیفی آن است. داشتن هزارها عضو بی‌اعتقاد و ناراضی از وضع شرکت نتیجه‌بخش نیست. شرکت تعاونی هنگامی میتواند اعضاء جدیدی را بپذیرد که آماده خدمت به آنها باشد.

شرکت تعاونی که بیش از ده یا صدبرابر سرمایه اصلی خود، کالای نسیه در اختیار داشته باشد و فروش خود را نیز بر نسیه و اقساط مبتنی سازد، در هر لحظه احتمال ورشکستگی آن وجود دارد آن شرکت تعاونی که برای چاره‌اندیشی تنگناهای مالی و سایر مسایل ومشکلات خود بهره‌وری میبرد و از هر فرد موجه و غیر موجه استمداد میجوید و حتی یکبار هم که شده با اعضاءخود مشورت ودرد دل نمیکند، نمی‌تواند موفق باشد.

در زندگی روزانه هر یک از ما حادثه‌هائی روی میدهد که بظاهر بی‌اهمیت می‌نماید و از همین رو چه بسا هر کدام از ما در برخورد با آن حوادث هیچ واکنشی از خود نشان نداده و خیلی بی‌اعتنا از کنارشان میگذریم. هیچ میدانید که این بی‌توجهی یا بی‌تفاوتی چقدر به زیان ما تمام میشود و چنانچه عکس آن عمل کنیم یعنی در برابر هر یک از رویدادها فکر خود را بکار اندازیم، و ژرف اندیش باشیم بسی سودها برده و برسی از دشواریهای روزانه خود رسته و ... میشویم؟

هیچ فکر کرده‌اید که بسیاری از مشکلات و موانع بزرگ زندگی که غالباً بصورتی حل نشدنی جلوه میکند، از یک چیز کوچک و بی‌اهمیت ریشه میگیرند؟ و آیا میدانید که چه بسا خیلی از کارهای بزرگ روز و روزگار از یک اقدام کوچک و بموقع مایه گرفته باشد؟

اینهمه مؤسسات و سازمانهای مالی و اجتماعی مانند بانکها و شرکتهای بیمه و واحدهای اعتباری که بصورتهای عام‌المنفعه دولتی و غیر دولتی در ایران و جهان تشکیل شده و میلیونها نفر از خدماتشان استفاده میکنند در یک زمان و بهمین عرض و طول ساخته و پرداخته نشده‌اند، بلکه همه اینها با نهادی کوچک از بطن احتیاجات مردم پدید آمده، و در طول زمان بر اثر توجه همان مردم رشد یافته و بزرگ شده‌اند. و همانطور که گفته شد کلیه مؤسسات مورد نظر مولود نیازهای مشترک افراد جامعه‌هائی بوده است که در گذشته میزیسته‌اند.

پس همانگونه که درمقدمه آمد، کوشش هر یک از ما در شناختن و پی بردن بعلل و اسباب هر واقعه اعم از خوب یا بد در درجه اول بما کمک میکند که از تکرار رویدادهای نامطلوب و زیان‌آور پیشگیری کرده و نه تنها از میزان زیانهای ناشی از آن بکاهیم، با همت و پشتکار و همکاری یکدیگر مسیر را در جهتی قرار دهیم که در راه رشد و ... همه ما جبران لازم را طی کند.

پس برای شروع یک کار دسته‌جمعی و تعاونی لازم نیست کول دانشکده تعاونی را بگذرانیم و درجه دکترا از فلان دانشکده بگیریم بلکه برعکس با همت و پشتکار می‌توان در این راه گام برداشت و به نتایج آن نیز امیدوار بود، آنچنانکه در بسیاری از گوشه و کنار جهان مشاهده میکنیم که بزرگترین واحدهای اقتصادی و اجتماعی و تعاونی که با موفقیتهای چشمگیری بکار توسعه خود می‌پردازند پایه‌های اولیه آن‌ها با فکر و همت گروه کوچکی از کارگران یا کشاورزان بنا نهاده شده و چه بسیار عمال و متفکران بزرگ را در برابر خود به تحسین و تعظیم واداشته‌اند. مطالعه و دقت در اطراف رویدادهائی که در زیر این بحث اشاره‌خواهیم کرد این حقیقت را باثبات میرساند که کارهای دسته‌جمعی چقدر آسان شروع میشود وچه نتایج پربار وشیرینی ببار می‌آورد.

«ادامه دارد»

ازکار

شهرت وموفقیت درسایه تلاش واراده آهنین

در این هفته با زندگی عبرت‌انگیز «انریکو کاروزو» خواننده معروف ایتالیا آشنا می‌شویم. انریکو کاروزو خواننده معروف که به‌خاطر حنجره نقره‌ایش شهرت‌جهانی دارد وقتی درسال هزارونهصد وبیست ویک در چهل‌وهشت سالگی بازندگی وداع گفت وبارهستی را برزمین گذاشت انسان‌های بسیاری در سراسر دنیا ماتم‌زده شدند واندوه مرگ او را با صمیم‌قلب احساس کردند ودر سوگ این‌مرد اشک ریختند. چراکه شیرین‌ترین وخاطره‌انگیزترین صدایی که تاآن زمان وجودداشت برای‌همیشه خاموش‌شده‌بود.

مرگ درست در لحظاتی به‌انریکو کاروزو حمله‌ورشد که‌او در هیجان موفقیت دست وپا میزد وصدای هلهله‌های تشویق هزاران شنونده چشمانش را از اشک‌شادی پرساخته بود این خواننده شش‌ماه قبل‌از مرگ گرفتار سرماخوردگی شدیدی شدکه آن را نادیده گرفته بودوآنشب مکافات غفلت خود را با یک‌حمله قلبی پس‌میداد. وهنگامیکه هزاران دسته‌گل در مراسم تشیع جنازه او بربدن بی‌جانش نثار میشد مردم میگفتند: «افسوس حتی او نیز به‌سرنوشت آدمی که‌مرگ است تسلیم‌شد.»

انریکو کاروزو در آغاز یعنی در زمانی که‌تازه میل به‌خوانندگی دراو پیدا شده بود صدایش آن چنان ضعیف ولرزان بود که‌یکی از معلمان آواز باخونسردی وبیرحمی باوگفت «تونمیتوانی بخوانی، وهیچ‌وقت هم خواننده نمیشوی واصلا اگر راستش رابخواهی صدائی نداری ووقتی میخوانی انگار دشیروانی باد میاید بهتره به کارخانه برگردی وهمان زندگی کارگری رادنبال کنی...»

چهارسال تمام صدایش نت‌های آواز را خراش‌میداد وحرکاتش آنچنان ضعیف و نامأنوس بود که اجازه خواندن درحضورمردم به‌او داده نمیشد. وقتی‌هم که سرانجام این اجازه به‌اوداده شد در میانه‌پرده از صحنه بیرون رفت و تا مدت‌ها صدای سوت‌های دلخراش‌شنوندگان ولحن‌مسخره‌آمیز آنها را درذهن خود می‌شنیداما ازآن‌جایی که‌خواستن توانستن است وکسی که‌قدم در راهی‌میگذارد اگراز همت‌واراده توشه‌ای داشته باشد سرانجام بـه پـایـان راه خـواهـد رسـیـد او نیـز بـه دروازه موفقیت رسـیـد تاحدی که‌در زندگی‌نامه‌اش نوشته شده که: کمتر انسانی مانند «کاروزو» شراب موفقیت را نوشیده واز باده پیروزی سرمست شده است.

«کاروزو» در این باره در مصاحبه‌ای گفته است «باورکنید هرگاه رنج وعذاب‌هایی‌را که برای رسیدن به‌این‌قله کشیدم به‌یاد می‌آورم غرق اشک وآه میشوم. اگرچه تنها باتحمل آن روزها بود که به‌چنین روزهایی رسیده‌ام.»

وقتی انریکو کاروزو فقط سیزده سال داشت‌مادرش زندگی را بدرودگفت. اما در سراسر عمر و در هرحال ووضعی که بود چهره‌مادر را که نمونه یک‌زن کارگـــر زحمتکش ومادری مهربان وفداکار بود با خودداشت‌وآنی از آن غافل نمیشد. آن زن بیست ویک بچه را به‌دنیا آورده بود که هیجده‌تن‌آن‌ها پس‌از تولد زندگی را بدرود گفته‌بودند. اگرچه کار شدید وسخت مزرعه، وانبوه‌مشکلات ناشی ازفقر و محرومیت همیشه او را آزار میداد وافکارش را متوجه خود میساخت امامثل یک‌گربه ماده از فرزندانش مواظبـــت میکرد و هربار کـــــه مرگ یکی آنان را می‌ربود تنها اندوهناک باقی می‌ماند.

این زن کارگر دهاتی، از بدوتولد نسبت به انریکو که پسری زرد ولاغر بود به چشم دیگری می‌نگریست و آتش نبوغ را در او شعله‌ور میدید و به همه می‌گفت اگر آن بچه‌هایم را از دست دادم درعوض این یکی زنده خواهـــد ماند و شهرت و ثروت زیادی به دست خواهد آورد. شاید او ازفرط محبت مادری به پیشگوئی گرویده بود.

انریکو چند بار راجع به مادرش به خبرنگاران جراید گفته بود: «... او در بادو باران وگرما در مزرعه کار می کرد و عرق می‌ریخت و معمولا بدون کفش راه می‌رفت تا چرخ زندگی ما را بچرخاند.» و هربار هنگام ادای این کلمات اشک از چشمانش سرازیر میشد.

وقتی انریکو کاروزو به دهسالگی رسید، پدرش که کشاورزی تهی‌دست ودرمانده بود او را ازمدرسه بیرون‌آوردووادارش ساخت تا دریک کارخانه پشم ریسی به کارمشغول شود. ترک تحصیل برای کودک باهوشی که آموختن را عاشقانه دوست میداشت بسیار دردناک بود. اما با این همه به خاطر کمک به پدروتأمیـــن معاش خانواده‌درآغاز نوجوانی به کارگری تن درداد و به دورمجدیدی از زندگی پای‌گذاشت. اما هرروز بعدازظهر، پس ازتعطیل کارخانه به کلاس‌آوازمی‌رفت و برای این که مخارج کلاس خود را تأمین کند به زودی در یک چاپخانه نیز کار شبانه‌ای را به عهده‌گرفت و بـه این ترتیب قهرمان خردسال ما ازآغاز زندگی با ناهمواری‌ها و تلخی‌های زندگی آشنا شد. او معمولا با لباس‌های مندرس وکفش‌های وصله‌دار درکلاس آواز حاضر می‌شد و با دستهای بسته دفاترنت‌را ورق‌می‌زد.

یازده سال تمام به این نحو طول کشید تا توانست ازکارخانه استعفا کند و درقالب یک آوازخوان فرو برود. اولین مجمع‌عمومی که درآن آواز خواند یک کافه درجه دو بود که معمولا پیرزن‌ها و پیرمردها برای خوردن شام به آنجا میامدند و اولین مشوق او نیز زن فـــــرتـــوتی بـود که بـــه صاحب کافـــــه گفـت «قدر ایـــن جـوان را بدان. او صدای بی‌نظیری دارد.» اما موفقیت در یک کافه هدف کاروزو نبود و او در آرزوی خواندن درابرا بود وسرانجام نیز علی‌رغم‌تمام ناامیدی‌هائی که دراین راه به او روی‌آورشدند این شانس را به دست آورد که روی صحنه یک ابرا ظاهر شود. اما آن چنان مضطرب و آشفته بود که صدایش در روی صحنه می‌لرزید و مانند خرده‌های شیشه شکسته شده فرو میریخت با اینحال دومرتبه ودومرتبه تلاش کرد. اما هر نتی که ازگلویش بیرون‌میامد به‌صورت عذابی بود تا این که سرانجام به گریه درآمد وازصحنه ابرا بیرون دوید.

آن شب شب عجیبی بود و رسوایی روی‌سن بر روحیه کاروزوی جوان آن چنان تأثیری گذاشته بود که سرانجام با قلب شکسته تصمیم به خودکشی گرفت. او درجیبش فقط یک لیر داشت. تمام روز را گرسنه گذرانده بود و برای خودکشی نقشه میکشید. اما درست در آن لحظه‌ای که دیگر تصمیمش راگرفته بود بناگاه دراطاق بازشد پادوی ابرا بدرون اطاق دوید و فریاد کشید «کاروزو، کاروزو بیا، مردم به صدای آوازه خوانی که روی سن است گوش میدهند و با دادو فریاد ترا میخواهند. وکاروزو با بیحالی گفت «من را میخواهند؟ مگر دیوانه شده‌ای آن‌ها حتی اسم مرا هم نمیدانند.»

و پادو جواب داد «خوب معلوم است که اسم ترا نمیدانند. اما با وجود این ترا میخواهند و همه‌اش فریاد میکشند ما آن خواننده مست را میخواهیم....»

به این ترتیب بود که سرانجام کاروزو کارگر کارخانه پشم ریسی پس از یازده سال کارمداوم از کارش استعفا کردو از کارخانه پشم ریسی به‌صحنه ابرانقل‌مکان کرد.

وقتی انریکو کاروزو زندگی را به درود گفت میلیونها دلارارث ازخودش باقی گذاشت او تنها از راه فروش صفحاتش ثروت هنگفتی به دست آورده بود اما چون روحیه روزگارگذشته را حفظ کرده بود و خاطرات تلخی را که حاصل فقر و تهی‌دستی بود از یاد نبرده بود به دقت مواظب مخارج خود بود وحتی اگر یک لیر هم به فقیر میداد آن را در دفترچه روزانه خود یادداشت می کرد و هرگز دست به ولخرجی نمیزد وگذشته از آن روحیه خرافی دهقانهای ایتالیائی را نیز حفظ کرده بود. تا آخرین لحظه زندگی از شیاطین وحشت داشت و هرگز بدون مشورت با ستاره‌شناس به هیچ سفری نمیرفت یا این که از زیر نردبام رد نمیشد و روزهای جمعه لباس نونمیپوشید و هیچ عاملی نمیتوانست او را وادار کند تا درروزسه‌شنبه وجمعه به سفر برود. آن چنان که گفتیم دست ظالم زندگی او را وادار کرد تا درده‌سالگی تحصیل را رها کرده و به کارروی بیاورد و به این ترتیب تحصیلات او ناتمام ماند و ازآن تاریخ به بعد هرگز کتابی نخواند. اودراین باره یک بار به همسرش گفت: «من احتیاجی به مطالعه ندارم چون آنچه را که لازم داشتم اززندگی‌آموخته‌ام.»

او به جای مطالعه بیشتر اوقات خود را صرف مرتب کردن کلکسیون تمبر و سکه می کرد و چون در کشیدن کاریکاتور نیز استعــداد فـــراوانـی داشت هــرمــاه یکی از کاریکاتورهایش در نشریات مختلف چاپ میشد. کاروزوماهی یک بارنیز به‌طورافتخاری برای کارگران کنسرت میداد و درمصاحبات مختلفش گفته بود این کار را به این خاطر می کنم که زندگی کارگری را دوست میدارم و به کارگران احترام میگذارم. چون‌شریفترین افراد جهان هستند.

او چهارسال تمام از سردرد مرموزی رنج کشید و این درد به حدی شدید بود که او را به فریاد وامیداشت دراین زمان بیشتر اوقاتش را دراطاق‌کارش می گذراند وچندساعت ازوقت خودرا صرف بریدن اخبار روزنامه های کهنه‌ای میکرد که از موفقیت‌های اوسخن گفته بودند.

کاروزو فرزند ناپل بود. اما وقتی که برای اولین بار به‌عنوان آواز خوان معرفی شد روزنامه‌های ناپل بسختی به‌او تاختند صدایش را مورد انتقاد قرار دادند و تماشاچیان نیز در برابرش سرد وبی‌تأثیر برجای ماندند. «کاروزو» ازاین عمل همشهریان‌خود بسختی آزرده شد و تا پایان عمر از خواندن در ناپل خود داری کرد و به این ترتیب به‌آنها درس حالبی داد.

شاید بهترین و درخشان‌ترین لحظات عمر

خانه تا صحنه اپرا

این مرد لحظاتی بود که در کارخانه‌ها آواز میخواند. شاید هم شیرین‌ترین لحظه عمر او لحظه‌ای بود که قنداقه دخترش گلوریا را در آغوشش گذاشتند. چون بارها به‌اطرافیانش گفته بود آرزوی فرا رسیدن آن لحظه‌ای را دارد که گلوریا در استودیوی او را بگشاید و با پای خود وارد آن‌شود و او را با صدا کند.

یک روز در ایتالیا، همانطور که کاروزوی کبیر در کنار پیانو ایستاده بود آن اتفاق روی داد. او دختر کوچکش را در آغوش کشید و با چشمان پر از اشک به همسرش گفت: «یادت میاید چقدر منتظر این لحظه بودم؟» و یک هفته پس از این ماجرا، بزرگ‌ترین خواننده ایتالیا و مردی که یازده سال از عمرش را در کارگری گذرانده‌و با لباس های ژنده‌و شکم خالی کلاس آواز را طی کرده بود و مردی که در آن زمان یکی از موفق‌ترین هنرمندان جهان بود زندگی را بدرود گفت.

حادثه ئی که در کارگاه ما

نخستین روزی که به‌عنوان سرپرست تمام کارگاههای کارخانه معرفی شدم بطورناخودآگاه از برخورد با مدیر اداری کارخانه احساس انزجار کردم. جالب اینکه باتمامی تعارفات صمیمانه او صدای ناشناخته‌یی نهیبم می‌زد که حتی‌المقدور از وی بپرهیزم. باوجوداین من که همواره اینگونه واکنش‌ها را زائیده اتفاق یادگرگونی‌های روحی می‌پنداشتم، بی‌توجه به‌احساسی که یافته بودم، مسأله را عادی تلقی کردم و به کارخویش ادامه دادم.

هماطور که مدیرعامل انتظار داشتمن که از استعداد خارق‌العاده و مدیریت ذاتی بهرمند بودم، طی‌مدت کوتاه می‌توانستم میزان تولید کارخانه را بنحو چشمگیری بالا برم و در عین‌حال تاسرحد امکان موجبات‌رفاه کارگران را فراهم سازم. بدیهی است که در طول این‌مدت رابطه‌من و مدیر بی‌وقفه ادامه داشت و من برانگیزه پست و موقعیت خود ناچار بودم روزانه چندین بار از او دیدن کنم. همین دیدارهای مکرر باعث شد که روابط ما از حدمتعارف تجاوز کندو بمرحلهٔ بسیار گرم‌تری برسد. آنچنان که چندین بار به‌اتفاق شام را در خارج از خانه بخوریم و براثر ادامه مکالمات از زندگی خصوصی یکدیگر اطلاعاتی کسب کنیم.

یکی از شب‌ها که من و او بادلی شادو سری گرم، سرگرم گفت‌وگو بودیم من احساس کردم که وی قصد بازگو کردن مطلبی راادارد وسی کوشد ضمن یافتن زمینه‌یی مناسب، به شیوه‌یی مطلوب منظورخود را بیان کند.

من بهمین‌سبب با طرح مطالبی جدا از دایره صحبتمان به او امکاناتی دادم تا هرچه را که می‌خواهد بر زبان راند. تصادفاً شیوه‌یی که بکار بسته بودم، مؤثر افتاد و او با لحنی سرشار از فریبندگی و اغوا سخن از ثروت زیاد به میان آورد و بلادرنگ درمورد موهبات پول و مال و ملک، داد سخن داد. آنچنان که یکباره جلوهٔ مالکیت و ویلای ساحلی و فریبندگی سفرهای خارجی و زرق‌وبرق زندگی تجملی را برخم کشید. سرانجام که به زعم خود مرا کاملا واله و شیفته این مظاهر دید، مطلب اصلی را مطرح کرد و گفت:

— تواگر موافق باشی که ما روزانه مقداری از فرآورده‌های کارخانه را بیرون ببریم و در بازار آب کنیم، در کوتاه‌مدتی به تمام چیزهایی که اشاره کردم، خواهیم رسید.

پس از آن بی‌آنکه بمن مجال پاسخگویی دهد، اضافه کرد که:

— البته ما کار را طوری راست‌وریس می‌کنیم که پای هیچکدامسان به میان نیاید. منظورم اینست که من توسط ایادی خود کاری می‌کنم که خریدار با مسؤولیت خودش جنس را بدرببرد و پول را برای ما بفرستد.

من که با تمامی بی‌بهرگی از مال و منال عمری‌را با سلامت و پاکدامنی گذرانده بودم، از شنیدن پیشنهاد او آنچنان یکه خوردم که یکباره احساس کردم بجای دولت، غول تزویر و ریا و فریبکاری در برابرم نشسته است. در یک لحظه کلیهٔ عوارض این کار خلاف در برابر دیدگانم مجسم شد. رفتن به پشت میله‌های زندان و دربدری زن و فرزندم، دو صحنه از رویدادهایی بود که می‌توانســـــت پس از انجـــام این کار نامتعارف و نامشروع انجـــام گـــــرد و برای همیشه خانمانم را ویران کند. ازاین رو با اینکه سرم از تأثیر الکل گرم بود و به زحمت می‌توانستم به‌تثبیت افکارم بپردازم، معهذا بی‌تأمل لب به سخن گشودم و گفتم:

— احمد، من متأسفم که تو مرا نشناخته‌ای ونمی‌دانی مردی که در برابرت نشسته است شرف وغرورش را به تمام ثروت وقدرت وزرق و برق‌های دنیا نمی‌فروشد. ضمناً این راهم اضافه کنم که من گذشته از رد پیشنهادت، تامرز مبارزه ودرگیری ایستاده‌ام. بنابراین از فردا صبح هرچه که بین ماهست تمام می‌شود و بدبختانه ما در دوطرف مرز قرار خواهیم گرفت.

او که در برابر این واکنش من، شدیداً خود راباخته بود، آناً تغییرچهره داد و باژست‌هایی ساختگی ومذبوحانه کوشید که گفته‌هایش را نوعی شوخی وعارضه‌یی ناشی از تأثیر الکل نشان دهد. اما من که درمقابل نادرستی‌ها حساسیت شگرفـــی داشتم بی‌آنکه تحت‌تأثیر بازیهای اوقرار گیرم آمادهٔ جدایی ازوی شدم و بلافاصله گارسن را به قصد تسویه‌حساب احضار کردم. درخارج از رستوران نیز بلادرنگ با او خداحافظـــی کـــردم و راهـــی خانـــه شـــدم. هنگـــامیکـــه بـــه بستر رفتم تمامی وجودم لبریز از وسوسه ونفرت بود. ساعتها به مذاکرات گذشته اندیشیدم وهرچه تلاش کردم که ماجرا را عادی انگارم وروز بعد مانند روزهای پیشین به کارم ادامه دهم، نتوانستم. بنداشتی نیرو وصدایی باطنی ترغیبم می‌کرد که بااین مرد هرزه ونادرست به ستیز برخیزم. از این رو صبح روز بعد وقتی وارد کارخانه شدم، حالت سربازمهاجمی را داشتم که هرلحظه وهرآن باچشم وگوش باز آماده دریافت فرمان حمله است. باوجود این تاعصر آن روز حتی‌المقدور کوشیدم که از رفتن به اتاق او امساک ورزم وکارهای ضروری را باکمک‌واسطه انجام دهم.

به‌موازات این برداشت، ازچندکارگروسرکارگرکه‌در امانت و درستکاریشان تردیدی نداشتم خواستم که پس از تعطیل سرویس کار به دفتر من بیایند تا در بارهٔ مسالهٔ مهمی مذاکره کنیم. حدود ساعت ۵ بعدازظهر جلسه دوستانه و درعین حال محرمانه ما تشکیل شد و من طی مقدمه‌یی کوتاه تمامی ماوقع را برای آنان شرح دادم و ازشان خواستم که در تصفیه سریع و قطعی کارخانه با من همکاری کنند. زیرا اطمینان داشتم که احمد در اجرای مقاصدشوم خود تنهانیست و بی تردید دستیاران کارکشته‌یی دارد. در همانروز وظایف یک یک همکارانم را مشخص کردم و قرار شد که بچه‌ها ضمن شناسایی دقیق افراد باند، صورتی از تمامی آنها تهیه کرده، دراختیارمن قرار دهند.

نزدیک به یک هفته از فعالیت پیگیر و بی امان ما گذشته بود که خبردار شدم، احمد به تمام برنامه‌های ما پی برده و تاقاطعانه درصدد رد اقدامات من است. با وجود این در همهٔ برخوردهایی که با یکدیگر داشتیم او سعی می‌کرد حتی‌المقدور با من گرم و صمیمی باشد.

نزدیک به یکماه گذشت و من دریافتم که حریف بی نهایت زرنگ تر از آنست که من تصور می‌کردم. زیرا در طول این مدت او درنهایت حزم و احتیاط کارمی کرد و با تمامی قوا می‌کوشید که برگه‌یی به دست ما ندهد. با وجود این من و دوستانم مطمئن بودیم که سرانجام مچ او و یارانش را خواهیم گرفت. تا اینکه یکروز پس از تعطیل کارخانه، وقتی مطابق معمول پشت فرمان اتومبیلی که شرکت دراختیارم نهاده بود، نشستم و بطرف درخروجی حرکت کردم، یکباره متوجه شدم که نگهبان کارخانه بر خلاف رویهٔ معمول زنجیر بازرسی را بست و بدین ترتیب مانع از خروج اتومبیلم از در کارخانه شد. این رفتار نگهبان بقدری نا متعارف بود که من عمیقاً دستخوش حیرت شدم. زیرا با اینکه این اتـــومبیل بـــه حـــمل فـــرآورده‌هـــای نـــمونـــه اختصـــاص داشت و رانندهٔ من روزی چندین بار نمونهٔ جنس را برای عرضه به‌فروشگاهها بوسیله آن حمل می‌کرد، معهذا هرگز اتفاق نیفتاده بود که اتومبیلم مورد بازرسی قرار گیرد. بهمین دلیل هنگامی که بازرس دفتر نگهبانی سویچ در صندوق عقب را مطالبه کرد، من باسرسختی تمام اعتراض کردم وعواقب ناشی از این رفتار را به‌او متذکر شدم. لیکن وی که مأمور بی‌تقصیری بیش نبود باواکنشی مؤدبانه لبخندی زد ودرخواستش را تکرار کرد. من که کاملا ازخودم واتومبیلم اطمینان داشتم باژستی عتاب آلود، کلید را به‌دستش دادم وخاموش نشستم. تا متاسفانه این خاموشی بیش ازچند لحظه نپائید وبلادرنگ فاجعه آغاز شد. من هنگامی به‌واقعیت تلخ پی بردم که به‌اشاره نگهبان از پشت فرمان پائین رفتم و خود را بمقابل صندوق اتومبیل رساندم. آنچه در آغاز دیدم برایم باور نکردنی بود و بااین حال ناچار بودم که بپذیرم. زیرا صندوق راانباشته از جعبه‌های بسته‌بندی شدهٔ کالای کارخانه دیدم. جعبه‌هایی که مراحل آخر را طی کرده وتنها برای تحویل به‌فروشگاه آماده شده بود. هیچ دلیل و برهان ودستاویزی نمی‌توانست مرا تبرئه کند وهمانطور که سرانجام نیز نتوانست. مدیران شرکت باهمهٔ ایمان واعتقادی که به‌درستکاری وامانت من داشتند، در برابر اینهمه مدرک آشکار نتوانستند از گناهم چشم‌پوشی کنند وتنها به‌این‌نکته رضا دادند که ازطرح شکایت علیه من امساک ورزند و فقط حکم اخراجم رابدستم دهند!

بدین ترتیب من پس از مدتها صداقت وامانت با برچسبی آغشته از داغ دزدی و خیانت در امانت بیکار شدم. بیکار کشنده وجانکاهی که مقدمهٔ پریشان روزگاری خودم ونابسامانی خانواده‌ام بود.

از این رو باوجودی لبریز از انگیزه‌های نفرت وانتقام آمادگی انجام هر کاری را یافتم و مصمم شدم احمد را که یگانه عامل این توطئه شوم وناجوانمردانه بود، ازمیان بردارم. بهمین علت یک شب طبق برنامه حساب شده

پیش آمد

قبلی با کمک دوتن از صمیمی‌ترین همکاران سابقم به در خانهٔ احمد رفتیم و خود را به کنار اتومبیلش که جلو منزل او پارک میشد رساندیم. دوستانم با هشیاری تمام به مراقبت از اطراف پرداختند و من طی مدتی کوتاه‌یکی از چرخهای جلو اتومبیل را بازکردم و پس از هرز کردن چهار پیچ و مهره آن، چرخ را مجدداً با یک‌مهره دونیمدوری پیش بیچیده نشده بود، بستم و کار توطئه را تمام کردم. وقتی از آنجا دور شدیم هرسه‌مان اطمینان داشتیم که صبح روز بعد کار احمد تمام است. زیرا با توجه به اینکه او می‌بایست بیست کیلومتر جادهٔ خارج از شهر را با سرعت تمام‌طی کند، بدون‌شک‌مهره‌تاب نگهداری چرخ را نمی‌آورد و حادثه به‌وقوع می‌پیوست. یعنی همان واقعه‌یی که صبح روز بعد رخ داد و اتومبیل پس از چهاربار معلق زدن درگوشه‌یی ازبیابان متوقف‌شد. حاصل این واقعهٔحساب‌شده افلیجی ابدی احمد بود و خاموشی آتش انتقامی که سرتاپای وجودمن شعله‌می کشید.

ماهها گذشت ومن درنهایت عسرت با کاری بسیار پست و کم‌درآمد به زندگیم ادامه دادم تا اینکه یک روز نامه‌یی تایپ‌شده به دستم رسید به این مضمون: «ای مردی که در تمام وجودت به اندازه یک جو رحم و انصاف نیست بدان و آگاه باش که من بخوبی از رفتارناجوانمردانه تو با خبرم و میدانم که باعث افلیج شدن مدیر کارخانه تو هستی، اما حیف که مدرکی ندارم. ضمناً دلیل نوشتن این نامه این‌است که من می‌خواستم به تو بفهمانم دربارهٔ مدیر اشتباه کردی وکسی که کار دستت داد من بودم، نه او! من که دوسال در کارخانه با صداقت تمام خدمت کردم و عاقبت بر اثر اشتباه کوچکی که مرتکب شدم به‌دستورتو حکم اخراجم را دریافت کردم. آیا به خاطر داری که من با چه التماس بدبختی‌های بیکاری را برایت تشریح کردم؟ افسوس که به تمناهایم توجه‌نکردی. اما حالا خوشحالم که تو را بدبخت‌تر از خودم می‌بینم، با این تفاوت که تو از امروز اسیر ندای وجدان نیز خواهی شد! امضای زیر کاغذ خاطره‌یی را که درنظرمن بسیار ساده و عادی بود در ذهنم زنده کرد و بیاد راننده‌یی افتادم که به‌اتهام‌دزدی اخراجش کرده بودم. نامهٔ او را درمیان مشتم با فشار تدریجی تکه‌تکه کردم، درحالی که به‌گفتهٔ او اسیر عذاب وجدان شده بودم. عذابی که هنوز در وجودم باقیست، اما همواره بخود امید می‌دهم که شاید مضمون نامه آن راننده بدوراز واقعیت باشد.

حال آنکه عقل و پندارگواهی می‌دهد که من با افلیج کردن مدیر، دست به توطئه احمقانه‌ای زده بودم زیرا تردیدی نیست که عامل بیچارگی من همان راننده بود ... اما ازکجا معلوم که این نامه را احمد به قصد افکندن من در غرقاب وسوسه و پشیمانی ننوشته باشد؟!

درس بزرگ زندگی

نوشته: شاخه نبات

در حالیکه دستم روی دسته در حمام خشک‌شده بود باحیرت به «جلال» خیره شدم. نمیفهمیدم برای چه دارد لباسهایش را جمع‌می کند وباآن عجله از بستن آن چمدان چه‌منظوری دارد. صبح زود بود، ماهنوز صبحانه نخورده بودیم. ومن برای برداشتن قالب صابون از حمام به اتاق آمده بودم. دراین که‌جلال آن روز سر کار نمیرفت شکی نبود. چون او باعنوان کارگرساختمانی هرچند ماه کار تازه‌ای را قبول میکرد و تاآنجایی که‌من خبر داشتم به کارتازه‌اش که روز دوشنبه‌شروع میشد پنج روزمانده‌بود.

لباس‌هایش را با خشم آشکاری درچمدان میریخت وچنان حالتی داشت که دلم‌میخواست به‌طرفش بدوم، چمدان را از دستش بگیرم و همه لباس‌هارا از آن بیرون بیاورم ودور بریزم ولی‌چهره خشمناك ومصمم او مانع از این کار میشد. آیاواقعاً تصمیم داشت به‌آن چه‌شب گذشته گفته بودعمل کند :— «تودیگه بمن هیچ احتیاجی نداری

رضوانه. حتی فکر نمیکنم دیگه دوستم هم‌داشته باشی. واسه این‌هم من تصمیم خودم روگرفتم وهمین فردا صبح از این‌خونه میرم.»

البته شب‌پیش به‌حرف‌هایش زیاد اعتنانکرده بودم. مدتی‌بود که‌از این نوع حرف‌هایمان رد وبدل می‌شد وحتی‌حالا هم به رفتنش از خانه زیاد اطمینان نداشتم. درچمدان رابست، آن را به‌دست گرفت و به‌طرف دراتاق به‌راه افتاد. ضربان قلبم زیادتر شده‌بود. اما بدون حرف به‌طرفش دویدم وبازویش راکشیدم. برگشت، ایستاد ودرحالی که چشمانش را به گوشه‌سقف دوخته بود گفت:

—« من میــــرم رضــوانـــه، ودیگه هم برنمیگردم.»

درحالی که سعی میکردم خونسردیم را حفظ کنم گفتم:

« جلال دیوونه‌بازی دیگه بسه. حماقت نکن.»

—حماقت! بله،بله،چشمم روشن نتیجه کار کردن زن‌ها همینه همچی که‌دستت به دهنت رسید وپول‌وپله‌ای به‌هم زدی، من دیگه احمق شدم.. واقعاً که‌این‌هم نتیجه ازدواج بایک دختربساز وباشعور. بایدخودم‌رو از این جهنم نجات بدم.»

این‌بارمن که خونم‌رفته رفته به‌جوش آمده بود فریاد کشیدم.« چرا مثل بچه‌ها حرف میزنی؟مادوتایی آدم‌های بالغی‌هستیم وباید بدون عصبانیت وجیغ وداد‌مشکلاتمون روحل کنیم. قهرکردن چه‌فایده‌ای داره. بیابنشین باهم حرف بزنیم.» همانطورکه چمدان در دست‌راستش بود، دست‌چپش‌را به کمرش زد وگفت— « آه، زنده باد خانم‌معلم... همه همه‌بدبختی مااینکه‌تو بامعرفت کار میکنی. من بادستهام وآبمون این‌جوری دیگــــه توی یک جونمیره... چون کلاس تواز من خیلی‌بالاتره» نفس‌بلندی کشیدم وگفتم :—

« این‌حرف‌هارو بذارکنار خودت میدونی که‌من...»

—« که‌تیچی ؟ خانم‌معلم، هیچ لازم نیست‌خودت رو واسه رفتن من‌ناراحت کنی. این روزطلاق دیگر مساله‌ای نیست و توخیلی آسون میتونی شوهری پیدا کنی که از من باسوادتر باشه.»

برای این که‌فریاد نکشم، لبهایم را میان دندانهایم گازگرفتم... ولی به‌جای من «جلال» فریاد کشید:

«آه، چرا عصبانی هستی؟ چرا مثل زن‌های دیگه آبغوره نمیگیری؟

چرا غش وضعف نمیکنی؟ چرا دلت نمیخواد توی خونه‌هم ادای خانم معلم‌ها رو درس بدی؟»

«واسه این که همه زن‌ها مثل هم نیستند.. وخیلی‌هاشون هم‌مثل من از دادو بیداد وگریه‌زاری بدشون میاد.من نه دیوونه نیستم جلال. من‌فقط میتونم بهت‌بگم چمدونت رو بذار زمین وعاقل‌شوتاباهم حرف بزنیم.»

و او در حالیکه دومرتبه به‌طرف در به‌راه می‌افتاد،فریاد کشید:

—« نه، من‌دیگه بیشتر از این نمیتونم این‌زندگی‌رو تحمل کنم. توبا کتاب‌هات و روزنامه‌هات بمون، من هم‌میرم دنبال‌زندگیم.»

اشک در چشم‌هایم جمع شده بود، اما بازحمت جلوی ریزش آن را میگرفتم. دوقدم به‌طرف شوهرم برداشتم وگفتم «گوش کن جلال....»

او بازبرگشت، ایستاد وگفت —« تودیگه بمن احتیاجی نداری. از وقتی که‌رفتی سر کار، بکلی‌از این‌رو به‌اون رو شدی. خوب، حق‌هم داری.. حقوقت خیلی‌خوبه وواسه خودت هم همه‌چی‌داری. ..حتی بچه‌مون رو هم تو تربیت کردی، نه‌من... خوب پس فایده من چیه ؟ هرچی باتوبمونم، بیشتر زندگیت روخراب میکنم. مخصوصاً که‌تازگی‌ها فهمیدم دیگه منودوست هم‌نداری. واسه‌همین هم دیگه هیچ‌وقت به‌این‌خونه برنمیگردم و باتوکاری ندارم»»

این‌بار دیگر باالتماس گفتم—« جلال توروبه خدا این بازی‌هارو بذارکنار. این حرف‌ها مال بچه‌هاست، نه من وتو...»

ولی او به جای جواب در را با صدای بلند به هم کوفت وچند لحظه بعد صدای روشن‌شدن موتور ماشین و دورشدن آن را ازجلوی خانه شنیدم وبه دنبال‌آن سکوت برقرارشد....

چند لحظه ازپشت پنجره به‌خارج نگاه کردم بعد شانه‌هایم را بالاانداختم و زیرلب گفتم:

«بذاربره ، خودش برمیگرده.»

اما درصدای به هم زدن آن در ، آنچنان کنایه‌ای نهفته بود که دلم‌را بی‌اختیار به درد میآورم . همانطور که حمام میکردم ، سعی میکـــردم بـــه عقـــب بـــرگـــردم و آن چـــه را کـــه بـــاعـــث گفتگـــوی دیشب ماشده بود، به درستی به یاد بیاورم. همه چیز از طرز غذاخوردن پسرمان فرزین شروع شده بود وشاید هم« جلال » که ازمدت‌ها پیش روزوشب به دنبال بهانه میگشت ، سرانجام به این ترتیب بهانه‌ای را که میخواست به دست آورده‌بودوگفته بود:

—« این چه طرز غذا خوردنه بچه ؟ واقعاً بنازم به این تربیت. به‌جای این که سرتب واسه این بچه قرص ویتامین بخری ، بهش یادبده چه جوری غذا بخوره . ووقتی باو جواب دادم ـ « اگه غذا نمیخوره ، واسه اینه که اشتها نداره »

بازبا همان لحن مسخره گفت :—« بی اشتهاـ ئیش هم تقصیر توئه ، بچه‌ای که دائم یک گوشه نشسته باشه و جرات جم خوردن نداشته ـ باشه بهتر ازاین نمیشه .»

وبازمن گفتم «چی کار کنم ، فرزین فقط پنج سالشه من که نمیتوانم یک بچه پنج ساله روول کنم توی کوچه بره باهر کی دلش میخواد بازی کنه ..»

درآن لحظه جلال دیگرحرفی نزد. فقط صورتش را طوری از من برگرداند که شکستی قلبم شکست. مدتی بود که جلال دیگر آن آدم سابق نبود کارگرجوانی که با عشق بامن عروسی کرد ومن رادوست داشتنی‌ترین زن دنیا میدانست . چیزی بین ما عوض شده بود .شاید هم چیزی راگم کرده بودیم . به هرحال یک ساعت پس ازخوابیدن فرزین بحث تازه‌ای میان ماشروع شد واین بارجرقه‌ای که انتظارش را‌ـ میکشیدم جهید و آتش موعود شعله کشید . موضوع عوض کردن اتومبیل و خرید یک اتومبیل نوبود وازچندماه پیش گهگاه‌این صحبت بین من وشوهرم به‌میان می‌آمد و روی‌آن حرفهایی میزدیم تااینکه شب پیش یک دفعه جلال گفت فکر می کنم تا اول تابستون پس اندازه آنقدر بشه که بتوانم اون ماشین رو که دیدم بخرم .

من که صحنه ساعتی قبل را به فراموشی سپرده وآرام‌شده بودم ، گفتم— « حالا چرا تا تابستون صبر کنی . من که پول دارم ، ما میتونیم فردا اتومبیلی رو که میخواهی بخریم » جلال چند لحظه ساکت ماند ، بعد از جایش بلند شد ، سیگاری آتش زد . اما باز چیزی نگفت .

انگارجغدی درویرانه دوری ناله میکرد و ازحوادث ناگواری خبر میداد گفتم :

— « یک دفعه چی شده ؟ چرا اخم‌هات رو توی هم کشیدی ؟ »

ته‌سیگارش را در جاسیگاری تکان داد و گفت :

— « صحیح ! پس میخواهی اتومبیل من رو هم تو بخری ؟ خوبه ! همون طور که هفته پیش واسه فرزین یک‌سه چرخه خریدی و ماه پیش هم پول ماشین رختشوری رو خودت دادی »

درحالی که ابروهایم را درهم میکشیدم گفتم — « اصلا نمیفهمم چی داری میگی . من با اجازه‌خودت رفتم سر کار. مگه چه عیبی داره که با پس‌اندازمن اتومبیلی رو که میخوای بخری ؟ مگه ما با هم زندگی نمیکنیم ؟ »

ازجایش بلندشد ودرحالیکه در اطاق راد میرفت گفت:

— « گوش کن رضوانه . اگه یادت باشه شیش سال پیش وضع من با حالا خیلی فرق داشت واسه اینهم اجازه دادم بری سر کار . ولی حالا هیچ احتیاجی به کمک تو ندارم . »

— ولی من زن تو هستم .. یعنی باهات شریکم ، و پول من مال توئه . چه مانعی داره که من هم یه وقت یه خرج‌هایی بکنم ؟ »

— « هیچ مانعی نداره .. ولی تو خیلی بیشتر ازقسمت خودت توی خونه خرج میکنی . و کار به جایی رسید کـــه وجود من تواین خونه دیگه به هیچ دردی نمیخوره ... یکی به من بگه اصلا من توی این خونه چی کاره‌ام ؟ من که دیگه خودم رو رئیس خونواده نمیدونم . همه کارها رو تو میکنی ، حتی دیروز دیدم تو باغچه هم خودت گل کاشتی . خوب ، پس فایده من چیه ؟ »

درد ، رفته رفته در دلم می‌پیچید و بغض به گلویم فشارمیآورد . جلال میخواست ادای مردهای قدیمی را در بیاورد ، مردهایی که به زن ها به چشم شیئی نگاه میکردند و برای آن‌ها هیچ ارزشی قایل نبودند . درصورتی که با گذشت زمان همه چیز عوض شده بود و من نمیتوانستم مثل مادربزرگم زندگی کنم و میخواستم در هر چیز سهمی داشته باشم . درحالیکه صدا به زحمت از گـــلویم بیرون میآمد گفتم — « واقعاً که منو بگو فکر میکردم وقتی بیائی خونه و ببینی باغچه‌رو گل کاشتم ، خیلی خوشحال میشی ، با خودم فکر کرده بودم کار توخیلی زیاده و دلم میخواست یک‌جوری خوشحالت کنم .»

تنها چیزی که از آن بسیار بدم میآمد ، حالت خشم و هیجان شوهرم بود . انگارچیزی به‌او فشارمی‌آورد و آزارش میداد ، چون پس از شنیدن حرفهای من ناگهان مثل یک انار رسیده از هم منفجرشد و فریاد کشید : « ولی این منم که باید تورو توی زندگی خوشحال کنم . منم که هرروز باید توی این خونه یک کار تازه‌ای بکنم ، نه تو»

عجیب بود . . . تا آن لحظه همیشه با مرد ـ هایی روبروشده بودم که ازاینکه زنهایشان از صبح تاشام درخانه می‌نشینند و دست به‌سیاه و سفید نمیزنند و با تحرك و جوش‌وخروش زندگی بیگانه‌اند ، گله میکردند . ولی حالا شوهر من به جای اینکه ازداشتن شریکی مثل من خوشحال باشد ، بهانه‌گیری را شروع کرده بود و داشت زندگیمان را بهم میزد . با خشم لباسهایم را پوشیدم و به آشپزخانه رفتم . پسرم هنوزخواب بود. کتری راآب کردم و روی گاز گذاشتم سعی میکردم خودم را نسبت به‌آنچه اتفاق افتاده بود بی‌اعتنا نشان بدهم : حالا که دلش میخوادبره بذار بره ، من میتونم به‌آسونی زندگی خودم و پسرم‌رو اداره کنم و به‌او هیچ نیازی ندارم . زمانه دیگه عوض شده و من زن صد سال پیش نیستم . سالم ، با هوش ، و پرانرژیم . روی پاهای خودم وایسادم و به هیچکی هم احتیاجی ندارم ، حتی به جلال که شوهرمه و واقعاً دوستش

دارم.» خوشبختانه آن روز جمعه بود، و تصمیم گرفتم علیرغم حادثه‌ای که اتفاق افتاده بود آرامش کاملی داشته باشم. فرزین را با خود به باغ وحش بردم. بعد در یک رستوران با هم ناهار خوردیم و پس از آن به‌دیدن یک فیلم (کمدی) رفتیم... فرزین همه‌اش حرف میزد و میخندید و پیدا بود در کنار من آرام و خوشحال است. من هم ظاهر آرام و خندانی داشتم. اگرچه در باطنم چیزی مثل سیل میجوشید و صدا میکرد و به‌خودم میگفتم «حتماً وقتی برگردیم خونه، جلال‌رو، یا در اتاقش یا در آشپزخونه پیدا میکنیم.» در صورتیکه اشتباه میکردم و از شوهرم کوچکترین نشانه‌ای در خانه به چشم نمیخورد، ولی من باز هم آرامش خود را حفظ کردم و تا لحظه‌ای که فرزین در بسترش به خواب رفت نقشم را بخوبی بازی کردم، اما با بسته شدن چشمان پسرم، وقتی که تنهائی همه‌جا را فرا گرفت، خود را ناآرام و اندوهگین یافتم، همان‌طور که واقعا بودم. انگار آن زنی که در آغاز ماجرا ادعا کرده بود به‌هیچ کسی نیازی ندارد و میتواند در تنهایی زندگی راحتی داشته باشد، در خواب فرو رفته بود و زنی که در بیداری چشمهایش را به‌سقف‌دوخته بود، شوهر محبوب و عزیزش را جستجو میکرد. همان‌طور که افکارم را پس‌وپیش میکردم، بناگاه جمله‌ای را که چند سال پیش از مادرم شنیده بودم به‌یاد آوردم: «مردها از زن‌های قوی خیلی خوششون میاد. هیچ‌وقت باور نکن که مردی از زن ضعیف خوشش بیاد.»

پدرم وقتی که ده سالم بود، مرده بود. مادرم که زنی خونسرد و پرقدرت و دنیا دیده بود مرگ او را بسادگی تحمل کرده بود و هیچ کدام از ما هیچ وقت او را با چشمهای پر از اشک ندیده بودیم. همیشه حالت عصبی و خشمناک داشت. انگار از صبح تا شب از دست یک نفر خون جگر میخورد و شاید آن یک نفر پدرم بود که با مرگ نابهنگام خود باعث شده بود مسؤلیت اداره من و خواهرم به عهده مادرم بیفتد. اما او واقعاً عصبانی بود. درست همانطور که من بودم... فکرم یک دفعه روی صحنه‌ای که مدت‌ها بود از ذهنم محو شده بود ثابت ماند. صحنه‌ای از یک شب طوفانی پائیزی شکستن درخت پشت پنجره اتاق من و خواهر کوچکم و فرو افتادن درخت روی پنجره... و فریادهای من و خواهرم... و چهره خونسرد مادرم که میگفت «بگیرین بخوابین، نصفه‌شبی من هیچ کاری نمیتونم بکنم. باید صبح یکی‌رو پیدا کنم تنه درخت‌رو از این جا ببره» و بعد وقتی خواهرم به خواب رفته بود من ناگهان از آشپزخانه صدایی شنیدم. صدای تلخ گریه مادرم. با شنیدن آن صدا از رختخواب بیرون پریدم و خودم را با پای برهنه به پشت در آشپزخانه رساندم و در نور چراغ، مادرم را دیدم که سرش را میان دستهایش گرفته بود و هق‌هق کنان میگفت:

—«چی کار کنم علی جون. بی تو چی کار کنم؟»

او زنی بود که در ظاهر به نظر ما سرد و بی احساسات و خشک میامد. باز هم در باطن یک زن بود و مثل همه زنهای دنیا به یک مرد نیاز داشت. شوهرش را میخواست. در رختخواب غلتی زدم و با خود فکر کردم اگر دیر وقت نبود به‌مادرم تلفنی میزدم تا بفهمم در تمام سال‌هایی که بدون پدرم زندگی کرده، چه فکر میکرده و چه احساسی داشته است.

تمام شب را نیمه‌خواب و نیمه بیدار گذراندم. هروقت به‌خواب میرفتم، یا خواب جلال را میدیدم یا خواب مادرم را. وهروقت بیدار میشدم، به‌این حقیقت میرسیدم که تمام اعتقادات گذشته‌ام غلط بوده وزندگی بدون جلال برایم غیر ممکن است. شب‌هایی را به‌یاد می‌آوردم که به‌محض اینکه از خواب میپریدم، جلال هم از جایش بلند میشد تا ببیند چه اتفاقی افتاده است.

بعضی وقت‌ها نزدیک یک ساعت وبعضی وقت‌ها چند دقیقه بیدار میماند و با من حرف میزد. اما آنشب من تنها بودم وشب، دراز و ملول وخسته کننده به‌نظر میرسید. روز بعد قبل از رفتن به‌سر کارم به‌مادرم تلفن زدم. دلم نمی‌خواست او از قهر کردن جلال باخبر شود. برای همین سعی میکردم باصدای آرامی با او حرف بزنم. چند لحظه راجع به‌مسائل معمولی باهم‌حرف زدیم وبعد پرسیدم از اینکه دیر دیر به‌دیدنش می‌رویم احساس تنهایی نمیکند؟

بقیه در صفحه ۷٦

بحثی در مورد

کار زنان و کودکان

۱ــ وضع اقتصادی خانواده

در برخی از خانواده‌ها که پدر و سرپرست آن فوت شده و یا از کار افتاده و امکان پرداختن بکار برای آنان وجود ندارد، جوانان خانواده که هنوز به سن رشد و کبر نرسیده‌اند برای کمک به پدر و مادر و سرپرستی خانواده ملزم بکار می‌شوند. بهمین لحاظ است که در اغلب خانواده‌هائی که پدر و مادر زنده هستند و امکان کار کردن دارند، اطفال خود را به جای آنکه به کارخانه و بر سر کار بفرستند، به دبستان می‌فرستند بدین ترتیب عامل اقتصادی در این زمینه واجد اهمیت بسیار است. از همین نقطه نظر عامل دیگری نیز وجود دارد که امروزه این عامل مطرح نیست، و آن فقدان وسائل تعلیم و تربیت و غیره می‌باشد که لامحاله خانواده‌ها را مجبور میسازد که فرزندان خود را روانه کارخانه بنمایند.

۲ــ از نقطه نظر وضع اقتصادی کشور

جمعیت هر کشور را معمولا به دو قسمت تقسیم می کنند: جمعیت فعال و جمعیت غیر فعال. جمعیت فعال، گروهی از جمعیت هستند که بین سنین ۱۲ تا ۶۰ سال قرار دارند، اینان افرادی هستند که معمولا میتوانند کار کنند و از وجود آنان میتوان در مزارع، کارخانه‌ها و سایر مؤسسات استفاده نمود و هنگامی نیز که در یک کشور آمارگیری انجام می‌یابد و برنامه‌هائی به منظور تعیین وضع اشتغال تنظیم می‌گردد، هنگامی که جمعیت فعال کشور مطرح می‌گردد، جمعیت بین ۱۲ — ۶۰ سال مورد نظر است.

بدین ترتیب این گروه از مردم، چه آنها که در سنین بین ۱۲ و ۱۸ قرار دارند و چه آنها که زن هستند، همگی جزء جمعیت فعال و عوامل تولید و نیروی انسانی کشور می‌باشند و نقش آنها در اقتصاد کشور کاملا آشکار است. حال اگر به عناوینی از اشتغال به کار این دو گروه ممانعت و جلوگیری به عمل آید، بدون تردید به اقتصاد کشور زیان وارد خواهد آمد.

بدین لحاظ است که در همه کشورها کوشش میشود از نیروی انسانی حداکثر استفاده به عمل آید.

۳ــ مصوبات بین المللی

طی سالهائی که سازمان ملل متحد ایجاد گردیده است، همواره یک رشته مقاوله‌نامه و توصیه نامه بین المللی وضع نموده است که کشورهای عضو آن را در قوانین خود ملحوظ دارند و آن را اجراء نمایند، مسائل همگی در زمینه مسائل مربوط به کار، برای کارگران صنعتی و کشاورزی است و شامل مسائلی از قبیل شرائط کار، مدت کار، ساعات کار، شب، کار زنان، مزد، اشتغال و غیره می‌باشد و باید خاطر نشان ساخت که بسیاری از قوانین کشورهای مختلف و یا حداقل اصلاحاتی که در آن به عمل آمده است ملهم از مصوبات بین المللی یاد شده است. از جمله مصوبات سازمان بین المللی کار یکی از میان بردن تبعیض در مورد کار می‌باشد. تبعیضهای ناشی از نژاد، جنس و غیره و در این مقاوله نامه مقرر داشته استکه در مورد اشتغال به کار هیچگونه تبعیض نباید بین زن و مرد وجود داشته باشد و دیگر مقاوله نامه مربوط به مزد مساوی برای کار مساوی است و هدف این است که برای کاری در شرائط مساوی، اعم از اینکه این کار را زن انجام داده باشد یا مرد باید مزدی مساوی پرداخت.

علاوه بر آن اعلامیه حقوق بشر و سایر اعلامیه‌های بین المللی هم در جهت آن است که باید زنان نیز مانند مردان در تمام شئون اقتصادی واجتماعی کشور شرکت داشته باشند.

همه این مصوبات و مقررات و قوانین کار کشورهای جهان اثر گذارده است.

۴ــ پیشرفتهای فرهنگی و فکری

همزمان با پیشرفتهای فرهنگی و فکری و بالا رفتن سطح اندیشه در کشورهای مختلف، این فکر به تدریج نضج گرفته است که باید با زنان چون دیگر افراد جامعه و به عنوان نیمی برابر از پیکره اجتماع رفتار کرد و به ویژه سازمان ملل متحد در اجلاس‌های متعدد خود، این فکر را اشاعه داده است. چنانکه سال گذشته بعنوان سال جهانی زن تلقی گردید، در این سال، کنفرانسها، سمینارها و کمیسیون‌های متعدد جهانی، منطقه‌ای، و داخلی تشکیل گردید و در آن‌ها درباره احتلای مقام زن داد سخن دادند.

بدون تردید تماس این عوامل، در نشان دادن شخصیت زن و مسأله برابری رفتار بین زن و مرد تأثیر بسزائی داشته است و خوشبختانه در کشور ما از آغاز به این امر توجه گردیده و در قوانین این مساله مورد توجه قرار گرفته و بویژه در دوران انقلاب، کاملا تحقق یافته است.

با توجه چنین حقیقتی است که در قانون کار کشور ما همه جا بحث و سخن از تساوی و برابری زن و مرد در اشتغال است و اگر تبعیض هم در قانون کار از این نقطه نظر وجود دارد، به لحاظ کیفیت جسمانی زنان و یا اطفال و جوانان و یا ویژگی‌های خانوادگی است که چنین تبعیضی وجود دارد و باید اذعان شود کمّی سالهای اخیر این اندیشه به تدریج نضج گرفته است که این تبعیض‌ها نیز گرچه به سود زنان است، بازهم از آنجا که خود تبعیض است، از میان برده شود.

حال به بینیم در قانون کار کشور ما چه مواردی از این قبیل در مورد اطفال و زنان وجود دارد.

این موارد را میتوان در چهار بخش مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داد:

۱ــ سن پذیرش کودکان بکار
۲ــ منع کار شب برای زنان و کودکان
۳ــ منع کارهای سخت و زیان‌آور برای زنان و جوانان و نیز اضافه کار
۴ــ حمایت خاصه از زنان کارگر

۱ــ سن پذیرش اطفال بکار

اطفال و کودکان اولین موضوع بحث و گفتگوی دانشمندان و اندیشمندان و اولین موضوع مبارزه در راه کاهش مدت کار و بهبود شرائط کار بوده‌اند.

بدین عبارت اولین قانونی که در جهان در زمینه شرائط کار به تصویب رسید، مربوط به کاهش مدت کار اطفال بود. بدین عبارت که در فرانسه دکتر «ویلرمه» طبیب و جامعه شناس معروف پس از بررسی‌های زیادی که در باره مدت کار در کارگاههای صنعتی بعمل آورد، گزارش جامعی که در عین حال محکوم کننده وضع ناهنجار اطفال در آن زمان بود، به دولت فرانسه تسلیم کرد و در سال ۱۸۴۲ اولین قانون مربوط به منع پذیرش اطفال کمتر از ۸ سال در کارگاههای صنعتی که دارای بیشتر از ۲۰ کارگر هستند، به تصویب رسید.

گرچه این قانون در نوع خود مفید بود، معذلک بازهم امکان بکارگماشتن اطفال را در سنین پائین و در کارگاههای کوچک فراهم ساخت.

ولی بعداً با توسعه و گسترش ماشینیسم و توجه بیش از پیش به مسائل اجتماعی قوانین دیگری در فرانسه و سایر کشورهای جهان وضع گردید که سن اطفال را برای کار کردن به ۱۲ سال (قانون مه ۱۸۷۴) و بعد ۱۳ سال (نوامبر ۱۸۹۲) و بالاخره ۱۴ سال (اوت ۱۹۳۶) کاهش بخشید.

درایران مسأله اشتغال به کار اطفال و جوانان و حمایت از آنان سابقه ای طولانی ندارد و تنها طی پنجاه سال اخیر است که بدین امر توجه حاصل شده است، وگرنه قبل از آن در ایران نیز مانند دیگر کشورهای جهان اطفال در سنین کوچک از صبح تا شامگاه بکار اشتغال داشتند. ولی اولین فرمانی که بوسیله رضاشاه کبیر، در زمان سردار سپهی معظم‌له در سال ۱۳۰۲ به والی سیستان و بلوچستان صادر گردید، و مربوط به کارگران قالی‌بافی‌ها بود، سن کارگران را برای قالی‌بافی تعیین کرد. به موجب ماده ۳ فرمان مذکور: پسران کمتر از هشت سال و دختران کمتر از ده سال نمیتوانند در این کارگاهها بکار مشغول شوند.

پس از آن نظامنامه کارخانجات صنعتی، و تولیدی در سال ۱۳۱۵ و سپس قوانین کار این سن را افزایش دادند. در قانون کار سال ۱۳۲۵ سن بین ۱۰ — ۱۲ سال برای کارآموزی درنظر گرفته شده بود، بدین ترتیب: «بکار گماشتن اطفالی که سن آنها کمتر از ۱۲ سال تمام باشد مجاز نیست، مگر در مورد کارآموزی که در آئین‌نامه پیش‌بینی خواهد شد و در هر صورت سن آنها نبایستی کمتر از ده سال تمام و مدت کار روزانه از ۸ ساعت تجاوز نماید.»

وقانون کار اردیبهشت ۱۳۲۸ نیز چنین مقرر داشته است: «بکار گماشتن اطفالی که سن آنها به دوازده سال تمام نرسیده، ممنوع است، مگر در مورد کارآموزی» در قانون فعلی کار اطفال کمتر از ۱۲ سال حتی برای کارآموزی نیز منع شده‌اند. به موجب ماده ۱۲ این قانون: «بکار گماردن اطفال کمتر از ۱۲ سال حتی به عنوان کارآموزی ممنوع است» و چون کارآموزی در همین قانون تا ۲ سال پیش‌بینی گردیده در واقع استنباط میگردد که حداقل سن اشتغال بکار برای اطفال ۱۴ سال میباشد و بطوریکه مشاهده میشود این قانون نسبت به قوانین دیگر مترقی است.

اکنون، اندیشه دیگری در جهان وجود دارد که سن اشتغال بکار از اینهم افزایش یابد و به اطفال امکان داده شود که یکدوره آموزش را ببینند و بعد به کار وارد گردد. حال این بحث مطرح میشود که عامل اساسی برای ایجاد این قوانین و جلوگیری از اشتغال اطفال بکار چیست؟

بدون تردید دو عامل در این زمینه خود نمائی می کند. اولا عامل جسمانی و شرایط بدنی اطفال و حمایت از سلامت آنان که ایجاب مینماید از اشتغال آنان به کار جلوگیری بعمل آید.

حتی سازمان بین الملل کار اظهار امیدواری کرده است که به تدریج سن پذیرش جوانان به کار به ۱۸ سال برسد.

ثانیاً عامل اقتصادی است که از این طریق امکانات اشتغال جوانان و بزرگتران را فراهم سازند. بدین معنی هنگامی که افراد زیادی در بازار کار وجود دارد که باید بکار اشتغال ورزند و اینان در سنین بالا تر هستند و باید خانواده‌هائی را اداره کنند و از سوی دیگر

بقیه در صفحه ۷۷

شماره پانزدهم
دوشنبه بیست‌وچهارم خردادماه ۲۵۳۵ شاهنشاهی

روزنامه رستاخیز

کارگران

آقای هویدا نخست‌وزیر:

در حزب رستاخیز ملت ایران هر فرد همانقدر حق دارد، که دبیر کل از آن برخوردار است

اجتماع اعضای نخستین کانونی که با حضور آقای هویدا نخست‌وزیر و دبیر کل حزب رستاخیز ملت ایران گشایش یافت.

پانزدهمین کانون حزب رستاخیز ملت ایران در دانشگاه تهران با حضور آقای امیرعباس هویدا نخست‌وزیر و دبیر کل حزب رستاخیز ملت ایران در باشگاه دانشگاه تشکیل گردید.

این نخستین کانون حزبی است که با حضور دبیر کل حزب رستاخیز ملت ایران کار خود را آغاز میکند.

درابتدای این جلسه که بیش از یکصد تن از دانشگاهیان در آن شرکت داشتند، آقای دکتر نهاوندی رئیس دانشگاه تهران و عضو دفتر سیاسی و هیأت اجرائی موقت حزب رستاخیز ملت ایران ضمن سخنان مشروحی رسالت حزب رستاخیز ملت ایران را تشریح کرد و از حضور دبیر کل در این جلسه اظهار تشکر نمود و گفت: دانشگاهیان و روشنفکران ایران همگی در راه پیشرفت نهضت رستاخیز آماده کوشش هستند و اوامر شاهنشاه آریامهر و شهبانوی گرامی را در صحنه مسئولیت مؤثر در فعالیتهای حزبی صمیمانه اجرا خواهند کرد. آنگاه آقای نخست‌وزیر طی سخنانی به مشارکت تمام مردم در کانونهای حزبی پرداخته و گفتند بزودی تاریخ تشکیل کنگره حزب رستاخیز ملت ایران را به هیئت اجرائی پیشنهاد خواهند کرد و اظهار امیدواری کردند که با تشکیل این کنگره حزب بتواند دبیر کل تمام وقت و مسؤولین حزبی تمام وقت در بعضی استانها داشته باشد.

آقای هویدا افزودند: کنگره‌ای که تشکیل خواهد شد، وظائف متعددی خواهد داشت که یکی از آنها انتخاب دبیر کل حزب خواهد بود.

آقای هویدا در اظهارات خود در دانشگاه تهران اعضاء کانونهای حزبی را به برداشتن قدمهای بلند و استوار در راه گسترش فعالیت‌های حزبی فرا خواندند و تأکید کردند که باید گفت‌وشنود حقیقی و وسیع در تمام سطوح حزبی و بین همه اعضای حزب صورت گیرد و نظریات و افکار مردم بنحو مطلوبی برای استفاده در برنامه‌ریزیها جمع‌آوری و به ارگانهای حزب منعکس گردد.

دبیر کل حزب رستاخیز ملت ایران در این کانون که از استادان، دانشجویان و کارکنان دانشگاه تشکیل شده اظهار داشتند که این نخستین کانون حزبی است که شخصا در آن شرکت میکنم و اظهار امیدواری کردند که در همه مراحل در جریان فعالیتهای این کانون قرار داشته باشند و در گفت‌وشنودهای آن شرکت کنند.

آقای هویدا با اشاره به گسترش حزب در نقاط مختلف مملکت اظهار داشتند که تشکیل اینگونه کانون‌ها در دانشگاه‌ها و مشارکت استادان دانشجویان و کارمندان دانشگاه‌ها در فعالیتهای حزبی گامهای سریعی است که در سازمان‌دهی حزب برداشته میشود و اضافه کردند که این سازمان دهی بدون شرکت فعالانه اعضاء حزب مقدور نیست.

دبیر کل حزب رستاخیز ملت ایران ضمن اظهار رضایت از گسترش گفت‌وشنود در کانونهای حزبی و نتیجه‌بخش آن تأکید کردند که نظراتی که در این کانون‌ها مطرح میشود، در ارگانهای حزبی مطرح شود و بعد به دستگاههای اجرائی مملکت منعکس گردد.

آقای هویدا نخست‌وزیر افزودند که حزب رستاخیز ملت ایران مکتبی است که همه ملت را فرا گرفته است. در این حزب کسی نمیتواند بگوید که من مقامم از آن دیگری بالاتر است، ولی وجه تمایز افراد در حزب مربوط به وسعت فعالیتی است که هر کس بخاطر گسترش حزب انجام داده است.

دبیر کل حزب رستاخیز ملت ایران تأکید کردند که همه ما چه دانشجو چه استاد، چه کارمند، چه پیشه‌ور و چه کارگر و کشاورز باید توانمان را هماهنگ کنیم تا به نتایج مطلوبتر و بهتری برسیم.

دبیر کل حزب اظهار داشتند که شاهنشاه بارها درباره گسترش حزب فرمایشاتی داشته‌اند. در این حزب هرفرد این مملکت همانقدر حق دارد که دبیر کل حزب دارد. هر کس که دبیر کل باشد، باید امین افراد حزبی باشد، نه اینکه حزب را براساس نظریات خود به این سو یا آن سو ببرد.

آقای نخست‌وزیر گفتند که دولت برنامه ششم را آماده میکند و همین که اولین پیش‌نویس این برنامه آماده شد، در اختیار همگان گذاشته خواهد شد تا همه مردم نظر خود را درباره آن بدهند و اطمینان دارم که با جمع‌آوری این نظریات و استفاده از آنها، به نتایج بهتری خواهیم رسید.

*** تاریخ تشکیل کنگره بزودی به هیأت اجرائی پیشنهاد میشود.**
*** حزب رستاخیز ملت ایران مکتبی است که همه ملت را فراگرفته است.**

گروهی از اعضای حزب اکثریت ژاپن با هدفهای حزب رستاخیز ملت ایران آشنا شدند

یک گروه چهل نفری از سناتورهــــا ـ نمایندگان مجلس و جوانان عضو حزب لیبرال دموکرات ژاپن که برای آشنائی با فعالیتهای حزب رستاخیز ملت ایران بکشور ما آمده بودند طی جلسه‌ای با حضور دکتر محمدعلی زرنگار مسئول روابط عمومی حزب درباره چگونگی فعالیتهای حزب رستاخیز گفتگو کردند.

در آغاز دکتر محمدعلی زرنگار گفت حزب رستاخیز از ویژگیها و خصلتی برخوردار است که آنرا بصورت یک حزب فراگیرنده ملت ایران در آورده است.

وی افزود حزب رستاخیز ملت ایران حزب جوانی است‌ و در آغاز حرکتهای بزرگ‌خود قرار دارد وآنچه مسلم است د رتشکیل این حزب از هیچ کشور و ایدئولوژی خاصی تقلید نشده است.

مرامنامه این حزب براساس اعتقاد بست که فرهنگ ما را تشکیل میدهد و ما میخواهیم که مملکت بر پایه فرهنگ خودما اداره شود و شاهنشاه آریامهر با فرمان تشکیل حزب رستاخیز زمینه تعالی ایران را بیش از پیش فراهم ساختند.

سپس یکی از اعضاء هیأت چهل نفری ژاپن ضمن سخنانی گفت: من بملت ایران تبریک میگویم که تحت رهبریهای شاهنشاه آریامهر از چنین ترقیات شگرفی برخوردار شده است بین ایران وژاپن شباهتهای بسیاری وجود دارد و امیدواریم همکاری بین دو کشور هر روز بیشتر شود ویقین دارم از آنچه در کشورشما دیدیم و آموختیم در جهت گسترش فعالیتهای خود و روابط بین دو کشور می‌توانیم استفاده کنیم.

آنگاه یکی از حاضران در جلسه در مورد نحوه فعالیت سازمان جوانان حزب رستاخیز سئوال کرد. مسئول روابط عمومی حزب در پاسخ گفت: سازمان جوانان رستاخیز در حال شکل گرفتن است‌ و در این سازمان همه جوانان کشور میتوانند فعالیت داشته‌باشند وهیچ محدودیتی برای فعالیت در این سازمان‌برای نسل جوان وجود ندارد.

پیرامون چگونگی استفاده از نظریات اعضاء حزب در تدوین برنامه‌های مملکتی و قوانین کشور سئوال شد، گفته شد که حزب رستاخیز ملت ایران از کانونهای متعددی تشکیل یافته‌و مردم با شرکت درکانونها وبحث وبررسی درباره مسائل مملکتی اظهار نظر میکنند که این نظریات از طریق شوراهای حزبی به شورای مرکزی وسپس هیأت اجرائی میرسد و پس از تصویب حزب از طریق دفترسیاسی برای اجرا به دولت ارائه خواهد شد.

کانون‌های حزبی درمیان کارگران گسترش مییابد

طی مراسمی که درکارخانه پریفلب شهرری برگزار شد کارگران این واحد تولیدی دو کانون‌حزبی‌تشکیل دادند.

دراین مراسم نخست هدف ازتشکیل کانون‌حزبی و همچنین لزوم مشارکت بیشتر در امور مملکتی ازطریق بحث وگفتگو درکانونها مورد اشاره قرارگرفت وسپس برای انتخاب اعضای هیأت رئیسه اخذ رأی بعمل آمد و درنتیجه‌آقایان — عبدالله کوکبی — حسین کرمانی — جعفرخانی — فریدون رضاپور و خانم فاطمه دولتی بعنوان اعضای هیأت‌رئیسه کانون اول و آقایان — منصور شاملو — آرشاومیر استپانیان — عزت‌الله اصلانی — علی‌اکبر قشقائی — شمشون‌طوما بعنوان اعضای هیأت رئیسه کانون دوم انتخاب‌شدند.

کارگران دو کانون‌حزبی دیگر تشکیل دادند

طی مراسمی که درپارك هتل ترتیب یافت موجودیت دو کانون حزبی کارگران اعلام شد. دراین مراسم که چند تن از نمایندگان مجلس شورای ملی از گروه کارگر و یکصد و سی نفر نمایندگان سندیکاهای هتلها و نمایندگان سازمان کارگران‌شرکت داشتند لزوم مشارکت هر چه بیشتر کارگران در کانونهای حزبی مورد تاکید قرار گرفت. دراین مراسم همچنین گفته‌شد کارگران با تشکیل کانونهای کارگری که‌عموم علاقمندان نیز میتوانند در آن شرکت داشته باشند فرصت می‌یابند تا درباره مسائل مملکتی به بحث و تبادل نظر بپردازندو پیشنهادهای خود را ارائه دهند. که مسلماً این پیشنهادها ازطریق مراجع حزبی درسطوح تصمیم گیری مطرح خواهد شد. درپایان این جلسه باآراء شرکت کنندگان اعضای هیات رئیسه دو کانون انتخاب‌شدند.

«جناح پیشرو» طرح ایجاد کارگاههای مهارتهای کشاورزی را تهیه میکند

یک کمیته «جناح پیشرو» تأسیس وتوسعه کارگاههای مهارت‌های کشاورزی در روستا های کشوررا تهیه‌میکند.

هدف از تهیه این طرح آموزش مهارت‌های نوین به‌کشاورزان استتا بابهره‌گیری از روشهای نوین تولید در افزایش محصولات کوشش کنند.

در اجرای این‌هدف به‌منظور اساسی درنظرگرفته‌شده است که‌عبارتند از:

*تأسیس وتجهیز مراکز آموزش فنی وتولیدی در مراکز بخشها وقطب‌های کشاورزی.

پیش‌بینی اعتبارات لازم ومنابع تأمین آن‌برای کاربرد روشهای‌نوین

براساس این طرح برای‌هر کارگاه هفت گروه در نظرگرفته شده است که‌عبارتند از گروه‌های: امورزراعی، امور باغبانی، امور اداری، بهداشت‌گیاهی، بهداشت‌دامی، ماشین آلات کشاورزی، آب‌وخاك ومدیریت امورزراعی

براساس طرح کمیته نیروی انسانی حزب:

۲۰۰ هزار دیپلمه آموزش فنی می‌بینند

طرح آموزش فنی دویست‌هزار دیپلمه که در کمیته تربیت نیروی انسانی تهیه شده است بــرای تصویب به هیات اجرائی حزب رستاخیز ملت ایران فرستاده‌شد.

در این طرح برای رفع تنگناهای نیروی انسانی ماهرومتخصص درسطح تکنیسین، دو راه‌حل کوتاه‌مدت و بلند مدت پیشنهاد شده است. درطرح کوتاه‌مدت توصیه شده که امسال پنج‌هزار تن از جوانان دیپلمه بــرای گذراندن دوره‌های فنی تحت تعلیم قرارگیرند و درطرح بلند مدت پیش بینی شده که درحدود دویست هــزار دیپلمه که بعــــــت محدودیت پذیرش دانشگاهها و مــوسسات آموزش عالی موفق به ادامه تحصیلات بعدی نمیشوند، درمراکز تربیت تکنیسین و دوره‌هــای فنی، آموزش ببینندوسپس بتدریــج در مؤسسات دولتی و بخش خصوصی بفعالیت مشغول‌شوند.

درطرح کمیته تربیت نیروی انسانی ماهر همچنین تاکید شده است که حقوق و مزایای فارغ التحصیلان این دوره‌ها باید درحدی‌باشد کــه هیچگونه کمبــودی نسبت بــــــه فارغ‌التحصیلان دانشگاهها نداشته باشد.

همچنین برای ایجاد هماهنگی درمدارس و هنرستانهای‌فنی وتجهیزوتربیت نیروی‌انسانی ماهر، یک شورای هماهنگی در سطح کشور تشکیل خواهدشد تا بتواند برفعالیت‌های‌آن‌ها وسطح اطلاعات و تخصص هنرجویان نظارت داشته‌باشد.

این طرح پس ازبررسی نهائی وتائید دبیــر کل حزب رستاخیز برای تصویب به هیات اجرائی تسلیم‌میشود.

انتخابات انجمن‌های دموکراتیک بعنوان

یکی از سه برنامه مهم حزب درسال جاری اعلام شد

امور انجمنهای دموکراتیک حزب مشکلات شهرها وروستاها را برطرف‌میکند.

حزب در سراسرکشور آماده اجرای برنامه‌های‌گسترده برای برگزاری انتخابات انجمن‌های دموکراتیک‌شده‌است.

پس‌از تصویب آئین‌نامه انتخابات انجمنهای شهر، شهرستان واستان ازطرف‌هیأت اجرائی حزب، مسؤولان حزب در تهران و شهرستانهــا با تشکیل کمیته‌های ویژه‌ای چگونگی مشارکت‌گسترده اعضاء حزب را در این انتخابات بررسی کردند وباتوجه به‌سیاست انتخاباتی حزب که مبنی برحاکمیت رأی قاطع‌مردم وتاکید برآزادی انتخابات است، برنامه‌های حزب برای شرکت‌در انتخابات‌مشخص شد.

سفرهای استانی قائم‌مقام دبیرکل حزب وهیأتهای حزبی به‌سراسرکشور وتشکیل جلسات‌گفت وشنود اولین‌گامهای عملی‌است که‌دراجرای این برنامه‌ها برداشته شده است.

انتخابات انجمنهای دموکراتیک که در مهرماه‌انجام‌خواهد شد، بعنوان یکی از سه برنامه مهم حزب در سال جاری اعلام شدو بااهمیتی درحد انتخابات مجلسین مورد توجه‌قرارگرفته است.

حزب باتوجه به‌نقش مهم انجمن‌های شهر، شهرستان واستان در هماهنگ‌ساختن فعالیتهای منطقه‌ای‌ورفع مشکلات ومسائل شهرها وروستاها اقدام به‌تشکیل امورانجمنها وسازمانهای‌دموکراتیک کردواین‌شاخه‌حزبی در سال‌گذشته درحل مشکلات وراهنمائی شهرداران وشهرداریها اقدامات مؤثری بعمل آورده‌است.

ازسوی دیگر براساس آئین‌نامه مصوب هیات اجرائی‌مقدمات تشکیل هیأتهای بررسی‌برای‌گزینش ومعرفی نامزدهای حزب در انتخابات انجمن‌های دموکراتیک فراهم میشود. کاندیداهای حزب‌ازمیان هزاران‌نفر از داوطلبان انتخابات بابررسی‌های همه‌جانبه وچندمرحله‌ای از سوی هیأت‌های بررسی و کمیته‌های هیأت اجرائی بمیزان سه‌برابر اعضاء‌انجمنهای شهر، شهرستان واستان معرفی‌خواهندشد.

وزیر کار وامور اجتماعی در کنفرانس جهانی اشتغال :

ما توانستیم اشتغال کامل را با ثبات نسبی قیمتها حفظ کنیم

* باید خود را برای انجام کارهای مشکل‌تر که از ضروریات توسعه اجتماعی است آماده کنیم.
* هیچ توسعه‌ای حقیقی نیست مگر گروههای کم درآمد جامعه نیز از طریق اشتغال مناسب و درآمد بیشتر وارد جریان اصلی زندگی ملی بشوند.
* سرمایه‌گذاری دولت دربخشهای روستای طی چند سال گذشته چندین برابر شده است
* هدف برنامه عمرانی پنجم افزایش سریع فرصتهای اشتغال مولد با درآمد کافی است.

همزمان با برپائی کنفرانس بین‌المللی کار در ژنو کنفرانس جهانی اشتغال نیز از چهاردهم خرداد ماه در همین شهر تشکیل شد، که تا بیست وهفتم ادامه خواهد داشت.

در این کنفرانس که جمعی از وزیران و مسئولین سازمانهای کارگری جهان شرکت دارند، سیاستهای ملی اشتغال باتوجه خاصی نسبت به‌کشورهای درحال توسعه، مهاجرت نیروی انسانی واشتغال در سطح بین‌المللی تکنولوژی در جهت ایجاد اشتغال مولد در کشورهای درحال توسعه نقش شرکتهای چند ملیتی برای ایجاد اشتغال در کشورهای در حال توسعه، سیاستهای نیروی انسانی فعال وکمکهای مربوط به‌ایجاد مبانی لازم دراین زمینه، در کشورهای در حال توسعه، مورد بحث وتبادل نظر قرار میگیرد و هریک از صاحب نظران وکارشناسان در خصوص یک‌موضوع به‌گفتگو ونتیجه‌گیری میپردازند.

در این کنفرانس آقای امیرقاسم معینی وزیر کار وامور اجتماعی طی سخنانی گفت:

آقای رئیس، نمایندگان محترم، خانمها وآقایان

آقای رئیس لازم میدانم انتخاب شما را بریاست این مجمع بزرگ بین‌المللی تبریک بگویم وتوفیق شما را در انجام وظیفه خطیری که برعهده گرفته‌اید خواستار شوم خوشوقتم مراتب تشکر صمیمانه خود را به‌آقای مدیر کل بخاطر گزارش دقیق ومتفکرانه‌ای که برای بحث دراین کنفرانس ارائه نموده‌اند ابراز نمایم.

این گزارش بجهات مختلف یک برداشت جدید است. درآن به‌تجربه دو دهه گذشته اعم از شکستها وموفقیتها اشاره شده است. همچنین دراین گزارش مباحث بین‌المللی در زمینه‌هائی نظیر همکاریهای فنی، تجارت بین‌المللی و سیستم اقتصاد بین‌المللی اشاره گردیده است. مخصوصا به‌تجارب سازمان بین‌المللی کار که از طریق اجرای برنامه‌های پژوهشی واعزام هیئت‌های جامع استراتژی اشتغال بدست آمده توجه خاصی مبذول شده است. گزارش مذکور پس از ذکر تمام این نکات، مهمترین مسائل قابل طرح را در یک قالب واحد که هم جالب وهم اطمینان بخش است ترکیب و ارائه مینماید.

ایران همواره توصیه‌های سازمان بین‌المللی کار را مخصوصاً در مورد ایجاد حداکثر اشتغال مولد وسیاستهای مربوط بآن مورد تایید قرار داده است. هیئتی که از طرف این سازمان مأمور بررسی مسائل مربوط بسیاست اشتغال وتوزیع درآمد در ایران گردید ودر نوامبر ۱۹۷۱ از ایران بازدید بعمل آورد، توصیه‌هائی ارائه نمودند که در تهیه برنامه عمرانی پنجم مورد استفاده قرار گرفت.

همچنین در مورد برنامه جهانی اشتغال آموزش حرفه‌ای همکاری فراوان کردیم و توصیه‌های هیئت اعزامی از طرف سازمان بین‌المللی کار را با یک برداشت کاملا مثبت مورد توجه عمیق قرار دادیم بنابراین ما یکبار دیگر فرصت خواهیم داشت همکاری و تشریک مساعی خود را باسازمان بین‌المللی کار گسترش دهیم.

از طرف دیگر در سالهای اخیر گامهای موثری در استقرار همکاری‌های چند جانبه و دوجانبه با کشورهای توسعه یافته ودرحال توسعه برداشته‌ایم. بعضی از این اقدامات تاکنون نتایج مفید وموثری همراه داشته است. باین ترتیب ما همواره نسبت به‌ارتباط نزدیک برنامه‌های ملی وبین‌المللی در زمینه توسعه آگاه‌بوده‌ایم.

بنابراین خوشحالم از اینکه دراین گزارش مسئله اشتغال، توسعه واحتیاجات اساسی بعنوان یک مسئله جهانی مورد توجه قرار گرفته‌است.

آقای رئیس، میخواهم بشما اطمینان دهم که ما در ایران خود را برای نیل جامعه بسوی این هدف کاملا متعهد احساس میکنیم و آرزو داریم این خواسته‌ها از حد یک [illegible] فراتر رفته و به‌تحقق وواقعیت بپیوندد.

چگونه میتوان این برنامه را اجرا کرد؟ بنظر من این سئوال سه جنبه اساسی دارد که باید مورد توجه قرار گیرد. اولین وشاید مهمترین آن اینست که ما، یعنی کسانیکه دست اندر کار برنامه ریزیهای ملی وتعیین روشها وسیاستها هستیم باید جهت‌گیریهای غلط خود را در برنامه‌ریزی که تأکید اساسی آن برمسائل شهری است تغییر دهیم.

باید خود را برای انجام کارهای مشکلتر که از ضروریات توسعه اجتماعی است آماده کنیم. ثانیاً واقعیت بخشیدن باین نکته که هیچ توسعه‌ای حقیقی نیست مگر آنکه گروههای کم‌درآمدتر جوامع ما نیز از طریق مناسبتر ودرآمد بیشتر وارد جریان اصلی زندگی ملی شوند واین امر بصورت یک برنامه قطعی درآید.

این برنامه باید وسعت کافی داشته و تحرك لازم را نه فقط در درازمدت‌ایجاد کند، بلکه در کوتاه مدت نیز اثرات آن کاملا اساسی ومحسوس باشد. بالاخره‌این جهت‌گیری جدید باید کاملا مورد حمایت بالاترین سطوح تعیین کنندگان سیاستها و روشها در هر کشورقرارگیرد.

گزارش مدیرکل دو هدف مهم را مطرح میکند. اولا میخواهد که در مورد این جهت‌گیری‌جدید استرتژی توسعه که در گزارش خلاصه شده است توافق لازم بوجود آید و ثانیاً میخواهد که هر کشور برای خود حداقل هدفهای مشخص را برای اجرا طی یک نسل در نظر گیرد.

در حقیقت اکثر کشورهای درحال توسعه سالهاست که درراه بهبود وضع زندگی گروه‌های فقیر خود میکوشند. آنها مسائلی نظیر تأمین غذای کافی، پوشاك و مسکن، توزیع مجدد زمین، توسعه روستائی، ایجاد اشتغال و توزیع درآمد را مدتها بررسی کرده و درهرمورد کم‌وبیش موفقیتهائی نیزداشته‌اند. تجاربی که کشورها دراین زمینه بدست آورده‌اند بسیار متنوع و مطالعه آنها باارزش است. چند کشور نیز هدفهائی در مورد تأمین غذا، پوشاك و مسکن تعیین نموده و گروهی استراتژیهای گوناگون را برای رسیدن به هدفهای خود آزموده‌اند بسیاری ممالکنیز در زمینه برنامه‌های مبارزه با فقر و ایجاد اشتغال تجاربی اندوخته‌اند.

اجازه بدهید به تجارب کشور خود ایران اشاره‌ای بکنم. بدون تردید میتوان گفت ما چهارده سال است هدفهای مشخصی را تعقیب میکنیم. هدفهای ما درمنشور تاریخی انقلاب شاه‌وملت درسال ۲۵۲۱ شاهنشاهی پا بعرصه نهاد وشکل گرفت و اولین اصل آن آزاد کردن دهقانان طی برنامه اصلاحات ارضی و الغاء رژیم فئودالی ارباب و رعیتی بود.

ما این اصلاحات را باموفقیت کامل بانجام رساندیم. احتیاج اساسی دیگر که در کشور تشخیص داده‌شد، مسئله سواد و تأمین حداقل آموزش برای همگان بود. این اصل نیز در منشور انقلاب جای گرفت. سپاه‌دانش تشکیل شد و پیشگام اجرای این اصل در مناطق روستائی گردید. هشت سال آموزش اولیه رایگان برای کودکان سراسر کشورتأمین شد و بدنبال این سیاست نام‌نویسی درمؤسسات آموزشی در تمام سطوح افزایش سریع یافت، بطوریکه ما امروزه به هدف شمول کامل آموزش ابتدائی بسیار نزدیک شده‌ایم.

تشکیل سپاه‌بهداشت، تأمین تسهیلات رایگان پزشکی و پوشش‌تدریجی تمام جمعیت بوسیله طرحهای بیمه‌های اجتماعی جنبه‌های دیگری ازاستراتژی توسعه‌ما راتشکیل میدهد.

بقیه درصفحه ۸۹

وزیر کار و امور اجتماعی در انجمن اقتصاد دانان گفت:

بکارگرفتن نیروی انسانی خارجی، یک تدبیر موقتی است

*** استفاده از خدمات متخصصان خارجی صرفاً برای استقرار تعادل بین عرضه و تقاضای بازار کار صورت گرفت.**
*** وزارت کار و امور اجتماعی به مسئله حمایت کامل از نیروی انسانی مملکت کاملا توجه دارد**

وزیر کار و امور اجتماعی در اجتماع اعضای انجمن اقتصاد دانان

آقای امیرقاسم معینی وزیر کار و امور اجتماعی در جمع اعضای انجمن اقتصاددانان کشور سیاست اشتغال و چگونگی کار اتباع بیگانه را تشریح کرد.

وزیر کار و امور اجتماعی با برشمردن ویژگیهای برنامه عمرانی پنجم گفت: این برنامه برای اولین بار در کشور حجم و ترکیب [illegible] را مطرح کرد [illegible] حجم و ترکیب [illegible] بود که [illegible] شده [illegible] ملاحظه [illegible] کمبود [illegible] و از طرف دیگر با فراهم آوردن امکانات آموزشی در سطوح مختلف نیروی انسانی [illegible] برای [illegible] ایجاد شده [illegible]. بعبارت دیگر تعداد واقعی امکانات اشتغال از تعداد افرادیکه میتوانستند وارد بازار کار شوند فزونتر گردید. [illegible] کمبودهای [illegible] مطرح شد.

نتیجه اینکه با توجه به گسترش برنامه‌ها کمبود کمی و کیفی نیروی انسانی بروز کرد.

کمبودهای کیفی نیروی انسانی

وی افزود: [illegible] کمبود نیروی انسانی [illegible] اهمیت است: [illegible] توسعه صنعتی در کشور [illegible] تخصصهای جدیدی را در [illegible] ایجاد کرد که بالا مستلزم تغییرات کلی در برنامه‌های تعلیمات فنی و حرفه‌ای شود. همچنین بمنظور افزایش کارائی و بهره‌برداری بیشتر از نتایج تلاش نیروی انسانی موجود در جهت نیل به هدفهای توسعه، لازم بود نسبت به توزیع دقیقتر و صحیح [illegible] در سطوح افقی و چه در سطوح عمودی اقدام شود.

اقدامات دولت برای تامین نیروی انسانی

وزیر کار [illegible] با اشاره به برنامه‌های ضربتی [illegible] مشکلات گفت: در برنامه عمرانی پنجم [illegible] که ظرفیت موسسات آموزش [illegible] سرعت توسعه [illegible] [illegible] گسترش برنامه‌های آموزش عالی [illegible] [illegible] مطرح [illegible] که [illegible] سعی شده است نیروی انسانی مورد نیاز از طریق [illegible] فارغ‌التحصیلان [illegible] خارج و همچنین استفاده [illegible] خارجی تامین شود.

* همچنین کوشش شده است با فشرده کردن و کوتاه کردن دوره‌های تحصیلی در [illegible] رشته‌ها امکانات دستیابی سریعتر به نیروی کار متخصص در بازار کار فراهم گردد.

تعلیمات فنی و حرفه‌ای

در برنامه پنجم عمرانی تربیت ۷۲ هزار [illegible] تکنسین درجه یک و ۳۲۰ هزار نفر تکنسین درجه ۲ در رشته‌های صنعتی [illegible] پیش‌بینی گردیده است. [illegible] تعداد تکنسینهای درجه یک

(دانشجویان دوره‌های فوق دیپلم در آموزش عالی) از ۲۴۷۶۰ نفر به ۴۲۵۰۰ نفر و تعداد تکنسینهای درجه ۲ (در رشته‌های صنعت، کشاورزی و خدمات) از ۶۴۰۰۰ نفر به ۱۳۲۰۰۰ نفر در پایان برنامه افزایش خواهد یافت.

آقای معینی افزود: وزارت کار و امور اجتماعی علاوه بر نقشی که در زمینه ایجاد هماهنگی بین محتوای برنامه‌های آموزش و پرورش کشور و امکانات و مقتضیات بازار کار است، در زمینه آموزش حرفه‌ای بزرگسالان نیز مسئول و متعهد اصلی است. با توجه به اهمیت استقرار تعادل [illegible] و ضرورت [illegible]

[illegible] تعلیمات فنی و حرفه‌ای [illegible] (شامل [illegible] مراکز تعلیمات [illegible] [illegible] و شامل تیمهای سیار [illegible] و پایگاههای تعلیمات حرفه‌ای) نسبت به اجرای برنامه‌های ضربتی آموزشی اقدام نماید.

بدینترتیب وظیفه آموزشی وزارت کار یکی از طریق تربیت کارگر توسط مراکز آموزش حرفه‌ای و دیگری از طریق تربیت کارگر در چارچوب پیش‌بینی‌های قانون کارآموزی یعنی با مشارکت مستقیم صنایع کشور بمرحله اجرا درآمده.

آموزش نیروی کار در خارج از کشور

[illegible] نظر به ضرورت ضربتی بودن برنامه‌های آموزشی بمنظور رفع نیازهای فنی بازار کار و با توجه به محدود بودن امکانات آموزشی در کشور کوشش شده است که [illegible] آموزش فنی و حرفه‌ای [illegible] تربیت نیروی کار از خارج استفاده [illegible].

بدین منظور وزارت کار و امور اجتماعی با همکاری وزارت علوم و آموزش عالی و [illegible] نیروی انسانی [illegible] برای تربیت افراد متخصص در انگلستان [illegible] نموده است که بموجب آن در حال حاضر حدود ۷۰۰ نفر در رشته‌های مختلف مشغول فرا گرفتن آموزشهای لازم هستند و [illegible] بازار کار ایران وارد خواهند شد. علاوه دولت ایران با همکاری [illegible] بمنظور تربیت [illegible] و [illegible] متخصص در سطوح مختلف امکانات لازم را برای آموزش سالیانه ۶۰۰ نفر از نیروی کار [illegible] آموزش [illegible] فراهم کرده است [illegible] تاکنون [illegible] نفر از این امکانات استفاده نموده‌اند.

استخدام متخصصین خارجی

وزیر کار اضافه کرد توسعه سریع برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی کشور در سالهای اخیر و استقرار صنایعی که چگونگی آنها قبلا برای موسسات و مراکز آموزشی شناخته شده نبود، موجب گردید که موسسات آموزشی کشور نتوانند [illegible] فرصت نیازهای آنی و کوتاه مدت بازار کار ایران را تامین کنند بدین لحاظ تصمیم گرفته شد [illegible] برنامه‌های [illegible] از خدمات متخصصین و کارشناسان خارجی استفاده شود.

البته این یک تدبیر موقتی است و بمنظور [illegible] بازار کار کشور علاوه بر تدابیری که برای انتقال مهارت متخصصان خارجی به ایرانیان صورت میگیرد کوششهای لازم برای توسعه نظام آموزشی بعمل آمده و [illegible] امکانات استفاده از متخصصان خارجی **صرفاً برای استقرار تعادل بین عرضه و تقاضای بازار** کار و تسهیل اجرای برنامه‌های عمرانی صورت میگیرد.

وی افزود: بازار کار ایران **تنها متخصصان و کارشناسان بامهارت را جلب مینماید و کارگران ماهر و نیمه ماهر مورد نیاز کشور از طریق توسعه تعلیمات حرفه‌ای و اجرای برنامه‌های ضربتی آموزشی تامین میشوند از اینرو مسائل بازار کار ایران از نظر ورود نیروی کار خارجی با مسائل سایر ممالک کارگر پذیر تفاوت بسیار دارد.**

بنابراین وزارت کار و امور اجتماعی **به مسئله حمایت کامل از نیروی انسانی مملکت** کاملا توجه دارد و برنامه استفاده از خدمات متخصصان خارجی را صرفا برای استقرار تعادل بین عرضه و تقاضای بازار کار و تسهیل برنامه‌های عمرانی اجرا مینماید.

درگردهم آئی نمایندگان کارگران بامسؤلان سازمان تأمین خدمات درمانی:

خواسته‌های درمانی کارگران مورد بررسی قرارگرفت

گروهی از نمایندگان کارگران در یک گرد هم آئی با شرکت نمایندگان سازمان تأمین اجتماعی، سازمان تأمین خدمات درمانی و سازمان کارگران ایران مشکلات درمانی خود را مطرح کردند. در این گردهمائی که درسالن کنفرانس مرکز اورژانس تهران تشکیل شد مدیر عامل سازمان تأمین خدمات درمانی رؤسا ومعاونین مراکز درمانی — نمایندگان کارگران در مجلس شورایملی وشش تن از برگزیدگان نمایندگان کارگران از تهران— کرج وشهرری شرکت داشتند.

نمایندگان مذکور که در یک جلسه مقدماتی در سازمان کارگران ایران برگزیده شده بودند کلیه مشکلات درمانی کارگران را مطرح کردند در آغاز این گردهمائی آقای دکتر آرام مدیر عامل سازمان تأمین خدمات درمانی ضمن اشاره به تصمیمات جلسات قبلی در مورد انتخاب چهل نفر نمایندگان، کارگران بعنوان بازرس ومباشر وناظر بر امور خدمات درمانی سخن گفت واظهار داشت، بزودی کارتهای این افراد صادر ودراختیارآنان گذاشته خواهد شد..

وی آنگاه گفت برای تسهیل ورسیدگی بیشتر به امور درمانی، مملکت را از نظر پوشش درمانی به ۴۰ منطقه تقسیم شده واختیارات هر منطقه به یک مدیر که در انجام امور درمانی دارای مسئولیت کامل می‌باشد واگذار شده است تا باوسعت عمل بیشتری بتوان به امور درمانی رسیدگی کرد. ضمناً هر منطقه دارای تعدادی بیمارستان ودرمانگاههای مجهزاست که بتواند پاسخگوی نیاز درمانی آن منطقه می‌باشد.

آقای آرام افزود: برای رسیدگی به مشکلات مناطق هرچند یکبارجلسات عمومی در سطح مدیران تشکیل می‌شود ودر این جلسات نیازهای هر منطقه مطرح وپس از تبادل نظر مورد رسیدگی قرارمیگرد.

مدیر عامل سازمان تأمین خدمات درمانی سپس با اشاره به ادغام وزارتخانه های بهداری و رفاه اجتماعی گفت: این کار بیشتر بدان منظور با مسئله درمان وبهداشت با سرعت بیشتری گسترش یابد ودر اجرای این برنامه مهم هیچگونه تأخیری روی ندهد.

آقای دکتر آرام در مورد برنامه‌های آینده سازمان تأمین خدمات درمانی گفت: درمدت ۸ ماه گذشته طرحهائی از طرف این سازمان برای بهبود وضع درمان وتوسعه مراکز درمانی پیشنهاد شد که بموجب طرحهای مذکور بودجه ایجاد ۱۴ بیمارستان از تصویب گذشته و بزودی عملیات ساختمانی آنها آغاز خواهدشد ناگفته نماند که از این تعداد بیمارستانها که احداث می‌شود عملیات ساختمانی بیمارستان کاشان از اولویت بیشتری برخوردار است وبه همین جهت بزودی ساختمان آن شروع خواهد شد.

وی افزود بیمارستانهای مذکور که اکثراً دارای ۲۰۰ تا ۶۰۰ تخت می‌باشند دارای بخشهای مختلف برای پذیرش بیماران استو طبق قراردادی که منعقد شده قراراست حداکثر ظرف سه سال ونیم دیگر عملیات ساختمانی بیمارستانهای مذکور بپایان برسد و مورد بهره برداری قرار گیرد

مدیرعامل سازمان تأمین خدمات درمانی کشور همچنین در مورد کادر پزشکی بیمارستانها گفت: طبق برنامه تنظیمی قراراست درآینده ازوجود پزشکان بطور تمام وقت و کامل در مراکز درمانی این سازمان استفاده شود وترتیبی داده خواهد شد که برای پزشکان و کارکنان هر بیمارستان در کنار همان بیمارستان واحدهای مسکونی احداث شود تا از وجود آنان درمواقع ضروری بتوان استفاده کرد.

در مورد کمبود پرستار آقای آرام گفت: بودجه ۱۲ مدرسه عالی پرستاری نیز تصویب شده که با ایجاد مدارس مذکور تا حدودی نیروی انسانی مورد نیاز بیمارستانها و مراکز درمانی تأمین خواهدشد

آقای آرام سپس درمورد استخدام پزشکان خارجی که گروهی ازآنان هم اکنون در روستاها سرگرم مداوای بیماران هستند گفت: خوشبختانه کارپزشکان خارجی رضایتبخش است وازاینرو قراراست ۲۰۰۰ پزشک و کمک پزشک دیگراز خارج استخدام و در روستاهای کشور به امر درمان بپردازند.

همچنین قرار است در کلیه نقاط کشور پلی کلنیک‌های مجهزی ایجاد شود که هم اکنون پلی کلنیک راه آهن تجهیز شده و بنحو مطلوب ازآن استفاده‌می‌شود.

مدیر عامل سازمان تأمین خدمات درمانی درپایان از کلیه‌شرکت کنندگان خواست که بطورمستمر وماهیانه درچنین جلساتی شرکت کنند و مشکلات درمانی کارگران را مطرح سازند تا نسبت به رفع آنان اقدامات لازم بعمل آید.

پس از سخنان آقای دکتر آرام خانم فرد بنمایندگی از سوی کارکنان و کارگران بانکهای خصوصی سخن گفت: و مشکلات درمانی کارگران بازنشسته بانکها را مطرح ساخت وتقاضا کرد که در رفع آنها اقدام‌شود.

سخنران بعدی آقای تهرانی نماینده کارگران شرکت مخابرات ایران بود که وی نیز ضمن اشاره به مشکلات درمانی کارگران مسئله صدور دفترچه تأمین خدمات درمانی آزاد را مطرح کرد وخواستارآن‌شد که هرچه زودتر دفترچه‌های مذکور صادر و در اختیار بیمه شدگان قرار گیرد وی در پایان از نحوه پذیرش برخی از بیمارستانها انتقاد کرد و تقاضا داشت که دراین مورد نیزرسیدگی شود.

آقای علی شاد نماینده کارگران کارخانه اشتاد نیز بنمایندگی از سوی کارگران کرج خواستها ومشکلات درمانی کارگران شهرستان کرج رامطرح کرد وبرای توسعه مراکزدرمانی کرج پیشنهاداتی راارائه داد.

چهارمین نماینده کارگران آقای اسفندیار خدائی بنمایندگی ازسوی کارگران شهرری سخن گفت: وی نیز درمرحله اول از کمبود تخت و بیمارستان درشهر ری و منطقه جنوب انتقاد کرد و درمورد بیمارستانی که قرار بود ساخته‌شود سخن گفت:

وی سپس به تشکیل کمیسیون پزشکی در منطقه جنوب و کمبود چشم‌پزشک ومتخصص چشم وگوش و حلق و بینی اشاره کرد وخواستارشد برای رفع نیازدرمانی کارگران منطقه مذکور اقدامات لازم ازطریق مقامات سازمان تامین خدمات درمانی بعمل آید.

آقای جعفرزاده سخنران بعدی این گردهم‌آئی نیز بنمایندگی از سوی کارگران تهران مشکلات درمانی کارگران رامطرح‌ساخت.

وی ضمن تشکر از منطقه‌ای شدن خدمات درمانی برای تسهیل کارها از نبودن بعضی از بخشهای تخصصی دربرخی ازمناطق و مشکلاتی که ازاین رهگذر بوجود می‌آید سخن گفت وخواستار رفع این مشکلات‌شد.

ششمین سخنران آقای بهرام عمواوغلی از تهران بود که وی نیز به نمایندگی از سوی کارگران تهران نیازهای درمانی کارگران‌رانیز عنوان ساخت و پیشنهاد کرد که درمانگاهها توسعه یابند و بصورت پلی کلینیک درآیند تا بازده بیشتری داشته باشند.

وی همچنین درمورد چاپ وانتشار دفترچه‌های راهنمای پزشکی سخن گفت و لزوم تسریع دراین امرمهم را یادآورشد.

وی درپایان در زمینه افزایش ساعات کار درمانگاهها و تشکیل سمینارها و بازدید وهمکاری بیشتر مسؤولین مراکز درمانی با نمایندگان کارگران پیشنهاداتی ارائه داد.

پس ازسخنان‌شش نماینده کارگران که از تهران— کرج وشهرری مشکلات وخواستهائی درمانی کارگران را مطرح ساختند. آقای جعفر صبوری نماینده کارگران مشهد درمجلس شورایملی ضمن تشکر از اقداماتی که تا کنون در زمینه اموردرمانی صورت گرفته است پیشنهاد کرد که برای خدمات درمانی زائران این شهر مقدس که روز بروز برتعدادشان افزوده‌می‌شود درمانگاه مجهزی ایجاد شود تا با این اقدام تا اندازه‌ای ازفشار کاربر روی درمانگای دیگر کاسته‌شود.

وی در خاتمه بار دیگر از مسؤولین امر تشکر کرد و ازآنان خواست تا هرچه زودتر نسبت به رفع برخی ازمشکلات درمانی اقدام شود.

آخرین سخنران آقای اسحق نژاد نماینده کارگران درمجلس شورایملی بود که وی نیز پیشنهاد کرد درصورت امکان تا احداث بیمارستانهائی که قرار است ظرف سه سال و نیم آینده‌ساخته شود ازوجود ساختمانهای اجاره‌ای جهت بیمارستان بطورموقت استفادمشود.

درپایان این گردهمائی آقای دکتر آرام مدیرعامل سازمان تامین خدمات درمانی کشور به خواستها ومشکلات مطرح شده پاسخ داد و اظهارداشت با برنامه هائی که درآینده نزدیک بمرحله اجرا درخواهد آمد و با همکاری و همفکری شما امیدواریم که این مشکلات و نارسائیها هرچه زودتربرطرف‌شود.

وی همچنین تشکیل وشرکت دراین نوع جلسات را نمایانگرعلاقه‌مندی مسؤولین امر در رفع‌مشکلات‌دانست.

این گردهمائی حدود سه ساعت بطول انجامید.

مراکزآموزش حرفه‌ای همگام با رشدصنایع توسعه می‌یابد

به مناسبت برگزاری آئین ملی بزرگداشت پنجاه‌سال شاهنشاهی پهلوی تأسیسات انستیتو تکنولوژی و هنرستان جردن در محل جدید با حضور وزیر آموزش و پرورش گشایش یافت.

دراین مراسم که معاونان ومدیران وزارت آموزش و پرورش وگروهی از استادان دانشکده‌های پلی‌تکنیک و علم وصنعت حضور داشتند، آقای عباس شیخ معاون فنی و حرفه‌ای وزارت آموزش و پرورش ضمن تجلیل از خدمات اعلیحضرت رضاشاه کبیر اولین بنیان گذار مؤسسات فنی وحرفه‌ای درایران اهمیت آموزش فنی وحرفه‌ای و تربیت متخصصان مورد نیازصنایع کشوررا یادآورشد و گفت: بابرنامه‌های وسیعی که تدوین شده بزودی نظیراین گونه مؤسسات آموزش حرفه‌ای گسترش خواهد یافت وسعی‌میشود همگام بارشدصنایع، مرکزآموزش حرفه‌ای نیز توسعه یابد.

انستیتوی تکنولوژی و هنرستان جردن درحال حاضر هزارویکصدوشصت‌ودو دانش آموزوهنرجوو۸۳ نفر کادرآموزشی اردوشامل انستیتوتکنولوژی هنرستان‌صنعتی ومرکزتربیت معلم‌فنی وحرفه‌ای است که درزمینی به‌مساحت ۲۱ هزار مترمربع بنا شده‌است.

مجتمع فنی و حرفه‌ای جردن همچنین کلاسهای کار آموزی کوتاه مدت برای کارمندان فنی مؤسسات مختلف ترتیب داده است.

عباس سعیدی کارگر موفق

باروزی ده ریال دستمزد، اکنو

بسیارند برادران وخواهران کارگرمان که در واحدهای تولیدی بکار سازندگی وخلاقیت اشتغال دارند. آنان ارزش فرصتها رامیدانند ونیروی تفکر خود را با بکارگرفتن نیروی بازوان بحرکت وامیدارند. شما کارگران عزیز شاهد هستید که در هرشماره مجله ما یکی از دوستان را که توانسته این چنین باشد معرفی کرده‌ایم ودر این راه به یاری شما نیازمندیم واز شما میخواهیم اگر در کارگاه خود اشخاصی را میشناسید که توانسته‌اند وسیله‌ای را بسازند وبا موفقیتی چشمگیر در زمینه کارخود داشته باشند بما معرفی کنید تا ضمن آشنائی بااین دوستان همه کارگران عزیز نیز با آنها آشنا شوند.

عباس‌سعیدی نمونه‌ای از اینگونه کارگران است. کارگری که با اتکاء به استقامت وپشتکار خود توانست از کارگری ساده به معاونت اداره مهندسی یکی ازواحدهای تولیدی بزرگ کشورمان دست یابد. فرصتی دست داد تا با او بگفتگو بپردازیم وبا چگونگی کارش آشنا شویم واینکه درسال ۱۳۲۳، در اراک متولد شده وفرزند خانواده‌ای روستائی است که پس از فوت پدر به حرفه آهنگری پرداخته‌است.

وی اکنون ۳۳ سال دارد وهمانطور که گفتیم معاون اداره مهندسی کارخانه خود است ولی سعی او همیشه براین است که در میان کارگاه باشد تا کارگران را هنگام کار راهنمائی کند و به ماشینهای کارگاه نیز رسیدگی کند زیرا این کار را همواره از وظایف حتمی خود میداند.

از عباس میخواهیم که از خود بگوید و اینکه چگونه به‌این کار روی‌آورد.

میگوید: دوعامل باعث‌شد که به اینکار روی بیاورم، نخست علاقه زیادی بود که به کار آهنگری داشتم وبعد تأمین مخارج زندگی مرا وادار کرد تا باعلاقه این حرفه را فرا بگیرم و حرفی برای گفتن داشته باشم. چهاردساله بودم که‌پدر کشاورزم فوت کردو ناچار مخارج دو خواهر ویک برادر کوچکتر از خود را بعهده گرفتم واین شد که نتوانستم به تحصیل خود ادامه بدهم برعکس برای ادامه زندگی بایستی کارمیکردم وبنابراین بهتر دیدم که بکارمورد علاقه خود یعنی آهنگری بپردازم و سرانجام «آهنگر» شدم.

وسائلی که ابداع کرده

عباس‌سعیدی از ۷ سال پیش کارخود را در واحد تولیدی آزمایش شروع کرده وبا وجود اینکه تحصیلاتی بیش از اول متوسطه ندارد، اما توانسته با راهنمائی مدیر کارخانه با نحوه کارماشینهای سنگین آشنا شود ودرحال حاضر اکثر قسمتها و کروکی ماشین‌آلات را شخصاً پیاده میکند.

این کارگر موفق تاکنون توانسته است با بهره‌گیری از ذوق وعلاقه خود چندین وسیله بسازد. ازاو میخواهیم که مختصری دراین مورد صحبت کند.

* ساخت پانزده ماشین خم کن ازابتکارات این کارگرموفق است
* تقسیم سود ویژه مستقیماً به کارگروسپس به اقتصاد کشور کمک میکند
* ممارست در کارو تجربه اندوزی را سرلوحه قرار دهیم

میگوید: وسیله‌ای بنام ماشین خم‌کن درب‌یخچال ساخته‌ام که با یک‌حرکت چهار عمل مکانیکی رادریک‌زمان انجام‌میدهد ودر غیراینصورت چهاربار بایستی این عمل توسط یک کارگر یا چهار کارگر انجام میشد. این ماشین از یک پمپ هیدرولیک، دوعدد پیستون و سیلندر تشکیل شده است وجالب اینکه تمام قطعات آن از خرده‌فروشیها تهیه شده و بوسیله دست ساخته شده‌است.

— ماشین دوم ماشین خم کن بدنه‌های جانبی یخچال است که با یک‌عمل چهارخم میزند. در این ماشین بعوض چهارنفر، چهار پیستون وسیلندر تعبیه شده که توسط یک مخزن هوای فشرده عمل مکانیکی فنرها را انجام میدهد. قبل ازساختن این ماشین این کار طی سه عمل وبا دست ۸ کارگر انجام میگرفت.

ماشین سوم — ماشین ساخت بدنه‌های یخچال است. این ماشین میتواند ورق را بحالت شکل در یخچال دراورد. این ماشین برای هشت مدل یخچال میتواند تولید داشته باشد.

ماشین چهارم — ماشین خم کن پشت‌بند یخچال است که با یک عمل سه‌خم وبا یک حرکت دیگر محل نصب موتور یخچال را میبرد. این ماشین قادراست درهردقیقه دو کار را تواماً انجام دهد.

ماشین پنجم — ماشین سوراخ کن ورق پشت‌بند یخچال است که جای کابلها ویک سوراخ دیگری برای تزریق موادموردلزوم را درمی‌آورد.

ماشین ششم — ماشین سوراخ کن طبقه‌های بدنه داخلی است که مورد استفاده هشت مدل یخچال است.

ماشین هفتم — ازجکهای ماشینهای لودر و کمپرسی از کار افتاده ساخته شده است این ماشین عمل پوست‌زنی کابینت تلویزیون — مبله، رومیزی، وپرتابل را انجام میدهد.

عباس سعیدی طرز کار دستگاه پرسی راکه شخصاً ساخته است تشریح میکند

ن معاون اداره مهندسی است

ماشین هشتم — ماشین برش سیمهای اضافی شاسی تلویزیون است که برای آماده شدن جهت لحیم کردن مورد استفاده قرار میگیرد و از یک پیستون سیلندر اتوماتیک ، پدال دوطرفه ، ویک کلید دو طرفه ویک تیغه فنری یکسیلی‌متری تشکیل شده است . این دستگاه به تنهائی کار دهها کارگر را دریک دقیقه انجام میدهد .

ماشین نهم — ماشین برش آلومینیوم درب یخچال است این ماشین با یک عمل زه دور درب یخچال را تهیه میکند .

ماشین دهم — ماشین خم روپوش کولر و تلویزیون پرتابل است .

ماشین یازدهم — این ماشین برای خم اواپراتور یخچال ساخته شده است وجای یخی و سردخانه یخچال را تهیه میکند . این ماشین تشکیل یافته از یک پیستون ، سیلندر ، کلید یکطرفه دو عدد قرقره لاستیکی ، یک صفحه آلومینیوم ویک صفحه لاستیکی .

ماشین دوازدهم — ماشین سوراخ کن دور درب یخچال جهت بستن و کیوم ونوار کاسکت است که دارای سه عدد صفحه است وروی هر کدام ۸ دلرپلماتیکی بسته شده که دارای یک پیستون ، سیلند رویک کلید دوطرفه میباشد این ماشین در یک دقیقه ۸ سوراخ روی صفحه ایجاد میکند که این ۸ سوراخ برای ۸ مدل یخچال است .

ماشین سیزدهم — دو ماشین کورهٔ مخصوص تست یخچال است که طول هر کدام از آنها درحدود ۳ ، ۱ متر و بعرض ۱۲۰ سانتی‌متر است داخل این دو کوره دو ریل برقی تعبیه شده که در یک زمان معین شروع بکار میکند .

ماشین چهاردهم — کوره خشک کن قسمت رنگ ورقه های تزئینی است .

ماشین پانزدهم — دستگاه تزریق مواد فوم جهت درب یخچال است

در اینجا از عباس سعیدی میخواهیم که درباره وضع زندگی ، دستمزد وبالاخره مسائلی که دلش میخواهد صحبت کند .

موفقیت در کار

میگوید : روزانه با ۱۰ ریال کار خود را آغاز کردم وبا تلاش بسیار توانستم مدارج ترقی را طی کنم واکنون ماهیانه سی هزارو پانصد ریال حقوق دریافت میدارم . چندسال پیش ازدواج کردم واکنون دوبچه دارم (مریم و علی) که مریم ۷ ساله و علی ۴ ساله است .

ولی مسئله که باعث آزردگی خیال دوست عزیزمان شده نابینائی فرزندش است او میگوید :

دلم میخواهد بچه چهارساله ام «علی» بینائی خود را بازیابد زیرا درحالیکه دو چشمش باز است ولی از قدرت بینائی محروم است . عباس اضافه میکند من حتی زمانی که میخوابم باز فکر او رامیکنم ، چه میشد که میتوانستم او را معالجه کنم و پسرم را یک مخترع تربیت میکردم ، تنها ناراحتی من همین است و از هیچ چیز دیگر ناراحت نیستم . از خداوند میخواهم دراین راه هم بمن توفیق دهد .

ازبرنامه روزانه‌اش میپرسم

میگوید : ساعت پنج صبح بوسیله ماشین خودم مصالحی را که تهیه کرده‌ام به کارخانه می‌آورم و پس از ردیف کردن کارهایم و تعیین خطمشی کارگران مشغول کارمیشوم .

البته اکثر اوقات تا ساعت ۷ شب در کارخانه کارمیکنم حتی روزهای جمعه نیز تا ساعت ۴ بعدازظهر کارمیکنم .

در مورد چگونگی ساختن ماشینهای مختلفی که ذکر کرده‌است میپرسم .

میگوید : درابتدا به تنهائی تمام کارها را انجام میدادم ولی درحال حاضر کارگران دیگر را نیز به این حرفه کشانده‌ام و با من در انجام آنها کمک میکنند .

— ازوضعیت کسب و کارمیپرسم .

میگوید — وضع بد نیست ماهیانه ۳۰۵۰ تومان حقوق میگیرم خانه دارم ماشین شخصی هم دارم . ولی با وجود این اگر یک دوره آموزشی کوتاه مدت درخارج از کشور برایم فراهم شود بهتر میتوانم هم خودم و هم دوستان کارگر دیگرم را برای انجام کارهای فنی آماده کنم . زیرا آموزش ازاساس کاراست و بدون آگاهی از پدیده های جدید علم امکان پیشرفت وجود ندارد وی بطور کلی از کار و زندگی خود راضی است و از اینکه میتواند بعنوان کارگر مبتکر معرفی شود احساس غرورمیکند .

نقش سود ویژه

ازعباس میخواهم که نظرش را در مورد اثرات سود ویژه در زندگی کارگران بیان کند — او در کلامی ساده میگوید : بدیهی است که افزایش درآمد موجب رفاه بیشتر کارگران میشود . از طرفی کارگر میداند اگر بهتر و بیشتر کار کند مسلماً درآمد بیشتری عایدش میشود از این رو مستقیما بخودش و غیر مستقیم به اقتصاد کشور کمک مؤثری کرده است و نکته‌ای که قابل ذکر است استفاده صحیح از لوازم و وسایل کاراست که اجرای این فرمان همایونی باعث آن شده است . کارگر عصر رستاخیز میداند که با بهره‌گیری بهتر از لوازم عمر آنها ، بازدهی آنها افزایش می‌یابد . در نتیجه هزینه ها کاهش و سود افزایش پیدا میکند . اینها نتایجی است که ازاجرای اصل چهارم انقلاب نصیب کارگران و کشور شده است .

ازفرصتها باید استفاده کرد

از او میپرسم آیا سخنی برای همکاران خود ندارد ؟ میگوید : سخن که چه عرض کنم ولی از همکاران و کارگران عزیز میخواهم که از فرصتها استفاده کنند جستجوگر باشند ، سهل و ساده از کنار موضوعات نگذرند ، دنیای امروز دنیای تکنیک و تخصص است و بنابراین لازم است که حرفه‌ای وتکنیکی شویم ، علت هر کار را بیابیم و راه گشای دیگران باشیم . کارگر ایرانی باید هوش واستعداد خود را باماشینها درآمیزد و ازآنها وسایل جدید بسازد و از آزمایش و تجربه معقول وحشت نکند و مهارت در کار و تجربه اندوزی را سرلوحه زندگی خود قرار دهد .

درمورد کارهای عباس سعیدی نظر سرپرست فنی کارخانه و مسئول کارگاههای ماشین آلات راجویا شویم .

مهندس منصور معینی سرپرست فنی کارخانه میگوید : عباس از نظر پیاده کردن نقشه و طراحی در ردیف کمک مهندسان قرار دارد .

او علاوه بر تبحر در کار وفراگیری تخصص آمادگی کامل دارد تا درصورت امکان ، برای طی دوره تخصصی به خارج از کشور اعزام شود که البته این بستگی به امکانات کارخانه دارد . سرپرست فنی کارخانه درپایان با امید فراوان به کارآئی این کار ، کارگر جوان و با استعداد آینده درخشان و موفقیت آمیزی را برای وی پیش بینی میکند و میگوید : حتماً روزی خواهد رسید که در حد مدیریت کارخانه مسئولیت ، کلیه امور را در دست بگیرد .

دستگاه برش سیمهای اضافی که کار را جهت لحیم کاری آماده میکند

مراکز تعلیمات حرفه‌ای در تأمین نیرو

* با آموزش فنی در زمانی کوتاه میتوان بدرجاتی از تخصص دست یافت.
* سه هزار و یکصد نفر با آموزش در مرکز تعلیمات حرفه‌ای شمارهٔ ۱ ببازار کار معرفی شدند.
* رشته برق اتومبیل درصورت امکان رشته تعمیرات وسایل خانگی بسایر رشته ها افزوده خواهد شد.

[illegible] آموزش [illegible] نیروی انسانی [illegible] از اقدامات [illegible] مراکز آموزش [illegible] متخصص [illegible]

[illegible] توسعه و بکار گرفتن مراکز تعلیمات حرفه‌ای چه از طریق صندوق کارآموزی و چه از طریق اداره کل آموزش حرفه‌ای اقدامات اساسی را دنبال کرده است.

[illegible] کارگران که همواره در [illegible] این اقدامات برای کارگران عزیز [illegible] سهم مؤثری [illegible] مراکز تعلیمات حرفه‌ای اداره کل آموزش حرفه‌ای وزارت کار و امور اجتماعی را برای [illegible] منعکس می‌کند.

مرکز تعلیمات حرفه‌ای شماره یک که در جنوب تهران و در نزدیکی کارخانه [illegible] قرار گرفته [illegible] اولین مرکز تعلیمات حرفه‌ای است که حدود [illegible] سال پیش از طرف وزارت کار و امور اجتماعی با همکاری کارشناسان انگلیسی [illegible] شروع بکار کرد.

این مرکز که دارای زمینی به مساحت [illegible] هزار مترمربع [illegible] مترمربع [illegible]

این مرکز دارای [illegible] کارگاه [illegible] صنعتی و [illegible] کلاسهای تئوری می‌باشد و دارای رشته‌های اتومکانیک [illegible] جوشکاری [illegible] لوله کشی ساختمان [illegible] که در مجموع [illegible] دارای [illegible] می‌باشد.

ظرفیت پذیرش

ظرفیت [illegible] این مرکز در هر دوره [illegible] نفر است [illegible] سه دوره در سال [illegible] نفر می‌رسد.

هم اکنون [illegible] دومین دوره [illegible] این مرکز هستند که مجموعاً [illegible] ۳۰۰ نفر دیگر [illegible] این مرکز پس از طی دوره کارآموزی بدرجاتی از تخصص دست یافته وجذب بازار کار شدند.

مدت کارآموزی

مدت کارآموزی دراین مرکز در [illegible] شش ماه بود که بعدها بعلت احتیاج شدید به نیروی انسانی فعال متخصص و ماهر این دوره به چهار ماه تقلیل یافت. ساعت کارآموزی از ۷ صبح تا ۵ بعدازظهر است و کارآموزان در مدت چهار ماه ۸۵۰ ساعت کارآموزی عملی و نظری را طی می کنند که از این تعداد ساعت، حدود $\frac{1}{5}$ آن اختصاص به دروس نظری و $\frac{4}{5}$ بقیه را دوره عملی [illegible] کارگاهی تشکیل میدهد.

کارآموزان در آغاز کارآموزی آزمایش [illegible] بعمل می آید تا درجه تخصص آنان تعیین شود [illegible] که کارآموزان ساده و [illegible] دو دوره جداگانه که برای کارآموزان ساده [illegible] چهار ماه و برای کارآموزانیکه دارای کمی مهارت می‌باشند دوره کارآموزی به مدت سه تا چهار هفته اجرا می‌شود.

شرایط پذیرش کارآموز

این مرکز نیز مانند سایر مراکز اداره کل آموزش حرفه‌ای وزارت کار وامور اجتماعی دارای شرایطی برای کارآموزی‌ می‌باشد و کارآموزانی می‌توانند دراین مرکز برای کارآموزی ثبت نام کنند که حداقل دارای سواد خواندن و نوشتن معادل ششم ابتدائی و حداقل سن ۱۴ سال تمام — عکس چهارقطعه — رونوشت شناسنامه وداشتن برگ خاتمه خدمت ویا معافی ویا برگ آماده بخدمت ضروری است. همچنین ازنظر جسمانی نیز نباید در شرایطی مطلوب باشند.

مزایای آموزشی

کارآموزان در مدت کارآموزی علاوه‌بر آموزش رایگان از یک وعده غذای نیم‌روز — لوازم‌التحریر — وسایل کارگاهی، لباس کار مجانا استفاده کرده ومبلغ یکصد ریال نیز بعنوان کمک‌هزینه آموزشی دریافت میکنند.

به کارآموزان پس‌از طی دوره کارآموزی گواهینامه مهارت بادرجات سه‌گانه داده می‌شود، بدین طریق به کارآموزانیکه پس ازشرکت در آزمایشات یکصد امتیاز کسب کنند گواهینامه درجه ۱ مهارت وبه کارآموزانی که ۷۵ امتیاز بدست آورند گواهینامه درجه ۲ مهارت وبه [illegible] امتیاز بدست آورند گواهینامه درجه ۳ مهارت داده می‌شود.

کارآموزانی که [illegible] مردود شناخته می‌شوند. کارآموزان پس از دریافت گواهینامه از طریق اداره [illegible] به واحدهای صنعتی معرفی [illegible] خواهند [illegible]

انتخاب کارآموز

انتخاب کارآموز به سه طریق صورت می‌گیرد [illegible] کارآموزان آزاد داوطلب، کارآموزانی که از طریق [illegible] واحدهای تولیدی وصنعتی معرفی‌ میشوند [illegible] کارگران [illegible] کارخانه‌های تولیدی وصنعتی [illegible] براساس [illegible] مهارتهای [illegible] مرکز آموزش می‌بیند کارآموزان [illegible] تشکیل می‌دهند [illegible] واحد صنعتی [illegible] تولیدی [illegible] آموزش می‌شوند.

[illegible] واحدهای تولیدی [illegible] معرفی می‌کنند [illegible] واحدهای [illegible] می‌شود تا گروهی از کارگران آن واحدها به این مرکز اعزام وپس ازطی دوره کارآموزی ودست یافتن بدرجات تخصص مجددا به واحد یا کارخانه خودمراجعت وسرکار [illegible]

[illegible] کارآموزی تشکیل میدهند که دارای مهارت کمی بوده وازیکواحد صنعتی و تولیدی معرفی وپس ازطی یک دوره کارآموزی که درمواقع فراغت [illegible] صورت می‌گیرد به کارآموزی و دست یافتن به درجه تخصص و تکمیل مهارت و تخصص خواهند رسید.

در [illegible] آموزش [illegible] تاکنون تعداد کثیری از کارگران و [illegible] شرکت ملی گاز ایران شرکت برق منطقه‌ای — دخانیات — وسازمان آب در رشته‌های هفتگانه مذکور در این مرکز درمدت شش تا یکسال آموزش دیده وموفق به دریافت گواهینامه مهارت در حد نصاب شدند. یکی دیگر ازوظایف این مرکز تعیین میزان مهارت است که‌در این مورد به کارگران ماهر و نیمه‌ماهر کشور پس ازآزمایش گواهینامه مهارت داده می‌شود، بدین طریق به کارگرانی که دارای تخصصی هستند وازطرف اداره کل آموزش‌حرفه‌ای وزارت کار و امور اجتماعی به این مرکز معرفی میشوند پس از موفقیت در آزمون اداری و اخذ گواهینامه می‌توانند جواز کسب در رشته تخصص دریافت و به‌مشاغل آزاد بپردازند.

کسب‌مهارت در رشته‌های هفتگانه

در رشته لوله کشی ساختمان کارآموزان درچهارماه وبمدت ۸۵۰ ساعت که ۱۶۰ ساعت آن مرحله تئوری و نظری و ۶۹۰ ساعت بقیه مرحله عملی کارگاهی است باابزار کار و وسائل لوله کشی - وسائل اندازه گیری - انواع لوله‌ها و موارد استعمال آنها - طرز کار با دستگاههای

ی انسانی ماهر سهم عمده‌ای دارند

ا بهره‌گیری از مربیان آزموده و نیروی جوان بسرعت نیروی انسانی مورد نیاز صنایع تأمین میشود

خم لن و خم کاری لوله ـ انبساط و اثرات آن در لوله کشی ـ دستگاههای جوشکاری ـ روش پرچ کاری آب‌بندی و لنتپچی لوله کشی مستقیم و غیرمستقیم ـ لوله کشی فاضل آب و طریقه سرب ریزی ـ نصب وسائل بهداشتی ـ طریقه تعمیر و تعویض لوله‌های فرسوده ـ انواع سیفونها و موارد مصرف و طریقه تعمیر [illegible] لوله کشی آب گرم [illegible] و کارآموزان پس از آزمایش پایان دوره گواهینامه درجه [illegible] مهارت دریافت میدارند.

کارآموزان رشته جوشکاری برق [illegible] چهارماه [illegible] ساعت [illegible] تئوری و نظری و ۶۹۰ ساعت آموزش عملی و کارگاهی است پس از یک دوره [illegible] وآشنائی بااصول الکتریسته و دستگاههای جوشکاری و وسائل مورد نیاز جوشکاری در زمینه انبساط، انقباض و تلاشهای ایجاد شده هنگام جوشکاری و طریقه خنثی کردن آن ـ طریقه اندازه‌گیری استحکام و لستقامت گرده جوش ـ اکسیداسیون و همچنین مشخصات کامل الکترودهای جوشکاری آموزش دیده و پس از آزمون پایان دوره گواهینامه مهارت دریافت خواهند کرد.

رشته تبرید (دستگاههای خنک کننده) نیز مانند سایر رشته‌ها ۸۵۰ ساعت کارآموزی دارد که ۱۷۲ ساعت به دروس نظری و تئوری و ۶۷۸ ساعت بقیه به دروس عملی و کارگاهی اختصاص دارد. کارآموزان این رشته درمدت کارآموزی پس ازطی یک دوره ابزارشناسی. درزمینه اره کاری ـ سوهانکاری ـ طریقه کار با انواع [illegible] و تیز کردن و نگهداری آنها [illegible] کاری ـ [illegible] لوله مسی و آب بندی آن ـ خم کاری لوله مسی ـ اصول مقدماتی الکتریسته آهن [illegible] و الکتریسیته [illegible] ـ اصول ساختمان [illegible] خنکی و [illegible] ـ انواع قطعات آن [illegible] ـ آب سرد کن و [illegible] ـ کارآموزی کرده و پس از آزمایش گواهینامه دریافت میکنند.

در رشته تراشکاری و فرزکاری کارآموزان [illegible] ۹۶ [illegible] دوره تئوری و نظری [illegible] ساعت [illegible] دروس عملی [illegible] و پس از آشنائی مقدماتی با لوازم و ابزار کار و سوهانکاری ـ انواع تراش برمو‌ردن و سنگ‌زدن روی قطعات در رشته تراشکاری، ساخت ماشین فرز ـ فرزکاری ساده ـ چرخ دنده تراش ساده، چرخ دنده‌های دیفرانسیال و سایر قسمتهای کار با دستگاههای فرز در رشته فرزکاری آموزش دیده و موفق به دریافت گواهینامه مهارت خواهند شد.

در رشته سیم کشی ساختمان کارآموزان درمدت ۲۰۸ ساعت نظری و تئوری و ۷۲۲ ساعت عملی و کارگاهی پس ازیک دوره مقدماتی و آشنائی با لوازم وابزار کار و شناسائی انواع سیمها و پریزها و کلیدها واره کاری و سوهانکاری در مرحله بعدی طریقه انشعاب گیری و اتصال‌بندی ـ لحیم کاری ـ انواع سیم کشی موردها ـ کلیدها و لوازم برقی ـ سیم کشی زنگ اخبار با ترانسفورماتور ـ سیم کشی سری و موازی ـ سیم کشی و نصب درب بازکن برقی [illegible] آیفون [illegible]

[illegible] و [illegible] روحی [illegible] انواع موتور [illegible] فاز و سه‌فاز [illegible] دستگاه [illegible] جهت [illegible] برق ۲۲۰ [illegible] ۶ [illegible] و [illegible] آنها را بطور علمی و عملی فرا خواهند گرفت. این کارآموزان نیز پس از طی دوره و شرکت در امتحانات [illegible] گواهینامه مهارت در یکی از درجات سه‌گانه خواهند شد.

آخرین رشته این مرکز اتومکانیک است که در این رشته [illegible] سایر رشته‌ها کارآموزان در مدت ۲۰۶ ساعت مراحل نظری و تئوری این رشته را خواهند آموخت و در [illegible] آموزش تئوری به مدت ۶۹۰ ساعت به‌آموزش عملی میپردازند. در قسمت عملی رشته اتومکانیک نیز کارآموزان پس از آشنائی مقدماتی با لوازم و ابزار کار در زمینه موتور و طرز کار آن با سایر قسمتهای داخلی موتور ـ گیربکس ـ دیفرنسیال کاربراتور آشنا میشوند و پس ازطی دوره چهارماهه گواهینامه دریافت خواهند کرد.

بموازات رشته‌های هفتگانه موجود در این مرکز بزودی رشته برق اتومبیل نیز به‌سایر رشته‌ها افزوده خواهد شد.

کارآموزان این رشته در کارگاه اتومکانیک و در کنار کارآموزان این رشته به کارآموزی خواهند پرداخت.

[illegible] کارگران در گفتگوئی با رئیس مرکز تعلیمات حرفه‌ای [illegible] یک نظرخواهی را در مورد طرحهای آینده این مرکز جویا شد.

رئیس مرکز گفت: با توجه به نیاز روزافزون کشور به کارگر ماهر و نیمه ماهر اداره کل آموزش حرفه‌ای وزارت کار در نظر دارد که رشته‌های مراکز تعلیمات حرفه‌ای را افزایش دهد ازاین رو بزودی رشته برق اتومبیل در این مرکز ایجاد خواهد شد وطرحی دردست تهیه است که بموجب آن قرار است درصورت امکان علاوه بر رشته برق اتومبیل رشته تعمیر لوازم خانگی نیز به سایر رشته‌ها افزوده شود.

وی افزود: هم اکنون در روزهای پنجشنبه و جمعه هرهفته گروه کثیری از مردم تهران زیر نظر مربیان این مرکز سرگرم فراگیری رشته‌های پنجگانه آموزش فنی همگانی رایگان هستند که این برنامه با استقبال غیرقابل انتظار مردم روبرو شده است.

سندیکاهای کارگری

سندیکا، فرصت بحث و گفتگو

*** تشکیل کلاس فنی و حرفه‌ای مورد درخواست این سندیکا است.**
*** با خرید زمین وسیعی برای کارگران مسکن تهیه خواهد شد.**
*** به هنگام عروسی کارگران، سندیکا هدایای مناسبی به آنها میدهند.**

ارزش وجود سندیکاهای کارگری وتاثیری که در پیشرفت زندگی کارگران و هدفهای صنعتی مملکت در بردارد، هرروز اهمیت بیشتری به آن می‌بخشد.

براساس این اعتقاد در همه محافل کارگری لزوم تقویت و توسعه هرچه محکمتر وفعالیت‌های سندیکائی مورد بررسی قرار میگیرد.

از این رو است که دیدیم یکی ازمواردی که در پیام شاهنشاه آریامهر خطاب به سومین کنگره کارگران ایران مورد تاکید قرار گرفت، مسئله موجودیت و آثار ثمربخش سندیکهای کارگری بود. بطوریکه از تلاش پر افتخار سندیکاهای کارگری همراه با همکاری صاحبان صنایع و کارخانه ها بعنوان عامل اساسی در ارتقاء بهره‌وری، افزایش سطح تولید ومتناسب باآن ازدیاد درآمد کارگران یاد شد. این فلسفه خود قبل از هرچیز در تامین منافع اجتماعی و فردی کارگران سهمی بسزا و ارزنده دارد. به همین دلیل سزاوار است که مجموع فعالیت‌های یکایک سندیکاهای کارگری کشور را از جنبه کمیت و کیفیت وهمچنین مسئولان و دست‌اندر کاران آنرا بنحوی بارزو آنگونه که هست ترسیم بکنیم و به کارگران عزیز بشناسانیم تا برادران کارگر با یک ارزشیابی مقایسه‌ای روال صحیح تری در جهت تحقق بخشیدن به هدفهای مثبت خویش انتخاب کنند.

در این شماره نیز فعالیتهای یکی دیگر از سندیکاهای واحدهای تولیدی را مورد بررسی قرار میدهیم. این که برای کارگران عضو سندیکا چه کوششی را انجام داده‌اند وبرنامه آینده آنها چیست.

مسئولان سندیکا

درجلسه گفت وشنودی که باشرکت مسئولان این سندیکا ترتیب یافت ابتدا آقای لطافت کار، نماینده کارگران همکاران خود را معرفی کرد و پس از مروری کوتاه بر گذشته سندیکا، اقداماتی را که تاکنون ازطریق ارائه پیشنهاد ها و همکاری این سندیکا برای کارگران انجام‌شده، برشمرد.

لطافت کار، پیش از معرفی اعضاء هیات مدیره‌این نکته را یادآورشد که تجدیدانتخابات اعضاء هیات مدیره سندیکاهای ما در آینده‌ای نزدیک شروع میشود. ولی بهرحال افراد حاضر کوشش کرده‌اند در طول تصدی وظائف خود را تا آنجا که امکان داشت انجام دهند.

وی سپس از اسدالله عباسی نژاد (دبیر سندیکا)، ناصر اصغری (رئیس هیات‌مدیره) عزت‌الله شریفی (خزانه‌دار)، فریدون لطافتکار (نماینده‌اصلی کارگران وعضو هیات مدیره) و عین‌الله‌علی نسب (نماینده‌علی‌البدل) وهمچنین بیوك خلیل آذر وقاسم کارانچی (بازرسان‌سندیکا) بعنوان دیگر همکاران خود نام برد و در مورد سوابق سندیکا گفت: این سندیکا در تاریخ ۱۰/۲/۲۵۳۱ تاسیس و طی شماره ۷۱۴ سازمانهای کارگری و کارفرمائی وزارت کار و اموراجتماعی به ثبت رسیده و دومین دوره جلسات خود را از تاریخ ۲۶/۲/۲۵۳۳ آغاز کرده است و اکنون در شرف انجام انتخاب سومین دوره‌خود میباشد.

نماینده کارگران سپس گفت این واحد تولیدی دارای ۲۰۰۰ کارگر زن و مرد است و تاکنون ۱۴۰۰ نفر از آنها عضو سندیکا شده‌اند و بعد از انجام تشریفات قانونی بزودی بقیه کارگران به عضویت سندیکا پذیرفته خواهندشد.

تلاش سندیکا

از نمایندگان کارگران خواستیم توضیح دهد این سندیکا تاچه حد دربهبودوضع کارگران مؤثر بوده و تا چه اندازه توانسته است درجلب رضایت آنها موفق شود. لطافتکار پیش از پاسخ به این سؤال گفت: همانگونه که گفته شد سندیکای ما یک تشکیلات نوپا اما پوینده است ومسلماً حق داریم بگوئیم قدمهائی که درزمینه تأمین نیازهای کارگران برداشته‌ایم اگر چه مقدماتی ولی زمینه‌ای برای اقدامات اصولی آینده‌بوده‌است.

وی سپس اضافه کرد البته اگر بتوان عنوان موفقیت را روی تلاشهای این سندیکا گذاشت. شاید گفتنی باشد که تاکنون سندیکای ما موفق بوده‌است، زیرادردرجه اول مسئولان آن همیشه وهمه‌وقت احساس مسئولیت کرده‌اندبطوریکه توانسته‌اند درزمینه های مختلف رفاهی وپیشرفت فردی وجمعی کارگران کوششهای ثمربخشی انجام دهند.

لطافتکار درمورد اینکه سندیکا تصمیمات خود را برچه مبناء و به چه صورتی اتخاذ وآنکه به مرحله اجرا می‌گذارد، گفت: خوشبختانه حسن تفاهمی که سندیکا توانسته است بین اعضای خود از یک طرف و کارفرما [illegible] [illegible] [illegible] و مسکن میشود.

[illegible] جلسه هفتگی سندیکا محل بحث و تفکری صمیمانه و آزادی را بدست میدهند که بی‌شک درپیشبرد هدفها ومقاصد عمومی سندیکا کاملا مؤثر خواهد بود.

لطافتکار با اشاره به خواستهای کارگران اظهار داشت. نیازهای کارگران به دو شکل مورد بررسی و مطالعه قرار میگیرد. نخست مطالبات جمعی سندیکا در مورد خواستهای عمومی کارگران و بحث و تبادل نظر [illegible] مرحله دیگر روی بررسی پیشنهادات [illegible] است.

وی با اشاره به جلسات هفتگی سندیکا گفت: یکی ازمواردی که دراین جلسات مورد نظر قرار میگیرد، بررسی نامه‌های رسیده ونظرات شفاهی کارگران است که مسلما در راهنمائی کارکنان سندیکا و در بهبود وظایف‌محوله بی‌نهایت مؤثراست.

دراین جلسات علاوه بر اعضای هیات مدیره سندیکا از نمایندگان کارگاههای این واحد تولیدی به نمایندگی ازطرف گروههای مختلف کارگران دعوت‌بعمل می‌آید.

تأمین مسکن

نماینده کارگران در مورد مسکن برای کارگران گفت: همانطوریکه میدانیم درشرایط فعلی تهیه مسکن برای هرشخصی اهمیت بسیاریافته وتامین آن مسلماً نقش‌عمده‌ای در تأمین رفاه زندگی کارگران خواهد داشت. بدین لحاظ لازم است یادآوری کنیم که، سندیکای ما اهم‌اندیشه خود را در راه چنین ضرورتی مصروف‌داشته وفعالیتهای فراوانی رادر زمینه تأمین وتعمیم مسکن بعمل‌آورده.

نماینده کارگران اضافه کرد تا کنون در نتیجه تقاضا وپی‌جوئیهای مداوم از طرف سندیکا مشکل‌مسکن کارگران این واحد تولیدی تاحدودی برطرف‌شده‌است.

کارگران این‌واحد تولیدی برای تهیه مسکن خود از دوطریق اقدام می کنند، یعنی [illegible] [illegible] مسکن [illegible] وام رهنی.

نماینده در این خصوص توضیح داد: [illegible] پس به‌دنبال پیشنهاد سندیکا و موافقت کارفرما کارگران میتوانند از این [illegible] استفاده کنند.

[illegible] در [illegible] [illegible] همین مقررات پرداخت وامهای مسکن ورهنی تهیه وبه‌تصویب رسید وازآن پس عرض‌مدت یکباره‌تقاضای عده‌ای از کارگران به [illegible] مورد رسیدگی قرارمیگیرد [illegible] براساس این‌موافقتنامه مبلغی تا ۲۰ برابر حقوق ماهیانه وتسمرد کارگران بعنوان‌وام مسکن وتا ۱۰ برابر حقوق بعنوان وام رهنی دریافت‌میکنند.

بهره متعلقه به‌وامهای بیش‌از ۵۰ هزار [illegible] و کمتر از [illegible] به بهره معاف خواهد بود.

میزان [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] حقوق کارگران وام گرفته می‌باشد که بطور اقساط از حقوق آنها کسر می گردد. ضمنا هم‌اکنون سندیکا تقاضای افزایش مبلغ وامها را کرده که در این مورد خوشبختانه به توافق نهائی نیز رسیده‌ایم.

لطافتکار افزود: علاوه بر [illegible] کمک‌هزینه مسکن استفاده می‌کنند، بطوریکه هر کارگر مرد در ماه مبلغ ۱۰۰۰ ریال وهر کارگر زن‌ماهانه مبلغ ۶۰۰ ریال بعنوان کمک هزینه مسکن دریافت می‌دارد. واین کمک‌ها همراه باحقوق ماهانه به‌طور مستمر به کارگران پرداخت‌میشود.

نماینده کارگران دردنباله این بحث افزود: سندیکا تلاش‌می کند تادر زمینه تأمین‌مسکن اقدامات مؤثری بعمل آید. بدین جهت در تقاضاهای مکرر خواسته کارگران دنفع را نسبت به‌امرخانه‌سازی به‌اطلاع کارفرما رسانده‌ایم وخوشبختانه پس ازحصول این توافق مقدمات کار فراهم شده وزمینی به‌مساحت ۱۴۰۰۰ مترمربع در کوی [illegible] خریداری شده‌است که‌هم‌اکنون جهت آپارتمان‌سازی آماده می‌باشد بااین امید که [illegible] جواز ساختمان هرچه‌زودتر کار ساختمان واحدهای مسکونی راآغاز شود.

اقدامات رفاهی دیگر

نماینده کارگران سپس به‌مساله تعاونی مصرف‌اشاره کرد وگفت:

شرکت همکاری کارگران، باسرمایه‌ای معادل ۵۰ هزارریال کار خود را آغاز کرد وهم‌اکنون میزان‌سرمایه‌آن بالغ بر ۵میلیون ریال شده است. ضمنا درنتیجه تقاضای سندیکا محل تعاونی مصرف توسط کارفرما تهیه‌شده و در حال حاضر حقوق کارکنان آن [illegible] [illegible] فروشنده، ناظر خرید، حسابدار وسایر کارکنان از طرف کارفرما تامین می گردد. در [illegible] [illegible] ضروری [illegible] شرکت تعاونی که درجلسه حضور داشت، درمورد شرکت تعاونی کارگران توضیحاتی داد و گفت: فروشگاه تعاونی ما با برخورداری از وسعت عمل قابل توجه، در مورد تهیه وآماده کردن کالا سعی می کند تا به طور کامل جوابگوی نیازمندیهای کارگران باشد. این شرکت مواد مصرفی و لوازم خانگی مورد لزوم را با قیمتی کمتر از [illegible] آزاد دراختیار کارگران قرارمی‌دهد.

وی اضافه کرد با توجه به‌نیتی که داریم با مشکلاتی که از قبیل محدودیت محل فروشگاه نارسائی شرکت تعاونی مادر (امکان) درمورد ارسال کالاهای درخواستی، نداشتن تهیه گوشت [illegible]

سندیکاهای کارگری

وی صمیمانه را ممکن میسازد

شعبه فروشگاه تعاونی در شهر برای استفاده خانواده کارگران و نیز کمبود اعتبارشر کت روبرو هستیم.

مدیر عامل شرکت تعاونی افزود: درصورتیکه شرکت تعاونی مادر (امکان) به موقع کالاهای درخواستی ما را عینا در اختیارمان بگذارد، هرگز مجبور نخواهیم شد اجناس خود را از بازار آزاد تهیه کنیم.

از طرف دیگر ضمن قدردانی از کارفرما نسبت به واگذاری ۷۰ هزار ریال وام اعتباری تقاضا داریم میزان این اعتبار افزایش یابد تا بتوانیم فعالیت‌های گسترده‌تری انجام دهیم. سپس نماینده کارگران گفت حالا که به این قسمت از گفتگو رسیده‌ایم بد نیست مسئله وامهای ضروری کارگران نیز مطرح شود.

وی اضافه کرد در بعضی مواقع، مواردی برای کارگران پیش می‌آید که استفاده از وامهای اضطراری را موجب میشود و در این مورد سر کارگران میتوانند معادل سه برابر حقوق خود به عنوان وام فوری بدون بهره دریافت دارند.

در این گفتگو روی شیرخوارگاه برای زنان کارگر مورد تاکید قرار گرفت و گفته شد در حال حاضر متاسفانه شیرخوارگاه این کارخانه با امکانات تغذیه و وجود پرستاران آموزش دیده، یک عده‌ای کودکان کارگرانی را که در این واحد به کار روزانه اشتغال دارند به عهده دارد. این شیرخوارگاه اکنون گنجایش ۳۰ کودک را دارد و کارگران زن میتوانند اطفال خود را با کمال آسودگی و آسایش خاطر به این مهد کودک بسپارند.

روندی خوش فرجام

در این قسمت از گفتگو بار دیگر اقدامات رفاهی مطرح شد و نماینده کارگران با اشاره به اصل سیزدهم انقلاب اظهار داشت خوشبختانه امر گسترش صنعتی و نوبیدی در این کارخانه به اجرا درآمد.

به طوری که با برنامه‌ریزی‌های حساب شده از طرف سندیکا در سال ۲۵۳۴ عده زیادی از کارگران موفق شدند تعداد قابل توجهی تا حدود ۲۰ درصد از ۴۹ درصد سهام عرضه شده را خریداری کنند.

خرید این سهام از طرف کارگران به کمک وامهای بدون بهره و از محل حق‌السهم آنان از سود ویژه انجام گرفت. ضمنا باید یادآور شوم قبلا میزان سود ویژه کارگران، مقطوع و برابر با ۴۰ روز حقوق بود، اما پس از تهیه طرح پیشنهادی سندیکا در این مورد و در حال حاضر ارزش سود ویژه بر مبنای میزان تولید محاسبه و به کارگران پرداخت میشود، از سوی دیگر به منظور برانگیختن شوق بیشتر کارگران و ارج نهادن بر کوششهای فوق‌العاده آنان پیشنهادی از طرف سندیکا به کارفرما ارائه شده که پس از جلب موافقت و اجرای کامل آن کارگران می‌توانند در قبال آوردن به ثمر و ثمره کار از امکانات حسن خدمت استفاده کنند.

ایمن سازی و سلامت

نماینده کارگران در دنباله این گفتار به بحث دیگری اشاره کرد و گفت در گذشته هیچگونه وسیله‌ای برای تأمین بهداشت و ایمنی کارگران در محیط کار وجود نداشت و در نتیجه تدابیر سندیکا کمیته حفاظت این کارخانه از بهمن‌ماه ۲۵۳۴ فعالیت خود را آغاز کرد. کمیته ابتدا بسرعت تمام ماشین های مورد استفاده را مورد بررسی قرار داد و متعاقب این بررسی کلیه ماشین های حفاظت پذیر به دستگاههای ایمنی وحفاظتی مجهزشدند.

در حال حاضر کارگران این واحد تولیدی از لباس های مخصوص از جمله دستکش، کفش کلاه، ماسک و سایر پوششهای ایمنی استفاده می کنند و کارگرانی که کارهای سخت‌تری میکنند تغذیه و وسایل ایمنی در اختیارشان گذاشته شده است.

کمکهای درمانی

نماینده کارگران اضافه کرد: در صورت بروز سانحه و وارد آمدن آسیب جسمی، کارگران میتوانند به محل درمانگاه اورژانس کارخانه مراجعه کنند.

این درمانگاه که به کوشش کمیته حفاظت به‌وجود آمده با داشتن بهیار و کادر ورزیده به کمک یک دستگاه آمبولانس هر روز شبانه روزی و هنگام حوادث ناگوار، خدمات درمانی اولیه را بنحو احسن برای کارگران انجام میدهد و درصورت لزوم بیماران یا سانحه دیدگان در اسرع وقت به مراکز پزشکی منتقل میشوند.

همبستگی بیشتر

نماینده کارگران با اشاره به وحدت و یگانگی بین کارگران این واحد تولیدی یادآور [illegible]

[illegible]

وی [illegible] وضعه‌ای [illegible] و به‌منظور رفع هرگونه [illegible] عقب‌ماندگیهای مالی [illegible] بلاعوض [illegible]

[illegible] توسط سندیکا تهیه و به آنها اهدا میشود.

آموختن و تجربه اندوختن

لطافت کار در زمینه آموزش کارگران اظهار داشت تا کنون کلاس‌های متعددی برای کارگران این کارخانه تشکیل شده و نیز عده‌ای به‌منظور سوادآموزی از طریق سندیکا به‌وزارت کار و امور اجتماعی معرفی شده‌اند و میتوان گفت پیکار با بیسوادی و تعمیم آن در میان کارگران این واحد رضایتبخش بوده‌است، بطوریکه دیگر هیچ کارگر بیسوادی در این کارخانه وجود ندارد.

وی در زمینه آموزش فنی گفت، با توجه به گسترش رشته‌های حرفه‌ای که در این واحد وجود دارد و متاسفانه تا کنون کلاس‌های آموزش فنی نداشته‌ایم، این یکی از موارد درخواستهای فنی کارگران است که در تقاضاهای مکرر خود یادآور میشوند.

لطافت کار اضافه کرد ما اعتقاد داریم اگر نسبت به این امر مهم توجه بیشتری ابراز شود با افزایش میزان مهارت کارگران خواهیم توانست با مؤسسات تولیدی مشابه خارجی و کشورهای پیشرفته رقابت کنیم و امیدواریم وزارت کار و سازمان کارگران در این مورد به تقاضای سندیکای کارگران کارخانه مینو ترتیب اثری بدهند تا ما نیز بتوانیم با تلفیق و اطلاعات علمی و کلاسیک با تجربه‌های اندوخته شده بر میزان کارآئی و بازدهی خود افزایش بیشتری بدهیم.

چشم اندازی امید بخش

پرسش‌ها در قسمت دیگری از این گفت و شنود مربوط به پیشرفتهای ورزشی کارگران بود.

نماینده کارگران در پاسخ به این سؤال گفت:

امکاناتی که تا کنون جهت فعالیتهای

بقیه در صفحه ۵۷

بازار کار

کارگر ساده

۱- تخصص مورد نیاز: کارگر
۲- تعداد: ۱ نفر
۳- جنسیت: مرد
۴- سن: حداکثر ۳۰ سال
۵- تحصیلات: خواندن و نوشتن
۶- شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۷- محل خدمت: تهران
۸- حداقل حقوق: با توافق
۹- مزایای شغلی: بیمه، سرویس
۱۰- آخرین مهلت مراجعه: ۳۵/۴/۱۰

برشکار

۱- تخصص مورد نیاز: برشکاری [illegible]
۲- تعداد: ۵ نفر
۳- جنسیت: مرد
۴- سن: حداکثر ۳۵ سال
۵- تحصیلات: خواندن و نوشتن
۶- شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۷- محل خدمت: تهران
۸- حداقل حقوق: با توافق
۹- مزایای شغلی: بیمه، سرویس
۱۰- آخرین مهلت مراجعه: ۳۵/۴/۱۰

سکرتر

۱- تخصص مورد نیاز: سکرتر درجه یک
۲- تعداد: ۵ نفر
۳- جنسیت: زن
۴- سن: حداکثر ۳۰ سال
۵- تحصیلات: دیپلم
۶- شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۷- محل خدمت: تهران
۸- حداقل حقوق: با توافق
۹- مزایای شغلی: بیمه، سرویس
۱۰- آخرین مهلت مراجعه: ۳۵/۴/۱۰

پانچیست

۱- تخصص مورد نیاز: کارآموزی پانچیست
۲- تعداد: ۱۰ نفر
۳- جنسیت: مرد
۴- سن: حداکثر ۳۰ سال
۵- تحصیلات: دیپلم
۶- شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۷- محل خدمت: تهران
۸- حداقل حقوق: با توافق
۹- مزایای شغلی: بیمه، سرویس
۱۰- آخرین مهلت مراجعه: ۳۵/۴/۱۰

تکنیسین

۱- تخصص مورد نیاز: ماشین آلات صنعتی
۲- تعداد: ۱ نفر
۳- جنسیت: مرد
۴- سن: حداکثر ۳۰ سال
۵- تحصیلات: خواندن نوشتن
۶- شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۷- محل خدمت: تهران
۸- حداقل حقوق: با توافق
۹- مزایای شغلی: بیمه، سرویس
۱۰- آخرین مهلت مراجعه: ۳۵/۴/۱۰

صافکار

۱- تخصص مورد نیاز: صافکاری
۲- تعداد: ۲ نفر
۳- جنسیت: مرد
۴- سن: حداکثر ۳۰ سال
۵- تحصیلات: خواندن و نوشتن
۶- شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۷- محل خدمت: تهران
۸- حداقل حقوق: با توافق
۹- مزایای شغلی: بیمه، سرویس
۱۰- آخرین مهلت مراجعه: ۳۵/۴/۱۰

ماشین نویس

۱- تخصص مورد نیاز: ماشین نویسی تایپ فارسی
۲- تعداد: ۲ نفر
۳- جنسیت: مرد
۴- سن: حداکثر ۳۰ سال
۵- تحصیلات: خواندن و نوشتن
۶- شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۷- محل خدمت: تهران
۸- حداقل حقوق: با توافق
۹- مزایای شغلی: بیمه، سرویس
۱۰- آخرین مهلت مراجعه: ۳۵/۴/۱۰

آبکار

۱- تخصص مورد نیاز: آبکاری فلز
۲- تعداد: ۵ نفر
۳- جنسیت: مرد
۴- سن: حداکثر ۳۰ سال
۵- تحصیلات: خواندن و نوشتن
۶- شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۷- محل خدمت: تهران
۸- حداقل حقوق: با توافق
۹- مزایای شغلی: بیمه، سرویس
۱۰- آخرین مهلت مراجعه: ۳۵/۴/۱۰

مکانیک

۱- تخصص مورد نیاز: مکانیک ماشین آلات
۲- تعداد: ۱ نفر
۳- جنسیت: مرد
۴- سن: حداکثر ۳۰ سال
۵- تحصیلات: سوم متوسطه
۶- شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۷- محل خدمت: تهران
۸- حداقل حقوق: با توافق
۹- مزایای شغلی: بیمه و سرویس
۱۰- آخرین مهلت مراجعه: ۳۵/۴/۱۰

فلزکار

۱- تخصص مورد نیاز: فلزکاری دستگاه
۲- تعداد: ۸ نفر
۳- جنسیت: مرد
۴- سن: حداکثر ۳۰ سال
۵- تحصیلات: خواندن و نوشتن
۶- شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۷- محل خدمت: تهران
۸- حداقل حقوق: با توافق
۹- مزایای شغلی: بیمه، سرویس
۱۰- آخرین مهلت مراجعه: ۳۵/۴/۱۰

منشی

۱- تخصص مورد نیاز: منشی و تایپ
۲- تعداد: ۸ نفر
۳- جنسیت: مرد
۴- سن: حداکثر ۳۰ سال
۵- تحصیلات: دیپلم
۶- شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۷- محل خدمت: تهران
۸- حداقل حقوق: با توافق
۹- مزایای شغلی: بیمه، سرویس
۱۰- آخرین مهلت مراجعه: ۳۵/۴/۱۰

اتومکانیک

۱- تخصص مورد نیاز: اتومکانیک فنی
۲- تعداد: ۱ نفر
۳- جنسیت: مرد
۴- سن: حداکثر ۳۰ سال
۵- تحصیلات: دیپلم فنی
۶- شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۷- محل خدمت: تهران
۸- حداقل حقوق: با توافق
۹- مزایای شغلی: بیمه، سرویس
۱۰- آخرین مهلت مراجعه: ۳۵/۴/۱۰

تکنیسین

۱- تخصص مورد نیاز: تکنسین اسکلت فلزی
۲- تعداد: ۱ نفر
۳- جنسیت: مرد
۴- سن: حداکثر ۳۰ سال
۵- تحصیلات: سوم متوسطه
۶- شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۷- محل خدمت: تهران
۸- حداقل حقوق: با توافق
۹- مزایای شغلی: بیمه، سرویس
۱۰- آخرین مهلت مراجعه: ۳۵/۴/۱۰

مکانیک

۱- تخصص مورد نیاز: مکانیک اتومبیل
۲- تعداد: ۴ نفر
۳- جنسیت: مرد
۴- سن: حداکثر ۳۵ سال
۵- تحصیلات: سوم متوسطه
۶- شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۷- محل خدمت: تهران
۸- حداقل حقوق: با توافق
۹- مزایای شغلی: بیمه، سرویس
۱۰- آخرین مهلت مراجعه: ۳۵/۴/۱۰

جوشکار

۱- تخصص مورد نیاز: جوشکاری
۲- تعداد: ۱۰ نفر
۳- جنسیت: مرد
۴- سن: حداکثر ۳۰ سال
۵- تحصیلات: خواندن و نوشتن
۶- شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۷- محل خدمت: تهران
۸- حداقل حقوق: با توافق
۹- مزایای شغلی: بیمه، سرویس
۱۰- آخرین مهلت مراجعه: ۳۵/۴/۱۰

خیاط

۱- تخصص مورد نیاز خیاط زنانه سری دوزی
۲- تعداد ۱۰ نفر
۳- جنسیت مرد
۴- سن حداکثر ۳۰ سال
۵- تحصیلات سوم متوسطه
۶- شرایط دیگر معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۷- محل خدمت تهران
۸- حداقل حقوق با توافق
۹- مزایای شغلی بیمه، سرویس
۱۰- آخرین مهلت مراجعه ۳۵/۴/۱۰

تراشکار

۱- تخصص مورد نیاز تراشکاری
۲- تعداد ۳۰ نفر
۳- جنسیت مرد
۴- سن حداکثر ۳۰ سال
۵- تحصیلات سوم متوسطه
۶- شرایط دیگر معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۷- محل خدمت تهران
۸- حداقل حقوق با توافق
۹- مزایای شغلی بیمه، سرویس.
۱۰- آخرین مهلت مراجعه ۳۵/۴/۱۰

سم کش

۱- تخصص مورد نیاز سم کشی ساختمان
۲- تعداد ۵۰ نفر
۳- جنسیت مرد
۴- سن حداکثر ۳۰ سال
۵- تحصیلات خواندن و نوشتن
۶- شرایط دیگر معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۷- محل خدمت تهران
۸- حداقل حقوق با توافق
۹- مزایای شغلی بیمه
۱۰- آخرین مهلت مراجعه ۳۵/۴/۱۰

ورقکار

۱- تخصص مورد نیاز ورقکاری
۲- تعداد ۴۰ نفر
۳- جنسیت مرد
۴- سن حداکثر ۳۰ سال
۵- تحصیلات ششم ابتدائی
۶- شرایط دیگر معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۷- محل خدمت تهران
۸- حداقل حقوق با توافق
۹- مزایای شغلی بیمه سرویس.
۱۰- آخرین مهلت مراجعه ۳۵/۴/۱۰

نقاش

۱- تخصص مورد نیاز نقاش پستوله کار
۲- تعداد ۵۰ نفر
۳- جنسیت مرد
۴- سن حداکثر ۳۰ سال
۵- تحصیلات خواندن و نوشتن
۶- شرایط دیگر معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۷- محل خدمت تهران
۸- حداقل حقوق با توافق
۹- مزایای شغلی بیمه، سرویس.
۱۰- آخرین مهلت مراجعه ۳۵/۴/۱۰

راننده

۱- تخصص مورد نیاز راننده پایه یک
۲- تعداد ۱۰۰ نفر
۳- جنسیت مرد
۴- سن حداکثر ۳۰ سال
۵- تحصیلات دوم متوسطه
۶- شرایط دیگر معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۷- محل خدمت تهران
۸- حداقل حقوق با توافق
۹- مزایای شغلی بیمه، سرویس.
۱۰- آخرین مهلت مراجعه ۳۵/۴/۱۰

نجار

۱- تخصص مورد نیاز نجاری
۲- تعداد ۲۰ نفر
۳- جنسیت مرد
۴- سن حداکثر ۳۰ سال
۵- تحصیلات خواندن و نوشتن
۶- شرایط دیگر معافیت دائم یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۷- محل خدمت تهران
۸- حداقل حقوق با توافق
۹- مزایای شغلی بیمه، سرویس.
۱۰- آخرین مهلت مراجعه ۳۵/۴/۱۰

کارمند

۱- تخصص مورد نیاز بعد از دوره کارآموزی
۲- تعداد ۱۰۰ نفر
۳- جنسیت مرد
۴- سن حداکثر ۳۰ نفر
۵- تحصیلات سیکل
۶- شرایط دیگر معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۷- محل خدمت تهران
۸- حداقل حقوق با توافق
۹- مزایای شغلی بیمه، سرویس.
۱۰- آخرین مهلت مراجعه ۳۵/۴/۱۰

نقشه کش

۱- تخصص مورد نیاز نقشه کشی ساختمان
۲- تعداد ۵ نفر
۳- جنسیت مرد
۴- سن حداکثر ۳۵ سال
۵- تحصیلات دیپلم
۶- شرایط دیگر معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۷- محل خدمت تهران
۸- حداقل حقوق با توافق
۹- مزایای شغلی بیمه، سرویس.
۱۰- آخرین مهلت مراجعه ۳۵/۴/۱۰

بازار کار شهرستانها

کاشان

۱- ماشین نویس و کارمند ۵ نفر
۲- کارمند دفتری ۳ نفر
۳- کمک کارسون ۲ نفر
۴- بهیار ۲ نفر
۵- کارگر ساده زن ۲۰۰ نفر

بندرعباس

۱- آشپز ۳ نفر
۲- راننده پایه یک ۲ نفر
۳- راننده پایه دو شخصی ۴ نفر
۴- مکانیک ۳ نفر
۵- جوشکار ۲ نفر
۶- ماشین نویس ۲۰ نفر

زاهدان

۱- راننده بولدزر ۳ نفر
۲- راننده گریدر ۳ نفر
۳- راننده پایه یک ۱۰ نفر
۴- نقاش ۵ نفر
۵- پرسکار ۲ نفر

مشهد

۱- انباردار ۳ نفر
۲- کتابدار ۳ نفر
۳- خیاط زن ۱ نفر
۴- جوشکار ۲ نفر
۵- کارگر چاپخانه ۳ نفر
۶- کارگر ساده ۵۰ نفر

ساری

۱- مسؤول انبار ۲ نفر
۲- کارمند دفتر ۳ نفر
۳- کارگر تولید کار ۳ نفر
۴- راننده پایه یک ۲ نفر
۵- کمک مهندس راه ۳ نفر
۶- نقشه کش ۸ نفر
۷- ماشین نویس فارسی ۳ نفر
۸- حسابدار ۲ نفر

دزفول

۱- تکنسین ۳ نفر
۲- کارمند ۴ نفر
۳- آشپز ۲ نفر
۴- جوشکار ۲ نفر
۵- مکانیک ۵ نفر
۶- کارمند فنی ۵ نفر

رشت

۱- دیپلمه برق: ۵ نفر
۲- تکنیسین مکانیک: ۳ نفر
۳- کارگر ساده: ۲۰ نفر
۴- ماشین نویس: ۳ نفر

اهواز

۱- تکنیسین: ۳ نفر
۲- بهیار: ۲ نفر
۳- کمک آشپز: ۲ نفر
۴- حسابدار: ۳ نفر
۵- راننده پایه یک: ۴ نفر
۶- کارگر ساده: ۵ نفر
۷- راننده جرثقیل: ۳ نفر
۸- راننده ماشین سبک بنزینی: ۶ نفر

چالوس

۱- کارگر مجرب: ۵۰ نفر
۲- نجار عمومی: ۶ نفر
۳- اطاقدار: ۳ نفر
۴- صندوقدار زن: ۱ نفر
۵- جوشکار گاز: ۱ نفر

رفسنجان

۱- راننده پایه یک: ۵ نفر
۲- خیاط: ۳ نفر
۳- نظافتچی: ۳ نفر
۴- خدمتگزار: ۵ نفر

بندرلنگه

۱- راننده پایه ۲ شخصی: ۵ نفر
۲- خیاط: ۲ نفر
۳- نقشه بردار: ۲ نفر
۴- خدمتگزار: ۱ نفر
۵- نگهبان: ۳ نفر

خوی

۱- منشی سکرتر: ۳ نفر
۲- ماشین نویس فارسی: ۲ نفر
۳- تلگیرسار: ۲ نفر
۴- کارگر ساده: ۵ نفر

قزوین

۱- کمک حسابدار: ۲ نفر
۲- نقاش: ۳ نفر
۳- مکانیک: ۲ نفر
۴- جوشکار: ۴ نفر
۵- جوشکار گاز: ۵ نفر
۶- پرسکار درجه یک: ۲ نفر
۷- تراشکاری: ۳ نفر
۸- کارگر بافنده: ۵ نفر
۹- پرسکار درجه دو: ۳ نفر

خرمشهر

۱- ریخته گر: ۲ نفر
۲- تراشکار: ۳ نفر
۳- راننده جرثقیل: ۳ نفر
۴- سرپرست جوشکار: ۲ نفر
۵- لوله کش: ۵ نفر
۶- راننده پایه یک: ۲ نفر
۷- تراشکار درجه ۲: ۳ نفر

علاقه‌مندان و واجدین شرایط میتوانند همه روزه تا مهلت‌های ذکر شده در تهران به ادارات کاریابی و در شهرستانها به مراکز کاریابی و یا ادارات نیروی انسانی مراجعه نمایند

از حوادث بیاموزیم... از حوادث

باید پذیرفت در هرجامعه‌ای که واحدهای تولیدی و صنعتی گسترش پیدا میکنند و تکنولوژی جایگزین کارهای سنتی و دستی میگردد، همراه با محاسنی که این پدیده با خود به‌آن اجتماع میبرد، خطراتی نیز بهمراه دارد. یکی از این زیانهای ناخوشایند، همین حوادثی است که براثر کار کردن با ماشین آلات صنعتی برای کارگران پیش می‌آید. با توجه باین واقعیت وستاخیز کارگران از این شماره تلاش خواهد کرد با آموزشی تلویزی تاآنجا که ممکن است، شما کارگران عزیز را ازعلل حادثه‌ای که برای همکاران شما پیش خواهد آمد، آگاه کند و چگونگی حادثه را ضمن تماس با کارگر آسیب دیده، مسئولین کارگاه و کارشناسان وزارت کار و امور اجتماعی، تجزیه و تحلیل نماید، تا دیگر کارگران عزیز با خواندن این گزارش ها توجه نمایند، که چه عواملی ممکن است دریک لحظه حادثه‌ای دردناک و تاثرانگیز بوجود آورد و اگر یک کارگر براثر اشتباهی کوچک و غفلتی اندک عضوی از اعضاء خود را از دست داده، شما با مرور واقعه، این بی توجهی ها و اشتباهها را تکرار نکنید. با امید روزی که حوادث ناشی از کار بحداقل تقلیل یابد و نیروهای ماهر که سرمایه‌های مملکت هستند، با جسمی سالم و ذهنی آزاد کار سازندگی و آباد کردن ایران را برای زندگی با زهم بهتر و رفاهی روزافزون تر ادامه دهند.

دکتر جعفر ناصرامینی رئیس مرکز درمانی شماره ۲ و پرویز میلانی خبرنگار رستاخیز کارگران بربالین کارگری که دچار حادثه شده است.

[illegible]

— نقص فنی دستگاه موجب بروز حادثه و مرگ انسانی میگردد

[illegible]

اتصال برس بوده است.

[illegible]

— روش ناصحیح و برخلاف اصول ایمنی موجب بروز حادثه میشود

پرویز محمدی کارگری که [illegible]

احتیاطی و عملی برخلاف دستورات حفاظتی موجب قطع انگشتان دست خود گردیده، [illegible] قیافه‌ای افسرده دارد وشاید درشبانه روزچندین ساعت به آن لحظه‌ای که حادثه اتفاق افتاده فکر میکند، فکر میکند که اگر حواسم جمع بود و

[illegible]

— محیط کار ناسالم و بدون نظم و ترتیب، باعث حادثه میشود.

[illegible]

جلوگیری کنیم...

مدیران کارگاه در این زمینه مسئولیت [illegible]
وبراساس قانون با آنها رفتار خواهد شد.

دیدار با حادثه دیدگان

برای آگاهی [illegible] کارگران [illegible] که برای همکاران [illegible] بوجود آمده، [illegible] [illegible] کارگران [illegible] [illegible] و سؤال [illegible] است که جوانی است [illegible] صنعتی [illegible] کار میکند. [illegible] در پاسخ این پرسش که چرا برای [illegible] حادثه بوجود آمد، گفت: راستی همکاران من در موقع کار خیلی باهم شوخی میکنند وحادثه ایکه برای من اتفاق افتاد، براثر همین شوخی های بیموقع بود. وقتیکه من یک قطعه آهن نسبتا بزرگ را با کمک دوستم جابجا میکردم، یکی از کارگران کاری کرد که دوستم مجبور شد قطعه آهن را رها کند که بروی پای من افتاد ودر نتیجه من باین روز افتادم.»

شیرعلی باقری کارگر دیگری است که چندین ماه است در این بیمارستان بستری است. چهره‌ای افسرده وقیافه‌ای خسته دارد. از او میپرسم: مثل اینکه خیلی وقته اینجا هستی، چه‌چیز باعث شد چندماه روی تخت بیمارستان بخوابی؟ «آهی کشید، نفسی تازه کرد وگفت: «راستش باعث خودم بودم. چندماه پیش هوای کارخانه‌ای که من در آنجا کار میکردم، خیلی سرد بود. من [illegible] [illegible] [illegible] همکارانم نزدیک من ایستاده بودند و در خاموش کردن آتش کمک زیادی کردند، ولی متاسفانه همانطور که می‌بینید درهمان چند لحظه، آتش کار خودش را کرده بود.

مجروح میکند. همکاران او بلافاصله او را به بیمارستان منتقل میکنند...

راستی چرا چنین حادثه‌ای بوجود آمد... راستی چرا؟ این چراها از گفته‌های [illegible] جوشکار است در دیدار با جوشکارها. [illegible] [illegible] کارگران در پی این سئوال [illegible] [illegible] و بازرسان وزارت کار [illegible] [illegible] پاسخ گفتند:

حادثه‌ای که برای [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] عدم رعایت [illegible] حفاظتی در محیط کار بوقوع پیوسته است چون طبق تحقیقاتی که بعمل آمد معلوم شد در مجاورت جرثقال عظیمی که باآن قدرت وحجم قابل توجه مشغول بکار بوده است، کار جوشکاری وبانجام عملیات مشابه، عملی برخلاف مقررات ایمنی میباشد وبایدار انجام آن جلوگیری نمود ومسلما مسؤولین و

براساس مقررات جدید، درصورت عدم رعایت اصول حفاظتی:

پرداخت هزینه درمانی کارگران بعهده کارآمایان است

[illegible]

کارگر ۱۸ ساله داخل آسانسور کشته شد

کارگر ۱۸ ساله‌ای درشهرک غرب تهران داخل یک آسانسور ساختمانی ماند و متاسفانه جان خود را از دست داد.

این کارگرجوان که ارسلان عبدی نام دارد کارگر شرکت ساختمانی «خوردین» متعلق به آپارتمان سازی فرانکو ایرانیان بود و هنگامی که قصد داشت با آسانسور ساختمانی ازطبقه دهم ساختمان نیمه تمامی که درآن کارمیکرد به پائین بیاید، بین زمین و هوا داخل آسانسور ماند وبدون اینکه کسی متوجه شود جان سپرد.

یکی از کارگران این شرکت ساختمانی پس ازمدتی متوجه حادثه شد و جریان را به پاسگاه ژاندارمری اوین اطلاع داد. مامورین پاسگاه به محل حادثه رفتند و پس از تحقیقات اولیه جسد کارگرجوان را به مرکز پزشکی قانونی تهران منتقل کردند.

سندیکا فرصت بحث وگفتگوی صمیمانه را ممکن میسازد

بقیه از صفحه ۵۳

ورزشی کارگران [illegible] [illegible] [illegible] کارگران ورزشکار در [illegible] کارگران بوده است.

وی دراین مورد توضیح داد درنظر است یک باشگاه مجهز ورزشی در زمین وسیعی که به مضای سندیکا درجوار کارخانه تهیه شده ایجاد گردد.

طبقه بندی مشاغل

[illegible] [illegible] [illegible] ۲۵۳۳ [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] آمده.

وی یادآور شد که [illegible] طرح و [illegible] [illegible] کارگران [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] حقوق کارگران به‌نسبت [illegible] [illegible] کارآمد [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] شد.

[illegible] کارگران آنگاه گفت [illegible] مسئله شورای [illegible] را نیز مطرح کنیم و اضافه کرد این شورا درسال ۲۵۳۴ در این واحد تولیدی تشکیل شد واکنون میتوان به حق آن را بعنوان کانون دوستی و محل صلح و صمیمیت تلقی کرد. این شورا متشکل ازنماینده

کارگر و کارفرما و [illegible] می‌باشد و یکی از مزایای آن اینستکه ازهرگونه اخراج احتمالی کارگران جلوگیری می کنند و کارگران میتوانند با اتکاء به آن و با اطمینان خاطر به کار خود ادامه دهند.

افق های امیدفردا

آخرین قسمت ازگفتگوی‌ما به بحث درباره کنگره بزرگ کارگران ومجله رستاخیز اختصاص یافت.

[illegible] [illegible] آریامهر در این کنگره نسبت به [illegible] کارگران [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible]

وی [illegible] [illegible] پیشنهاداتی به کنگره تسلیم داشت که از آن جمله میتوان [illegible] و [illegible] تعاونی‌ها و نیز «توجه به مسکن کارگران» را نام برد و خوشبختانه توجهات مثبتی به همه موضوعات مطروحه در کنگره راشامل شد.

وی [illegible] مجله رستاخیز کارگران [illegible] در راه اعتلای فکری و علمی کارگران ایران تلقی کرد وگفت [illegible] که از این نشریه شده است. وکارگران واحدتولیدی ما نیز بسیار به این مجله علاقمندند، بطوریکه می‌شود گفت همه همکاران ما آن را مطالعه می کنند و به آن عشق می‌ورزند.

بعلت عدم رعایت اصول حفاظتی:

سه «کارآما» تحت تعقیب قرار گرفتند

بعلت عدم رعایت مقررات حفاظت وبهداشت ۹۸ کارگاه تعطیل شد.

بازرسان اداره کل بازرسی وزارت کار و امور اجتماعی از ادامه کار ۹۸ کارگاه ساختمانی ومولد بخار بعلت عدم رعایت مقررات حفاظتی وبهداشت کارجلوگیری کردند.

این بازرسان همچنین برای سه نفر از کارآمایان درخواست تعقیب نمودند.

گزارش خبرنگار رستاخیز کارگران حاکیست در ماه گذشته به ۲۰ کارگاه که نقص فنی و حفاظتی خود را مرتفع کرده بودند ، اجازه کار داده شد و همچنین ۵۵۹ کمیته حفاظت در کارگاههای سراسر کشور بمنظور رسیدگی بمسائل حفاظت و بهداشت کارگاه و کارگران تشکیل گردید و باصدور ۵۷ پروانه بهره‌برداری کارخانه موافقت بعمل آمد.

دکتر ناصری معاون نیروی انسانی وزارت کار و امور اجتماعی:

بامکانیزه کردن کشاورزی ۲۰ درصد نیروی شاغل دربخش کشاورزی بایستی به صنعت آورده شود

* تحرک اصولا لازمه بقاء جامعه است
* دربرنامه عمرانی ششم تنگنای نیروی انسانی به‌حداقل کاهش می‌یابد.

دکتر ناصری معاون وزارت کار و امور اجتماعی در یک گفتگو با رستاخیز کارگران از چگونگی جابجائی نیروی انسانی و کاهش تنگناهای نیروی انسانی در برنامه عمرانی ششم، آموزشهای کوتاه‌مدت و بلندمدت جهت آماده کردن نیروی انسانی و بالاخره اختصاص نیروی انسانی لازم به بخش صنعت و کشاورزی سخن گفت.

دکتر ناصری در پاسخ به این سؤال که توجیه تحرک نیروی انسانی درگذشته و حال بدین معنی که عدم تحرک درگذشته و تحرک غیر منطقی در حال حاضر مشکلی را بوجود آورده چیست، گفت:

درگذشته بعلت پائین بودن سطح توقع و انتظارات، موجب شده بود تا کارگران برای پیدا کردن کار علاقه‌ای به ترک محیطهای فرهنگی خود یا محلی که سالیان دراز در آن زندگی کرده بودند نداشته باشند بنابراین مایل بودند به هر قیمت که هست در محل اجدادی خود باقی بمانند و با وجود اینکه منابع خوب و درآمد بیشتر به آنها پیشنهاد میشد ولی حاضر نمیشدند بمناطق دیگر بروند اما حقیقت مسئلهٔ دیگری علاوه براین موضوع علائق فرهنگی درگذشته درآمد بیشتر برای کشاورزی روستائی ما معنی و مصداقی نداشت ولی با پیشرفت و با اجرای صحیح اصول انقلاب شاه و ملت درمملکت بتدریج مردم فرا گرفتند که بایدبدنبال زندگی بهتر و رفاه بیشتر و زندگی آسوده‌تری باشند. بدین ترتیب کارگر ایرانی دید اگر بخواهد از این مزایا و کالاهای مصرفی که در جامعه هست و از تسهیلات جامعه برخوردار شود، باید درآمد داشته باشد. طریق درآمدداشتن نیز مسلماً کار کردن است یعنی هیچ راهی مشروع و منطقی‌تر برای کسی که دنبال درآمد است، غیراز «کار» نیست. بنابراین هجوم بسمت «کار» کردن [illegible] و امکاناتی برای دستگاههای [illegible] در برنامه‌های عمرانی پیش آمده [illegible].

مسئله‌ای که وجود دارد این است که تحرک درجامعه وجود دارد، تحرک اصولا لازمه بقاء جامعه است و لازمه رسیدن به آن مراحل تجدد تکامل صنعتی است، و بسیارهم مفید است. اما آنچه که مطرح میشود نظام این تحرک است. یعنی کارگر را از جائی رها کنیم که به او نیاز هست و به جائی ببریم که دیگر نیازی به او نباشد [illegible] او بلافاصله استفاده کرد [illegible] بوجود آوریم که کارگر براساس اطلاعات دقیق و حساب شده حرکت کند. ولی [illegible] برای دستگاههای کاریابی [illegible] ممکن این است که این واحدهای کاریابی بتوانند دقیق‌ترین و جامع‌ترین اطلاعات را در مورد احتیاج روز [illegible].

دکتر ناصری [illegible] که [illegible] برای سوق کارگران خواهد [illegible] یادآور شد که [illegible] اصول و سیاست لازم را [illegible] تهیه کرد [illegible] جاهائی که [illegible] حداقل هم دور نیست. گفته شد که در برنامه عمرانی ششم تنگناهای نیروی انسانی به‌حداقل کاهش خواهد یافت. دراین مورد نظر معاون نیروی انسانی وزارت کار را جویا شدیم.

دکتر ناصری گفت: خوشبختانه برنامه عمرانی پنجم این تجربه را بدست کارشناسان و سازمانهای مسئول داد که واقعاً از پیش بایستی آماده باشند تا نیروی انسانی مورد نیاز را پیش‌بینی کنند. ازاین رو در حال حاضر این تصور وجود دارد که تنگنای نیروی انسانی دربرنامه ششم کاهش خواهد یافت، یکی به این علت است که از هم‌اکنون در [illegible] خودمان هستیم که [illegible] نیروی انسانی مورد نیاز برنامه عمرانی ششم را فراهم کنیم که در زمان اجرا نیروی انسانی کافی فراهم باشد ودیگر اینکه تجربیات بسیار ارزنده از برنامه عمرانی پنجم دراین زمینه بدست آوردیم.

آموزش کوتاه مدت تعلیمات حرفه‌ای مورد سؤال قرار گرفت و اینکه بایستی آموزشهای کوتاه‌مدت تبدیل به بلند مدت بشود.

دکتر ناصری اظهار داشت: در برنامه آموزشی وزارت کار [illegible] مدت چهار ماه [illegible] ساعت یک فرد تحت آموزش فنی قرار میگیرد که از این تعداد در حدود ۹۰ تا ۹۵ درصد جنبه عملی است. تجربه نشان داده که اولا طولانی بودن آموزش جز اینکه وقت کارگر را تلف بکند حاصلی ندارد و اکنون در همه دنیا آموزش کوتاه‌مدت یعنی در حداقل زمان امکان [illegible] بسیار جدی مورد توجه است و ما سعی می‌کنیم که کیفیت آموزش را افزایش بدهیم [illegible] مدت آنرا.

دکتر ناصری اضافه کرد: مشکل ما مستمر بودن آموزش است زیرا برای بهره گرفتن از دانش و [illegible] کارگر باید در فواصل زمانی مورد آموزش قرار گیرد، یعنی بعوض اینکه شخصی مدت دوازده ماه مورد آموزش قرار گیرد که مسلماً این آموزش بعد از دو سال کهنه خواهد شد، سه دوره آموزشی برای او قائل شویم که دوره‌ها [illegible] کار و آموزش باشند، پس از چهار ماه آموزش دو سال [illegible] کار، و سپس برای دوره دوم آموزش و بدنبال آن دو سال کار و بالاخره دوره آخر که نهایت درجه مهارت را به او آموزش بدهیم و سپس وارد بازار کار میشود. بنابراین فعلا وزارت کار برنامه‌ای در تهیه [illegible] کردن مدت آموزش [illegible] در بعضی رشته‌ها که تخصصی‌تر و فنی‌تر هستند [illegible] آموزش بیشتر خواهد شد. اخیراً [illegible] را دراین خصوص مطرح کردیم که تحرک نیروی انسانی کشاورزی به جانب صنعت مشکلاتی در کشور بوجود آورده است. [illegible] کنفرانس ملی کار برای این امر چه چاره‌اندیشی خواهد کرد؟...

معاون نیروی انسانی وزارت کار اظهار داشت: برای جبران این امر بایستی مقداری از خود بخش کشاورزی تأمین بشود. بدین ترتیب که نیروی انسانی مناطق کشاورزی که کمتر به خدمت احتیاج دارد به مناطقی که نیازمند خدمت آنها است انتقال یابد و همانطور که پیش‌بینی در این برنامه هست. مثلا در یک ناحیه که احتیاج به نیروی کار کشاورزی کمتری دارد، و برعکس در منطقهٔ دیگر که احتیاج بیشتری به نیروی کشاورزی است، سعی میشود این انتقال صورت بگیرد. مرحله بعدی مکانیزه کردن کشاورزی است، یعنی باید جمعیت شاغل کشاورزی را کاهش داد، چون نمی‌توان در حالیکه کشاورزی ما ۱۵ درصد تولید ناخالص ملی را تأمین میکند، ۴۰ درصد جمعیت شاغل کشور را بخود اختصاص دهد. بخش کشاورزی حداکثر نیروئی را که با این تولید می‌تواند داشته باشد بایستی فقط ۲۰ درصد نیروی شاغل باشد و ۲۰ درصد بقیهٔ شاغل در بخش کشاورزی بایستی با برنامه ریزی دقیق بتدریج رها بشود و جای آنرا ماشین اشتغال بکند، و نیروی کار کمتری مورد استفاده قرار بگیرد.

دکتر ناصری معاون نیروی انسانی وزارت کار در گفتگو با محمد جعفر فتحی زاده دبیر روزنامهٔ کارگران از آموزش و تربیت و تحرک نیروی انسانی سخن گفت.

وجدان پیدا کردنی است یا ذاتی

دوم از ۲ سالگی تا ۶ سالگی — که دراین دوره بچه زبان باز کرده و سؤالاتی پیش‌میآورد که حتما باید پاسخ داده شود. . کارهائی انجام میدهد که باید بدو خوب آن یادآوری شود.

این زمان مسئله مهمی در دوره تربیتی یک کودک است در عین زمان است که کودک تحت تربیت میتواند همهٔ مسائل [illegible] را نه راجع به تربیت [illegible] کرد. همه خصلت در این دوره زندگی در ضمیر بچه‌ها نقش میبندد. ادب مهارت عاطفه خوش بینی احترام بوالدین رعایت اصول خانوادگی خداشناسی احترام به بزرگترها سنجش دین و مذهب نظم و انضباط حرکت خوش بینی بزندگی احساس امنیت راستی خاطر احترام به مقدسات ملی وجدان پاک احساس و پاك

سوم — دوره دبستان یا از ۶ تا ۱۲ سالگی

باید دانست که اگر تربیت این دوره که بیشتر اوقات بچه در دبستان میگذرد با اصول ملی تلفیق داشته باشد بچه با سواد آموزی و اصالت شخصیت بیشتر آشنا میشود ولی اگر تربیت دبستانی با تربیت دوره ۲ تا ۶ سالگی هم آهنگ نباشد مشکلات بسیاری ببار خواهد آمد که از جمله مسائل مربوط بزندگی جمعی با همسالان است که دراینجا نقش معلم نیز جلوه‌گر میشود. دراین مرحله یک معلم خوب باید نحوه فکر و تربیت اولیه بچه‌ها را یک یک ارزیابی کند و سعی نماید بهترین را تشویق و بدترین را بطرف عادت خوب رهنمون گردد. باید دانست که این کوشش معلم تا اندازه‌ای میتواند ثمر بخش باشد ولی اساس همانست که از کودکی درضمیر بچه نقش بسته است زیرا ترکیب نکته‌های تربیتی، خلاق اخلاق است.

باید یاد آوری کرد وضع طبقه ایکه بچه در آن بدنیا میآید در روحیات او بی‌تأثیر نیست.

خانواده‌ها در اجتماعات مختلف تحت شرایط اقتصادی درطبقات مختلف قرار میگیرند مثلا دربعضی از اجتماعات ثروتمندان درطبقه اول قرار دارند درحالیکه این مسئله ظاهر امر است زیرا ثروت مسئله ثابتی برای خانواده بحساب نمیآید. چه بسیار دیده شده کسانی خود را به دیگرطبقات اجتماع از لحاظ مالی و جمع آوری ثروت بحد اعلا رسانیده و جزء ثروتمندان طراز اول قرار گرفته‌اند ولی وضع داخلی خانوادگی آنان همانطوریکه گفته شد با گذشته‌اشان فرقی نکرده است. اگر بر اساس دیکتاتوری بوده همانطورمانده و یا اگر برمنوال دموکراسی شالوده گرفته بوده باز هم بهمان شکل ادامه یافته است عکس مسئله نیز ثابت است، یعنی اگر ثروتمندی بعللی ثروت خود را از دست داده باز هم شکل اولیه تربیتی خود را از دست نداده است، مگر پدیده‌هائیکه ثروت بوجود آورده باشد.

در خانواده‌هائیکه بر اساس دموکراسی با هم انس و الفت داشته‌اند مسئله زیاد و کم شدن ثروت بهیچوجه اثری نداشته بلکه روابط عاطفی صحیحی که میان آنها برقرار بوده خود بخود مسئله ثروت را تحت الشعاع قرار داده یعنی اگر کم داشته‌اند کمتر خورده‌اند و اگر زیاد داشته‌اند بیشتر خورده‌اند، ولی احترام به عقاید و پیروی از اصول را نتوانسته‌اند کنار بگذارند، در حالیکه در خانواده‌هائیکه یکدندگی برآن حکمفرما بوده، زیاد شدن ثروت موجب یک سلسله اختلافات داخلی عمیق گردیده که حتی کار بجاهای باریک نیز کشیده است و یا اینکه از دست دادن ثروت موجب بروز اختلافات غیر قابل حلی برایشان گردیده‌است.

با اینکه عده‌ای از علما بخصوص مادیون معتقدند فساد — نقار — دروغ و ریا و امثال آن در طبقه ثروتمند بعلت عدم همبستگی‌های عمقی بیشتر از سایرطبقات وجود دارد و بعضی دیگر اعتقاد دارند که طبقات بی‌چیز و محتاج آماده‌تر از سایرین برای پیش گیری راههای نادرست هستند، من معتقدم هیچکدام از این طبقه بندی‌ها و نسبت دادن‌ها صحیح نیست، بلکه مسئله اصالت تربیتی است که درخانواده حاکم است. و ثروت زیاد و کم شدن پول نمیتواند اعتقادات افراد را تغییر دهد. چه بسا افراد مستمند که شبها با شکم گرسنه سر بر بستر مینهند، ولی هرگز بخود حق نمیدهند که حتی یک قدم نادرست و خلاف عقاید مذهبی خود بر دارند و برعکس فراوانند کسانیکه با داشتن ثروتهای نجومی باز هم از دست درازی به اموال عمومی و کارهای خلاف انسانی رو گردان نیستند. پس اگر تربیت بر مبنای صحیح خصوص مذهبی قرار گیرد، ثروت نمیتواند به فقری را از خانواده کم کند و نه فقری را زیاد. اینک موقع آن فرا رسیده که از آنچه تا بحال گفته شده نتیجه گیری کنیم.

اول قانون اختلاط — تمام مسائلی که جداگانه از آنها یاد کردیم درمغز یک بچه مخلوط میشوند وحالت‌های روحی آن بچه را بوجود می‌آورند که عبارتست ازفرق گذاشتن بین بدو خوب — صبوری وبردباری ویا عجول بودن وبی حوصلگی — متکی به ذات بودن و داشتن شخصیت مستقل ویا متزلزل بودن در تصمیمات واتکاء به این وآن داشتن خوش بینی بزندگی وخوش‌اخلاقی ویا بدبینی نسبت به محیط زندگی وکج خلقی — عاطفه‌شناس بودن ویا بی‌اعتنائی به مسائل عاطفی وبالاخره اهل تعقل بودن ویا تابع احساس شدن که حاصل این قانون اختلاط است واحساس وجدانی یک فرد رابوجود میآورد.

از طرف دیگر چون استعداد ذاتی بچه‌ها نسبت بهم فرق دارد وعوامل آموزشی ومحیطی اعم ازمحیط خانواده ومحیط خارج ازخانه کلا نمیتوانند باهم یکسان باشند لذا ارزش معرفتی احساس آنها نیز بدون شک یکسان نخواهد بود و بی‌تردید وجدان این بچه‌ها نسبت بهم متفاوت خواهد بود. باین ترتیب ما نمیتوانیم یک الگوی ثابت برای وجدان تمام افرادی که دریک نوع تربیت رشد کرده ودرشرایط مساوی تربیت شده‌اند بیابیم. لذا ناچاریم دراین مورد تابع فرضیه نسبی بشویم واین قانون را نیز در نتیجه‌گیری از سیستم تربیتی بنام قانون دوم بپذیریم وتمام کیفیات روحی بچه‌ها را نسبت بهم بسنجیم ونتیجه‌گیری کنیم. باید یادآور شویم تمام این شرایط وقتی صحیح وقابل نتیجه‌گیری است که درتمام مسائل تربیتی که قبلا درشماره‌های پیش مجله برایتان نوشتیم جنبه‌های مثبت آن به بچه‌ها آموخته شده باشد وکلیه شرایط منحرف کننده از آن حذف شده باشد وگرنه مثلا نمیتوان بچه‌ای را که در شرایطی بدون آموزش عاطفی رشد کرده باشد با بچه دیگری‌که در شرایط عاطفی تربیت شده باشد باهم مقایسه کرد ونسبتی بین آنها قایل شد تا اینجا آنچه گفته شد مربوط به تربیت اولیه فرزندان بود و درست حکم زیربنای یک ساختمان عظیم را داشت که میبایست برآن پی بنا ساخته شود حال اگر این پی سست ونامحکم وحساب نشده باشد ساختمانی که روی آن ساخته میشود، یا نشست میکند ویا باندك آبی که بهمان پی ناستوار برسد درهم میریزد. بهمین دلیل درمسائل تربیتی برای این شالوده‌ریزی باید اهمیت فراوانی قایل شد. بعبارت دیگر شعور هرفرد مانعی از همین زمان (اول عمر) آغاز شده و تا زمانیکه یادگیری ادامه دارد رشد پیدا میکند. پس بدین ترتیب شعور هرفردی بستگی به‌تربیت ومعلوماتی دارد که از اول عمر تا زمانی که درآن زندگی میکند، آموخته است. بنا براین هوش - استعداد جسمانی - حافظه - محیط - ارتباط باافراد محیط همه سازندهٔ یک چیز واحد هستند که به‌آن شعورگفته‌میشود.

فکرکردن

هرگاه فردی بخواهد کاری را انجام دهد اول بعقل خود مراجعه میکند وعقل راه انجام آن کار را پیدا میکند، نفع وزیان آن کار را می‌سنجد ودر اختیار فرد میگذارد. گاهی از اوقات کاری یک فرد انجام میدهد که

بقیه در صفحه ۷۰

سازمان آب منطقه‌ای تهران در پنجم آبان ماه سال ۲۵۱۴ به امر مبارك شاهنشاه آریامهر رسماً شروع بکار کرد

سد فرحناز پهلوی

دفترچهارم

بدان برترین نام یزدان پاك
برخشنده خورشید و آرنده خاك
بتخت و کلاه و بناهید و ماه
که من بد نکردم شما را نگاه

«**فردوسی**»

«آب» از نخستین روزهای تاریخ قوم «آریا» نزد ایرانیان عزیز بود، حتی بدان احترام می‌گذاشتند. آلودن آب یکی از گناهان بزرگ و نابخشودنی بشمار می‌آمد.... «**اناهیتا**» فرشته‌ی نگهبان آب نزد ایرانیان مقدس و گرامی بود، بجائی که سوگند خود را بنام فرسته آب و «مهر» برزبان میآوردند...

برکتیبه‌ای که از اردشیر دوم در شوس روی یک صفحه ستونی کشف شده است، چنین نوشته:

... پادشاه بزرگ ، اردشیر شاهنشاه ، پادشاه ممالك ، پادشاه این سرزمین ، پسر داریوش (دوم) داریوش پسر پادشاه اردشیر (اول) اردشیر پسر پادشاه خشیارشا — خشیارشاه — پسر داریوش پسر گشتاسب هخامنشی می‌گوید. این ایوان را داریوش (اول) جد من بنا نهاد، درزمان اردشیر «اول» پدر بزرگ من آنرا ویران کرد بنا بخواست ، اهورمزدا و «اناهیت» و مهر ، من دوباره این ایوان را ساختم بشود که اهورامزدا اناهیت — مهرا — مرا در پناه خود گرفته از هر گزند و خصومی حفظ کند و آنچه من ساخته‌ام ویران نسازند و آسیب نرسانند.. از این مقدمه بخوبی حس برمی‌آید که ایرانیان برای آب احترام بسزائی قائل بودند و آلودن آنرا گناه

دانسته و درپاک نگهداشتن آن کوشا بودند.

دیروز

اگر به گذشته‌ای نه چندان دور برگردیم ، آن روزها وشبها را بیاد می‌آوریم که در همین تهران ، بر سر آب چه جنجال‌ها که صورت می‌گرفت.

تهرانی‌هائی که نزدیك به سه دهه از عمرشان گذشته ، هنوز خاطرات بیداری کشیدن‌ها ، جدال‌ها واحیاناً زدوخوردها را به یاد دارند ، و «میراب» ها را که برای خود کیاوبیائی داشتند . از آن گذشته با تمام آن گرفتاریها و دشواریها که وجود داشت ، وقتی آن آب‌های آلوده که از نهرهای روباز می‌گذشت و درخانه‌ها انبار میشد ، چه آلودگیهائی با خود بهمراه میآورد.

مردم تهران درآنزمان از آب چاه با وسایل ابتدائی ، مانند چرخ دستی آب می‌کشیدند ، هر کس که یارا و توان کشیدن آب از چاه با چرخ دستی را نداشت ، از نهرها ، آب انبارهای خود را از آبهای آغشته به میکرب می انباشت . کسانی

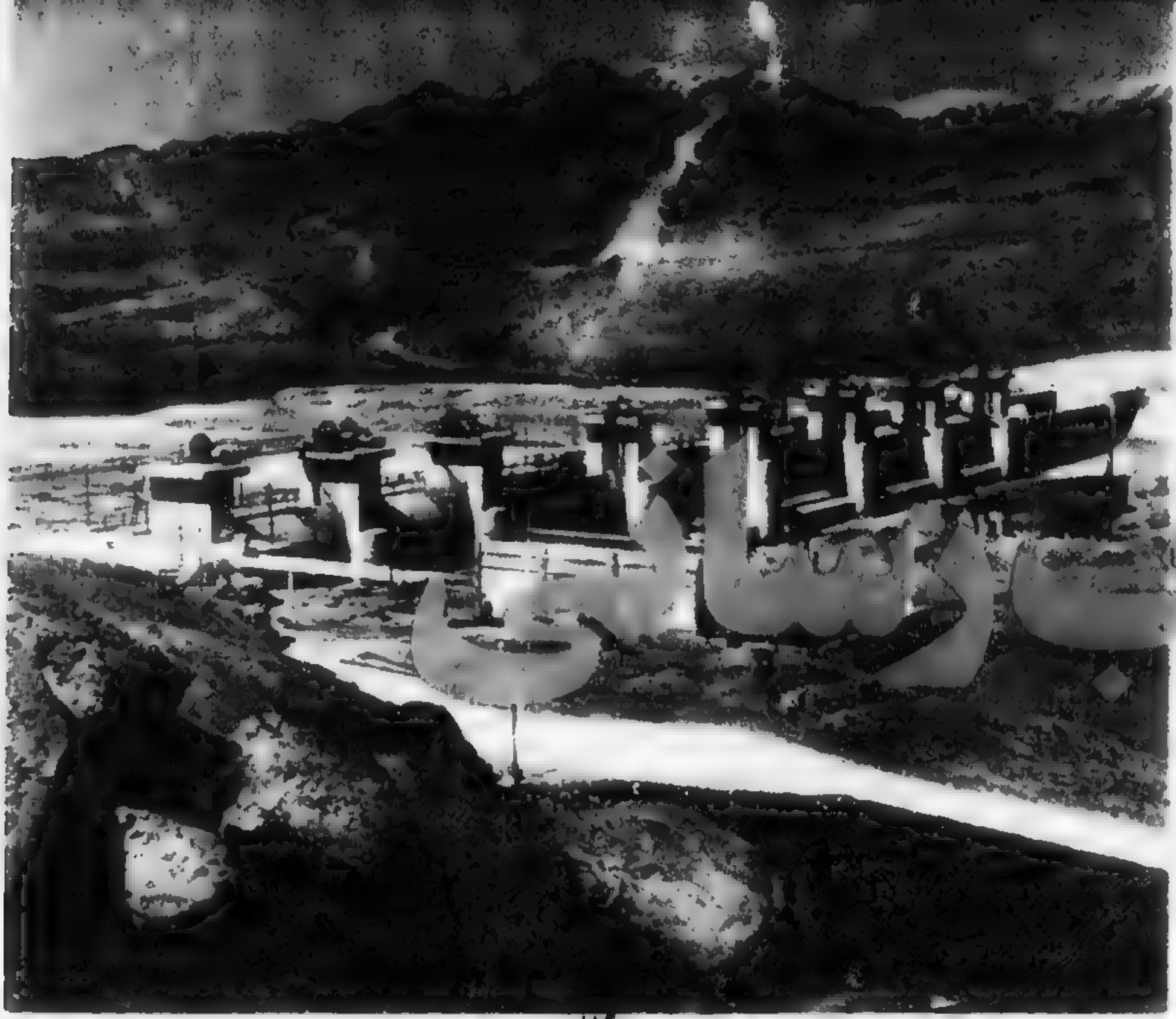

سدسنگیان

درآنزمان«میراب»ها برای خود«کیاوبیائی»داشتند.

که دستشان به دهانشان میرسید. نوسید گاری اسبی وسبکه وبا سبک آب که ارقنات سه در سبت حیابان سه قرار داشت اب نوسدی به بهای هر سطل که ۰ ۲ سیر بود ۵ ۰ ۱ ریال میخریدند.

آبهای آلوده انواع واقسام سماری بهمراه میاورد که متداول ترین آنها سالک بود. جنان که هیچ تهرانی را نمی‌دیدی سنگی بر چهره یا قسمت دیگری از بدن نداشته باشد.

آب این نعمت اسمانی برای مردم پایتخت و دیگر شهرهای ایران مسئله بسیار مشکل و بزرگی بشمار میرفت .... ابهای مرده که در نهرها جریان داشت و یا در آب انبارهای منازل ذخیره میشد، بخاطر آلودگی و غیر بهداشتی بودن چه کشتارها که نمی کرد.

کاری آبشاهی در یکی از محله‌های قدیمی تهران

با این که سالیان دراز لزوم، تأمین و توزیع آب تهران یکی ازمسائل مورد نظرمسئولین بود متاسفانه انجام لوله کشی آب تهران علیرغم تلاش و کوشش هائی که ازطرف مسئولان وقت بعمل می‌آمد، مقدور نمی‌شد. تا این که درسال ۱۳۲۶ ، موسسه مستقلی برای لوله کشی آب تهران تاسیس گردید و آنگاه با تصویب تبصره ۲۲ ازماده ۳ قانون متمم بودجه سال ۱۳۲۸ ، در بیست وسه تیرماه همانسال شکل قانونی بخود گرفت وتلاش شبانه روزی برای لوله کشی تهران شروع شد. این کارها وتلاشها ادامه داشت ، تا آین که سازمان آب منطقه‌ای تهران در پنجم آبانماه سال ۱۳۳۴ ، به امر مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر رسماً شروع بکار کرد.

وامروز با گذشت بیست ویکسال این سازمان جوان ونوپا با موفقیت به امر خطیر تهیه تامین آب سالم وگوارای مردم پایتخت ادامه میدهد وامروز مردم با باز کردن شیر آب می‌توانند بدون هیچگونه دغدغه خاطری ازاین نعمت بزرگ برخوردار باشند.

هم اکنون سازمان آب منطقه‌ای تهران با کوشش وتلاش ۲۸۰۸ نفر کارمند و ۴۰۰۰ کارگر به فعالیت ثمربخش خود ادامه میدهد ، و شماره اشتراک آن ازمرز پانصد هزار گذشته

لطفاً ورق بزنید

تصفیه خانه شماره ۳

است.

تلاشهای همه جانبه آبرسانی انتقال آب خام

برداشت وانتقال آب خام جهت تصفیه از منابع تأمین آب تهران که شامل رودخانه کرج رودخانه جاجرود وچاههای عمیق می باشد، توسط تأسیساتی که بر روی این منابع بوجود آمده انجام میگیرد از رودخانه کرج - از طریق آبگیر بیلقان توسط لوله‌های فولادی و کانال رودخانه کرج از طریق آبگیر بیلقان توسط لوله‌های تونلی رودخانه جاجرود از طریق تونل سد فرحناز پهلوی و دیگر ازچاههای عمیق ناحیه طرشت.

این آبها توسط تصفیه خانه شماره یک ودو وسه تصفیه می شوند.

آب خام انتقال یافته ازمنابع اطراف تهران بوسیله سه واحد تصفیه خانه‌های بالا تصفیه شده وبمصرف اهالی شهر تهران میرسد.

۱ - تصفیه خانه شماره یک (جلالیه)

[illegible] در حدود [illegible]

[illegible] تصفیه نماید.

۲ - تصفیه خانه شماره یک (کن)

[illegible] در حدود [illegible]

[illegible] تصفیه نماید.

۳ - تصفیه خانه شماره سه (تهران پارس)

[illegible] در حدود [illegible]

[illegible]

آزمایشگاهها

[illegible]

شبکه توزیع آب

[illegible]

نگهداری

[illegible]

ادامه از ...

چند نمونه از شبکه های مناطق سازمان آب

تهران

... امداد واقع در ...

... محدوده ...

... امداد واقع در ...

... تهران را ...

... های ساعرض و ...

... شرق تهران ...

... واقع ...

... تهران ...

... شده میگردد.

سد سهار

...

اهداف

هدف ...

یکی از تصفیه‌خانه‌های مدرن و مجهز سازمان آب منطقه‌ای تهران

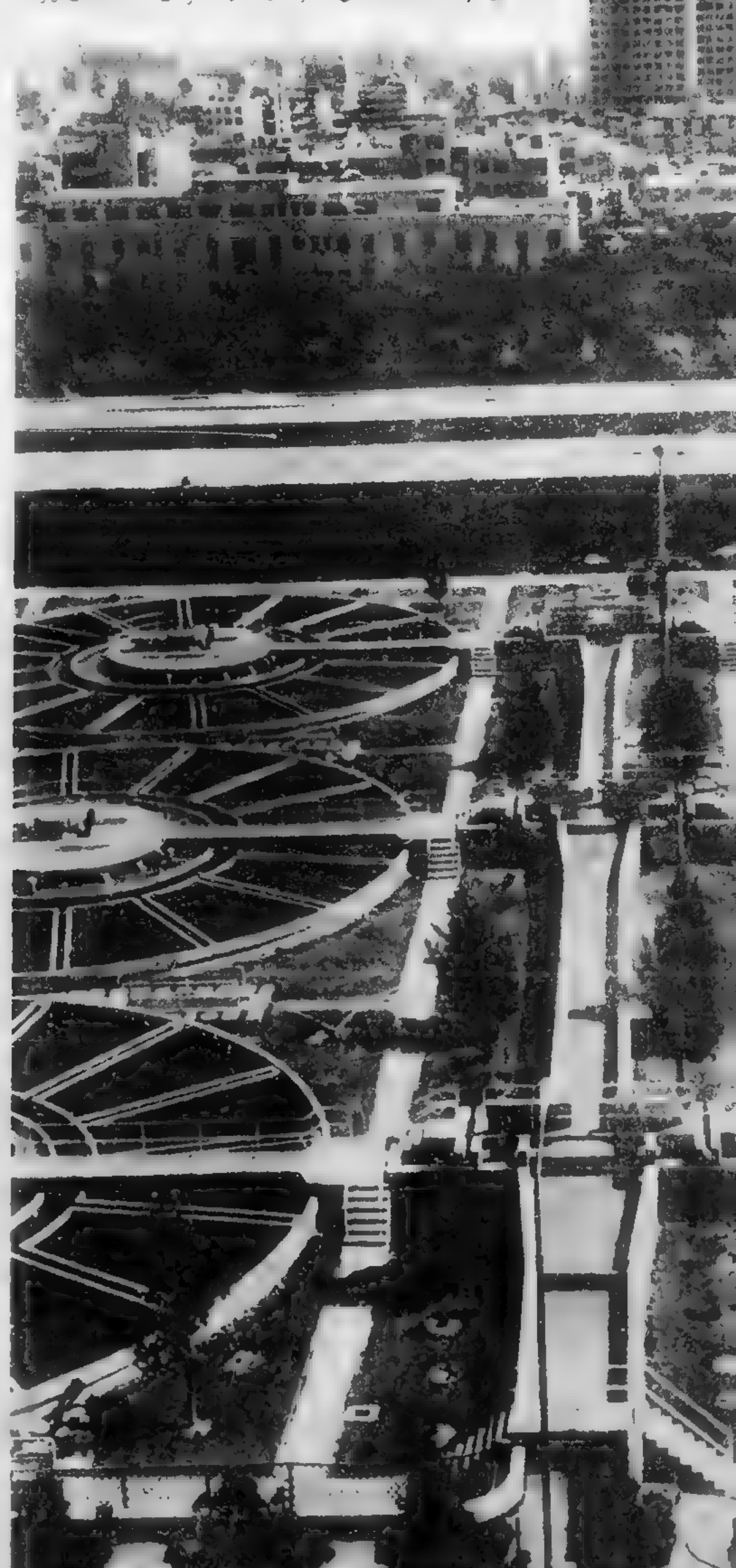

در جستجوی آب بشکل ابتدائی

... آب ... و ... است ... آن ... امکانات ... جهت توسعه ... می آورد.

در ... سازمان آب منطقه‌ای تهران ... حدود ... میلیون مترمکعب آب درسال ... درحال حاضر مصرف آب تهران ... تعداد روزافزون انشعابات آب سالانه بالغ بر ... میلیون مترمکعب می باشد و ... در سالهای آینده ... جمعیت شهر ... میلیون مترمکعب خواهد رسید.

... تحت ... و ...

بهره برداری از سد امیر کبیر

سد امیر ... است ... بر روی رودخانه کرج و هدف اصلی از ساختمان آن ... مورد احتیاج شهر ... تهران می باشد ... آب شهر ... رودخانه کرج می ...

بهره برداری از سد فرحناز پهلوی

سد فرحناز پهلوی که در ... کیلومتری ... شرقی تهران بر روی رودخانه جاجرود ... شده است ... رودخانه جاجرود قسمتی از ... تهران ... و ...

وضع رفاهی کارگران

درگذشته وحال

درگذشته وضع کارگران سازمان ... خصوصی کارگران ... و ... قرار داشت ...

بقیه درصفحه ۷۰

حفاظت ونگهداری دستگا

هر دستگاه تولید گاز استیلن متشکل شده از مخزن یا محفظه مخصوص فعل و انفعال شیمیائی و تولید گاز — مخزن گاز، گازومتر که گازهای تولید شده در آن جمع می‌شود و متعلقات دستگاه. از نظر تولید گاز، معمولاً دو نوع دستگاه وجود دارد:

۱ — دستگاههائیکه گاز در آنها بوسیله اختلاط کاربید وآب تولید می‌شود.

برای تهیه گاز استیلن لازم است کاربید را روی آب موجود در دستگاه بریزند بالعکس یعنی اگر در محفظه تولید گاز آب موجود باشد کاربید روی آن بریزید واگر کاربید وجودداشته باشدآب روی آن ریخته می‌شود وبتدریج که گاز تولید شده مصرف میشوداین عمل تا تجزیه کامل کاربیدادامه می‌یابد.شکل ۱ و ۲ رانگاه کنید.

۲ — دستگاههائیکه گاز استیلن در آن بوسیله تماس کاربید با آب حاصل می‌شود. (به‌شکل ۳ و ۵ مراجعه کنید).

تا موقعیکه مصرف گاز ادامه دارد تماس برقرار است و بمحض اینکه مصرف کاهش یابد آب وکاربید بطورخود کار از هم جدا شده و عمل تولید گاز متوقف می‌شود بر این اساس دو نوع دستگاه ساخته‌شده‌است:

الف — دستگاههای پس زننده.

دراین نوع دستگاهها آب ازمقابل کاربید بعقب رانده می‌شودشکل ۳

ب — دستگاههای شناور یا دستگاههای با سرپوش متحرک شکل ۵

در این نوع دستگاهها پس از افزایش فشار گاز بر اثر فعل و انفعال، سرپوش دستگاه بالا رفته کاربید از آب خارج می‌شود.

ذخیره کردن گاز

دراغلب دستگاهها، تولید و ذخیره گاز در یک محفظه مشترک انجام می‌شود شکل ۳

در دستگاههائی که ظرفیت کار آنان زیاد است مخزن گاز از قسمتی که گاز در آن تولید می‌شود مجزا است (شکل ۱)

اگر ظرف ذخیره گاز استیلن از دستگاه مولد گاز مجزا باشد، شکل ۱ و ۲ برای جلوگیری از برگشت گاز از مخزن ... وسیله حفاظتی نصب شود.

ساختمان وطرز بهره‌برداری

با توجه به خطر ... دستگاههای تولید استیلن دارند ساختمان و استفاده از آنها باید تحت مراقبت و رعایت ... های خاصی انجام گیرد.

هرگونه دست خوردگی یا تغییر در ساختمان دستگاههائیکه طبق مقررات خاص استفاده از آنها مجاز شناخته شده، ممنوع است ودر صورت وقوع حادثه مسؤول این کارشدیداً مؤاخذه خواهدشد.

تعلیمات ودستورات مربوط به نگهداری و بهره‌برداری که همیشه همراه دستگاه است باید دقیقاً رعایت واجرا شوندومولدهای گاز بافشار زیاد (بدون سیفون آب وبافشارداخلی بیش از یک آتمسفر) باید تحت آزمایش هیدرولیک قرار گیرند و پس از هر تعمیر کلی این آزمایش تجدیدشود.

مشخصات مولدهای استیلن (ژنراتورها)

مولدهای استیلن بایددارای شرایط زیرباشد:

* ازفلز نوع مرغوب ساخته شده باشند و قسمتهائی از آن که از مس ساخته‌شده با استیلن درتماس نباشند.

* مقاومت کافی در برابر فشار داشته باشد.

* افزودن آب به داخل ژنراتور بدون آنکه گازاستیلن فرار کندامکان پذیرباشد.

* فضای مخصوص هوا بحدامکان کوچک باشد.

* در صورتیکه ژنراتور استیلن دارای کلاهک متحرک باشد تجزیه کاربید نباید مستقیماً زیر کلاهک انجام شود.

* درمورد مولدهای غیر خود کار هرگونه جریان آب ولبریز شدن آن باید مشهود وآشکار باشد.

نکات مهم

مولدهای استیلن باید دارای پلاکی خوانا و بادوام مشتمل برنکات زیرباشد:

الف — میزان کاربیدی که باید بکار رود وحداکثروزن‌مجاز برای هربارگیری.

ب — حداکثرمجازتولید استیلن درساعت.

ج — حداکثرفشارمجازمولد درموقع کار.

د — مشخصات وشماره نوع مولد وتاریخ بهره‌برداری ازآن.

ه — نام ونشانی کارخانه سازنده ویا مؤسسه توزیع کننده‌آن.

سوپاپ‌های هیدرولیک

درهر قسمت از محل عبور گاز استیلن درسیکه نصب است باید یک سوپاپ هیدرولیک یا وسیله مشابهی نصب شود تا ویژگیهای زیر بوجودآید:

الف — مانع ورود گازاکسیژن یا هوا به داخل مولد یامخزن گازشود.

ب — از انفجار داخلی که براثر اختلاط اکسیژن واستیلن ایجادمی‌شودجلوگیری کند.

پ — از رسیدن شعله‌به‌داخل ژنراتور جلوگیری شود. سوپاپهای هیدرولیک‌باید طوری ساخته‌و نصب شوند که به‌آسانی‌بتوان آنهارا بازومعاینه کرد.

خطراستعمال دخانیات وآتش‌های روباز:

استعمال دخانیات وهمراه داشتن آتش و چراغ شعله‌دار — اشیاء گداخته و داغ — کبریت وفندک و هرگونه موادو اشیائی که بتوانند موجب حریق و انفجار شوند در فاصله‌ای کمتر از ۵متر از محوطه‌واتاقهای ژنراتور استیلن (تولید کننده استیلن) ممنوع است.

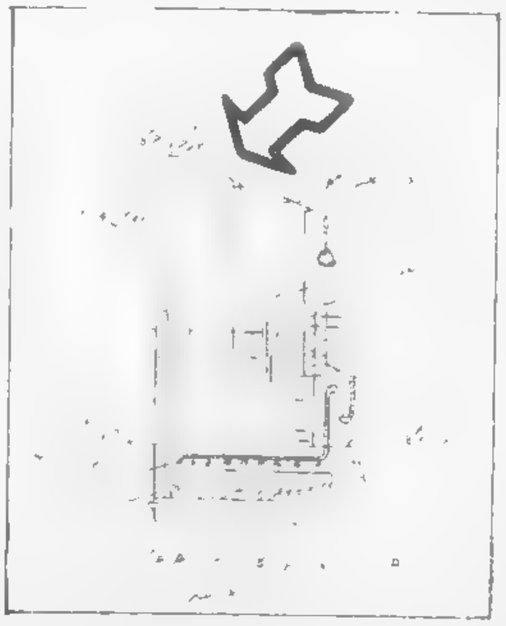

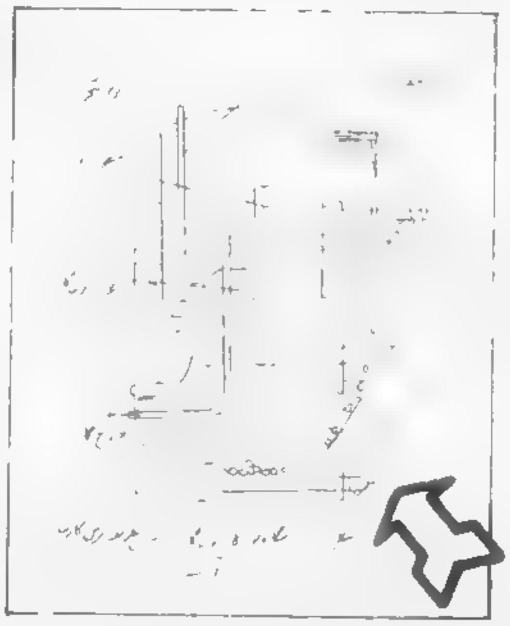

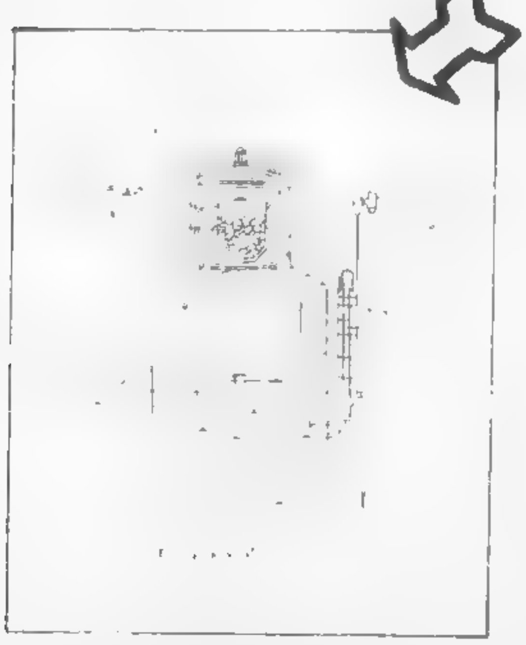

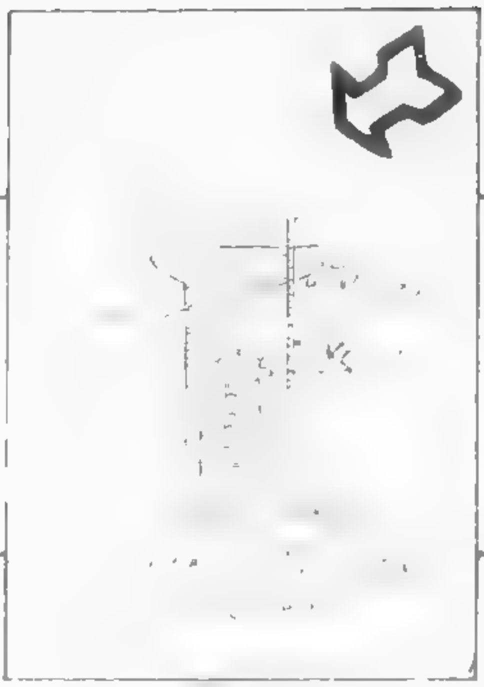

ه‌جوش استیلن

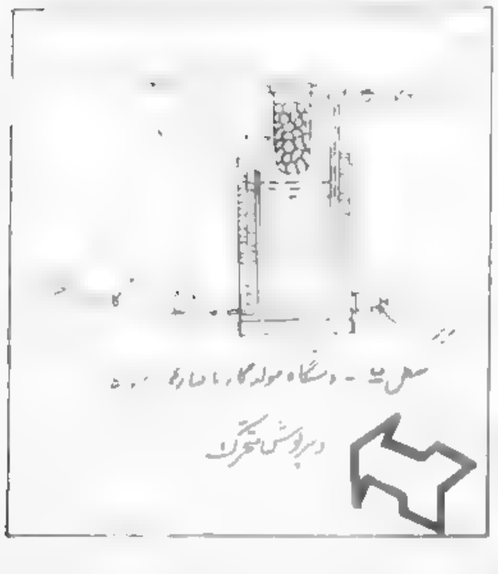

ممنوعیت این کار باید بوسیله اخطاریه‌ای در نقاط مناسب خارج از اتاقها به‌اطلاع عموم برسد.

* تعمیرات

پاک کردن و تعمیر مولدهای استیلن باید حتی‌الامکان در روشنائی روز انجام گیرد.

قبل از تعمیر هرقسمت از تأسیسات تولید استیلن باید نکات زیررا مورد توجه قرارداد:

الف— کاملا تمیز کرد.

ب —کاربیدو سایر رسوبات آنرا بدقت خارج کرد.

ج— کاملاشستشو داد.

د — ازآب و یا بخار و یاگاز غیرقابل احتراق پر کرد.

کارآمایان که اقدام بخرید دستگاههای مولد استیلن می کنند باید درنظر داشته باشند که اغلب سازندگان داخلی به‌فوت‌وفن کار باین دستگاهها وارد نبودمو همانطور که اغلب مشاهده شده دستگاههائی بمصرف‌کننده تحویل می‌شود که فاقد سیفونهای اطمینان و دستگاههای آبرسانی (هیدرولیک) خودکار است و تاکنون حوادث ناگواری نیز براثر کار بااین دستگاهها بروز کرده است در وهله اول بهتر است سعی‌شود که از کپسول‌های استیلن استفاده شودو در مورد استفاده از دستگاههای مولدگاز استیلن بایدقت کافی کرد که تمام نکات حفاظتی درآنها بمرحله اجراد رآمده باشد.

رئیس سازمان کارگران شیراز:

وحدت اندیشه لازمهٔ تشکیلات کارگری در عصر رستاخیز شکوهمند ملت ایران است

* ساختمان بیمارستان کارگران در شیراز، چهار سال است که نیمه تمام مانده است
* کارگران شیراز، از کلیه مزایای قانون کار و مواهب انقلاب شاه و ملت برخوردار شده‌اند.
* کمبودهای درمانی، عدم وجود مهد کودک و باشگاه کارگران از جمله مشکلات کارگران شیرازی است
* ۱۸ سندیکای کارگری با ۳۳ هزار کارگر هسته های تشکیلات سازمان کارگران شیراز هستند.
* شیراز حداقل به ۵۰۰ هزار واحد ساختمانی برای کارگران نیاز دارد

*اشاره:

آشنائی با سازمان کارگران شیراز و اینکه این سازمان برای کارگران حوزه خود چه اقداماتی انجام داده و اصولا خواسته‌های منطقی کارگران شیراز چه میباشد، اساس گفتگوی رستاخیز کارگران با آقای یوسف بهزاد شاپوری رئیس سازمان کارگران شیراز بود. با این دید و هدف با وی به گفتگو نشستیم و مطالبی را که در زیر میخوانید حاصل این گفتگوی دوستانه است.

«آقای شاپوری، در آغاز کلام بهتر است مختصری در بارهٔ سازمان کارگران «شیراز» صحبت کنید و اقداماتی را که این سازمان برای تأمین رفاه کارگران زحمت کش فارسی و اجرای صحیح قوانین کار بعمل آورده است تشریح نمائید.»

*یوسف بهزاد شاپوری

«سازمان کارگران شیراز در سال ۴۶ تأسیس شده است. دراین مدت چهار بار برای گزینش هیئت رئیسه سازمان، تجدید انتخابات شده است و در حال حاضر چهارمین هیئت رئیسه منتخب، امور سازمان را اداره میکنند. تعداد ۱۸ سندیکای کارگری شیراز که کار ثبت آنان به انجام رسیده است، با ۳۳ هزار کارگر عضو سازمان هستند. بعلاوه ۴ سندیکای کارگری نیز در سایر شهرستانهای استان فارس مشغول فعالیت می‌باشند. جلسات سازمان بطور مرتب باحضور اعضاء هیئت رئیسه و نیز ۸۳ نفر نمایندگان کارگران، دبیران و رؤسای سندیکا-های کارگری تشکیل میشود و طی آن مسائل کارگری مطرح و مورد بحث و تبادل نظر قرار میگیرد و برای رفع این مشکلات، اقدامات لازم با کمک سازمان کارگران ایران و سازمانهای مسؤول دولتی، بعمل می‌آید. خوشبختانه بین اعضاء سازمان کارگران شیراز از یکسو، و اعضاء سازمان کارگران ایران و نیز مقامات وزارتخانه-های کار و امور اجتماعی و رفاه تندرستی چه در شیراز و چه در مرکز، حسن تفاهم کامل، همفکری و همگامی برقرار است. سازمان کارگران شیراز با برخورداری از این وحدت اندیشه که لازمه همه تشکیلات کارگری در عصر رستاخیز شکوهمند ملت ایران است، و با بهره‌وری از مساعدت و حسن نیت مقامات یاد شده، توفیق یافته است که، در طریق تأمین رفاه کارگران و خواسته‌های منطقی و قانونی آنان، گامهای اسلسی دربردارد.

بطور کلی می‌توانم یادآور شوم تا کنون آنچه که شاهنشاه آریامهر اجرای آنرا که متضمن رفاه و بهزیستی کارگران بوده است تأکید فرموده‌اند، و یا در قانون کار پیش بینی شده، بمرحلهٔ اجراء درآمده است. از جمله توانسته‌ایم طرح طبقه‌بندی مشاغل را در کارگاهها پیاده کنیم. کارگران از مزایای قانون سهیم‌شدن در سود کارگاهها برخوردار شده‌اند، قراردادهای دستجمعی با کارفرمایان منعقد نمائیم، شرکت-های تعاونی مصرف و مسکن تأسیس کنیم، گامهائی برای تأمین درمان کارگران و افراد خانواده‌شان برداریم و در کنار آن، کارگران را آموزش دهیم و با زمینه‌های گوناگون امور سندیکائی و تشکیلات کارگری و ویژگیهای انقلاب شاه و ملت و زمینه‌های ملی و میهنی آن آشنا سازیم. روابط بین کارگر و کارفرما را در راه تفاهم و دوستی متقابل بجریان درآوریم و موجباتی فراهم آوریم که کارگران باعلاقه و اشتیاق وظائف سندیکائی خویش را انجام دهند و با دیدهٔ اعتماد به کاردوستان و نمایندگان خویش در سندیکاها بنگرند.

در حال حاضر کارگران شیراز دارای فروشگاه تعاونی مصرف هستند و می‌توانند بسیاری از نیازمندیهای خود را از این فروشگاه تأمین کنند. اولین شرکت تعاونی مسکن نیز [illegible] در شیراز تشکیل شده، [illegible] مورد نیاز [illegible] از شرکت که [illegible] کارگران شهرداری است، قرار گرفته [illegible] شرکت هم اکنون مشغول جمع‌آوری [illegible] و فروش سهام می‌باشد.

*رستاخیز کارگران:

آقای شاپوری، همانطور که رئیس سازمان [illegible] کارگران شیراز هستید [illegible] [illegible] هستید، آیا [illegible] آنها [illegible] خود را در این زمینه [illegible] کنید؟

*شاپوری

در زمینه [illegible]

که کارگران شیراز و بطور کلی استان [illegible] با آن روبرو هستند باید از مسئله مسکن یاد کنم. در حال حاضر تنها ۰۰۰ ۴ واحد آپارتمانی در شیراز احداث و بین کارگران توزیع شده است. در صورتیکه، حداقل بیش از ۵۰۰ هزار نفر از کارگران متقاضی تحویل آپارتمان و خانه‌های سازمانی هستند. البته [illegible] مشکلات کارگران را در این زمینه برای آقای نصر اصفهانی استاندار فارس تشریح کرده‌ایم و ایشان نیز وعده داده‌اند که بمیزان کافی زمین، برای احداث مسکن کارگران در اختیار بگذارند تا آنان با اخذ وام از بانک رفاه کارگران، بتوانند برای احداث مسکن، اقدام کنند. ما امیدواریم با مساعدتی که استاندار فارس خواهند کرد و با توجه به برنامه‌ای که وزارت رفاه در زمینه خانه‌سازی در شیراز دارد، در آینده نزدیکی کارگران شیرازی نیز صاحب خانه شوند.»

*نارسائی های درمانی

رئیس سازمان کارگران شیراز افزود:

کارگران شیراز از امکانات [illegible] در زمینهٔ درمانی در احتیاج [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] نارسائی‌هائی در [illegible] درمانی کارگران در شهر شیراز وجود دارد که باید برای رفع آن و تأمین رفاه بیشتر خانواده کارگران، گامهای سریعی برداشته شود.

از سوی دیگر بیمارستان کارگران شیراز که ساختمان آن از ۴ سال پیش آغاز شده بود، باوجود آنکه ۵۰ درصد کارهای ساختمانی آن هم به پایان رسیده، همچنان ناتمام باقی مانده است و اگر اقدامی برای تکمیل آن نشود، بیم آن میرود که در برابر عوامل جوی، دچار خسارت و ویرانی گردد.

شاپوری در زمینه کمبودهائی که از لحاظ امور رفاهی کارگران احساس میشود افزود:

[illegible] [illegible] شده‌اند و [illegible] بهره هستند. تأسیس این دو مرکز رفاهی، امروز بیش از هر زمان دیگر احساس میشود. کارگران شیراز ضمن آنکه مساعدتها و اقدامات مؤثر وزارت کار و امور اجتماعی که به پیروی از نیات رهبر خردمند ایران در تأمین رفاه آنان [illegible] [illegible] معتقدند که وزارت کار و امور اجتماعی [illegible] به رفع این نیاز نیز توجه خاص مبذول دارد تا کارگران در آینده نزدیک از این امکانات نیز بهره‌مند باشند.

رستاخیز کارگران:

«آگاه هستید که حزب رستاخیز در واقع، حزب فراگیرنده ملت ایران است و یکی از هدفهای حزب شرکت دادن همه طبقات ملت ایران برای اظهار نظر و تصمیم‌گیری در امور مملکتی و شرکت در اجرای برنامه‌ها و طرحهای مختلف است. سازمان کارگران شیراز تاچه حد برای نیل به این هدف کوشیده است؟»

شاپوری:

«میدانید که سازمان کارگران ایران و در نتیجه شعبات آن در مراکز استانها و شهرستانها از ارگانهای مؤمن، قوی و سازنده در تشکیلات حزب رستاخیز ملت ایران است و خوشبختانه ما کارگران در هیئت اجرائی حزب نیز نماینده‌ای داریم، لذا مانند تمامی ملت ایران باعلاقمندی هدف حزب را دنبال میکنیم و با شرکت گسترده خود در فعالیت‌های حزبی، میکوشیم تا هدفهای حزب رستاخیز ملت ایران بخوبی شکل گیرد. ما تا کنون ۲۵ کانون حزبی در شیراز تشکیل داده‌ایم که حدود ۳ هزار نفر از کارگران درآن عضویت دارند. براساس برنامه‌های پیش بینی شده، در آینده نزدیک تعداد کانونهای حزبی ما به ۸۵ کانون بالغ خواهد شد. کارگران در جلسات این کانونها، همانطور که مورد نظر بوده و هست کلیه مسائل اجتماعی و اقتصادی شهری و منطقه ای و نیز مسائل عمرانی را مورد بحث قرار میدهند و نتایج حاصله را به حزب منعکس می‌سازند. منتهی برای آنکه از شرکت کارگران در فعالیت‌های حزبی نتیجه مطلوبتری حاصل شود، باید حزب رستاخیز ملت ایران و نیز سازمان کارگران ایران، مسئله آموزش سیاسی کارگران را مورد نظر قرار دهند و با اعزام کارشناسان و تشکیل کلاس های آموزشی، کارگران را با امور سیاسی و حزبی بیش از پیش آشنا سازند.»

رابطه صریح و قاطع بین اولیاء مدرسه [illegible]
[illegible] مادرها فوق العاده [illegible]

پرورش استعدادهای کودکان

دردوسال آخر دبستان، درجه گسترش رشد وتنوع استعدادها بمراتب بیشتر از موقعی که کودکان جوان‌تر هستند بظهور میرسد. ازطرفی عده کمی از اطفال وجود دارند که لازم است در مدارس ویژه با روش تربیتی خاصی معالجه شوند، و از طرف دیگر پسران و دخترانی یافت می‌شوند که نوابغ و رهبران آینده بوده وبالقوه ازآموزگاران خود باهوشترند.

کودکان بازمانده

پاره‌ای از کودکان در یادگیری آنچه دیگر کودکان انجام میدهند، سخت دچار زحمت می‌شوند و مسأله نگران کننده‌ای برای خانواده و آموزگاران پدید می‌آورند این تنها به این علت نیست که این عده برای رسیدن بمراحلی که همهٔ کودکان آخر-الامر به آن می‌رسند، درمقایسه با کودکان دیگر تا اندازه‌ای کند می‌باشند، بلکه به‌آن علت است که آنها در جریان پیشرفتشان به‌نوعی ضعف ویاناتوانی دچار شدمو یاازلحاظ جسمانی عاجز مانده‌اند و یا بلوغ عمومی آنها دچار وقفه گشته است. در پاره‌ای موارد علت مشکلات اطفال را خواه درخواندن یا نوشتن و یا در سایر فعالیت‌ها، میتوان بوسیله مشاهده یا مطالعه دقیق کشف کرد و موقعیکه راه و چاره‌مداوا پیدا شد، ممکن است، بشرطی که بعداً در کلاس و خانه به طفل کمک داده‌شود، بتوان او را توانا ساخت تا زمینه از دست داده را از نو بسازد و طوری روبه‌پیشرفت گذارد و چشم‌انداز حیات خود را بهبود بخشد که گوئی هرگز مانعی برای تکامل او وجود نداشته است، تجربه نشان داده است که عموماً کودکانی که علت عقب ماندن آنها ناراحتیهای جسمانی باشد، می‌توانند کاملا معالجه گردند، تنها درصورتیکه این نوع عقب ماندگی مورد غفلت قرار گیرد، ممکن است بعدها بصورت جدی وحاد درآید.

پاره‌ای دیگر از اطفال موفق به پیشرفت نمی‌شوند، زیرا علت ناراحتی جسمانی آنها ممتد بوده و برطرف کردن آن میسر نیست و در نتیجه مجبورند به خاطر پیشرفت امر تحصیل خود آن ناراحتی را تحمل کنند، مانند کودکی که قدری نزدیک بین است یا سخت شنواست ولی وضعش طوری ناگوار نیست که تحت نظر یک آموزگار ویژه نتواند پرورش یابد. اطفال دیگری هستند که آنها را عقب مانده می‌نامیم، زیرا محیط و مردمی که در آن محیط زندگی می کنند، خیلی کم سواد بوده و روی ذهن اطفال اثر معکوس بجای‌گذارده‌اند (البته در نظر داشته باشیم که اینگونه کودکان عقب افتاده، با کودکان عقب افتاده ازنظرطبیعی تفاوت دارند) هنوزپاره‌ای دیگر که متأسفانه عده آنها کم هم نیست، یافت می‌شوند که بخاطر استعداد کمی که دارند پیشرفت درسی آنها مختصر است و برانگیختن اینگونه کودکان بکاری که برابر توانائی آنها باشد، زحمت طاقت‌فرسائی را برای پدرومادر و آموزگار یا مربی ایجاب می‌نمایند.

اطفال کودن و دیرآموز هرچند که سخت کار کرده باشند اغلب مورد تمجید و تحسین واقع نمی‌شوند، اما اطفال زودآموز و درخشان حتی اگر زحمت زیادی برای ارائه کار خوب بخود نداده‌باشند، معمولا مورد تحسین واقع می‌شوند، درحالیکه پدرو مادرو آموزگارمی بایست صادقانه و بدون ریا معلومات هر کودک را به نسبت استعداد او و به نسبت زحمتی که برای آن کشیده است، موردتحسین قرار دهند، و طوری رفتار کنند که اطفال دریابند چنین ارزشیابی و تحسین، منصفانه و به حق بوده است. باید به این نکته نیز اشاره کرد که درمورد اطفال بازمانده وجود یک رابطه همدردی و درعین‌حال صریح و قاطع، بین مدرسه و والدین فوق العاده مهم به نظر می‌رسد.

درسالهای اخیر تعداد اطفال بازمانده‌ای که دارای نقایص جسمانی هستند، درکلاسهای عادی مدارس گنجانده میشوند، و این امر بعلت آن نیست که مدارس ویژه برای پذیرفتن این قبیل اطفال جا نداشته‌اند، چراکه ممکن است کودکانی باناقص‌عضو مانند «فلج پااتکی» بتوانند درفعالیت‌های کلاس نقش مؤثری را بازی کنند وگه‌گاهی اتفاق می‌افتد که حتی اطفالی با نقص شدید شنوائی در مدارس عادی پذیرفته می‌شوند. این روش قسمتی از توصیه طرح دقیق آموزش و پرورش جدید است که به موجب آن مدرسه به نسبت گنجایشی که دارد و یاگریبی که نشان خواهد داد، باید ترتیبی فراهم آورد تا اولا هر طفلی به تنهائی و ثانیاً به نسبت توانائی که دارد، از حضور در مدرسه استفاده ببرد. این روش معمولا بطورشایسته‌ای مورد قبول پدران‌و مادران قرار می‌گیرد، اما مشاهدات دقیق آموزگار کلاس و همکاری و تشریک‌مساعی بین مدیرو پزشک‌مدرسه درمورد هرگونه تصمیمی درباره کودکان بازمانده، ضرورت حیاتی داشته و مدرسه را ازخطر اشتباه درباره‌آنها محفوظ‌می‌دارد.

البته از مدارس معمولی نباید انتظار چیزی را داشت که اجرایش برای آنها غیرممکن باشد. یکی ازاثرات نامطلوبی که چندان خوش‌آیند نیست، تأثیری است که کودکان بازمانده ناقص‌عضو، بر روی سایر اطفال کلاس می‌گذارند و مشکل، می‌توان بهمه افراد کلاس فهمانید که‌لازمست نسبت به اینگونه کودکان رفتارمؤدبانه‌ای داشته باشند. طفل ناقص‌عضو ممکن است خود درگروه سروسامانی بیابد، اما اگر بشود دیگر اطفال را وادار کرد که او را به عنوان همبازی بپذیرند، صرفنظر از اینکه او چه کمکهائی لازم دارد و وضع نابهنجار او چه کنجکاویهائی را از جانب دیگران برخواهدانگیخت، طفل بندرت نسبت به وضعی که دارد خود آگاهی خواهد یافت. در غیر این‌صورت، یعنی چنانچه نتوان اوضاع و احوال بالا را فراهم ساخت، احتمالا بهتر است که کودک جای دیگری آموزش ببیند.

بعضی پدرومادرها گرفتارمشکل آموزش وپرورش کودکانی هستند که باکندذهنی که دارند بعید به نظر می‌رسد که هرگز بتوانند به پیشرفت عادی نائل آیند. و پدرومادر تصور می کنند امیدواری در این مورد یک دلخوشی بی‌اساس است، ولی باید توجه داشت که بازهم امیدوار نگاهداشتن آنها شاید مهمترین مسئله باشد. چون حتی یک کودک سالم اگر افسرده و بی‌امید باشد و ازجانب پدرومادر تشویق نشود، چه‌بسا که ازکوشش و تلاش او کاسته گردد ودچار افسردگی شود.

سنباد

نوشته‌ی: فرناد

خلاصه‌ای از آنچه خوانده‌اید

گفتیم که یکی از خونخواهان ابومسلم که بعد از قتل ناجوانمردانه‌ی او مردانه با خلافت و با دشمنان ایران جنگید «سنباد» بود که در تواریخ عرب بنام «سنباد مجوس» معروف است. سنباد یکی از بزرگان و ثروتمندان شهر نیشابور بود و موقعی که ابومسلم از جانب ابراهیم امام برای دعوت مردم خراسان به بیعت آل عباس راهی مرو بود محبت زیادی به او کرد.

در نیشابور محله‌ای بنام «بوی‌آباد» که چهارصد خانواده عرب ساکنان آن بودند. در این محله مکتب‌خانه‌ای بود که پسر کوچک سنباد نیز برای کسب دانش به آنجا می‌رفت. روزی سنباد با یکی از پسران عرب دعوا کرد و سر او را شکست. پسر نزد پدرش شکایت برد و پدر که مردی کینه‌توز و بد دل بود به او سفارش کرد که دشمنی خود را پنهان کند و با پسر سنباد راه دوستی پیش بگیرد تا حدی که کاملا مورد اعتماد او قرار گیرد ... چند روز بعد، وقتی مرد عرب از دوستی پسر سنباد با فرزند خود مطمئن شد از فرزندش خواست که پسر سنباد را با خود به خانه‌شان بیاورد.

پسر سنباد فارغ از هرگونه بدبینی بخانه‌ی مرد عرب رفت، آنگاه مرد عرب پیغام بسنباد فرستاد که پسرت در خانه‌ی من است. اگر او را میخواهی بیا و ببر. سنباد به خانه‌ی مرد عرب رفت و مرد عرب او را به صرف شام دعوت کرد. سر سفره گوشت بریانی بود که مرد عرب سنباد را بخوردن آن دعوت کرد و چون شام صرف شد، از سنباد پرسید: گوشت بریانی که خوردی چگونه بود؟

— بسیار لذیذ!

— برای اینکه گوشت پسر خودت بود که خوردی.

سنباد از شنیدن این خبر بیهوش شد و چون بهوش آمد نزد برادرش رفت و از او خواست که برای گرفتن انتقام پسرش از عرب آدم‌خوار و وحشی بوی کمک کند. برادرش گفت که از دست آنها کاری برنمی‌آید و آنگاه سنباد تصمیم گرفت پیش ابومسلم برود و از او کمک بخواهد. و او و برادرش با این قصد راهی مرو شدند.

در این موقع سیاهپوشان به فرماندهی قحطبه پیروزمندانه بسوی عراق و شام پیش می‌تاختند تا مروان حمار آخرین خلیفه‌ی اموی را از تخت خلافت پایین بکشند و خلافت را به آل عباس منتقل کنند. اما ابومسلم خود در مرو بود و داشت آخرین آثار تسلط اعراب را از خطه‌ی خراسان پاک می‌کرد و دورادور سرداران خود را برای پیروزی بیشتر رهبری می‌نمود.

آنروز ابومسلم دربارگاهی که به سبک شاهان ساسانی برای خود ترتیب داده بود مشغول گفت‌وشنود با چند تن از یارانش بود که به او اطلاع دادند:

— مردی از نیشابور بنام سنباد بر در است و اجازه‌ی دیدار می‌خواهد.

ابومسلم با خوشحالی از جا برخاست و گفت:

— سنباد! یک ایرانی پاکزاد و یک دوست بی‌یار... او را پیش من بیاورید.

و خود تا دم در به پیشباز سنباد رفت.

سنباد و برادرش وارد شدند و در برابر او سر فرود آوردند. سنباد سخت پریشان بود و اشک بی‌اختیار از چشمانش فرو می‌ریخت. ابومسلم از دیدن او به این حال فریاد شادی را که میخواست سر بدهد فروخورد و با کمی تشویش پرسید:

— چی شده دوست من! مباد که دوستمان در دیدار ما چنین پریشانخاطر باشد...

سنباد با شرمندگی گفت:

— مرا ببخش سرور من که از شدت غم و اندوه نمی‌توانم شادی درونم را از دیدار مجدد شما بروز دهم... بدبختی بزرگی برمن روی نموده است!

و برادرش افزود:

— در واقع ستمی ناروا و وحشیانه برادرم را از پا درآورده‌است... شما باید بما کمک کنید.

ابومسلم سنباد و برادرش را دعوت به نشستن کرد و گفت:

— سعی کنید آرام باشید و همه چیز را برایم بازگو کنید. چه کسی بر شما ستم روا داشته است؟

سنباد با لحنی سرشار از نفرت و خشم گفت:

— عربهای وحشی سردار! این عرب‌های موشخوار که کارشان از سوسمارخواری به آدم‌خواری رسیده است... آنها پسر کوچک و یکدانه‌مرا نامردانه کشتند و...

بغض گلوی سنباد را فشرد و دیگر نتوانست بسخن ادامه بدهد. برادرش که آرامتر از او بود، دنباله سخن را گرفت و ماجرا را آنگونه که اتفاق افتاده بود برای ابومسلم تعریف کرد. ابومسلم که از شنیدن این داستان دردناک لحظه به لحظه بیشتر خشم می‌گرفت، گفت:

— انتقام خونینی از این عربها خواهیم گرفت... اگر این «بوی آباد» را «گندآباد» نکنم ابومسلم نباشم (*)... من دوهزار تن از بهترین سواران جنگی خود را در اختیار شما می‌گذارم که به نیشابور برگردید و به انتقام خون پسرتان هرچهارصد مرد عرب را بکشید و لاشه‌شان را توی محله رها کنید تا بمانند و بگندند و بوی گندشان محله را بگیرد... شما امروز را مهمان من باشید و استراحت کنید و فردا صبح با سوارانتان راهی شوید...

— سپاسگزارم سردار...

صبح روز بعد، وقتی سنباد و برادرش برای تشکر و بدرود گفتن نزد ابومسلم آمدند، ابومسلم گفت:

— با رحم و دلسوزی همانقدر بیگانه باشید که این عرب‌های وحشی با انسانیت هستند... دلم میخواهد حتی یکنفرشان را زنده نگذارید...

سنباد با کینه‌ای عمیق گفت:

— مطمئن باشید سردار! من اگر دستم برسد حتی یکنفر از این ستمکاران را در سراسر گیتی زنده نخواهم گذاشت!

* * *

سنباد و دو هزار سیاهپوش انتقامجو سحرگاهان وارد شهر نیشابور شدند و یکراست به محله‌ی «بوی آباد» تاختند. سنباد سپاه خود را برابر خانه‌ی قاتل پسرش برد و خطاب به آنها گفت:

— حمله را از همین خانه شروع می‌کنیم اما این شیخ حرامزاده و سه پسرش را زنده می‌خواهم.

سیاهپوشان هلهله کنان حمله کردند، در خانه را شکستند و به درون ریختند.

شیخ و پسرانش که سرآسیمه از خواب پریده بودند خواب‌آلود از اتاقها بیرون آمدند اما سیاهپوشان امان ندادند و هرچهارنفر را گرفتند و دستهایشان را پشت‌سرشان بستند و نزد سنباد آوردند.

سنباد که بیرون خانه بر پشت اسب نشسته بود وقتی چشمش به شیخ افتاد با لحنی پر از کینه و خشم و تمسخر گفت:

— یا شیخ! هم اکنون خواهی دید گوشت تن فرزند چقدر خوشمزه است!

شیخ خود را روی زمین انداخت و به عجز و التماس پرداخت اما سنباد گفت:

— همه‌ی اینها بیفایده است... تو تقاص پس خواهی داد، تقاصی بس هولناک و عبرت‌آموز!

و آنگاه رو به برادرش کرد و گفت:

— تو فرماندهی سیاهپوشان را بعهده بگیر و کار این محله را یکسره کن... من هم وقتی کارم با این شیخ تمام شد به شما می‌پیوندم...

سیاهپوشان از این سر تا آنسر محله «بوی آباد» می‌تاختند، خانه‌ها را درهم می‌شکستند، مردان عرب را از خانه‌ها بیرون می‌کشیدند و لاشه‌شان را وسط کوچه‌ها می‌انداختند و می‌گذشتند.

سنباد در این موقع به کار دیگری مشغول بود. او کسی را به خانه‌ی خود فرستاد تا خدمتگزارانش را به آنجا بیاورد و دستور داد دیگ بسیار بزرگی آوردند، هیزم فراوانی در وسط حیاط شیخ عرب جمع کردند و آتش زدند.

دیگ را پر از آب کردند و روی آتش گذاشتند و آنگاه شیخ و سه‌پسرش را با دست‌های بسته داخل دیگ انداختند و آتش زیر آنرا لحظه بلحظه تیزتر کردند...

شیخ و پسرانش گریه و التماس می‌کردند و هرچه آب داغتر می‌شد داد و فریاد و عجز و لابه آنها بیشتر می‌شد، اما سنباد اعتنایی به این فریادها نداشت و خطاب به شیخ می‌گفت:

— حالا مزه پخته‌شدن را میفهمی؟

— مروت داشته باش! لااقل ما را بکش و بعد بپز! بخدا سوگند که ما پسر ترا کشتیم و بعد پختیم!

— اما من تو و پسرانت را زنده زنده می‌پزم!

* * *

هنوز آفتاب به وسط آسمان نرسیده بود که هر چهارصد مرد عرب، ساکنین محله بوی‌آباد، بدست سیاهپوشان کشته شده‌بودند و اجسادشان وسط کوچه‌ها افتاده بود. آنگاه سنباد سیاهپوشان را به خانه‌ی خود که در باغی پر از گل و درخت قرار داشت برد و خطاب به آنها گفت:

— خواهش می‌کنم اینجا را خانه‌ی خود بدانید و کاملا راحت باشید. تا شما آبی به سر و صورت خود بزنید و کمی استراحت کنید ناهار نیز آماده خواهد شد.

لحظه‌ای بعد سفره‌ی بزرگی در وسط باغ انداختند و انواع غذاها و خوراکیها و آشامیدنی‌ها را روی آن چیدند و آنگاه سنباد مهمانانش را سر سفره خواند و گفت:

— می‌بخشید اگر بهتر از این نتوانستم از شما پذیرایی کنم. بفرمایید و نوش‌جان کنید.

یکی از سیاهپوشان در حالیکه گوشت و مرغهای بریان را نگاه می‌کرد خنده کنان گفت:

— امیدوارم گوشت شیخ عرب و پسرانش را بخورد ما ندهید!

سنباد خندید و گفت:

— نه دوستان، ما ایرانیها گوشت مردار نمی‌خوریم...

و پس از مکث کوتاهی افزود:

— و یک خواهش از همه‌ی دوستان: بیایید از آنچه صبح تا حالا گذشت دیگر حرفی نزنیم و فقط بفکر آینده باشیم... آینده‌ی بزرگی که درپیش داریم...

— چنین کنیم... چنین کنیم...

و افراد خسته و گرسنه به صرف غذا پرداختند

* * *

بعد از آنکه ناهار تمام شد سیاهپوشان بلند شدند تا دوباره زین بر پشت اسبها بگذارند و آماده حرکت به سوی مرو شوند اما سنباد مانع شد و گفت:

سرداران استقلال ایران

— نه دوستان... شما هم خودتان و اسبهایتان بسیار خسته‌اید وبا این حال نمی‌توانید به راه بیفتید... شما تمام امروز وامشب را میهمان من خواهید بود در همین جا به استراحت خواهید پرداخت وسحرگاه فردا همگی با هم نزد سرور بزرگان ابومسلم برخواهیم گشت.

یکی از سیاهپوشان با خوشحالی گفت:

— یعنی شما هم همراه ما می‌آیید؟

سنباد گفت:

— البته! من امروز پیمانی باشما سیاهپوشان وطنپرست بستم که ناگسستنی است ومن تاجان در تن دارم همراه شما وبخاطر هدف‌های ارزشمند شما زیر لوای ابومسلم خواهم جنگید.

وآنگاه رو به برادرش کرد وپرسید:

— توچه میکنی برادر؟

— منهم خیلی دلم میخواهد همراه شما بیایم اما تو میدانی که من خانواده‌ی بزرگی دارم با چند بچه‌ی خردسال که جزمن سرپرستی ندارند ونمیتوانم آنها را تنها بگذارم...

—حق با توست برادر... تو همین‌جا بمان واز خانه وخانواده من نیز سرپرستی کن... به این ترتیب من نیز خیالم آسوده خواهد بود.

* * *

ولتی سیاهپوشان به مرو برگشتند، ابومسلم از اینکه آنها با پیروزی مأموریت خود را به انجام رسانده‌اند اظهار خوشوقتی کرد وچون سنباد را نیز همراه آنان دید بامهر ومحبتی برادرانه دست او را فشرد وگفت:

— از دیدار مجدد شما بسیار خوشحالم میدانم که زخم مرگ فرزند آنهم باچنان وضع دردناك چیزی نیست کــه حتی بــاچنین انتقامجویی التیام پذیرد اما فراموش نکنید که ما همگی در یک میدان بزرگ جنگ ومبارزه بادشمنی خونخوار بسر می‌بریم وباید تحمل هرگونه ناملایمی را داشته باشیم ونگذاریم درد وغم واندوه ارادهٔ مردانه‌ی ما را به‌ضعف وسستی بکشاند...

سنباد بالحنی مصمم گفت:

— مطمئن باشید که این فاجعه واندوه ناشی از آن نه تنها مردانگی وارادهٔ مرا ضعیف نکرده بلکه مرا از خواب غفلت بزرگی بیدار ساخته است.

—چگونه؟!

— من مردی دارا وثروتمندی بودم و زندگی مرفهی در شهر خود داشتم وباآنکه هنوز به‌دین وسنتهای اصیل ایرانی پای‌بند بودم اما تسلط دشمن را به‌سادگی پذیرفته بودم وبا رضامندی داشتم بااین عربهای وحشی حتی معاشرت ومعامله می‌کردم. وقتی این فاجعه رخ داد تازه متوجه شدم که من درچه خواب غفلتی بودم وچگونه از وظیفه‌ای که بعنوان یک ایرانی وطنپرست وآزاده بعهده داشتم غافل مانده بودم واز شما چه پنهان بسختی خود را ملامت کردم... اینک آمده‌ام تا بجبران این غفلت ونادانی هرچه دارم به‌پای شما سردار مبارزه میهن بریزم وخودم نیز تا پای جان همگام وهمراه شما برای آزادی وطن عزیزم بجنگم...آیا مرا در صفوف سیاهپوشان می‌پذیرید؟

ابومسلم او را به‌آغوش کشید وگفت:

— البته که می‌پذیرم برادر! این صفوف متعلق به‌همــــگـــه‌ی ایرانیان آزاده و میهنپرست است وما هردستی را که صمیمانه بسوی ما دراز شود باتمام قلب وروحمان می‌فشاریم...

سنباد از همانروز لباس سیاه پوشید، دستار سیاه بست وشمشیر به کمر آویخت ودر صف مقدم سیاهپوشان به مبارزه پرداخت.

او مردی نیرومند، فهمیده وبسیار ایران دوست بود وچون صمیمیت بیشتری باابومسلم پیدا کرد به‌تشویق او پرداخت تا مگر دست ازحمایت آل عباس بردارد ونهضت سیاهپوشان را به‌نهضتی کاملا ایرانی در جهت آزادی ایران اززیر یوغ خلفای عرب تبدیل کند.

سنباد به‌ابومسلم می‌گفت:

— میدانی سردار که خلیفه‌ی عباسی تــاروزی کـــه بـــه‌تو نیاز دارد دم ازدوستی خواهدزد وبمحض اینکه احساس کند بدون‌توهم میتواند حکومت کند. به‌اولین بهانه ترا از میان برخواهدداشت. او اعتمادی به‌تو ندارد وتوهم به‌او اعتماد نداری، پس چرا راه‌خود را از اوجدا نمی کنی؟

ابومسلم می‌گفت:

—آنچه تومی‌گویی کاملا درست‌است اما از یک مسأله نباید غفلت کرد و آن نفوذ دین عربها درمردم کشورماست... بمحض اینکه ماازخلیفه‌ی عباسی روی برگردانیم آنها بمابرچسب کفر وزندیق خواهندزد و آنوقت مردم متدین کشورمان نیز ازماروگردان خواهندشد وحتی‌ممکن‌است بیش‌از نیمی از سیاهپوشان مارا در این مبارزه تنها بگذارند.. هدف اصلی من باتو یکی‌است منتها در اقدام باید‌محتاط بود وتاآنجاکه بنفع این مملکت ونهضت ماست همراه خلیفه پیش‌رفت و در ضمن نرم‌نرم وبا احتیاط ذهن مردم کشور را برای یک‌قیام‌صددرصد ملی وایرانی آماده کرد.

—اما پیش‌از آنکه به‌این مرحله برسی، این خلیفه‌ی بددل وکورباطن عباســی با نمک‌نشناسی تراخواهد کشت.

—برای نهضتی چنین‌بزرگ وگسترده مرگ من چه اهمیتی دارد. شماها، یاران‌وفادار وفداکارمن‌هستید وراه مراادامه خواهید داد وبه‌هدف بزرگتمان خواهید رسید...

—اما وجود تو برای این نهضت بسیار ارزشمند است ونباید آنرا چنین ارزان از دست بدهیم...

این بحث میان ابومسلم وسنباد غالباً پیش‌می‌آمد وروزی هم که ابومسلم به‌ناچار قبول کرد نزد ابوجعفر منصور خلیفه‌ی‌عباسی برود، سنباد بااین کار مخالف بود و ابومسلم را از دیدار شوم منصور برحذر می‌داشت.

بنابراین خبر قتل ابومسلم به‌دست منصور برای او بهیچوجه غیرمنتظره نبود. و او را دچار بهت وحیرت نکرد بلکه به‌اقدامی فوری برانگیخت بطوریکه همانروز گروه کثیری از سیاهپوشان وطنپرست را همراه خودبرداشت و بسوی ری راهی شددر حالیکه باقلبی آکنده ازخشم‌وکینه‌سوگندمیخورد:

—سوگند میخورم که به‌انتقام خــون ابومسلم تمام دشمنان او را بکشم.سوگند میخورم!

ادامه‌دارد

ازشبکه های آبرسانی بقیه ازصفحه

بهیچ عنوان رضایتبخش نبود. درآنزمان کارگران وسایل تفریحی و آسایشی سالن ناهار خوری، حمام و بهداشت نداشتند — درگذشته برای این که بموقع سر کار باشند، بخاطر نداشتن سرویس ایاب و ذهاب و کمبود اتوبوس های شهری، ناگزیر بودند ساعت ۴ بعد از نیمه شب از منزل خارج شوند تا ساعت شش صبح درمحل کار خود حضور یابند و پس از اتمام کار هم بعلت مشکلات محل کار را ترک میکردند. وقت [illegible] کارگران گرفته میشد تا به خانواده خود ملحق شوند.

درواقع کارگران درآنزمان در روز یازده ساعت وقت خود را بخاطر هشت ساعت کار صرف میکردند ... [illegible] که روز بروز براثر [illegible] پیشرفت و [illegible] در کشور [illegible] کارگران [illegible] و دیگر [illegible] گردید. پس از [illegible] ۱۳۳ کارگران [illegible] که تعداد [illegible] بیش از یکصد نفر بود، فاقد کلیه تشکیلات سندیکائی بودند تا این که درسال ۱۳۳۱ با هزاران مشکلات وقتی کارگران سازمان آب می خواستند سندیکائی برای خود، در محل سندیکای سابق خبازان درمیدان شاه تشکیل دهند که پس ازچندجلسه باشدت عمل قوای انتظامی حکومت وقت روبرو شدند و تشکیلاتشان درهم کوبیده شد وحتی چند نفر از کارگران را اخراج کردند، درواقع درآنزمان هیچگونه تامین نداشتند تا این که رفته رفته با مشارکت و راهنمائی های وزارت کار و امور اجتماعی وضع کارگران از صورت گذشته خارج شد.

در گذشته کارگران سازمان آب منطقه ای تهران که جزئی ازنقش عظیم کارگران ایران بودند، آینده روشنی برای خود وخانواده شان نداشتند. قانون بیمه های اجتماعی ناقص و کارگران در تشویش دائمی بسر می بردند و کارفرما ازاخراج کارگرانی ابائی نداشت تا اینکه پس ازانقلاب شاه و ملت دولت پشت سر سندیکا ها ایستاد و وزارت کار و امور اجتماعی تشکیلات را ارشاد و از هرجهت بنفع طبقه کارگر اقدام نمود. کارگران در سود کارخانجات تولیدی و صنعتی شریک شدند و طرح طبقه بندی مشاغل درسراسر قسمتهای سازمان آب پیاده گردید.

چنانچه دربالا اشاره رفت کارگران سازمان آب منطقه ای تهران ازمزایای قانونی و رفاهی برخوردار نبودند، اما هم اکنون کارگران این سازمان دارای سندیکا — شرکت تعاونی اعتبار — شرکت تعاونی مسکن و همچنین شرکت تعاونی مصرف هستند و دارای سرویس کامل ایاب و ذهاب می باشند.

درقسمت انبارلوازم — تصفیه خانه ها — اداره مرکزی و واحد های تابعه برای کارگران جهت صرف غذا سالن ناهارخوری مجهزی درست شده و کارگران می توانند با پرداخت مبلغی ناچیز غذا صرف کنند.

لازم به یادآوری است که درگذشته کارگران غیر ازمعدودی که خانه داشتند و یا اجاره نشین بودند آنهم در محلهای بسیار دور از مرکز و غیر بهداشتی اکثرا درمسافرخانه ها — قهوه خانه ها و یا درچادر های کارگاه ها زندگی میکردند، درحالی که امروز کارگران دارای ۹۵ دستگاه منزل مسکونی ویلائی و ۱۲۰ دستگاه منازل مسکونی بصورت آپارتمان در کوی دوست آباد و همچنین ۷۴ دستگاه ساختمان ویلائی [illegible] شاهی و موسی آباد دارند. [illegible] علاوه بر منازل مسکونی کارگران در تصفیه خانه سوم و لوی کن که کارگران در آنجا سکونت دارند، تهیه گردیده و تعداد زیادی از کارگران نیز ازطریق بانک رفاه کارگران با مشارکت شرکت تعاونی مسکن کارگران صاحب مسکن شده اند.

در حال حاضر کارگران از تمام مسائل اجتماعی که عبارتند از مبارزه با بیسوادی و آموزشهای حرفه ای ازطریق وزارت کار و امور اجتماعی برخوردار می باشند.

درواقع کارگران سازمان آب منطقه ای تهران گذشته های سخت را فراموش کرده اند و در سال ۲۵۳۵ شاهنشاهی درشرایطی بسیار متناسب با پیشرفت های کلی مملکت بسرمی برند، و [illegible] در [illegible].

کارگران سازمان آب [illegible] و مشکلات خود را [illegible] و مسؤلان [illegible] و [illegible] در میان گذارند.

[illegible] و وسائل ایمنی جهت [illegible] کارگران [illegible] گردیده بود، [illegible] کارفرمایان ازدادن آنها خودداری میورزیدند، درحالی که امروز کارگران سازمان آب هرششماه یکبار لباس کار مرتب دریافت می کنند. درزمستان کارگرانی که درهوای باز کار میکنند، ازبارانی و وسائل ایمنی استفاده می نمایند. خوشبختانه درسازمان آب کمیته حفاظت زیرنظرمهندسین وارد و پزشک معتمد سازمان و اعضای هیئت مدیره سندیکا و مددکار اجتماعی جهت هرگونه پیشگیری حوادث تشکیل میگردد. و بهمین علت از خیلی حوادث که درگذشته منجر بفوت حادثه دیده میشد کاسته شده است. امروز کارگران سازمان آب از کمکهای اولیه استفاده می نمایند، در صورتیکه درگذشته بهیچ عنوان ازاین وسائل در سازمان خبری نبود. کارگران سازمان آب مانند دیگر کارگران کشور اینهمه رفاه و پیشرفتی را که حاصل شده، مرهون رهبری های خردمندانه شاهنشاه آریامهر و کوشش مسؤلان سازمان در انجام نیات اوامر معظم له می دانند. از نظر تفریحات سالم سازمان آب دارای کارگرانی ورزشکار است که درتمام مسابقات کشتی کارگری مقام اول را حائز گردیده اند و هم اکنون چند نفر از کارگران سازمان ملی پوش کشتی هستند که به لحاظ فراهم بودن وسائل ورزشی که درسازمان آب بوجود آمده است، با توجه به اینکه اولیای سازمان آب همیشه در فکر رفاه کارگران بوده و هستند، جهت کارگران نوبت کار که درگذشته ازساعت . ، شب از وسائل شخصی خود از قبیل دوچرخه و غیره استفاده میکردند، اکنون ازوسائل ماشینی از قبیل لندرور و مینی بوسهای مجهز استفاده می کنند. سازمان آب جهت کارگران تمام وسایل حفاظتی و بهداشتی رافراهم نموده و سرویس ایاب و ذهاب مرتب جهت آنان دارد.

شرح جزء، جزء پیشرفتها و اقدامات سازمان آب منطقه ای تهران دراین مختصر میسر و مقدور نیست. ازاینرو سخن را کوتاه می نمائیم ولی خاطرنشان می سازیم که سیر تحول وتکامل سازمان آب بهمین جا پایان نمی پذیرد و این سازمان از آغاز کار، پیوسته در راه پیشرفت و گسترش گام برداشته و اینک سر درشاهراه ترقی و پیشرفت سیر میکند و همگام با دگرگونیها و سازندگیهائی که در کلیه امور بمنظور سعادت و موفقیت ملت ایران بعمل آمده تغییرات و تحولات مهم و چشمگیری در این سازمان بوجود آمده و امید میرود که درآینده نزدیک بتواند مثمر ثمرات افزونتر و بازده خدمات بس گرانبهاتر گردد و مسئولیت خود را آنچنان که شاید و باید بمورد اجرا گذاشته و به انتظاری که از این سازمان میرود، جامه تحقق بپوشد.

آگهی تشکیل سندیکا

به موجب مواد ۲۵ و ۲۶ قانون کار با توجه به مدارک تسلیمی بمنظور حفظ منافع حرفه ای و بهبود وضع اقتصادی و اجتماعی تولید کنندگان مواد آشامیدنی ایران، سندیکائی به نام سندیکای تولید کنندگان مواد آشامیدنی ایران که اقامتگاه قانونی آن تهران خیابان آیزنهاور پلاک ۸ و حوزه فعالیت آن ایران میباشد تشکیل گردید و اسامی و سمت هر یک از آقایان اعضای اصلی وعلی البدل هیات مدیره و بازرسان سندیکای مذکور که برای مدت سه سال لغایت دوم آذرماه دوهزارو پانصدو سی و هفت انتخاب شده اند بشرح زیرمیباشد.

۱— دبیر مهرداد صمدی
۲— رئیس رضا محمودی نایب رئیس — عزیز کلیمی سیمان توب
۳— خزانه دار صبوح اصلانیان آوانسیانس
۴— اعضای هیأت مدیره اوهانس هفتوانی کازاریان — نجات کلیمی سیمان توب — دانیل دانیل ساها کیان
۵— اعضای علی البدل هیأت مدیره رافی کلسپار مراد یانس — یعقوب ژاک حکیم زاده — اسحق شمسی
۶— بازرسان سلیم نیکه صفت — احمد کاوه — هوشمند دلخواه

ضمناً مطابق بند ج ماده ۱۶ اساسنامه اسناد مالی با امضای دبیر و خزانه دار سندیکا معتبر خواهد بود.

۴۱۳۷ / م الف

مدیر کل سازمانهای کارگری و کارفرمائی — بگرزامیان

وجدان بیدار و دست یافتن..

بقیه ازصفحه ۵۹

براساس احساس آنی وبدون مراجعه بعقل صورت میگیرد. مثلا فردی عصبانی میشود و درمعرض زد وخورد قرار میگیرد وبدون اینکه مجال فکر کردن ویا مراجعه بعقل داشته باشد خم میشود و سنگی را از روی زمین برمیدارد و بطرف میزند. حال این سنگ چه کاری انجام دهد، بستگی بشانس طرف دارد ممکن است اصلا بطرف دعوا نخورد ویا امکان دارد بشقیقه او اصابت کرده وجا بجا او را بکشد و در نتیجه یک آن فکر نکردن وبه عقل مراجعه نکردن کاری در شدت وکمال عصبانیت براساس احساس انجام گیرد که شخص را یک عمر گرفتار نماید. معمولا اشخاصی که بقول معروف زود از کوره در میروند وعصبانی ویا متأثر میشوند هردو احساساتی هستند و تابع احساس، یعنی احساس آنها برعقلشان برتری دارد وبهمین دلیل پیش ازآنکه درباره کاری که میخواهند انجام دهند ویا حرفیکه میخواهند بزنند، به عقل خود مراجعه نمایند و بدو خوب آنرا بسنجند بلافاصله آن کار را انجام میدهند ویا آن حرف را میزنند. معمولا نتیجه این نوع عمل همیشه پشیمانی است.

خدمات توانبخشی کارگران

بقیه ازصفحه ۴۳

مزد یا حقوق روزانه بیمه شده قابل پرداخت می‌باشد. بنابراین ملاحظه میشود که ازاین دیدگاه نیز قانون جدید تاچه درجه بمزایای بیمه شدگان افزوده است.

۴— مدت خدمت وظیفه بیمه شده جزو سابقه پرداخت حق بیمه محسوب میشود واز کلیه مزایای تامین اجتماعی استفاده میکند.

در زمان اجرای قانون سابق اگر بیمه شده ای بخدمت وظیفه (خدمت سربازی) می‌رفت جریان بیمه او متوقف میشد و درنتیجه خود او و احیاناً خانواده تحت تکفل از حمایتهای بیمه های اجتماعی محروم میشدند درحالیکه در قانون جدید تامین اجتماعی (مواد ۹۴ و ۹۵) اولا درایام خدمت سربازی بیمه شده افراد تحت تکفل او ازمزایای قانون تامین اجتماعی عیناً مانند زمان اشتغال او برخوردار خواهند بود و ثانیاً مدت خدمت وظیفه بیمه شده پس از پایان خدمت و اشتغال مجدد در مؤسسات مشمول قانون تامین اجتماعی جزو سابقه پرداخت حق بیمه او منظور میشود بدون اینکه ازبابت این مدت حق بیمه ای بپردازد.

«ادامه دارد»

کارگران ساختمانی بقیه درصفحه ۱۷

ویژگی های زندگی سنتی ایران با سکونت در آپارتمان خونگرفته اند.

ابراهیم فنائی، کارمند، دراینمورد میگوید مردم ایران همواره به داشتن حیاط، باغچه و فضای باز عادت کرده اند. هرچند اکنون بعلت کمبود مسکن، آپارتمان نشینی حالتی اجباری پیدا کرده است، اما حقیقت اینست که طبع ایرانی بااین نحوه زندگی سازگاری ندارد.

ابراهیم فنائی می افزاید: از سوی دیگر آپارتمان سازی دارای ویژگیهائی است که معماران ایرانی ازآن آگاهی ندارند. درواقع آن ها معیارهای معماری سنتی ایران را در نحوه آپارتمان سازی بکار میگیرند، درحالیکه این اشتباه محض است. آپارتمان دارای تکنیک های ساختمانی کاملا مجزائی می باشد که بهیچوجه با معماری سنتی وجه اشتراکی ندارد. موضوع مهم دیگر کمبود وسائل استحفاظی در آپارتمان های ایرانیست. یک مجموعه آپارتمان باید به وسائلی مانند نردبان حریق و دیگر وسائل ایمنی مجهز باشد درحالیکه ۹۰ درصد آپارتمان های ما فاقد این گونه وسائل است. شاید این کمبود هم علتی جز همان سودجوئی بعضی «بساز و بفروش ها» نداشته باشد.

بساز و بفروشها

بساز وبفروش ها در چند سال اخیر فعالیت چشمگیری داشته اند. برپایه آمار بانک مرکزی ایران درسال گذشته نزدیک به دویست هزار واحد مسکونی در سطح کشور و مناطق شهری دردست ساختمان بوده که ازاین تعداد ۶۰ هزار واحد در تهران قرار داشته است.

بی تردید تعدادی از این ساختمان ها بوسیله «بساز و بفروش ها» ایجاد می شود، اما کار این گروه همواره مورد تردید مردم بوده است. درسال گذشته تنها در تهران ۶۰ نفر جان خود را بعلت ریزش ساختمان های «بساز و بفروش» از دست دادند.

رعایت نکردن نقشه های صحیح ساختمانی، صرفه جوئی در وقت و مهمتر از همه صرفه جوئی زیاده از اندازه در مصالح ساختمانی و استفاده ازوسائل و مصالح نامرغوب ازعلل اصلی ریزش اینگونه ساختمانهاست.

کمبود کارگر

کمبود کارگران ماهر و کارآزموده هم از دشواری های دیگر موجود در امر کارهای ساختمانی می باشد.

بقیه درصفحه ۸۴

در جشن باشکوه کارخانه پارکت و کرکره سازی میشلر (ساختمانهای کشوری) نماینده کارگران اظهار داشت:

سربلندی و عظمت ایران باستان در عصر پرشکوه سلطنت پهلوی به اوج افتخار رسیده است

صحنه های پرشکوه ومسرت آمیز آئین ملی بزرگداشت پنجاه سال شاهنشاهی درکارخانه پارکت و کرکره سازی میشلر ساختمانهای کشوری

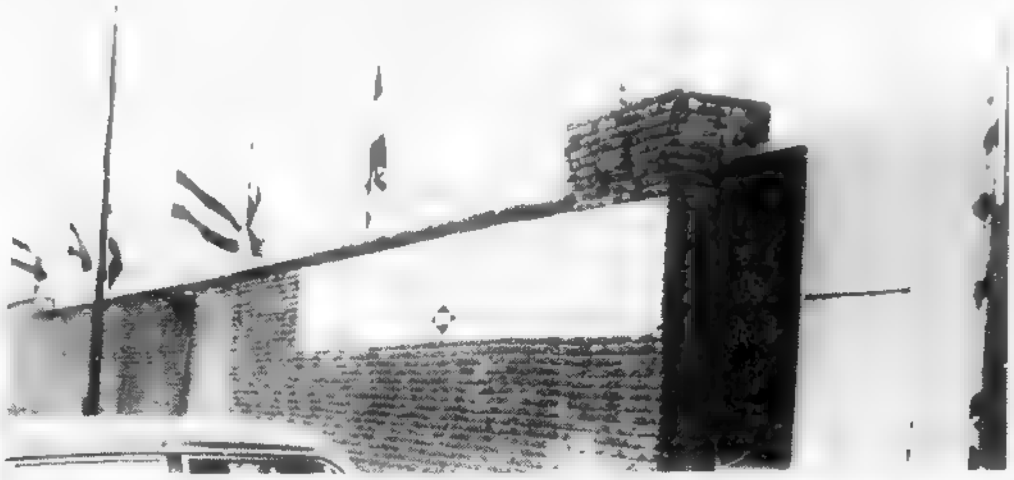

از سوی کارکنان و کارگران کارخانه پارکت B.W و کرکره سازی میشلر ساختمانهای کشوری، مجلس جشن باشکوهی بمناسبت بزرگداشت پنجاهمین سال شاهنشاهی [illegible] پهلوی در محل این کارخانه [illegible] برپا گردید که در آن گروه کثیری [illegible] مدیران و اعضاء هیئت مدیره سازمان [illegible] تهران حضور داشتند.

این مراسم باشکوه با نواختن سرود شاهنشاهی آغاز شد. سپس آقای مهندس [illegible] قرار گرفت [illegible]

[illegible] نماینده کارگران کارخانه پارکت B.W و کرکره سازی [illegible] ساختمانهای کشوری [illegible] سخنان خود [illegible] کرد:

[illegible]

خداوند متعال را سپاس میگوئیم [illegible] قرن پیش در [illegible] خود و برای نجات ایران عزیز از ورطه نابودی سردار [illegible] اعلیحضرت رضاشاه کبیر را مأمور فرمود تا پایه و اساس سلطنتی را بنیاد کنند که امروزه نه تنها ملت ایران بلکه ساکنان جهان از این همه [illegible] و آزادی برخوردار هستند وسربلندی و عظمت ایران باستان که [illegible] سال پیش [illegible] کوروش بزرگ بنیان گذاری شد در [illegible] سلطنت پهلوی به اوج افتخار خود [illegible]

[illegible] خواهم [illegible]

[illegible]

[illegible] ملت ایران گشته و همه شما آگاهی کامل از آن دارید. و با چشم خود می بینید و بر این حقیقت همرأی هستید که امروزه نه تنها ما ایرانیان بلکه جهانیان بوجود پرارزش شاهنشاه آریامهر افتخار می کنند و برای حل بزرگترین مسائل جهانی از شاهنشاه بیدار دل ما راهنمائی و کمک می گیرند زیرا دست پرورده رضاشاه کبیر هستند و بقول سعدی.

خدای عزوجل را بوسه محسود است
وزآن پدر که تو فرزند پرهنرزادی

درود وسپاس به شاهنشاهان پهلوی

درود وسپاس [illegible] سردار بزرگ ایران اعلیحضرت [illegible]

درود وسپاس [illegible]

درود وسپاس [illegible] ایران

درود وسپاس به شهبانوی مهربان که [illegible] مهربانی خود به کشور و [illegible] داشته اند.

روزی که اکبرآقا «جهانگرد» شد

محمدعلی عرفی نژاد

اکبرآقا توی این آب وخاك بدنیا آمده و رشد کرده، سفرهایش داخلی بوده و همیشه آرزوی دیدن کشورهای دیگر را بسر داشته تا عاقبت درمقابل آگهی های پشت سرهم روزنامه ها درباره مسافرت های ارزان قیمت تسلیم شد وتصمیم گرفت به سفر خارج برود و استخوانی سبک کند و اینست سفرنامه اکبرآقا.....

همه فامیل جمع شده بودند، وسط اتاق دوتا چمدان، یکی قهوه‌ای و یکی سیاه قنداق پیچ شده بود. اکبرآقا کمرش کفری بدیوار تکیه داده، به بقیه نگاه میکرد. مادر اکبرآقا حالت عزادار داشت وخواهرها بغض گلویشان راقورت میدادند که یکدفعه همه ازجا پریدند، مادراکبرآقا ناگهان فریاد زد:

— ننه، اکبر..... تو مملکت غریب میخوای چیکار کنی؟

وزد زیر گریه، اکبرآقا اشك توی چشم‌هایش جمع شد، مادر رابغل کرد وگفت:

— مادر، آخه اینکارها از تو بعیده، مگه میخوام سالیون سال برم سفر؟ بابا اینهمه آدم دارن بادلیاره میرن اونور دنیا و برمی گردن، آبم از آب تکون نمیخوره. چرا عزا گرفتی؟

مادر اکبرآقا درحالیکه با لحنی غمگین سرش را تکان تکان میداد، ادامه داد:

— توجه میدونی چی بدل منه، پسرمومثل دسته گل بزرگ کردم، باش خون دل خوردم، بدبختی کشیدم. حالا خارجی ها دارن از دستم درمیارنش. این رسمه؟ مروته؟ میخوای دلم نسوزه، مگه واسه دندون دردتو باتو درد نکشیدم. باتو گریه کردم، واسه خوشحالیت خوشحال شدم. چطوری تحمل کنم میخوای از پیشم بری، اونم بابه اهن قراضه بری روی هوا مگه تو کفتری..... مگه کلاغی؟..... رحمه هم خوب جریه.

همه ناراحت بودند. اکبرآقا خنده گفت:

— والله سفرها رفاقه [illegible] حالا نه خدا خواسته [illegible] زندگی نکرده‌ام، ببینم آدمای خارجی چه جوری زندگی میکنن. ببینم تو کارخونه ها کارها چطوری پیش میره. بااین کارها تون میخواین جلوی خوشبختی منو بگیرین.... بعد به ساعت نگاه کرد، ۳ بامداد بود و باید چهارصبح درفرودگاه باشد، ومادرش که نگاه اورا به ساعت دید، زد زیرگریه:

— من ساعت شماطه‌دارتو بودم، اذون صبح میگفتم ننه بلند شو نمازتو بخون. برات صبحونه درست میکردم، حالا اونجا کی بیدارت میکنه چطور میخوای توخاك کفار نماز بخونی؟

اکبرآقا خندید و باغمی که توی صورتش نشسته بود، گفت:

— مادرجون، چه فرقی میکنه، خاك، خاك خداست. منم که سجاده دارم، پونزده روز هم بیشتر نمیمونم، قربونت برم، فقط بگو چی میخوای که برات بخرم نوکرت هم هستم.

مادر اکبرآقا صورتش را با گوشه چادر پاك کرد و درحالیکه از بغض سکسکه‌اش گرفته بود، گفت:

— نمی دونم، ننه. من وجودتو میخوام، فقط باید هر روز برام نامه بنویسی. واسه من یکی دوتا سرهم بیار، بسمه.....

با این حرف همه خندیدند و سفارش دادن‌ها شروع شد.....

***

ساعتی صبح تازه روی زمین نشسته بود که اکبرآقا و افراد خانواده وحسین قوچی که ماشینش را آورده بود رسیدند. فرودگاه ورفتند توی سالن که پربود از جمعیت. ودرهمین وقت رئیس آژانسی که اکبرآقا باکرون او به مسافرت میرفت، آمد جلو و یک علامت به سینه اکبرآقا زد وبعد ازخوش وبش گفت:

— الان برید توی صف که شماره بگیرید. چمدون هاتون روهم همونجا تحویل بدین و علامت آژانس رومأمورش میزنه.

اکبرآقا برگشت، قلبش گرفته بود، باید دورمیشد، همه دست بگردن هم داشتند. گریه بود وخنده وسفارشات لازم وبعد حرکت. اکبرآقا رفت توی یک اتوبوس بزرگ و ازشیشه اتوبوس داخل سالن را نگاه میکرد که لحظه به لحظه همه دورمیشدند. تازه گریه‌اش گرفت که درپرده اشك چشمانش به صورت مرمری و زیبای دخترکی افتاد که باو خیره بود وبسرعت رویش را جانب دیگر گرفت وصدای دخترك توی گوشش لانه کرد:

— بار اولتونه....؟

اکبرآقا با تعجب برگشت و به دخترك نگاه کرد:

— چی فرمودین؟

— گفتم بار اولتونه که میرین سفر؟

— نخیر.... نخیر...

— آخه دیدم ناراحت هستین.

— خوب بله... ناراحت که هستم....

دراین وقت اتوبوس کنار یک هواپیمای جت بزرگ ایستاد و اکبرآقا بدنبال دیگران پیاده شد. خواست برود به طرف پله ها، که ماموری آمدجلو وگفت:

— لطفاً چمدون هاتون رونشون بدین.

اکبرآقا ناباورانه گفت:

— مگه با طیاره نمیارین؟

مامورجواب داد:

— چرا، ولی باید با گچ روی چمدون هاتون علامت بزنیم.

اکبرآقا میان انبوه چمدان ها گشت تا یکی از چمدان هایش را گیر آورد و آنرا نشان داد و چمدان دوم را هم پیدا کرد، و با کارتی که بدست داشت، طرف پله ها رفت که دخترك نیز در کنار او قرار گرفت. رئیس آژانس و راهنما، مسافرین را تکی تکی سوار کرد. اکبرآقا بهت زده از بالای پله ها درمیان سر و صدای موتورهای جت، چشم به سالن دوخت که خیلی دور بود و درحالیکه آهی از سینه میکشید، بداخل هواپیما رفت، دخترك زیبای مهماندار سلامی کرد و بلیط او را نگاه کرد و او را برد نزدیک بال نشاند، اکبرآقا حالت ذوق زدگی داشت. نشست کنارشیشه و به بیرون خیره شد. موزیک آرامی پخش میشد و اکبرآقا احساس کرد دلش برای تعمیرگاه حسین قوچی، مادرش و کوچه پس کوچه های تهران تنگ شده وآنقدر توی خودش بود که توجه نداشت کی می‌آید و کی میرود، و چند لحظه بعد، صدائی را از بلندگوی هواپیما شنید:

— روزبخیر، مسافرین عزیز...

اکبرآقا سرش را بالا کرد که ناگهان احساس کرد دوچشم سیاه او را درخود گرفته. برگشت بطرف چپ و دخترك را دید که کنارش دارد مجله‌ای را ورق می‌زند. بوی عطر سکرآوری از زلف سیاه او بیرون میزد، نگاهی به جلوی دستش انداخت و مجله ای را دید و برداشت و همینطور شروع کرد به نگاه کردن که دخترك آرام گفت:

— کمربند تون رابندین.

اکبرآقا تابناگوش سرخ شد. آرام دستش را روی کمربندشلوارش بردو دید سرجایش هست وبسته است، با حالتی مخلوط با خشم برگشت و به دخترك نگاه کرد:

— سماجی کمین؟

— گفتم میخوایم پرواز کنیم، کمربندتون رو یادتان رفته ببندین.

اکبرآقا عصبانی‌تر باو خیره شد و زیرلب گفت:

— بابا دستخوش! موش به همبونه کاری

نداو، همبونه به موش کارداره.....

در همین لحظه مهماندار بصندلی آنها نزدیک شد و پس ازنگاهی که به شکم دیگران انداخت، به اکبرآقا گفت:

—لطفاً کمربند تون را ببندین.

اکبرآقا دوباره سرخ شد و اینبار کاملا به کمرشلوارش نگاه کرد. ودخترك گفت:

—منکه گفتم ببندین.....

اکبر آقا آمد حرفی بزند که چشمش به کمر بند مخصوص پرواز که به صندلی ها وصل بود افتاد، لحظه ای به کمربند دخترك نگاه کرد و بعد برای اینکه خودش را لو نداده باشد، گفت:

—من نمیدونم با این پروازهای مطمئن و با این هواپیما ها، چرا هنوزمیگن کمربند بخودمون ببندیم! و دخترك که خنده‌اش گرفته بود گفت:

—حادثه رو نمیشه پیش بینی کرد.

اکبرآقا با ناراحتی گفت:

—اینم سفر! با هنس خودمونو ببندیم... بابا ایوالله.

ودخترك با همان خنده که دل اکبرآقا را می لرزاند گفت:

- چند دقیقه بستن کمربند عیبی نداره.....

در همین وقت هواپیما آرام آرام براه افتاد و اکبرآقا با حیرت بیال سمت راست خیره بود، چند لحظه بعد هواپیما در اول باند ایستاد، صدای موتورها لرزشی به صندلی انداخت و اکبرآقا گفت:

-بفرمائین! مردم چقدرحق نشناسن، موتور ماشینشون وقتی گرم میکنه و بخورده میلرزه هی غرغر میزنن، اونوقت این طیاره باین گندگی ببین چه لرزشی داره!

وهواپیمادوباره راه افتاد و با سرعت جلورفت و چند لحظه بعد اکبرآقا چنان به پشتی صندلی چسبیده بود که قدرت تکان خوردن نداشت. بعد خودش را دردل پرنده آهنین روی آسمان دید، اول هواپیما تکانهائی داشت و بعد آرام شد، اکبرآقا نفس بلندی کشید و در همین وقت مهماندار یکجعبه شکلات بدست ردیف به ردیف جلوآمد تا رسید به ردیف اکبرآقا وشکلات تعارف کرد. اکبرآقا در حالیکه محوزیبائی مهماندارشده بود گفت:

-قربون دست‌شما!

مهماندار هنوز شکلات رانگه داشته بود و دخترك كنار دست اكبرآقا درحالیکه می‌خندید دوشکلات برداشت و یکی رادادبه اکبر آقا وگفت:

- کمربند توباز کن وشکلا تتم بخور...

اکبرآقا درحالیکه میخندید گفت:

-میدونم منظورتون کمربند ایمنیه!

کمربند را باز کرد وشکلات را به دهان انداخت، از بلند گوی هواپیما موزیکه آرامی پخش میشد واکبرآقا درحالیکه موقعیت خودش را فراموش کرده بود، مثل خود هواپیما داشت بال میزد، که صدای دخترك او را بخودآورد:

- همسفر!

اکبرآقا برگشت وبصورت اونگاه کرد:

-بله؟

-گفتم همسفر!

اکبرآقا خندید:

- بله...

-ما هنوزاسم همدیگه رونمیدونیم.

-آره.........

-چی‌روآره، خوب اسمت چیه؟

اکبرآقا با خنده گفت:

-اکبر، البته اسم کوچیکم.

-اسمم بنفشه‌س.

-اسمتون قشنگه.

ودخترك خندید:

-تا حالا توآسمون با کسی دوست‌شده بودی؟

اکبرآقا برگشت ازشیشه زیر هواپیما رانگاه کرد که پربود از ابر.......

-با راولمه میام روآسمون فکر نمیکردم باین قشنگی باشه، باین خلوتی. ماهستیم وبا.......

بنفشه برای دیدن بهتر بیرون، خودش را جلوآورد وبوی عطر موهایش اکبرآقا را ازخود بیخود کرد وبعد آرام برگشت وبه پشتی صندلی تکیه داد. اکبرآقا بصورت بنفشه خیره شد. موهای بلوطی و رنگ مهتابی صورتش ولحن کلامش همه وهمه زیبا بود، بنفشه که احساس کرد اکبرآقا باو خیره است آرام سرش را بطرف او برگرداند:

-اکبرآقا.

-بله؟

-فقط لندن میموی؟

-بله.

-چندروز؟

-پانزده روز.

چه حیف!

-چرا حیف؟!

-واسه اینکه من دارم میرم، ولی نمیدونم کی برمیگردم.

-برای چی؟

-میخوام درس بخونم، توبرای چی‌میری؟

-والله نشستیم کلاهمون روقاضی کردیم دیدیم داریم میرسیم به‌پیری وهیچ جاروهنوز ندیدیم. گفتم پدرك، پونزده روز هم هیچی، مرخصی گرفتیم وراه افتادیم.

بنفشه خندید و دستش را روی دست اکبرآقا گذاشت....

واکبرآقا ناگهان مثل جن زده بدنش لرزید وبعد خشکش زد. دانه های عرق روی پیشانیش نشست و نفسش به شماره افتاد، احساس کرد چشم مردم پشت کله هایشان قرار دارد و همه دارند او را نگاه میکنند. آمد حرفی بزند، ولی صدایش درنیامد. صدا در گلویش خشک شده بود.....

سفرنامه اکبرآقا ادامه دارد

توی شهر

اولا هیچ فکر نمیکردیم دردنیای شلوغ و پر کار کارگری وعرضه یک نشریه کارگری بوی کارهای هنری دستمان اینطور بند بشود ، ولی دیدیم که دوستان کارگر بهویژه آنها که مرتب با ما در تماس هستند ، دست بردار نیستند که توسعه‌ای درصفحات هنری بدهیم والبته دیدید که مقصودمان تنها دادن چند خبر جعلی و نظایر آن نبوده ، بلکه حرف بوده ومصاحبه و شناسائی چهره‌های هنری وحالا سردبیر دستمان را درپوست گردو گذاشته که صفحه جدیدی علم کنیم وما پس از بحث های فراوان عاقبت صفحه را علم کردیم ، با مسائلی از هنر وغیره که بیشتر خبر خرده است وقال و تماشا ، بهرحال دوراز اداهای روشنفکرانه ، حتی با روشنفکرانی به‌حرف می‌نشینیم ، یادشان میکنیم ، که دراین واویلای مسائل هنری ، حرف تازه‌ای داشته باشیم وازاین شماره سفرهائی توی شهر خواهیم داشت. بامید اینکه مورد قبول افتد وسردبیر هم بعدأ صفحه را تعطیل نکند.

عرفی نژاد

[illegible] حرفهای [illegible] دنگ‌ودنگ . [illegible] عینک مخصوص امکان دارد ، ولی از گیشه اول بلیط را خریدیم ، رفتیم توی صف گیشه عینک. عینک را هم گرفتیم و رفتیم توی سینما. [illegible] عینک میکرد و [illegible] هوا را پر کرده بودند. [illegible] عینک را [illegible] صدای‌جینک‌جینک [illegible] نگوشمان رسید و برگشتیم دیدیم جدیدا آقای موفرفری چه انتقامی دارند از تخمه ها میگیرند . و بعد هم حرفهای اجنابی ، درهمان ردیف هم که نشسته بودیم ، دوتا آقا بودند با دوخانم چادری و یکی دوبچه که غرق در خجالت ، از دست دوستان پزن‌بهادر هیپی خوندل میخوردند ... وسطهای فیلم شیهه کشیدن آقایان شروع شد.گویا هیچ قدرتی هم نبود که جلوی این بی‌بندوباری آقایان را بگیرد که لابد خیلی هم‌سرشان میشد و میخواستند اظهار وجد کنند ... چندلحظه‌بعد دیدم که دوتا آقا و خانم و بچه‌ها عطای تماشای فیلم را به لقای آقایان بخشیدند و ازسالن خارج شدند. برای ما هم جز رفتن چاره‌ای نماند. وقتی میرفتیم بیرون ، یکی از موفرفری های خوشمزه با صدای بلندگفت:

—آقا عینک یادتون نره'

ما هم ازپی حرفی گفتیم:

—حتی باچشم کورهم میشه وجودشماها رو توحیابون و توسینما حس کرد و زدیم بیرون...

سیاه بازی برتر ازهنرمعاصر

[illegible]

فیلمی هم آوردند ترکی با بازی فخرالدین با نام « گرگ زخمی » . توجه داشته باشیم نام گرگ هم درمیان فیلمسازان ما بدطوری ریشه کرده ، یکی ازفیلمنامه نویسان سناریوئی را یکی دوسال قبل نوشته و دروزارت فرهنگ و هنر به تصویب رسانده با نام « گرگ » وچون دیگرفیلم‌سازان‌هم‌علاقه باین نام داشته‌اند ، مرتباً از نام گرگ بعناوین گوناگون استفاده کرده‌اند ، مثل « گرگ بیزار » که درایران ساخته شدوحالا « گرگ وحشی » که سوغات ترکیه است ، درحالیکه گرگ‌اصلی بدلایلی هنوزساخته نشده...

بهرحال اینهم از کارنامه فیلم درسینمای ایرانی.........

خانم [illegible] معرف حضورتان هست. [illegible] بازیگری در سینما و گرفتاری‌های فراوان، به دنیای موسیقی و آواز روی آورد که به موفقیت‌هائی نیز رسید و با شبی دوهزار تومان دستمزد رفت روی سن کاباره و حالا که تق کار درآمده و

خوانندگان مشهور و [illegible] ستاره‌ها همه آورده‌اند [illegible] دوباره به [illegible] آنچه [illegible] قرارداد دیگر که اگر در تلویزیون [illegible]

آنچه خواننده [illegible] رادیو و تلویزیون، [illegible] اجرای ترانه‌های جدید آغاز کرده و ضبط چند برنامه برای گلها و نیز کم کردن وزن، دوباره به عرصه موسیقی ایرانی قدم گذاشته است. توجه داشته باشیم این خواننده جزو چند

خواننده‌است که [illegible] برای [illegible] امروز، ترجیح داد مدتی در سکوت بگذراند و حالا [illegible] رابطه او [illegible]

سینما و فیلم در ایران فصلی شده است، بدین گونه که فیلم‌های دست اول و بعقیده خودشان خوب را میگذارند برای روزهای عید نوروز و اوایل پائیز و بقیه فصول سال را باید با فیلم‌های تکراری تماشا کرد و با فیلم‌های ترکی و هندی و مخلوط، مثل همین فصل با فیلم‌هائی که دیدیم. بهرحال آنچه در سینماها بوده اینهاست:

تنها فیلمی را که در این فصل تماشا کردیم و برای بار دوم و سوم بدلمان نشست، «رگبار» بود، کاری از بهرام بیضائی و با قصه‌ای قشنگ که بعبارتی، اولین قدم سینمای ایران بطرف فیلم‌های بهتر بود که متأسفانه فیلمسازان بعدی در دنباله روی خود آب سردی روی سرمان ریختند، غیراز «رگبار» فیلمی روی پرده‌آمد با نام «پاشنه‌طلا» شاید برای بارسوم با همان کارهای خاص فیلمفارسی سازان برای پول درآوردن، یعنی آدم بزن‌بهادری که خوش قلب است، ولی همیشه توی کافه‌ها میگردد، با سوءظن عاشق میشود و زندگی میکند و آخر فیلم هم با خوشی و خوشکامی بپایان میرسد. در این فیلم ناصر ملک‌مطیعی بازی میکرد.

فیلم‌های دیگر فارسی جایزه خوشبختی نام داشت، فیلمی در همان مایه‌های اصیل پولساز. که البته چون قبلا فیلمی با نام جایزه روی پرده‌آمده بود، اسم این فیلم را گذاشتند «جایزه خوشبختی» که هرچه عقلمان را دو تا دوتا چهارتا کردیم نفهمیدیم جایزه خوشبختی یعنی چه؟ در این فیلم منوچهر وثوق و مرتضی عقیلی بازی میکردند. مسئله پیرامون عشق و رابطه‌ای غیرعاطفی و عاطفی دورمیزد و ماحصل اینکه مثل همه فیلم‌های دیگر فارسی بوده.

این فیلم «اژدها وارد میشود» هم بطوری گل کرده. از این سینما پائین نرفته در سینمای دیگر روی پرده می‌آید و جماعت مشتاق و پاکباخته «بروس‌لی» بارها و بارها بدیدار این فیلم میروند، اگر خود مرحوم «بروس‌لی» زنده بود، حتماً با این پولها سفری هم به ایران میکرد. خدا رحمتش کند!

[illegible] برنامه‌های [illegible] آموزش هنری وزارت [illegible] امور اجتماعی، [illegible] در تمرین و آماده سازی تأترهای جدید هستند تا برای فصل آینده برنامه‌هائی را بروی صحنه بیاورند. رفتیم سری زدیم و بهنگام تمرین از لیبداری و [illegible] از بازیگران عکس گرفتیم [illegible]

از [illegible] بی‌خبر بگذارند، بصورتیکه [illegible] بازیگر خوب تأتر [illegible] همکاری‌هائی را با گروه تأتری [illegible] شروع کرده است که بطور [illegible] از [illegible] تأتری [illegible] خواهد بود.

بقیه درس بزرگ زندگی

بقیه ازصفحه ۰

جواب داد: — «دختر جون تو که منو میشناسی. من عادت دارم سر خودمرو با کار یا دیدن دوست‌هایم گرم کنم. ولی خوب، باوجود این، بازم دلم واسه شماها تنگ میشه کی میائین بینمتون؟» ومن به‌جای جواب باز پرسیدم — «مادر، بگو ببینم از دیدن جای خالی پدرم، چه کار میکنی. میخوام بگم نبودنش روچطور تحمل میکنی؟»

نفس بلندی کشید وگفت — «در اینکه دلم همیشه واسه اون تنگ میشه که شکی نیست. حتی میخوام بگم اول با همه‌اش فکر میکردم به‌تنهائی تو وخواهرت‌رو چطور بزرگ کنم. روزای بدی بود ومن همیشه دعا میکنم تو وخواهرت هیچ وقت چنین روزهایی‌رو نداشته باشین.» وآن وقت یک دفعه صدایم از گلویم بیرون پرید ودر میان گریه گفتم: «ولی مادر پس چرا خودت‌رو اون‌جور نگه میداشتی وبا هیچکی درد دل نمیکردی؟ آدم همیشه به‌مردی که دوستش داره‌احتیاج داره... دیگه نمیتونم ساکت باشم. من یک دسته گلی به‌آب دادم مادر وباید موضوع رو برای تو تعریف کنم»

وبعد از آن همه چیز را در تلفن برایش تعریف کردم. گفت «گوش کن. شاید من شمارو درست تربیت نکرده باشم. به‌هرحال اگه همیشه بهتون گفتم قوی باشید وجلوی مرد ضعف نشون ندین، واسه این بود که برای روبرو شدن با بدبختی‌هایی که ممکن بود به‌سرتون بیاد آمادگی داشته باشین. به‌هرحال کاری است شده ولازم نیست خودت‌رو زیاد اذیت کنی. قول میدم جلال بعد چند روز دیگه برگرده وتو میتونی اون چیزایی رو که میخوای به‌او بگی... اوهم حتماً به‌حرف‌هات گوش میده.. واوضاع روبراه‌میشه... غصه نخور دخترجون»

بعد از آن که گوشی تلفن را زمین گذاشتم، خودم را کمی آرام‌تر وشجاع‌تر دیدم. ولی وقتی دو روز دیگر هم گذشت وباز از جلال خبری نشد، دیگرواقعاً احساس ترس میکردم.

شاید هم به‌شدت عصبانی بودم. البته نمیتوانستم به‌دفتر کارساختمانی تلفن کنم و بفهم کجاست وچه می‌کند. غرورم اجازه نمیداد، ولی باین می‌اندیشیدم که جلال چطور توانسته بود تمام آن روزها را بدون من بگذراند؟ بی‌شک مادر هم در تربیت من کوچکترین اشتباهی نکرده بود ودر واقع او بود که من را به‌صورت یک زن کامل امروزی، زن مستقل ومتکی به نفس بار آورده بود. ومن به‌آسانی میتوانستم آن فاجعه را تحمل کنم وخم به‌ابرو نیاورم، اما این هم باز یک رؤیا بود، چون آن روزها جنگ در جبهه دیگری هم شروع شده بود وکسی که آن جبهه را به‌وجود آورده بود، فرزین پسرم بود که روز بروزبداخلاق تر و بهانه گیرتر میشد وهر لحظه به‌بهانه‌ای گریه را سر میداد. آن شب بعد از اینکه چند بار اورا به‌بستر بردم از جایش بلند شد. نمی‌خواست بخوابد یک دفعه کنترل اعصابم را از دست دادم. دستم بالا رفت وضربه محکمی به‌پشت گردن او فرود آمد. واو که اولین بار بود ازمن کتک میخورد به‌اندازه‌ای از عمل من حیرت کرد و جوری فریاد زد که انگار کسی خیال کشتن اورا داشته‌است.

بعد از چند لحظه هم یک دفعه خودش رامیان بسترش انداخت ودرحالیکه هق هق میکرد، چشم‌هایش را چند بار به‌هم زد وبعد گفت — «اگه ازت معذرت بخوام ، با من آشتی میکنی؟ در حالیکه خودم را گناه کار احساس میکردم، به‌طرفش رفتم او را بغل کردم وبوسیدم. دست‌های کوچکش را به‌گردنم انداخت باصدای عجیبی گفت: «کاش باباهم این‌جا بود ومنو موقع خواب ماچ میکرد.»

وآن وقت بود که به‌علت تغییر اخلاق فرزین پی بردم. او نمیدانست چرا پدرش دیگر در خانه دیده نمیشود وبه‌همین دلیل هم نمی‌توانست به‌علت خشم وناآرامی من پی ببرد وگرفتار یک نوع آشفتگی عاطفی شده بود. چراغ را خاموش کردم واز اتاق بیرون دویدم. بازهم شب ملول وخسته کننده دیگری انتظارم را میکشید وهرچقدر به‌تعداد این شب‌ها افزوده میشد، گناهان واشتباهاتم رابهترمی‌فهمیدم هیچ کدام‌ازما برای‌شناختن آن‌دیگری کوشش نکرده‌بودیم.. به‌همین دلیل اختلافی که بین ما بوجود آمده بود روز بروزوسیع تر وعمیق ترشده وسرانجام کار به جدایی تلخ و دردناک رسیده بود.

روز بعد خسته‌تر وناآرام‌تر از همیشه از مدرسه به‌خانه برگشتم و به‌محض این که زنگ دررا زدم، حلیمه خدمتکارخانه ، دررا باسرعت گشود وفریاد کشید:

— «چقدردیراومدین خانم جون ... فرزین گم‌شده ، تا یک ساعت پیش جلوی درخونه بود ، اما یک دفعه غیبش زد . تمام کوچه و خیابون‌رو گشتم و پدر خودمرو درآوردم . در خونه همه همسایه‌هارو زدم ، اما پیداش نکردم . حالا چی کار کنیم خانم جون ؟ به‌امام رضا من هیچ تقصیری ندارم . و اصلا نمیدونم یک دفعه فرزین کجا رفت ... »

چند لحظه به‌او و به چشم‌هایش که از وحشت بزرگترشده بود نگاه کردم و درحالیکه سعی میکردم خودم را مثل همیشه آرام نشان بدهم گفتم : « خوب اگه همه‌جا رو گشتی که دیگه کاری نمیشه کرد . توخونه باش من میرم کلانتری موضوع رو خبر بدم » و بعد کیف دستی‌ام را برداشتم و به‌راه افتادم . در تمام طول راه به‌داستان‌هایی که از بچه‌های گمشده شنیده بودم فکرمیکردم . بچه‌هایی که به‌دست اشخاص ظالم و جنایتکار کشته شده بودند، بچه‌هایی با عاقبت‌های غمناك .... اتاق افسر نگهبان زیاد شلوغ نبود و به‌زودی سیل سؤالات به‌سویم جاری شد و سرانجام نوبت به‌سؤالی رسید که ازآن به‌شدت میگریختم.

— «شوهرتون کجاست ؟ »

— نمیدونم .

— هنوز از کار برنگشته ؟

— نه .

— پس چی ؟

— نمیدونم .

— یعنی چی خانم ؟

— « اوه ، شوهرم چند روز پیش ازخونه قهر کرده ، یعنی با هم یک دعوای مختصری کردیم بعداون گذاشت و رفت . »

افسر نگهبان چند لحظه بمن خیره ماند و بعد دومرتبه پرسید:

— « نمیدونین کجا رفته ؟ چون بالاخره باید یک جوری باهاش تماس بگیریم . »

— « متاسفانه ازش هیچ خبری ندارم . »

— « پسرتون چی ؟ اون هم نمیدونه پدرش کجا رفته ؟ »

— « چطورممکنه بدونه ؟ ! »

افسر روی ورقه زیر دستش چند جمله نوشت و بعد پرسید : « ببینم ، فکر نمیکنید شوهرتون پسرتون‌روباخودش برده‌باشه؟ »

چند لحظه برجای خشک شدم و بعد گفتم :

— « محاله جلال یک همچی کاری کرده باشه. شما هم بهتره بجای این سؤال‌ها تا بلایی بسر پسرم نیومده ، دنبالش بگردین و پیداش کنین » واوجواب‌داد :

— « قصدما از این پیگیریها همینه ... لطفاً اگه عکس پسرتون‌رو توی کیفتون دارین ، بما بدین . بعد هم تلفنی به خونه بزنین خدمتکارتون هم به‌اینجا بیاد ، چون از او هم باید بازجویی بشه . هیچ بعید نیست یک نفر پسرتون‌رو دزدیده باشه . تعداد این جورجرائم این روزا خیلی زیادشده ... »

* * *

حالا دیگر آفتاب از آسمان پریده و تاریکی همه جا را گرفته بود ، امــا هنــوز از فرزین کوچکترین خبری بدست نیامده بود .

شماره تلفن شرکت ساختمانی محل کار جلال را به‌افسر نگهبان داده بودم و درخانه انتظار میکشیدم . حلیمه و یکی از زن‌های همسایه درآشپزخانه با هم حرف میزدند روی نیمکت راحتی بزرگی که جلال وقتی فرزین را حامله بودم خریده‌و به خانه آورده بود ، ولوشده بودم . شبی که جلال آن صندلی را که از یک کهنه فروش خریده بود به‌خانه آورد ، دستی به‌پشت من زد . از بالای پیشانی موهای سرم را بوسیدو گفت :

— « ازش خوشت میاد یا نه ؟ من که تا دیدم عاشقش شدم به‌خودم گفتم ، خوبه اینو واسه زنم که از تمام دنیا بیشتر دوستش دارم بخرم . »

بله زن او زمانی همه چیز داشت ، ولی حالا هیچ چیز ندارد . نه شوهر، نه آرامش ، و نه بچه.

سرم را تکان دادم . باید هرطورشده بود جلوی فکرهایم را میگرفتم ، وگرنه دیوانه میشدم . ولی خوشبختانه در همان لحظه درباز شد و زن همسایه یک فنجان چای به‌دستم داد و گفت :— «من خیلی‌وقته اینجام ، اما چون دیدم حوصله نداری ، تـرجیح دادم بــرم توی آشپزخــونـــه » و درست در همان حالی که فکر میکردم چطور در تمــــام آن مـــــدت ، آن زن دلسوز ومهربان را ندیده‌ام ، یک دفعه در اتاق بازشد و جلال وارد شد . حالت کسی را داشت که از مدت‌ها پیش انتظار رسیدن آن لحظه را کشیده‌است . چند لحظه خیره‌خیره بمن نگاه کرد و بعد من که برای اولین بار در عمرم خود را ضعیف و بی‌پناه می‌دیدم، به طرف او دویدم و میان بازوانش به گریه افتادم . او در حالی که موهایم را نوازش می کرد گفت — « غصه نخورعزیزم، اونها به زودی فرزین رو پیدا می کنن . همسایه‌ها هم دارن کوچه و خیابون رومیگردن . فکرش‌رونکن همه‌چیز درست‌میشه . »

ومن گریه کنان گفتم « همه‌اش تقصیرمنه. من که فکرمی کردم میتونم بی‌توزندگی کنم .. خدا خوب منو تنبیه کرد جلال، خواهش می کنم منو ببخش، تا بلکه خداهم سررحم بیاد ، وفرزین پیدا بشه » . وجلال در حالیکه من را به روی صندلی راحتی می‌نشاندگفت . همه‌اش تقصیرتونبود . تقصیرمن هم بود .

من زیادی خودخواه بودم و فکرمی کردم باید مثل پدرم زندگی کنم، اما خوب حالاموقع این حرف‌ها نیست و بعد باهم حسابی صحبت می کنیم . نمیدونم حلیمه بهت گفته یا نه، افسرپلیس درکلانتری به من گفت حلیمه اونجا گفته که فرزین بعد ازظهری باوگفته دلش واسه پدرش خیلی تنگ شده و خیال داره بره بگرده پیداش کنه... »

یکدفعه ازجایم جهیدم وگفتم — « ولی حلیمه پس چرا به‌من این حرف‌رونزد؟ »

— « نمیدونم، شاید آنقدردستپاچه شده بود یادش رفته اینو بهت بگه . لابد وقتی پلیس سؤال پیچش کرده، یادش‌آمده. »

و من همانطورکه به حرفهای شوهرم گوش می‌دادم، ناگهان موضوعی را به یادآوردم فرزین نشانی آخرین ساختمانی راکه پدرش درآن کارمی کرد می‌دانست و دوهفته پیش وقتی من و او ازجلوی آن ساختمان رد میشدیم راجع به اینکه جلال چطورآن خانه‌ها رامیسازد باهم صحبت کرده بودیم . آیا امکان داشت فرزین در جستجوی پدر به آن ساختمان رفته باشد ؟ بناگاه ازجایم پریدم . بازوی جلال را کشیدم وگفتم — « راه‌بیفت بریم . یک فکری توی‌سرمه، اگر درست باشه فرزین رواونجاپیدا می کنم . »

وچند لحظه بعد جلال پشت رل قرارگرفت و در خیابان‌های شلوغ شهر به‌حرکت درآمدیم . ساختمان نیمه‌تمام دریکی ازخیابان‌های خلوت شمالی شهر قرار داشت وقلب من ازبیم وامید می‌تپید . جلال هیچ حرفی نمی‌زد . فقط‌گاه‌گاه نیم رخش را از پشت رل برمی‌گرداند، نیم‌نگاهی به‌من می‌انداخت و می‌گفت « دیگه چیزی نمونده، الان می‌رسیم . »

وسرانجام هم به آن خیابان‌رسیدیم . جلال اتومبیل را درگوشه‌ای پارك کرد و هردو به طرف ساختمان نیمه‌تمامی که در تاریکی سایه انداخته بود، دویدیم . ازمیان ساختمان صدای گریه خفیفی به‌گوش می‌رسید، انگار انسان ضعیفی ازوحشت ناله‌می کرد .

با تمام قدرتی که داشتم فریاد کشیدم : «تویی‌فرزین، تویی؟ »

و بعد جلال به وسط ساختمان دوید، و صدایش راشنیدم که می‌گفت : « گریه نکن فرزین، ما اینجائیم » و یک‌ساعت بعد، دراتاق روشن‌خانه، فرزین که روی زانوی پدرش نشسته بود، برای ماتعریف‌کرد که برای پیدا کردن پدرش بآن ساختمان رفته و به علت تاریک‌شدن هوا ترسیده بود و دیگر قدرت و جرأت‌برگشتن راپیدا نکرده‌است .

شوهرم و پسرم روبروی من نشسته بودند و من صداهای آنها را می‌شنیدم و آن چنان بـه هیجان آمده بودم که هرچه به خودم فشار میاوردم ، نمی‌توانستم کلامی برزبان بیاورم .

* * *

ساعتی بعد وقتی خانه‌سرانجام درخاموشی فرورفت، دراتاق کوچک خوابمان دست‌هایم را به‌گردن شوهرم حلقه کردم وگفتم — « راستش را بگو جلال، تو خیال داشتی برای همیشه ماروترك کنی؟ »

جلال سرش راجلوآورد لب‌هایم را بوسید وگفت :

— « آخه فکرمی کردم زنی مثل تو دیگه نمیتونه باکارگرساده‌ای مانندمن زندگی کنه . »

من درحالی که‌موهایش رانوازش میکردم زمزمه کردم : « دیگه این حرفونزن جلال...

اگه یادت باشه روز اولی که زنت شدم بهت‌گفتم به‌کارت احترام میذارم و خوشحالم که زن یک کارگر باشرف میشم، نه یک آدم بیکاره... »

وجلال این‌بار درحالیکه دهانم را با بوسه دیگری می‌بست، گفت — « بهتره دیگه این حرف‌هارو فراموش کنیم . فکرمی کنم هردو— تنبیه شدیم و میتونیم از این به بعدگذشته را جبران کنیم . »

بقیه سندیکا باید موجب پیشرفت

بقیه از صفحه ۲۱

عده‌ای در باغ فیض (۱۸ کیلومتری جاده ساوه) و عده‌ای دیگر در قرچک (۱۸ کیلومتری جاده ورامین) در اتاقهای استیجاری سکونت کرده‌اند برای هر یک از این کارگران تا وقتی که به محل کارشان میرسند، طی مسافت ۷۰ کیلومتر با سرویس لازم است با توجه به وضع فعلی ترافیک، ملاحظه بفرمائید چه مقدار وقت لازم است تا کارگر در سر کار خود حاضر شود، تازه اگر بخواهد روزی دو سه ساعت هم اضافه کاری بکند، دیگر فرصتی برای استراحتش باقی نخواهد ماند.

در گذشته کمیته‌ای بنام کمیته حقوق مرکب از چند نفر اعضای هیأت مدیره داشتیم که اگر کارگری از بابت حقوق و مزایایش شکایتی داشت باین کمیته مراجعه میکرد، متأسفانه این کمیته هم تعطیل شده، تقاضای تجدید فعالیت آنرا داریم. افزایش حقوق بر اساس ضوابطی که بطور سالانه بکارگر تعلق میگیرد، اقدامی است صحیح و منطقی، ما میخواهیم که بموازات بالارفتن تخصص، میزان دستمزد هم بالا برود، هم اکنون کارگرانی داریم که حاضرند، امتحان بدهند و درصورت قبولی در امتحان، از امکانات بهتری برخوردار شوند. اگر این خدمتشان موردقبول واقع نشود ناگزیر ترک خدمت کرده و در جای دیگری مشغول بکار خواهند شد

ناصر سلطانی: آقای کیاشمشکی به چند مشکل اشاره کردند، ولی این موضوع را متذکر نشدند که ماهانه ۲۵ هزار تومان ازطرف کارخانه دراختیار ما گذاشته شده که به هر که بخواهد بدهیم، این حسن نیت کارفرما باید مورد تقدیر واقع شود، من عقیده‌مندم اگر نارسائی‌ها را که قابل حل است، بزرگ نکنیم بهتر است.

یکنفر به کمیته حقوق مراجعه کرده بود و مطالبه هشتصد تومان اضافه حقوق میکرد، چون دلائلی را که میآورد قابل قبول برای من و اعضای کمیته نبود، به اتفاق آقای داودآبادی و کیاشمشکی کمیته را تعطیل کردیم، اگر این دوست ما حقش قانونی بود مسلماً بآن رسیدگی میشد.

درمورد کمیته داوری و اجرای تصمیمات گرفته شده، باید عرض کنم با همین کسی که شما معتقدید بایدرأی کمیته درباره‌اش اجرا شود و فردا بیاید و عذرخواهی کند، مگر جز این است که هروقت برای انجام کاری به او مراجعه کرده‌ایم مشکلمان را حل کرده است؟ این اختلاف‌سلیقه را بیائید آنقدر بزرگ نکنیم ودر این مورد سختگیری ننمائیم.»

حبیب‌الله حسامی مدیر کل نظارت بر فروش سهام و نماینده وزارت کار و امور اجتماعی:

بعنوان نماینده وزارت کار بایدعرض کنم، آنچیزی را که انتظارنداشتم و فکر نمیکردم مطرح شود، گله و ناراحتی در کارخانجات آزمایش بود. من آقای آزمایش را ندیده‌ام ولی تا آنجا که شنیده‌ام، به مشکلات کارگران آشنائی دارند و باید در حل‌و فصل مشکلات کارگران پیشقدم باشند — همانطور که هستند ولی‌گاهی مواردی پیش میآید که شاید مربوط به شخص نباشد و افرادی که بعناوین‌مختلف در پستهای مختلف کارمیکنند و یا واسطه هائی ممکن است مطالب را بصورت صحیح منعکس نکنند و یا خدای‌نخواسته غرضی داشته باشند ومطلب را تحریف کنند.

درچنین مواردی با سرمایه‌گذارو مدیر است که باید بیشتر دقت کنند وریشه‌ها را بیابندو کارگاهی‌را که با صمیمیت وصفا کارش به اینجا رسیده و با ابتدای تلسیس — از نظر پیشرفت قابل قیاس نیست، نگذارند به محیطی سرد تبدیل شود و آن صمیمیت و علاقه‌ای که بین کارگران‌ومدیریت‌وجود داشته ازبین برود.

آقای سلطانی در مورد ورزش مطالبی فرمودند، میخواهم بگویم، درهر کاری ضابطه و اساسی وجود دارد که باعث میشود مدیریت براساس آن کار را بگرداند، دراینمورد هم سعی بر این بوده و هست، ممکن است صلاح نبوده نمی‌برود کسی بیاید تا کاری انجام شود.

ممکن است مقتضیات بعضی از تغییرها را ایجاب کند، بهر صورت موضوع را پیگیری خواهم کرد تا اگر توقفی در کار باشد برطرف شود.

در جواب آقای [illegible] هم باید بگویم، چنانکه [illegible] میز گرد هم قبلا [illegible] کرده‌ام ودر [illegible] منعکس شده وملاحظه فرموده‌اید، بجهات مختلفی وزارت کار بتجدید نظر در طرح طبقه‌بندی مشاغل را قبول ندارد درمرحله اول بایستی کلیه کارگاهها طبقه بندی بشوند و کارگران از یک سیاست اشتغال صحیح وهماهنگ برخوردار شوند ودر مرحله دوم که تجدید نظر در طرح طبقه‌بندی پیش‌آمده، به‌حل وفصل پاره‌ای از موارد اقدام کنند در عین حال این امر مانع از آن نخواهد بود که کارفرمای هر کارگاه باتوجه به‌بازار کار وتخصص ومهارت کارگران و سایر مواردی که ممکن است در پیشبرد کار مؤثر باشد، خود مخصوصا تجدید نظر کند، فرض [illegible] اگر کارگری خیلی خوب کار کند، [illegible] کارفرما میتواند مزایای [illegible] دو [illegible] به او بدهد. [illegible] است ولازم نیست طرح بهم ریخته‌شود.

درمورد کمیسیون داوری وعدم تشکیل آن که ممکن است از طرف مدیریت کارخانه باشد، ازمواردی است که باید ازآقای سلطانی خواهش کنم که ایشان بعدا که باآقای آزمایش، این جلسات را احیانا باحضور نماینده وزارت کار تشکیل دهند تا اگر احیانا در خفا گله هائی بین کارگران وجود داشته باشد، ریشه کن شود که خدای نکرده کندی در کارها پیدا نشود. وجود این کمیته‌ها مسلما مفید است در این مورد پیش‌بینی‌هائی هم شده است، اینها چیزهائی است که انجام سیاست مدیریت را بهتر میکند وازجهت کارگر هم ضوابطی برای تفاهم بوجودخواهدآورد.

در مورد گرم وسرد شدن سالنهای کار و عدم وسائل حفاظتی، توصیه‌های لازم بکار فرما خواهد شد وبااعزام بازرسانی از وزارت کار سعی خواهد شد که این نواقص برطرف شود.

از لحاظ مسکن هم همهٔ ما میدانیم که شهر تهران بصورت عجیبی وسیع شده واز لحاظ آب، برق وسایر ضروریات زندگی مشکلاتی بوجود [illegible] واگر به این صورت [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] حلال مشکلات است، منتهی در مورد کارخانجاتی که از قدیم بوجود آمده وشاید در دل شهر فعالیت دارند انجام این امر مشکل بنظر میرسد ودر مورد کارخانجاتی که جدیدا تأسیس [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] خواهد شد.

خانم طوبی حسینی دبیر هیأت مدیره سندیکا: کارگران فرصت صبحانه خوردن نمیدهند، [illegible] [illegible] [illegible]

حبیب‌الله حسامی: [illegible] [illegible] [illegible] است که [illegible] از روابط کاری بین دو ممنوع باید وجود داشته باشد، البته این توصیه را خواهم کرد

در مورد صبحانه هم، سابقه داریم که در بعضی کارخانجات برای اینکه وقفه‌ای حاصل نشود و کار تعطیل نشود وبالاخره وقت زیاد تلف نشود در همان محل کار به‌آنها غذا یا ساندویچی داده‌اند ولی چون کارگران رغبتی نداشتند مقداری [illegible] خورده ومقداری هم نخورده‌اند وهمین [illegible] باعث شده بعد از مدتی موش پیدا شود، چون در قانون برای صبحانه صراحتی نیست، نمیتوانیم توصیه کنیم ولی از طرفی هم باید به‌بینیم باتوجه بوضع این کارگران میتوانند راندمان کاری را که‌از آنها باید انتظار داشت بدهند؟ این از وظائف کارفرما است که برای بازده بیشتر چاره اندیشی کندوناچاراین وقت را بدهید.

بقیه کار زنان و کودکان

بقیه از صفحه ۴۲

بهتر قادر بکارهستند، نباید اجازه داد که اطفال بکار اشتغال ورزند.

ثانیاً فراهم آوردن امکانات تحصیل برای اطفال است. باید به آنان امکان داد که به تحصیل بپردازند، نه اینکه بجای مدرسه، راه کارخانه را درپیش گیرند ودر آینده بتوانند بنحوی شایسته تر وبهتر به پیشبرد هدفهای جامعه خدمت نمایند.

۲ــ منع کار شب برای زنان و کودکان

چنانکه بیان گردید، یک رشته عوامل جسمانی ویا ویژگیهای خانوادگی سبب گردیده است که مقرراتی درجهت محدودیت زمان اشتغال زنان و کودکان بکار وضع شود، ازجمله این محدودیت‌ها مربوط به کار زنان و کودکان در شب میباشد.

شب چه زمانی از ۲۴ ساعت شبانه روز است که کار برای آنان منع گردیده است؟ درمورد مدت زمان شب اختلاف نظر بسیاری وجود داشته. گاه آنرا بین ۱۱ تا ۷ صبح وگاه بین ۹ شب تا پنج صبح وگاه نیز بین ساعت ۱۰ شب و شش صبح دانسته اند ولی قوانین کار فعلی غالباً کارشب را کار در ساعات ۱۰ شب تا ۶ صبح دانسته ۲۳۷ در ماده ۱۷، چنین مقررمیدارد: کارشب (بین ساعات بیست‌و دو و شش صبح) برای زنان و کارگرانی که کمتر از ۱۸ سال دارند، ممنوع است، جز درمورد زنان پرستار بیمارستانها مشاغل دیگری که طبق تشخیص وزارت کار تعیین خواهد شد.

مواردی که ممکن است انجام کار در شب ممنوع نباشد:

ــ کار در بیمارستانها

ــ کار در کارگاههای خانوادگی

ــ در موارد فرس ماژور

در مورد بیمارستانها خود قانون تصریح دارد، درمورد کارگاههای خانوادگی، چون این کارگاهها مشمول قانون کار نیستند و اصولا خانواده یعنی تنها پدر، مادرو اولاد در آن به کار اشتغال دارند و در واقع محل کارگاه همان خانهٔ آنهاست، اشکالی از لحاظ پرداختن به کار وجود ندارد. موارد فرس ماژور بسیار زیاد است، و در هرحال بستگی منافع عامه مردم ویا بیم خرابی، سیل زدگی وجود دارد که درچنین مواردی شاید وزارت کار و امور اجتماعی اجازه اشتغال بکار را در شب برای اطفال و یا زنان بدهد. حال به‌بینیم فلسفه این امر که درقانون اجازه داده نشده است که زنان و اطفال در شب بکار بپردازند، چیست؟

بعقیده ما این امر ناشی ازسه عامل اساسی است:

۱ــ عامل خانوادگی.

۲ــ عامل جسمانی وشرائط بهداشتی.

۳ــ عامل اخلاقی وسنتی

البته ممکن است درمواردی خاص عوامل دیگری هم وجود داشته باشد، ولی بودن تردید این سه عامل ازاهم عواملی است که مانع ازآن میگردد که زنان‌واطفال‌درشب بکاربپردازند. زیرا واقعاً کار در شب بویژه از لحاظ جسمانی و سلامت‌بدنی بسیارسخت‌وناراحت کننده‌است. بدین لحاظ است که قانونگزار برای افراد عادی نیز که شب ها بکار بپردازند، هرساعت ۳۵ درصد اضافه مزد مقرر داشته است.

با توجه به آنچه بیان گردید، این‌نکته را نیز باید خاطرنشان‌ساخت که نهضتی که هم اکنون درجهان، درجهت برابری زن ومرد ایجاد گردیده وگسترش یافته است، معتقد است که این تبعیض باید ازمیان برود و زنان نیز باید بتوانند در شب بکار بپردازند.

۳ــ منع کارهای سخت و زیان‌آور برای زنان و جوانان

قانونگزار بمنظور حفظ سلامت جسمانی زنان و جوانان اشتغال آنان را به برخی از کارها منع کرده است، این کارها درکلیه قوانین کشورهای مختلف جهان‌تحت‌عنوان کارهای سخت و زیان‌آور و خطرناك نام برده شده است.

درقانون کار تعریفی ازکارهای سخت و زیان‌آور بعمل نیامده و آئین‌نامه اجرای آن نیز بذکر این قبیل کارها پرداخته وآنها را برشمرده است.

به عقیده ما کارهای سخت و زیان آور کارهائیست که اجرای آن با توجه به محل انجام کار یا طبیعت ونوع آن وبالاخره آثارناشی ازآن برای‌سلامت‌و زندگی انسان زیان‌آور باشد. بنا بر این کارهای مذکوررامیتوان به سه‌دسته تقسیم کرد:

۱ ــ دسته‌اول کارهائی که انجام آن با توجه به وضع بدنی مشخص کارگر مشکل و سخت‌است.

۲ ــ دسته دوم کارهائی که محل انجام آن برای‌سلامت‌انسان زیان‌آوراست.

۳ ــ دسته‌سوم کارهائیکه نوعاً و با آثارناشی از آن برای انسان زیان‌آورتشخیص داده‌شده است.

ادامه دارد

زال

به روایت: ن. ه. مغانی

رودابه، که تمام شب را به فکر زال گذرانده و دیده به خواب نیالوده بود، از سحرگاه زود بستر را ترک گفته بود و اینک با دلی پرشور و تپش در باغ زیبای کاخش قدم میزد و چشم براه ندیمه‌هایش داشت تا ازگل‌چینی درکنار رودخانه که درواقع بهانه‌ای برای دیدار زال و رساندن پیام رودابه به او بود برگردند ووصف زال وآنچه را که ازاوشنیده‌اند برایش بازگویند.

رودابه دختری بی‌نهایت زیبا و دلارا بود. پوستی به سفیدی عاج، چشمانی درشت و سیاه قامتی بلند، اندامی موزون و حرکاتی دلنشین داشت وگیسوان مشکی و پرچین وشکنش چنان بلند بود که با آنکه پشت‌سرجمعش می کرد باز نوک هنگام خرامیدن بر زمین می‌سائید.

او خواستاران زیادی ازمیان بزرگان کابلستان و دیگر سرزمین‌ها داشت اما به همه جواب رد میداد و به مادرش سیندخت — که از زنان نامدارعصرخود بودمی گفت:

— مادر، من فقط همسر مردی خواهم شد که شنیدن نامش لرزه برقلبم بیفکند و وجودم را سرشار ازشوق وشور کند.

و اینک این مرد از راه رسیده بود و رودابه از شنیدن نام و وصف قدوبالای او دچار شور و هیجانی بیسابقه‌شده بود: زال پسرسام‌نریمان..

رودابه با اندیشه های شیرین و رؤیائی مشغول قدم‌زدن درباغ بود که‌صدای خنده‌های شاد ندیمه هایش راشنید و به سوی آنها دوید. ندیمه هایش با آغوش های پرازگل و چهره‌های سرشار از شادی و خنده بطرفش آمدند و همه یکصدا گفتند:

—اورا دیدیم رودابه! اورا دیدیم!

رودابه با نگرانی وشوق گفت:

— یواش دخترها، شما دارید راز مرا همه گیرمی کنید!

ندیمه‌ها خندیدند وساکت‌شدند و رودابه آهسته پرسید:

— با اوحرف هم زدید؟

—بله، چه حرف‌های‌شیرینی!

— برویم توی اتاق من و همه‌چیز را فوری برایم تعریف کنید...

همگی به‌طرف اتاق رودابه دویدند وبعداز آنکه رودابه دراتاق را ازداخل بست‌گفت:

— دلم دارد ازسینه‌ام می‌آید بیرون! زود باشید همه‌اش را تعریف کنید. اما پیش از هر چیز بمن بگویید آیا سخنان او هم مثل قدوبالاش دل‌انگیزوگیراست؟

یکی ازندیمه هاگفت:

— آه، بله! چه صدایی، چه حرف‌های سنجیده و دلچسبی! رودابه، او یک پهلوان واقعی است، یک‌مرد بزرگ وبی‌نظیر!

و آنگاه ندیمه‌ها تمام ماجرای آن صبح دل‌انگیز را برای رودابه تعریف کردند که چگونه زال با یک تیر مرغابی را میان زمین و آسمان شکارکرد و بعد آمدنش نزد دختران و پرسشهایش از رودابه و پیام عشقش برای شاهدخت کابل ...رودابه از شوق سرپابند نبود با هیجان‌گفت:

— پس اوامشب بدیدارمن می‌آید! خدای من، چه‌سعادتی! باید خانه‌ام را برای پذیرایی ازاو بیارایم...

* * *

زال که پیام عشق‌آمیز رودابه و شوق دیدار او قلب و روحش را از شادی و سرور آکنده بود تمام روز را به اسبسواری وگردش و تفریح گذرانید و چون با غروب خورشید به سراپرده‌اش برمی‌گشت به خدمتگزار وفادار و رازدارخود ریدک گفت:

—من وتوامشب گشت کوچکی خواهیم زد. اسبم را برو خوب تیمارش کن و چون پاسی از شب‌گذشت آنرا نزدیک سراپرده‌ام آماده نگهدار. یادت باشد که سم‌های اسب‌ها را نمدپیچی، چون نمیخواهم صدای قدمهای اسبها خفته‌ها را بیدار کند!

ریدک باشیطنت خندیدوگفت:

— خاطرتان آسوده باشد... همه‌چیز مطابق میلتان آماده‌خواهد بود.

* * *

نیمه‌های شب بود که زال ازسراپرده‌اش

و رودابه

بیرون آمد. همه‌جا درسکوت و تاریکی غرق بود. زال نگاهی به‌اطراف انداخت ، نفس بلندی کشید و به‌راه افتاد . هنوز چند قدم جلوتر نرفته بود که ریدک را دید که بادو اسب از پشت سراپرده بیرون آمد . زال به‌سوی او رفت و پرسید:

— همه‌چیز آماده است؟

— بله قربان !

زال برپشت اسبش قرارگرفت و گفت:

— برویم . . .

و اسب را به‌حرکت درآورد . ریدک نیز با کمی فاصله سایه به‌سایه‌ی زال اسب می‌راند. . . آنها به‌سوی کاخ شاهی مهراب می‌رفتند. کاخ مهراب در کنار شهر ، نزدیک دشتی وسیع سرسبز قرارداشت.

شب مهتابی زیبایی بود و نسیم ملایمی می‌وزید.

کاخ بزرگ و مجلل شاه کابل ازفاصله‌ای دور در زیر نور مهتاب جلوه‌ای چشمگیر داشت . زال همچنان که ازمیان دشت می‌گذشت مشغول تماشای این کاخ باشکوه بود و در این اندیشه که رودابه را بر بالای کدام برج کاخ خواهد دید و چگونه نزد او راه خواهد یافت . . . ناگهان قامت رسای دختر زیبا را در کنار کنگره‌های برج غربی کاخ دید که درپوششی ازنورمهتاب جلوه‌ای افسانه‌ای داشت.

زال تا نزدیکی برج آمد وآنجا از اسب پیاده شد و درحالیکه لگام آنرا بدست ریدک می‌داد گفت :

— اسب را در پشت درختهای آنسوی دشت ببند و خودت همین دوروبرها باش . . . کمند مرا بده !

زال هنوز پای برج نرسیده بود که صدای دلنواز رودابه را از بالای برج شنید که می‌گفت:

— خوش آمدید شاها ! درود و سپاسم نثار قدمهایتان باد !

زال ندا داد:

— درود بر شاهدخت زیبای من ! مرا راهی بنمایید که‌سخت برای دیدارتان بیتاب‌وقرارم !

رودابه درحالیکه گره از گیسوان بلند و پرپشت و زیبایش میگشود و آنرا ازمیان کنگره‌های برج به پائین می‌ریخت گفت:

— کمند گیسوانم را بگیرید و بالا بیایید تا خاك پایتان را توتیای چشمانم کنم !

و زال حیرت زده گیسوان پرتاب دختر زیبا را دید که‌چون کمندی زیبا از برج پایین آمد و تا دسترس او برروی دیوار برج قرار گرفت . زال دست براین گیسوان لطیف و ابریشمین سایید ، آنها را باشتیاق بوسید و شادمانه گفت :

— نه شاهدخت من ، من این گیسوان زیبا را می‌بویم و غرق بوسه میکنم . آنها گرامی‌تر از آنند که بجای کمند بکارآیند . . . این خرمن شکن درشکن مشکبیز را جمع کنید. . . و اینک کمندمن که‌مرا بشما میرساند. . .

و با این سخن ، کمندش را خم داد و بالا انداخت که برکنگره‌ای افتاد و چون محکم شد ، زال به کمك‌آن ازدیوارهی برج بالا رفت. . .

* * *

زال و رودابه به لحظاتی چند در برابر هم ایستاده بودند و چنان دچار شیفتگی و هیجان بودند که هیچکدام نمی‌توانستند سخنی برزبان برانند . . . سرانجام زال دست رودابه را بدست گرفت و تحسین کنان گفت:

شما هزاران بار زیباتر از آن هستید که وصف کرده‌اند. . .

رودابه باشرم سرفرود آورد و گفت :

— بر کنیزتان منت می‌گذارید سرورمن ' . . . دیدارتان برای من سعادتی نامنتظر بود . . . میتوانم خواهش کنم دراتاق فقیرانه‌ام لحظه‌ای استراحت کنید. . .

و زال را که محو تماشای چهره و اندام زیبای اوشده بود همراه خود از راهی باریك و پرپیچ وخم به اتاق خود برد.

آندو ساعتها در کنار هم بودند و از دیدار و مصاحبت هم لذت می‌بردند. . .چون سپیده‌دم نزدیك شد زال درحالیکه رودابه را به سینه می‌فشرد گفت:

— می‌دانم که پدرم سام و نیز شاهنشاه ایران زمین با پیوند من و تو مخالفت خواهند کرد زیرا پدر تو مهراب از نسل ضحاك است و شاهنشاهان و پهلوانان ایران زمین نسبت به ضحاك کینه ودشمنی‌عمیق بردل‌دارند. . . اما سوگند می‌خورم که جزتو همسری نگزینم‌واین مخالفت‌ها ، هراندازه‌هم بزرگ باشد ، نتواند مانع پیوندما بشود.

— منهم سوگند میخورم که در تمام عمر به‌شما وفادار باشم‌و جزشما‌شوهری برخود نگزینم.زال بوسه‌ها برروی‌وموی اوزد و گفت:

— توباد پدارخود و باپیمان‌دلگرم کننده‌ات برمن سعادت‌و خوشی بخشیدی. اینک‌وقت آنست که ازهم جدا شویم‌تامن‌هرچه زودتر چاره‌ای بیندیشم که یك لحظه نیزتاب دوری ترا ندارم.

وآنگاه او را بدرود گفت‌و بالای برج‌آمدو با کمند پائین رفت‌و بهمراه خدمتگزاروفادارش به‌سراپرده‌ی خود بازگشت.

* * *

وقتی آفتاب دمید ، زال‌همه‌ی مؤبدان‌و بزرگان زابلستان را پیش‌خود خواندوپس‌از آنکه شمه‌ای از خوبیهای مهراب کابلی را برشمرد، گفت:

— میدانید ، مهراب دختری دارد که‌دل ازمن ربوده استومن دورازاو تاب‌وتوان‌زندگی ندارم . . . شما پیوندمن واورا چگونه‌می‌بینید؟

مؤبدان که از تبار مهراب آگاه بودندسر بزیر افکندندو ساکت‌ماندند.زال چون‌سکوت آنها را دید برآشفت‌و گفت:

— میدانم شماهمه درچه‌اندیشه‌ای هستید امامن به‌گذشته‌ها اهمیتی نمی‌دهم. من رودابه را می‌خواهم‌و بهرقیمتی باشد او راملکه‌ی‌قلب وجانم خواهم کرد. شما هم بجای این اندیشه‌های تلخ و تیره بفکرگره‌گشایی ازاین کارباشید و بمن یاری دهیدتا به بزرگترین آرزویم جامه‌ی عمل بپوشانم‌و بدانید که اگر بمن کمک کنید از هیچگونه محبت درحق‌شما کوتاهی نخواهم کردوشمارا ازمال‌وثروت بی‌نیازخواهم کرد.

مؤبدان‌و بزرگان وقتی اشتیاق‌وعشق‌زال رانسبت به‌رودابه به‌این حد دیدند، گفتند:

— ماآرزویی جزآن نداریم که شاه‌جوانمان را همیشه شاداب‌و خوشحال‌ببینیم‌ومیخواهیم همیشه دنیا به کام شما بگردد ، اماآنچه مارا نگران میدارد تصمیمی است که سام‌پهلوان باید بگیرد . . . شما در عقل‌وخرد ازهمه‌ی‌ما والاتر هستید. چرا نامه‌ای بپدر نمی‌نویسیدو موافقت‌اورا بااین پیوندخواستارنمی‌شوید؟

— همین کار را خواهم کردو پدرم‌جز موافقت باپیوندمن‌و رودابه چاره‌ی‌دیگری ندارد.می‌دانید که او سوگند خورده است که بجبران بی‌مهری‌های گذشته باهرچه‌من‌اراده کنم موافقت‌بکند.

زال پیدرنگ نویسنده‌ای را خواست‌تا نامه‌ای ازطرف او برای سام بنویسد.او دراین نامه از عشق‌و دلدادگی خود به‌دخترمهراب کابلی بتفصیل سخن گفت‌و از پدردرخواست کرد که باپیوند او و رودابه موافقت کندو موافقت‌منوچهر شاهنشاه ایران‌زمین را نیزجلب کند. زال پیمانی‌را کمیان او و پدرش بود به‌یاد سام‌آوردو به‌تأکید خواست که بی‌هیچ تردیدی این‌عشق سوزان‌و زوال‌ناپذیرفرزند را بدیده تأییدبنگرد.

وقتی نامه آماده شد زال آنرا بدست‌پیکی بادپای سپردتاهرچه زودتر بدست سام‌برساند و پاسخش را بازآورد.

* * *

سام تازه باپیروزی از جنگ دیوان‌برگشته بود که خبردادند پیکی از سوی زابلستان آمده و پیغامی اززال‌برای پدرآورده است.

سام که دلش برای فرزند تنگ شده‌بود بی‌درنگ پیك را پذیرفت‌وپس از آنکه به گرمی جویای حال فرزند شد ، نامه‌ی زال را گرفت‌و گشودو با علاقه‌مندی به مطالعه‌اش پرداخت اما هرسطری راکه میخواند چهره‌اش بیشتر درهم می‌رفت‌و اندوه‌وهم بیشتری برسیمای پهلوانی‌اش سایه می‌افکند. . .و چون نامه را بپایان رساند لحظه‌ای متفکر باقی‌ماندوآنگاه به پیك‌زال گفت:

— تو چندروزی میهمان من باش‌تامن‌در باره‌ی خواست پسرم خوب‌اندیشه کنم. . .و اشاره کرد که او را ببرندو وسایل راحتی‌اش را فراهم کنند.

پیك که بیرون رفت سام یك بار دیگر نامه‌ی‌زال راخواندو بازدراندیشه فروشد:

— از یکسو سوگندخورده‌ام که باهیچ آرزوی زال‌مخالفت‌نکنم و ازسوی دیگر ،چگونه می‌توانم به‌پیوند اوبادختری ازنژاد ضحاك موافقت کنم ؟فرزندی که از پیوند این‌پرورده‌ی سیمرغ‌وآن زاده‌ی اژدها بوجود میآید چگونه موجودی می‌تواندباشد ؟

سام هرچه‌فکر کرد راه بجایی نبردو چاره را در این دید کموضوع راباموبدان‌وستاره شناسان درمیان بگذارد تاآنها پیش‌بینی کنند که این پیوند چه‌آخروعاقبتی میتواند داشته باشد. پس دستورداد که همه‌ی مؤبدان و ستاره شناسان در بارگاه او گرد آیند و چون همه‌حاضرشدند، سام‌داستان عشق‌فرزندش زال را به دختر مهراب کابلی بازگفت و ازآنها خواست بنگرند که‌ستاره‌ی این دوجوان با هم چگونه است و پیوند آنها چه پس آمد هایی میتواند داشته باشد.

ستاره‌شناسان ومؤبدان در اتاقی خلوت کردندو با رمل واسطرلاب ووسایل ستاره‌شناسی دیگر به مطالعه و تحقیق پرداختند و پس از ساعتها مطالعه ومشورت ، نزد سام برگشتند و با خوشحالی به او خبر دادند که پیوند فرزندش زال با رودابه دختر مهراب پیوندی مبارك و خوش‌آیند است چرا که پهلوانی ازاین پیوند بدنیا خواهدآمد که پاسدارشاهنشاهی ایرانزمین خواهد بود ونسل دیوان وناپاکان را ازروی‌گیتی برخواهدافکند.

سام‌که ازاین مژده غرق شادمانی شده بود خلعت و انعام فراوانی به ستاره‌شناسان بخشید و بی درنگ پاسخ نامه‌ی زال را نوشت و ضمن اعلام موافقت خود به او وعده داد که موافقت منوچهرشاه رانیزخود شخصاً جلب خواهد کرد و بزودی برای برگزاری مراسم باشکوه عروسی زال و رودابه به زابلستان‌خواهد رفت.

سام آنگاه پیك زال راکه درانتظار پاسخ نامه‌بود پیش خود خواند و دستور داد به او نیز خلعت‌وانعام ببخشند ودرحالیکه نامه‌را بدستش می‌سپرد گفت :

— با شتاب هرچه تمام تر نزد زال برگرد و نامه ام را بدست پسرم برسان تا دل شیفته او بیش ازاین درتشویش وانتظارنماند. . . .

ادامه دارد

جدول کلمات متقاطع

از: جهانگیر پارساخو

۱ ۲ ۳ ٤ ۵ ٦ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱

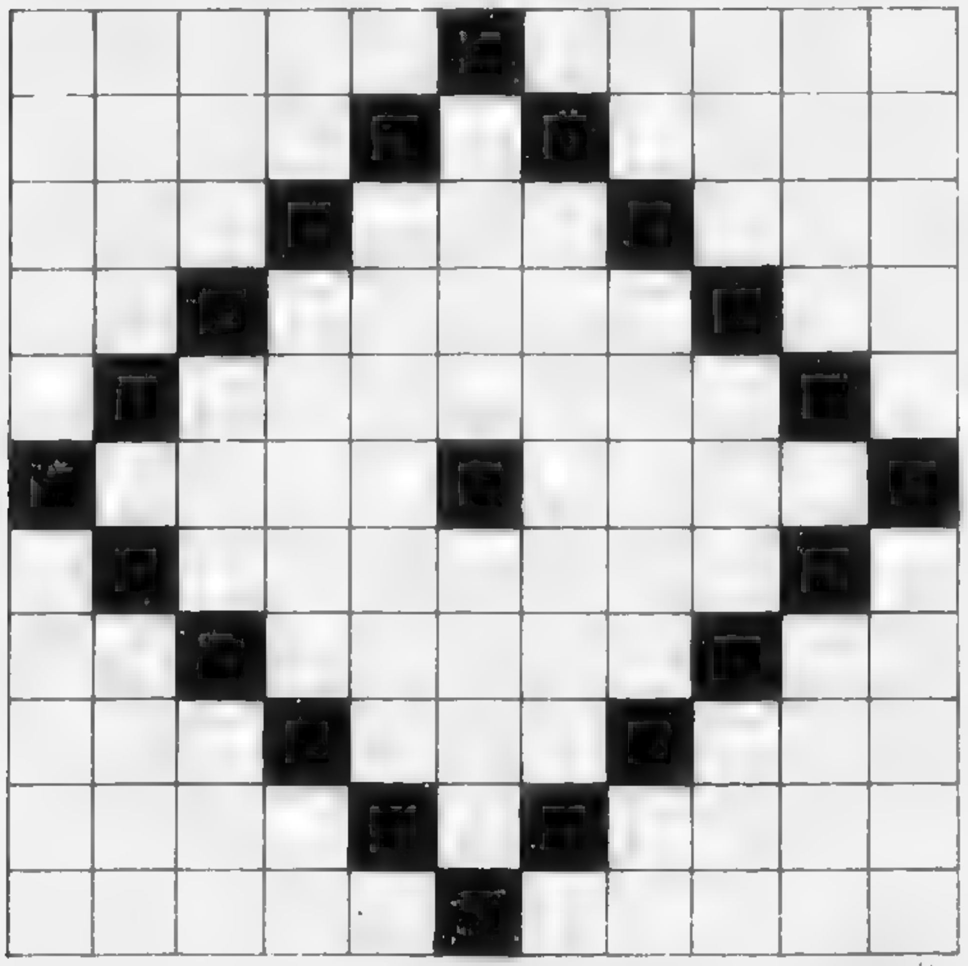

افقی:

۱— اثر معروف شکسپیر— کنده کار ۲— در جریان— معروفترین اثر امیل زولا ۳— داروی بیهوشی— رنگ بیمار— بهار خبر از نکوئی آن میدهد ٤— علامت فقدان— گاه بگاه و بطور اتفاقی— ضمیر جمع ۵— پریرخان ٦— نام دیگر پرچم— یک ده ترجیح داده شده به صد شهر خراب ۷— وجه تشابه طفل شیرخوار و آدمهای کهنسال ۸— پدر اعراب— هدف— ماه کم حرف ۹— رود لاجورد— سگ قابل پرهیز— باغی در شیراز. ۱۰— از فانی بودنش بیشتر صحبت میشود جدی ۱۱— سوره‌ای در قرآن مجید— ریشه

عمودی:

۱— وسیله نقلیه‌ای در قدیم— دو چهره مؤنث و مذکر و همچنین مشهور هند ۲— راه رفتن بچه تازه پا— بصیر ۳— واحد پول یکی از کشورهای اروپائی— زیور— زدن آن کار حیوان است ٤— بازی آدمهای یکدنده— دوست خوب اینطور میشود— حرف ندا ۵— اثری از بالزاك ٦— روزی که بزودی خواهد آمد— سخن چین ۷— درجه‌ای در نیروی دریائی ۸— لحظه— درخشنده— رودی در فرانسه ۹— واحد شمارش بعضی حیوانات— قوت لایموت— پاسخ مثبت ۱۰— جایگاه حیوانات چرنده و درنده— نام ترانه چند تن از خوانندگان ۱۱— زار— حیوان مبارك.

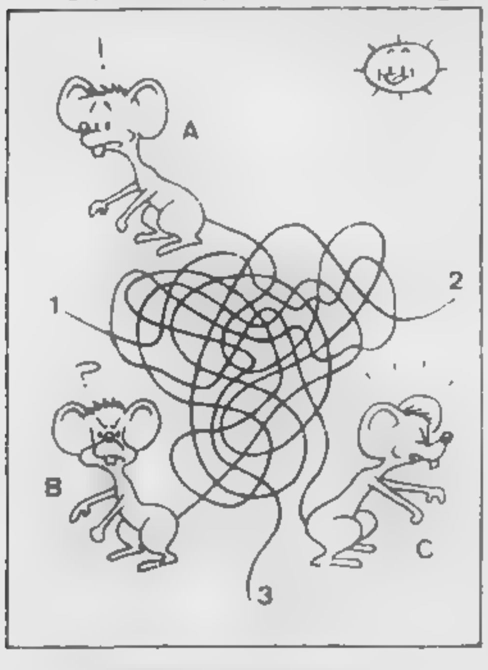

در این تصویر بدم هر موش رشته نخی بسته شده که نخ ها درهم رفته اند، شما به «دایره جدول، سرگرمی و مسابقه» بنویسید شماره نخی که بدم هر موش بسته شده چیست و جایزه بگیرید.

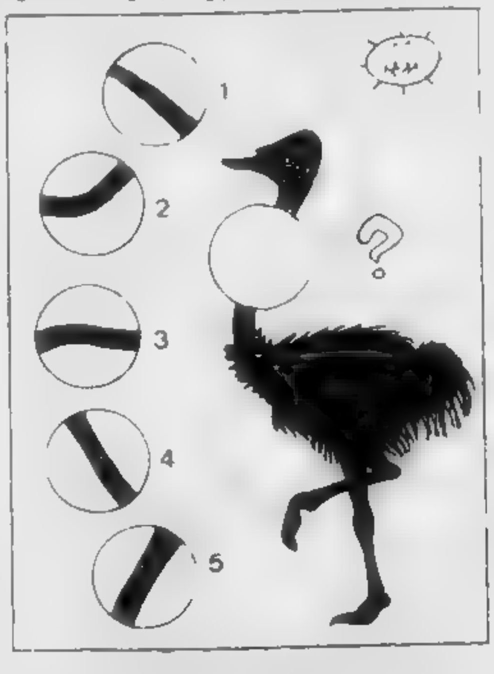

یکی از این پنج گردن که هر یک در دایره‌ای جاگرفته قسمتی از گردن شترمرغ است، آن کدام است و شماره‌اش چیست؟ پاسخ را به «دایره جدول، سرگرمی و مسابقه» بنویسید و جایزه بگیرید.

پاسخ جدول کلمات متقاطع شماره یازده

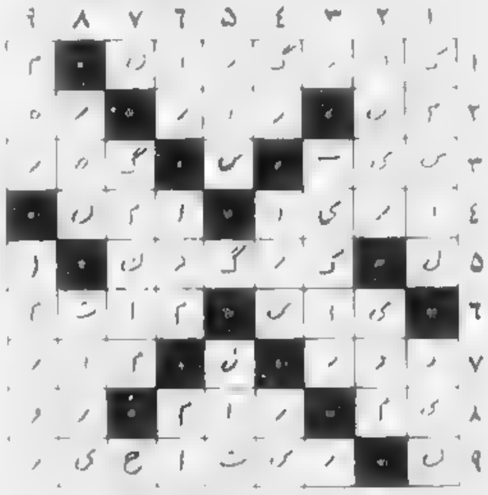

۱— آقای علیرضا خالقی (سکه یک پهلوی طلا) ۲— آقای بهروز خاکسار (ساعت) ۳— بانو مریم وحیدی (رادیو) ۴— آقای اردشیر عاصمی (قلم خودنویس).

جوایز مسابقات:

۱— دو سکه یک پهلوی طلا.
۲— دو ساعت مچی.
۳— دو رادیو ترانزیستوری.
۴— دو قلم خودنویس.

این جوایز بحکم قرعه به هشت تن از شرکت کنندگان در مسابقات که پاسخ صحیح بدهند تعلق میگیرد، مشروط بر اینکه نام، نام خانوادگی، تاریخ تولد، شغل و آدرس دقیق خود را در زیر پاسخ و نام مسابقه و شماره مجله را در بالای پاسخ و روی پاکت قید نمایند.

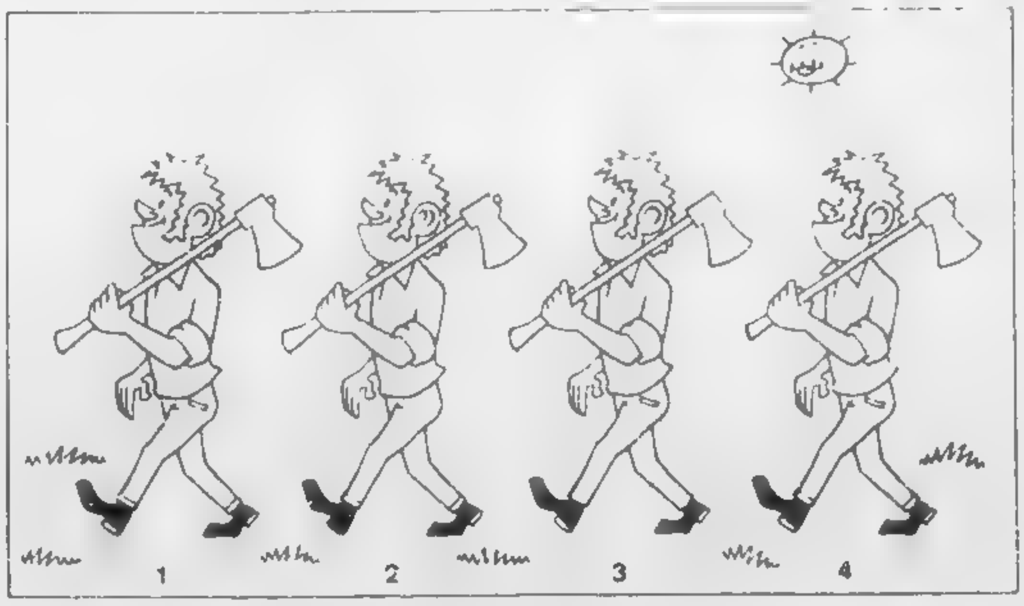

در این شکل، هر هیزمشکن با سه هیزمشکن دیگر یک اختلاف دارد، اختلاف هر یک از آنها را با دیگران به «دایره جدول، سرگرمی و مسابقه» بنویسید و جایزه بگیرید.

نقشه شماره ... کدام کشور است و نقشه کشورش کدام است؟ پاسخ را به «دایره جدول، سرگرمی و مسابقه» بنویسید و جایزه بگیرید.

فال

ستارگان درباره حوادثی که در دو هفته آینده در انتظار شماست چه میگویند.

فروردین

در امور احساسی طرف مقابل را مورد آزمایش قرار میدهید ودر این آزمون به صدق گفتار ودرستی او آگاه میشوید. هنر نمائی وموفقیت های این هفته‌تان به اندازه‌ای چشمگیر خواهد بود که نزدیکانتان به آن افتخار خواهند کرد و دوستان تازه‌ای خواهید یافت.

اردیبهشت

به کمک افراد صمیمی برای رفع مشکلتان راه حل مناسب پیدا می کنید ، در مورد اقدام اساسی اینهفته‌تان ضعف وبی اراده‌گی را کنار بگذارید که انسانهای بدون جرأت همیشه شکست میخورند کارهای شروع شده را نیمه تمام گذاردن مقرون بصرفه نمی باشد .

خرداد

یکی از نزدیکان موجبات خوشبختی شما را فراهم میسازد ، این همه با چند ماجرای شیرین مواجه میشوید گرفتاری اخیرتان در این هفته بطور کلی پایان میپذیرد در اول هفته دوم مژده بزرگی دریافت میدارید و قوت قلب میگیرید . بزودی در یک میهمانی شرکت می کنید.

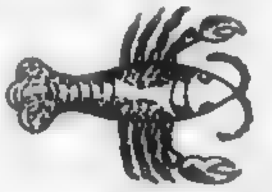

تیر

در باره موضوعی که برایتان اهمیت دارد ، خبر جالبی میشنوید . برای رهائی از بی حوصلگی خودتانرا به فراگیری یکی از هنرهای ظریفه مشغول دارید . برای دریافت پول قابل توجه یا استقبال یکی از عزیزان آماده میشوید . از بد قولی پرهیز کنید.

مرداد

اقدامات افراد خانواده و تصمیمات شخصی را بدقت بررسی نمایید ، چون چگونگی اجرای آن در تعیین سرنوشت آینده‌تان بسیار مؤثر خواهد بود ، یک خبر تلفنی بامضمون یک نامه برنامه‌تان را تغییر می دهد . طرح چندساله‌تان به مورد اجرا درمیآید.

شهریور

در پایان هفته اول از انجام هرگونه تغییروتحول در دنیای عاطفی یا شغلی مطلق خود داری نمایید در اواسط هفته دوم پول زیادی بدستتان میرسد . پس از آنکه توانستید کار نیمه تمام را به پایان برسانید ، درآن صورت مسلماً راه پیشرفت جلویتان بازمیشود

مهر

با نیروی ذهنی خود بالاخره جریان ناموافق را به مسیر دلخواه خود می اندازید. ممکنست بخاطر حرکات غیر معقول یکی از اطرافیان ویا حرفهائی که در غیاب شما می‌زند ، برای مدتی رابطه‌تان با او بریده میشود . این هفته در دنیای عشق کمی واقع بین و آینده نگر باشید .

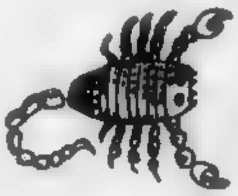

آبان

شخصی که بسیار بشما علاقه‌مند است بدیدارتان می‌آید . در اوائل هفته دوم با چند شخصیت مهم ملاقات های سازنده خواهید داشت . در پایان هفته دوم سرانجام برنامه‌یی را که مورد نظر دارید ، به مرحله عمل در خواهید آورد

آذر

کمتر احساساتی باشید ، احساسهای لطیف وشدید فقط مربوط به مضمون های شعر و شاعری است . اکنون دیگر وقت آن رسیده است که از دودلی وبی تصمیمی بیرون آئید وبرای ترتیب آشیان زندگی و شروع کار واجب دست بکار شوید ونتیجه مثبت بگیرید.

دی

در آغاز هفته دوم به محض دریافت نامه همه نگرانی هایتان برطرف میشود، جریان مورد نظر به سود کامل شما وطبق دلخواهتان روبراه میشود . شخصی را که مدتها در جستجویش هستید ، می‌بینید و مسئله را حل می کنید

بهمن

با یک خوشبختی غیر منتظره روبرو خواهید شد وبه تحقق آرزو امیدوار میگردید، آشنائی شما با یک خانواده محترم بسیار ثمر بخش و پر میمنت خواهد بود ، اوائل این هفته شخصیت شما اهمیت فوق العاده‌ای پیدا می کند،

اسفند

برای اقدام پر سود و نتیجه‌گیری از زحمات خود ، فرصت عالی بدست میآورید. یک مسافر خوش خبر همراه خود چیزهای قیمتی برایتان به ارمغان میآورد ، به یک مناسبت خوش برای تبریک گوئی بدیدار چند نفر میروید

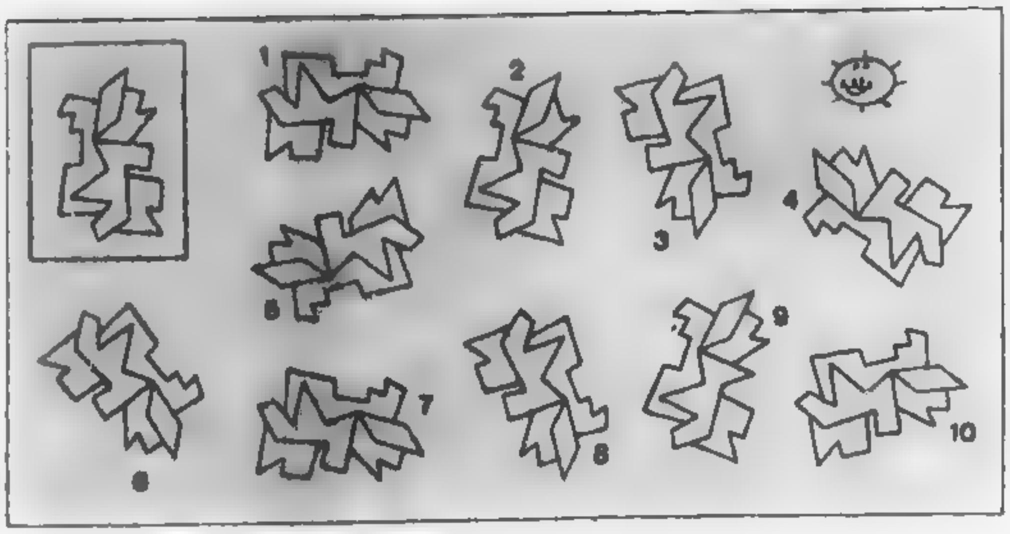

نظیر شکلی که درداخل کادر واقع شده چندشکل دیگر میتوانید پیدا کنید که از هرجهت باآن شباهت داشته باشند. شماره آنها را به «دایره جدول ، سرگرمی و مسابقه» بنویسید وجایزه بگیرید.

دروسط این شکل عکس شش تن از هنرپیشگان معروف سینما چاپ شده است که عبارتند از، ردیف بالا از راست بچپ: برت رینولدز، دبی رینولدز، سوفیالورن در ردیف پایین: بریژیت باردو، مارلون براندو، راک هادسن که عکس کودکی هر شش تن در اطراف آنها چاپ شده و باشماره‌ای مشخص گردیده است

برای شرکت در قرعه کشی و بهره‌گیری از جوایز این مسابقه کافیست که شما عکس کودکی سه هنرپیشه را بدرستی تشخیص دهید وبرای ما بنویسید.

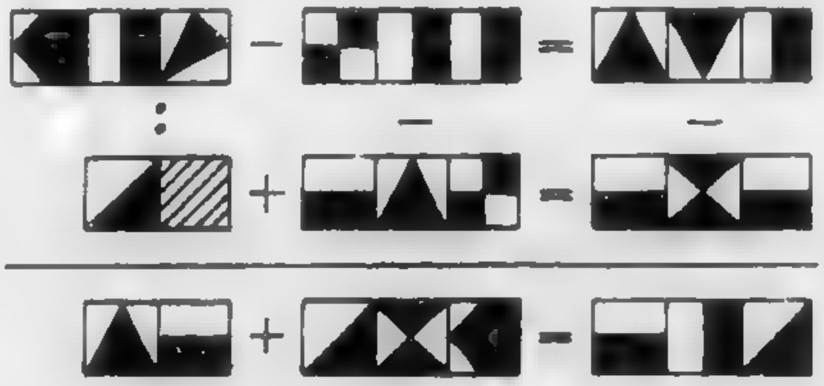

اعدادمرموز!

در این شکل هر مربع نقش عددی را بازی میکندوشما این اعداد را از روی علایمی که در اطراف آنها مشاهده مینمایید ، میتوانید پیدا کنید.

اگر موفق شدید پاسخ را به « دایره جدول ، سرگرمی ومسابقه » بنویسید وجایزه بگیرید.

باحرعه ای زخوند لم نوش میکنی — سستانه عهد خویش فراموش میکنی
الشمع مهررا که بجان برفروختم — ازباد قهر یکسره خاموش میکنی
مرده مرا بوی دلاویز موی خویش — ازدست میرباتی ومد هوش میکنی
ترسم که همچوطبع تو سودائیم کند — این طره ای که زیب برودوش میکنی
را زنهان عسق خود ازچشم من بخوان — تاچندش ازدهان کسان گوش میکنی
کرچشم دل بجوس درون من افکنی — کی اعتنا بخون سیاووش میکنی
ای ماه، رخ میپوس که چون شب دلم را — درسوک هجر خویش سیه پوش میکنی
ما را که بروصال تو دیگر امید نیست — کی با خیال خویش هم آغوش میکنی
گفت زمر سایه، ما گرچه بد دراست — هر یک به ازدری است که درگوش میکنی

از: نادر نادرپور

ار: سعدی

حرابان ازدرم بازآ که از جان آرزومندم
بدیدار تو خشنودم بگفتار تو خرسندم
اگرچه خاطرت با هرکسی پیوندها دارد
مباد آن روز ان خاطر که من باجزتو پیوندم
کسی مانند من جستی، زهی بدعهد سنگین دل
چو من کاندر وفاداری بخواهی یافت مانندم
اگر خود نعمت قارون کسی در پایت اندازد
کجا همپای من باشد، که جان درپایت افکندم
بحانت گرمیان جان زجانت دوست تردارم
بحق دوستی جانا که باور دار سوگندم
مکن رغبت بهرسویی به یاران پراکنده
که من مهردگر یاران زهرسویی پراکندم
سرت وصت ندرده که جام هجر نوشیدم
...رحت دوستی ... که سخ صبر برکندم

عشق: اززبان مولوی

هرچه گویم عشق را شرح و بیان
چون بعشق آیم، خجل باشم از آن

گرچه تفسیر زبان روشن گراست
لیک، عشق بی زبان، روشنتر است

چون قلم اندر نوشتن می شتافت
چون بعشق آمد قلم ازخود شکافت

عقل درشرحش چو خر درگل بخفت
شرح عشق و عاشقی هم، عشق گفت

آفتاب آمد، دلیل آفتاب
گر دلیلت باید از وی رو متاب

*

بوی بهار

بوی بهار میدهی ازبوی یار من
پیغام دوست میشنوم اززبان تو
آرامش دل من جز بوی دوست نیست
قربان جان دوست دلم با دو جان تو

دکتر مهدی حمیدی

«بی تو»

ازالهی نامه عطار

الا ای غایب حاضر کجائی
زچشم من جدا آخر چرائی

دوچشمم روشنائی ازتو دارد
دلم نیز آشنائی از تو دارد.

بیاو چشم ودل رامیهمان کن
وگرنه تیغ گیرو قصدجان کن

به نقد از نعمت ملک جهانی
نمی بینم کنون جزنیم جانی

چرااین نیم جان درتو نبازم
که من بی تو زصد جان بی نیازم

زتو یک لحظه زان دل برنگیرم
که من هرگزدل ازدلبر نگیرم

چومن بی تو نه دل دارم نه دینم
چرا سرگشته میداری چنینم.

غم عشق تو درجان می نهم من
به کفر عشقت ایمان میدهم من

کارگاه نمنده

بهتربن زن

[illegible]

فرزند ناخلف

[illegible]

درزاستگاه

[illegible]

کار

[illegible]

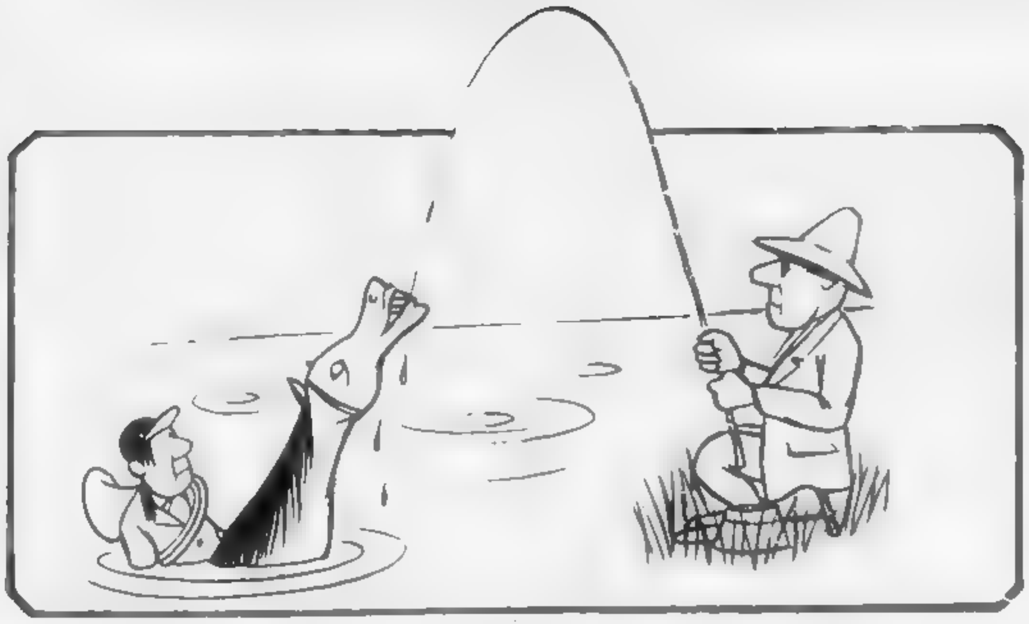

ماهیگیری!

سی‌بیسی، بوی قرنده‌شه... هان

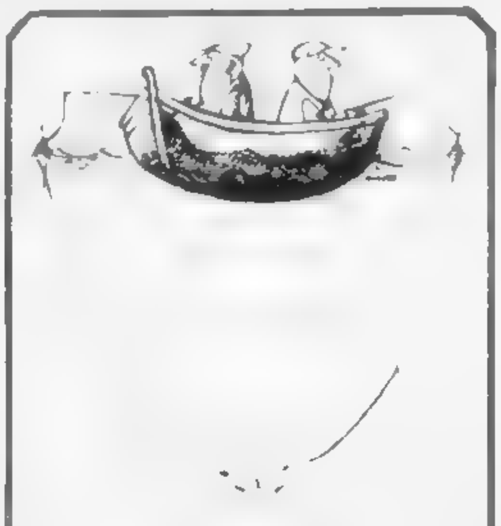

بدون شرح

همبرگر

[illegible]

بند کفش

—تو، سیزده بدرچی گره زدی؟
—بند کفش آقای رئیس ادارمون رو!

خوردنی

— ببینم، توسرما رو بیشتر دوست داری یا گرما رو
— سرما رو
— واسه چی؟
— واسه اینکه هروقت گرسنه باشه می‌تونی سرما رو بخوری ولی گرما رونه!

مدلی برای آن دنیا

کشتی در حال غرق شدن بود و همه در حال فرار، بجز عیال اصغر آقا که این پا و اون پا می کرد. بالاخره اصغر آقا طاقتش طاق شد و سرش داد زد:

زن ناحسابی کشتی داره غرق میشه تو هورا ایمحانی

زنش خونسرد جواب داد: اصغر جون تو بگی چه جوری موهامو درست کنم که باد و طوفان خرابش نکنه؟!

ارکستر جاز

- چرا شیشه های این خونه شکسته
- آخه دیشب اینجاعروسی بود!
- خوب چه ربطی بهم داره؟
- ربطش اینه که ارکسترشون یه گروه جاز بود!

ناراحت نباش ، الان به راه واست می‌اندازیم که خودتو نجات بدی!

— خدا کنه کیفشم مثل خودش سنگین باشه.

بدون شرح

کارگران ساختمان، سازندگان....

بقیه از صفحه ۱۷

محمد ذکائی که یک پیمانکار با سابقه است در این باره می‌گوید: بسیاری از کارگرانی که به کارهای ساختمانی روی می‌آورند، از مهارت و کارآئی لازم برای پرداختن به این حرفه بی‌بهره هستند. از این گذشته هم اکنون تعداد بناها و کارگران ماهر بهیچوجه با میزان [illegible] و [illegible] موجود در [illegible] و همچنین [illegible] مهمی در جهت [illegible] مسکن است. محمد ذکائی می‌افزاید: برای تربیت کارگران ماهر ساختمانی باید برنامه‌های مناسب و آموزش‌های لازم توسط مقامات مسئول اجرا شود. [illegible] خواهد کرد اثرات انکار ناشدنی بر روی نحوه کارهای ساختمانی بجا می‌گذارد.

کمبودهای دیگر

[illegible] مصالح ساختمانی، هم نباید از نظر دور داشت. هم اکنون بسیاری از طرح‌های ساختمانی به علت همین کمبود متوقف مانده یا به کندی اجرا می‌شود. در حال حاضر کمبود آجر و آهن [illegible] دیگر مصالح ساختمانی محسوس است.

افزایش سریع فعالیت‌های خانه‌سازی و دیگر برنامه‌های ساختمانی در چند سال اخیر از علل مهم کمبود مصالح است. هرچند تا چندی پیش سیمان هم بحد کافی وجود نداشت ولی اکنون این کمبود برطرف شده‌است.

آجرهائی که در حال حاضر به‌مصرف کارهای ساختمانی میرسد به‌چند نوع تقسیم می‌شود.

گونه‌های فشاری، بهمنی، ماشینی و مجوف از مهمترین و پرمصرف‌ترین آن‌هاست.

آجر فشاری ارزانترین و مجوف از گرانترین انواع است.

* تقریبا ۹۰ درصد معمارانی که در تهران بکارهای ساختمانی اشتغال دارند، یزدی و بقیه اهل شهرهای اراك، آذربایجان و اصفهان هستند.

کارگران ساده معمولا در فصل بهار و تابستان که زمان اوج کارهای ساختمانیست به‌تهران می‌آیند و بعد از پایان تابستان به‌شهرهای خودشان بازمیگردند.

تابستان و زمستان

امان اصلاحی یک کارگر ساده ساختمانی است. او بیست و هشت سال دارد و صاحب همسر و سه فرزند است. می‌گوید: من از ۱۶ سالگی به کارهای ساختمانی اشتغال داشته‌ام. هرچند در روستای خودم که در نزدیکی [illegible] واقع شده، مختصر زمین و آب و ملکی دارم [illegible] در تهران همیشه برای من پر برکت بوده است. هم اکنون روزی هشت ساعت کار می‌کنم و ۳۵۰ تا ۴۰۰ ریال دستمزد می‌گیرم. [illegible] زمستان [illegible] به روستای خودم [illegible]

محسن [illegible] کارگر ساده ساختمانی است. [illegible] روستا [illegible] ۳۵۰ ریال [illegible] ساله و صاحب همسر و یک [illegible] درباره دشواری‌های شغلش [illegible]

[illegible] کارگران ساختمانی [illegible] کارهای سنگین [illegible] هستیم. در بسیاری مواقع ما در ارتفاع [illegible] متری زمین یا بیشتر بکار میپردازیم تا کنون من شاهد حوادث بسیاری بوده که برای دوستان و همکارانم رخ داده است. [illegible] هستی خودمان [illegible]

مقاطعه کاری

[illegible] ساختمانی [illegible] می‌مانند. انتخاب یکی از این دو روش بسته به چگونگی توافق صاحب کار، مهندس طراح و معمار است. [illegible] ساختمانی [illegible]

[illegible] کارهای ساختمانی [illegible] آرماتوربندها، همکاران و [illegible] گروه کارگران می‌هستند، [illegible] صورت کارگران ساختمانی [illegible]

برنربودن کار

[illegible] آرماتوربندی [illegible] است که فولاد [illegible] بوده و [illegible] درباره چگونگی [illegible] می‌گوید: [illegible] آرماتورچی‌ها بهترین دلیل برنربودن کار ماست. آرماتورچی‌ها گذشته از آگاهی بر کارهای فنی باید قدرت سنجش هم داشته باشند، چرا که بدون داشتن این قدرت، کاری انجام نمی‌گیرد.

یک آرماتورچی ماهر، آهن متناسب با ساختمان را خم می‌کند و آن را طوری شکل می‌دهد که بخوبی در جای خودش قرار گیرد، درحالیکه اگر در خم کردن [illegible] اندازه [illegible] ممکن است فاجعه‌ای ببار آید.

همه درجه اول

محسن نیک‌بندار، کارگر نقاش درباره نحوه جدید [illegible] دستمزدها عقیده تازه‌ای دارد. او می‌گوید: هرچند من درجه‌بندی در نحوه کار را اقدامی شایسته می‌دانم اما دشواری اصلی در اینجاست که [illegible] خودرا از گروه درجه [illegible] می‌داند زیرا همه فکر می‌کنند [illegible] ادعا دارند که [illegible] درجه اول است. او می‌افزاید.

[illegible] در چندسال اخیر، [illegible] بار دیگر به‌سبک معماری [illegible] توجه یافته، و این روزها، طاق‌ها و پنجره‌های [illegible] گچ‌بری وستون‌های [illegible] که در بناهای قدیمی [illegible] می‌خورد، دوستداران زیادی پیدا کرده است، و هم اکنون در [illegible] و [illegible] های جدید به سبک [illegible] ساخته میشود.

بیمه کارگران اتحادیه‌ها و سندیکاهای کارگری و کارفرمائی در تهران، شمیران، شهرری، کرج، ورامین و گرمسار

باستناد ماده ۷ قانون تأمین اجتماعی، از تاریخ اول خردادماه ۲۵۳۵ کارگران اتحادیه‌ها و سندیکاهای کارگری و کارفرمائی در تهران، شمیران، شهرری، کرج، ورامین و گرمسار مشمول مقررات قانون تأمین اجتماعی قرارگرفته‌اند. حق بیمه معادل ۳۰٪ مجموع حقوق و مزایای دریافتی مستمر کارگران است که ۷٪ آن عهده بیمه شده، ۲۰٪ عهده کارفرما و ۳٪ از طریق دولت تأمین می گردد. از کارفرمایان مزبور انتظار دارد لیست و حق‌بیمه کارگران را از تاریخ فوق همه‌ماهه تا آخرین روز ماه بعد به شعب سازمان ارسال و درصورت نیاز به کسب اطلاعات بیشتر بواحدهای مذکور مراجعه نمایند. ضمناً تاریخ فوق ناظر به کارگران کارگاههائیکه قبلا بیمه‌شده‌اند نبوده و بیمه این قبیل کارگران از تاریخ شروع بیمه کماکان ادامه خواهد یافت.

۲۸۱۰

سازمان تأمین اجتماعی

بیمه کارگران کارگاههای چادردوزی برزنتی در تهران، شمیران، شهرری، کرج، ورامین و گرمسار

به استناد ماده ۷ قانون تأمین اجتماعی، از تاریخ اول خردادماه ۲۵۳۵ کارگران کارگاههای چادردوزی برزنتی در تهران، شهرری، کرج، ورامین وگرمسار و شمیران مشمول مقررات قانون تأمین اجتماعی قرارگرفته‌اند. حق بیمه معادل ۳۰٪ مجموع حقوق و مزایای دریافتی مستمر کارگران است که ۷٪ آن عهده بیمه‌شده، ۲۰٪ عهده کارفرما و ۳٪ ازطریق دولت تأمین می‌گردد از کارفرمایان کارگاههای مزبور انتظار دارد لیست وحق بیمه کارگران را از تاریخ فوق همه‌ماهه تا آخرین روز ماه بعد به شعب سازمان ارسال و درصورت نیاز به کسب اطلاعات بیشتر به واحد‌های مذکور مراجعه نمایند. ضمناً تاریخ فوق ناظر به کارگران کارگاههائیکه قبلا بیمه‌شده‌اند نبوده وبیمه این قبیل کارگران از تاریخ شروع بیمه، کماکان ادامه خواهد یافت.

سازمان تأمین اجتماعی

دیگر خانه دل کارگر...

بقیه ازصفحه ۱۸

رستاخیز کارگران:

اکنون که مشکلات خود و همکارانتان را بیان کردید، بد نیست مختصری هم درباره سندیکای خود و پیشرفتهائی که در کنار سندیکائی و امور کارگری داشته‌اید، صحبت کنید.»

اسدالله آشوب:

«بله، سندیکای ما، کار خود را از سال ۵۳ شروع کرده است. با اینکه سندیکای ما یک سازمان کارگری جوان محسوب میشود، ولی ما به پیشرفتهای زیادی نائل شده‌ایم. در این مدت کوتاه، شرکت تعاونی مصرف کارگران را با سرمایه ده میلیون ریال تأسیس کرده‌ایم که میتواند بسیاری از نیازمندیهای کارگران را تامین کند. تشکیل شرکت تعاونی اعتبار با سرمایه‌ای معادل ۵ میلیون ریال از اقدامات دیگر سندیکا محسوب میشود. این شرکت در مواقع ضروری وام مورد نیاز کارگران را حداکثر تا ۳۰ هزار ریال با بهره ناچیز دراختیارشان قرار میدهد. سعی ما این است که این دو شرکت را در آینده بیشتر تقویت کنیم تا رفاه کارگران بیش از پیش تامین شود.»

اسدالله آشوب، رشته سخن را بدست همکارش محمد قاسمی میسپارد و وی میگوید:

- «آموزش کارگران، سواد آموزی و بالا بردن اطلاعات فنی و حرفه‌ای آنان از مواردی بوده است که سندیکا به آن توجه داشته و با کمک صندوق کارآموزی و یاری کارآما در این راه گام‌های مثبتی برداشته است. بطوریکه در حال حاضر همه کارگران ما از نعمت سواد برخوردارند و دیگر خانه دل آنان تاریک و سیاه نیست. در زمینه آموزش سیاسی و حزبی کارگران نیز کوششهائی بعمل آمده است، ولی خودمان معترف هستیم که این کوششها بهیچ وجه کافی نبوده است. لذا لازم است از سوی سازمان کارگران ایران و کمیته‌های مسؤول حزب رستاخیز ملت ایران دوره‌های آموزش سیاسی برای کارگران ترتیب داده شود.»

کنفرانس بین المللی کار

بقیه ازصفحه ۳

بخشندگی انقلاب انسانی ما بچشم میخورد ....ما این سخن را بویژه در این هنگام نه‌فقط از نظر اینکه کنفرانس بین‌المللی کار در جریان است می‌نگاریم، بلکه منظور اصلی از طرح این گفتگو اینست که همانگونه که همواره در وطن ما گفته‌ایم و نوشته‌ایم در اینجا چشم براه ننشسته‌ایم که دیگران راه حل هائی برای خود پیدا کنند و ما از آنها الگو برداری کنیم ..... ما بخوبی میدانیم که دیگران، و هر کسی گرفتار مسائل خاص جامعه خود میباشند، و از سوی دیگر این را نیز از دیرباز میدانیم که پاره‌ای از نظریه‌ها که ظاهراً برای حل و فصل مسائل گروهی و طبقاتی در جهان عرضه شده‌اند، بیش از آنکه قادر به‌حل گرفتاریها در مقیاس انسانی باشند، ناظر برایجاد تفرقه و جدائی ونفاق بین دیگر ملتها بسود استعمارهای رنگارنگ میباشند، لذا ضمن بهره‌گیری از تجارب ملتها، راه حلهای مسائل خودمان را در داخل فلسفه و معنویات و مقدورات مادی و معنوی ملت خودمان جستجو میکنیم......

و بی‌گمان این سخن آن معنی را نمیدهد که ما خود را از دیگران جدا دانسته و سعی و کوششهائی از نوع رهنمودها و آزمون‌های گرانبهائی از نوع فعالیتهای دفتر بین المللی کار را ارج نمیگذاریم.....

بلکه دست در همین رهگذر از سخن به دفتر بین المللی کار درود فرستاده و توفیق تمام نمایندگی‌های کار را که از نقاط مختلف جهان بدانجا آمده‌اند، خواستاریم.

از عباس تهرانی
وکیل پایه یک دادگستری

در کریدورهای عدلیه

موضوع اینستکه عده‌ئی هستند ظاهراً نمی‌خواهند بحق خود قانع بوده و حقوق دیگران را محترم بشمارند. اینروزها دادگاههای بخش تهران مملو از موجرانی است که بدنبال افزایش اجاره‌بها هستند و مستأجرانیکه در دفاع از خود مثلا می‌گویند مالک می‌خواهد یکباره اجاره را دو یا چند برابر کند. کدام درست می‌گویند؟ معلوم نیست، ولی یک موضوع مسلم و معلوم است و آن اینکه اگر مستأجر بتمام جهات خانه یا مغازه یا محلی که اجاره نموده توجه نموده و بعلاوه اجاره فعلی محل مشابه آنرا نیز در نظر گرفته و شخصاً اجاره بهای خود را بمیزان واقعی برساند و موجر نیز بیش از آنچه که موقعیت مورد اجاره اجازه میدهد مطالبه افزایش ننموده بعلاوه هر دو طرف بیش از دادگستری بیکدیگر اعتماد کنند، کریدورهای دادگاه بخش را نیز خالی کرده بار کار قضائی را سبک‌ می‌کنند و در مدتی بسیار کوتاه مشکل خود را شخصاً حل نموده و دوستیها را نیز حفظ می‌کنند.

آقای تهرانی وکیل محترم — اینجانب راننده کامیون هستم چندی پیش حادثه رانندگی در یکی از نقاط جنوب شهر تهران اتفاق افتاده و منجر به مرگ دو نفر میگردد. عابری متاسفانه شماره کامیون مرا بدون ذکر سری آن از قبیل «الف» و «ب» وغیره بپلیس داده و ادعا می کند که عامل تصادف من بوده‌ام. اتفاقاً اینجانب مقارن بروز حادثه در نزدیکی آن محل بوده‌ام ولی بخداوند یکتا سوگند که روحم از جریان تصادف بی اطلاع بوده و هر چه که در مراحل تحقیق از خود دفاع نمودم شاید بعلت وجود دو نفر مصدوم و مقتول حادثه بازپرس و دادگاه زیر بار نرفته و قبول ننمودند بنحویکه حکم بر محکومیت من صادر نمودند. خواهشمندم هر چه زودتر مرا راهنمائی بفرمائید که چه باید بکنم تا بیگناهی خود را اثبات نموده و از اتهام و محکومیت جرمی که هرگز مرتکب نشده‌ام رهائی یابم.

تهران — علی قاضی نیا

برادر ارجمند — ناراحت نشوید اگر بشما این ایراد را بگیرم که باید از بدو ورود اتهام قتل غیرعمد بشما از وجود یکی از وکلای دادگستری بایستی بهره‌گیری میکردید. یقین است که وکیل مزبور با احاطه و اطلاع برقانون مسلماً بهتر از شما می توانست از حق شما دفاع کند و بجاست که گفته شود متاسفانه ما مردم خود را در هر کاری - طبابت - مهندسی و غیره وارد و متبحر دانسته و بدون مشورت با اشخاص صالح و آگاه سعی در انجام اموری می کنیم که از آن کوچکترین اطلاعی نداریم. بهر حال دوست عزیز اولا که توصیه می کنم هر چه زودتر بیکی از وکلای محترم دادگستری مراجعه نموده و مشکل خود را با وی در میان گذارید. ثانیاً طریقی که برای شما وجود دارد (در صورتیکه حکم محکومیت شما قطعیت یافته - باشد) اعاده دادرسی است و بمنظور اعاده دادرسی باید در خصوص وجود انواع اتومبیل با شماره مشابه اتومبیل ولی با سری های مختلف از طریق دادگاه محترم بخش «تأمین دلیل» نموده وصحنه تأمین دلیل مشخصات و تعداد و انواع اتومبیلهای با شماره مزبور از اداره شماره‌گذاری شهربانی کل کشور استعلام گردیده و با ملاحظات دیگر که وکیل شما مبذول خواهد داشت دادخواست «**اعاده دادرسی**» تقدیم دارید. ضمناً در دادخواست خود دقیقاً اثبات نمائید که در ساعت بروز حادثه کجا بوده اید و چنانچه در تحقیقات بازپرس نیز نقائصی باشد نواقص مزبور را نیز تذکر دهید. موفق باشید.

آقای تهرانی وکیل محترم

مدتی است محلی را برای انبار نمودن کالا اجاره کرده‌ام جنب انبار مزبور نیز محلی بود که موفق شدم آنرا خریداری نمایم. چون بهر در محل احتیاج دارم بمالک محل اجاره‌ای مراجعه و خواهش کرده‌ام محل را بمن بفروشد ولی مشارالیه از فروش محل خودداری نموده بعلاوه بمن نیز اخطار کرده است محل را تخلیه نموده و تحویل دهم. سؤال من اینستکه اولا آیا می‌توانم مالک انبار را با توجه باینکه کوچکترین احتیاجی بآن ندارد وادار کنم که بقیمت روز آنرا بمن بفروشد وثانیاً چون مدت اجاره منقضی شده است آیا مالک انبار می‌تواند مرا وادار به تخلیه کند یا نه؟

تهران — حسن مالکی

دوست محترم — با اینکه جنابعالی آمادگی دارید قیمت ملک استیجاری را کلا پرداخت فرمائید مسلم است که طریقی وجود ندارد که مالکی را اجبار به فروش ما یملکش کرد. در اینمورد تصور می کنم چنانچه پیشنهاد خرید انبار را به قیمتی بیش از ارزش روز آن بمالک بدهید، وی احتمالا با فروش آن بشما موافقت نماید. در مورد سؤال دوم شما باید عرض کنم. جز در مواردی که قانون پیش بینی نموده است، هیچ مستاجری را نیز حتی با انقضای مدت اجاره نمی توان اجبار به تخلیه مورد اجاره‌اش نمود. این قبیل موارد که در قانون روابط مالک و مستاجر پیش بینی شده است بطور مثال عبارتند از احتیاج شخصی یعنی اینکه مالک رقبه استیجاری شما شخصاً بآن احتیاج داشته باشد و یا قصد تجدید بنا وغیره .... وموارد بالا را نیز با مراجعه بدادگاه صالح «دادگاههای بخش» باید اثبات نمود.

انتشار پاسخ نامه‌های کارگران عزیز و راهنمائی آنان در زمینه مربوط بقانون کار و تأمین اجتماعی، سبب استقبال شدید آنان از این صفحه گردیده و هرروز دهها نامه از اقصی نقاط کشور بما میرسد و در آن کارگران عزیز راجع به مشکلات خود از ما سؤال میکنند و پاسخ میخواهند. «ستاخیز کارگران» سعی میکند بویژه به آن دسته از نامه‌هائی که موضوع طرح شده در آن جنبه عمومی بیشتری داشته باشد و مشکلات تعداد بیشتری از کارگران عزیز راحل کند، پاسخ گوید وسپس این نامه‌ها بمراجع مربوط ارسال میگردد تا نسبت به رفع مشکل آنان اقدام نماید.

کارگر عزیزی که خواسته‌اند اسم ایشان ذکر نشود، از ما پرسیده‌اند که آیا تحصیل در حین انجام کار و گرفتن دیپلم موجب افزایش حقوق ومزایا و یا تغییر شغل کارگر میشود یا خیر؟ باید خاطرنشان ساخت که: اولا تحصیل و بالا بردن سواد و موفق شدن به اخذ دیپلم نباید تنها بمنظور افزایش حقوق و مزد باشد، بلکه بیشتر جنبه معنوی امر مهم است. ثانیاً هرگاه گرفتن دیپلم، بالا رفتن سواد کارگر، بنحوی و در جهتی باشد که موجب افزایش مهارت وی شود و تخصص او را افزایش بخشد و درنتیجه به بهبود کار او کمک کند و یا امکان دهد که کار بالاتری را انجام دهد، بدون تردید افزایش مزد بیشتر هم امکان پذیر خواهد بود.

زیرا با توجه به طبقه‌بندی مشاغل، هرگروه از مشاغل سواد و مهارت و تخصص معینی را نیازمند است و هرگاه کارگری شرائط لازم را دارا باشد، بدون تردید به گروه بالاتر ارتقاء می‌یابد و حقوق و مزد بیشتری دریافت میدارد و در کارگاههائی هم که طبقه‌بندی شده‌اند باز هم هر شغلی به تخصص معینی نیازمند است و تنها گرفتن دیپلم موجب افزایش مزد نخواهد شد. مگر اینکه آن دیپلم در قسمت معینی از کارگاه مورد نیاز باشد که در این صورت با تغییر شغل کارگر، حقوق و مزدوی نیز افزایش می‌یابد.

کارگر عزیز، آقای **نصراله لادی** در مورد بازنشستگی در قانون تأمین اجتماعی سؤال کرده‌اند و به نوشته همکار عزیز ما آقای حیدرقلی عمرانی، رئیس هیئت‌مدیره ومدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی در مجله اشاره کرده‌اند.

کارگرعزیز، بموجب قانون تأمین اجتماعی برای بازنشسته‌شدن در مواردعادی دو شرط لازم است:

حداقل دهسال حق بیمه مقرر را قبل از تاریخ تقاضای بازنشستگی پرداخته باشد، وسن مرد به شصت‌سال تمام وسن زن به ۵۵ سال تمام رسیده باشد. کسانیکه مدت ۰ سال متوالی ویا ۵ سال متناوب در نقاط بدآب وهوا کار کرده باشند وپنجاه‌سال تمام کارکرده و حق بیمه مقرر را پرداخته باشند، درصورت داشتن ۵۵ سال تمام میتوانند تقاضای بازنشستگی بنمایند. بدین ترتیب اگر شما شرائط مذکور را داشته باشید باتوجه باینکه ۵۹ سال سن دارید، یکسال دیگر میتوانید بازنشسته‌شوید ودر مورد ناراحتی مهره‌های کمر و یا ضعف جسمانی، این امر مربوط به ازکارافتادگی میشود ومشمول مقررات دیگری است ونیاز به گواهی پزشک در این زمینه دارد واین‌گونه موارد با بازنشستگی ارتباط نمی یابد.

کارگر عزیز **آقای اصغر عبدی رحمانی**، **همانطورکه در پاسخ بالابیان‌کردید، با شرائطی که شما بیان کرده‌اید، هرگاه ارقام یادشده منطبق بااسناد ومدارک موجود در سازمان تأمین اجتماعی باشد، شمامیتوانید تقاضای بازنشستگی کنید ومانامه شما راجهت اطلاع سازمان تأمین اجتماعی میفرستیم.**

*

کارگر عزیز، **آقای علی‌اکبر کوچکی**، همانطورکه در همین صفحه خاطرنشان ساخته‌ام، کارگر نوبتی دونوبت کار بطریقی که در ماه حداقل دوبارساعات کارش تغییر نماید نیز مشمول دریافت ۱۰ درصد اضافه مزد نوبت کاری میباشد و کارفرما باید آنرا به کارگر بپردازد.

آقای حسین بهمنی، نماینده کارگران پیمانکاری حمل ونقل قمشی، ماددرباره کار نوبتی درگذشته نیزتوضیحاتی به کارگران‌عزیز داده‌ایم، گرچه درقانون کار تعریفی از کار نوبتی بعمل نیامده، معذالک برطبق روال موجود، هرگاه ساعت کار حداقل دوماه دوبار تغییر یابد، این کار، کار نوبتی است ولذا وقتی در کارگاهی دونوبت کار وجود دارد و در ماه دوبار نوبت کار تغییر میکند، مشمول مقررات قانون کار میباشد وباید ده درصد اضافه مزد برای آن پرداخت‌شود و کارفرمای شماالزاماً بایداین امررا رعایت کند ومانامه شما را به‌وزارت کارو‌امور اجتماعی خواهیم فرستاد تانسبت به‌آن‌اقدام لازم بعمل آید.

■

کارگرعزیز، **آقای اکبر ابراهیمی‌فروتن**، کارگرانی که بموجب ماده ۱ قانون کار و تبصره آن مشمول مقررات استخدامی خاصی باشند، مشمول قانون کار نمیباشند ولذا هرگاه افزارمندان از مقررات استخدامی مخصوص بخوداستفاده کنند، همان مقررات در مورد آنان اجرا میشود ومشمول‌قانون کار نخواهند بود. درمورد کسر حقوق، این امر به مقررات آئین نامه داخلی کارگاه مربوط میگردد که کارگری دراثر عدم‌حضور در کارگاه‌وغیبت ازکار جریمه میشود. ممکن است‌در آئین‌نامه داخلی کارگاه شما نیز چنین مقرراتی وجود داشته باشد.

خبر از هنر

تأتر، سینما، تلویزیون، رادیو، نمایشگاه، موزیک

هایده در حال حاضر از پر درآمدترین خوانندگان روز ایران است و با توجه به نوع آهنگها و ترانه‌هائی که اجرا می کند، آهنگ‌سازان رغبت زیادی برای کار با او دارند، و از خبرهای تازه اینکه جهانبخش پازوکی ترانه‌سرا و آهنگساز سرشناس طی شرایطی حاضر شده با این خواننده همکاریش را ادامه دهد و در این میان سیاوش زندگانی که ماهها با هایده کار می کرد، یکی دو ماه است قراردادش را با او به هم زده و جالبتر اینکه این روزها فعالیتش را به مهستی خواهر هایده شروع کرده است به قولی وضعیت خوانندگی ما طوری شده که آهنگسازان و ترانه سرایان و نوازندگان سرشناس در انحصار هایده و مهستی قرار گرفته‌اند.

اولین سریال رنگی تلویزیونی با پیشنهاد خرید از طرف تلویزیونهای خارج روبرو شده است این مجموعه که «سمک عیار» نام دارد، در ۲ بخش تهیه شده و از پائیز سال جاری با رنگی شدن برنامه های تلویزیونی از شبکه سراسری پخش خواهد شد. و ضمناً به گونه فیلمهای معروف تلویزیونی از طریق تلویزیونهای خارج خریداری و پس از دوبله نمایش داده خواهد شد. «سمک عیار» بازیگران سرشناسی چو مرحومه عصمت صفوی - زکان - ولی شیراندامی - فل... ساویز - هادی اسلامی - ستانه جرایری - بنفشه معاصد و دها بازیگر دیگر تأتر و سینما با... دارند. تهیه کننده و کارگردان این مجموعه تلویزیونی بابد طاهری است.

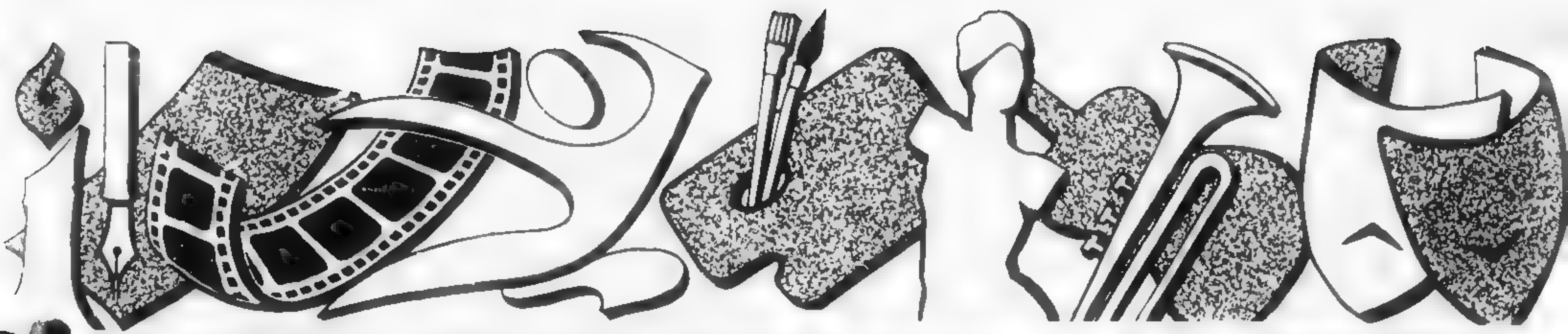

پوری بنائی

ژاله کریمی

لی لی

پوری بنائی در انتظار عبدالله

عبدالله فیلم مشترک ایران و امریکا یکی از آخرین کارهای پوری بنائی در زمینه بازیگری است. به همین جهت با توجه به موقعیت فیلم «غزل» و نیز «عبدالله» وی در کمتر فیلمی ظاهر میشود، چرا که این دو فیلم حالت هنری دارد و ممکن است آینده بهتری را از نظر راه‌یابی به بازارهای جهانی داشته باشد. البته در این میان پوری بنائی گریزی زده و در چند فیلم مشترک ایران و ترکیه هم شرکت کرده است که با فرارسیدن فصل پائیز این فیلم ها به روی پرده خواهد آمد و آینده نشان خواهد داد حق با فیلمهای بازاری است، یا فیلمهای هنری.

ژاله کریمی و قرارداد جدید

وحدت، کارگردان و هنرپیشه سینمای ایران تا به‌حال چهره‌های زیادی را به سینما آورده، از جمله پوری بنائی-لی‌لی و ژاله کریمی و در حال حاضر ژاله کریمی که از جمله پر کارترین بازیگران زن سینما به شمار میرود، چرا که غیر از بازی در تمام فیلمهای وحدت، در فیلمهای سینمائی دیگر نیز بازی می کند و جدیدترین کار او فیلمی است به سبک همان فیلمهای فارسی در اسلوب «تخت جمشید» که جمشید شیبانی تهیه کننده آنست. از قرار در هفته های آینده فیلم برداری این فیلم شروع خواهد شد.

لی‌لی و فعالیتهای تازه

لی‌لی بازیگر سینمای فارسی که به علت بدهی فراوان در سینما مدتی از ایران گریخت و در لندن ساکن شد و ماهها در آنجا ماند، سال گذشته به ایران بازگشت و اکنون مدتهاست که در تردید به سر می‌برد. چرا که از یک سو نمیداند آیا هنوز با شرکت در فیلمها موقعیت گذشته را به دست خواهد آورد یا نه، و از سوی دیگر چنانچه با و پیشنهاد بازی در فیلم شود، با بازی در همین فیلمها باید حدود یک میلیون تومان بدهی خود را بپردازد، به همین جهت پیشنهادی که به او شد پذیرفت و در حال حاضر اولین فیلم سینمائیش را در کنار بیک ایمانوردی شروع کرده است تا ببیند سینما با او چه معامله ای را در پیش خواهد گرفت.

نامه به سردبیر

کرمان — آقای د. ی

الهی مانند فروه دوبت بگردم که عصبانیت از سر و روی نامه‌ات می‌بارد. جدا اگر قرار باشد هر جوانی در عنفوان شباب (عجب کلماتی ؟!) در برابر برخورد با کوچکترین ناملایمت اینچنین از کوره در برود و بی‌اختیار زبان دهان را بکشد، هر گز سنگ روی سنگ بند نمی‌شود. بهرحال، می‌خواهیم ... که همه مردم دنیا پزشک و مهندس و لیسانسیه و امثالهم از کار درآیند که حرفهایی از عدم امکانات تحصیلات عالیه درباره بعضی افراد دم زده‌ای و نوشته‌ای که اگر فلان جوان می‌توانست به تحصیلات خود ادامه دهد، الان یک پا پزشک و پروفسور بود؟ کسی که دارای استعداد باشد، در هر زمینه می‌تواند یک متخصص نمونه از کار درآید ؟ مگر اینهمه کارگر و سرکارگر ماهر که از زندگی کاملا مطلوبی برخوردارند، همگی تحصیلات عالیه دارند؟ اصولا هر کشوری همانطور که به پزشک و مهندس واین نوع افراد نیازمند است، به تکنیسین و فروشنده و عرض کنم که کشاورز و دیگر صاحبان مشاغل نیز احتیاج دارد. البته جان‌نثار منکر این نکته نیستم که برخی از افراد جامعه بدون زحمت و استحقاق به مال ومنالی رسیده‌اند. اما این یک مورد استثنایی است که در همه‌جای دنیا دیده شده است. اصلا در هر زمینه‌یی بایستی روی اکثریت قضاوت کرد وآمار گرفت، نه اقلیتی معدود وانگشت‌شمار. از همهٔ اینها گذشته ندوی نمی‌دانم که تو دوست عزیز زندگی مطلوب و ایدآل را در چه چیز می‌دانی؟ اگر هدف و منظورت پول زیاد است که باید متأسفانه بگریم و بنالم که اشتباه می‌کنی. زندگی خوب به کدامی می‌گویند که آدمی به دیگران نیازمند نباشد و در ضمن برخورداری از سلامت جسمی و روحی زندگی کند و خوب ببرد! از کجا معلوم است کسی که در روستایی دورافتاده، با درآمدی بظاهر کم و ... زندگی می‌کند، از بنده و صدها مانند من خوشبخت‌تر نباشد؟ از طرفی، خوشبختانه بفرمان به‌همراه آرامش و در عین حال هر کسی استعداد داشته باشد، به هر درجه که بتواند و استعدادش را نشان دهد، بتواند برایگان تحصیل کند، که البته می‌دانید امکانات وسیعی هم دراختیارش قرار می‌گیرد.

بهرتقدیر، غصه و عصبانیت را کنار بگذار و ... به کلاس‌های ... چند سال بعد به حرف ... روستا ... و دعایم کنی. والسلام، نامه تمام!

مشهد — آقای سیار نوازنده

با عرض سلام متقابل و تمنای توفیق روز افزون برای آنجناب و اخوی ارجمند، باید بگوییم که خدا می‌داند بنده هر چه فکر کردم نتوانستم معمای طرح شده جنابعالی را« کشف !» کنم. زیرا ظاهراً دلیلی ندارد که نامه‌های برادر سرکار که از تهران پست می‌شود، هر هفته به مشهد مقدس برسد، اما هفت یا هشت نامه شما و دیگران که به عنوان ایشان ارسال می‌گردد، در بین راه‌گم وگور شود. تازه به‌فرض محال اگر خللی در آدرس اخوی نیز باشد، بعول سرکار، همه نامه‌ها برگشت داده‌ می‌شود. بهرحال بنده تصور می‌کنم دلیل وقوع این حادثه نامه‌رف بی‌حالی پستچی محله اخوی باشد که ترجیح می‌دهد بجای راهپیمایی طولانی، نامه‌های از مشهد رسیده را صرف جوش آوردن سماور کند و خانواده‌یی را دستخوش نگرانی سازد. یا اینکه بعید نیست یکی از همشهریان نازنین حضرتعالی، جسماً و جاناً عاشق تمبرهای باطل نشده باشد و سرقومات را فدای تمبر لیسی خود فرماید! خلاصهٔ کلام، از شما گفتن، از ما نوشتن و از دیگران زیرسبیلی در کردن ! خدا، یار و یاورتان باد.

تهران — آقای اسماعیل — خ

ما هم ضمن تمنای توفیق و سلامتی روزافزون برای شما، آرزومندیم که تمامی هموطنان عزیز وارجمند، خوش و خرم باشند. از اینکه آن همکار گرامی در سناریو نویسی کامیاب هستند ورشحات قلمی خود را چپ وراست به‌صورت فیلمه فارسی در می‌آورید، جدا خوشحال وشعوفیم. بی‌تردید اگر سرکار بسط‌عالی در بدو انتشار مجلهٔ رستاخیز کارگران برما منت می‌نهادید وپیشنهاد همکاری می‌دادید، امروز کلیه دست اندر کاران مجله می‌توانستند به‌همقلمی باشما مفتخر باشند اما افسوس که عجالتا کادرتحریری ما «فول» است وفعلا از پذیرش پیشنهاد جنابعالی معذوریم. مضافا به‌اینکه خودتان بهتر از ما می‌دانید که صفحات هنری مجلهٔ ما نسبت به‌دیگر مطالب موجود، بی‌نهایت محدود است. ضمنا بفرمائید که کار نان وآبداری مانند سناریو نویسی مگر چه عیبی دارد که شما هوس کرده‌اید قلمزن مجله شوید وهفته‌یی چند بار بسبب دیر رساندن مطلب، چشم غرهٔ جناب سردبیر را زیارت کنید؟! خدا شاهد است بنده یک نفر هلا کم برای سناریو نوشتن. اما حیف وصدحیف که مارا به‌مدارسه‌نو می‌رویم!» سا به‌عالی مستدام وطولانی.

مسجدسلیمان — آقای غلامرضا آش داین

پدر جان، فکر نمی کنی که با سر رسیدن گرمای ۵۰ درجه مسجد سلیمان، اگر سرکار بجای آتش، یخ توی دامن بریزی بهتر باشد؟ چرا که فدوی با تجسم وضـع سرکـار، روزی ده بار گر می گیرم وعرق می‌ریزم. واما اینکه نوشته‌ای کارمند هستی وباوجود این افتخار می‌کنی که کارگر خطاب شوی، ازت بی‌نهایت سپاسگزاریم. صد البته از سوی تمامی کارگران ایران، نه تنها خود خودمان! و اما تو اینکه آقای عرفی‌نژاد نامه‌یی داده دندان و کلنجار رفتن با «پیله» آن از جنابعالی برای داستان «اکبرآقا» سپاسگزارند که بی‌شک از خوشحالی، درد دندان را فراموش خواهند کرد. واما‌تر اینکه دربارهٔ مواجب بعضی از کارکنان سازمانهای دولتی زیاد غصه نخور رضا جان. زیرا هرگز نباید تنها رقم حقوق راملاک قرارداد.

در پایان ضمن ستایش از قلب پاک سرکار، امیدوارم کماکان خوش و خرم وسردماغ باشی.

تبریز — خانم نوشین اکرام زاده

اختیار دارید خواهر، سلام از ماست. چرا خجالتمان می دهید؟ مگر همان بزرگواری مطالعهٔ تمام شماره‌های مجله برای خجالت دادن، کافی نیست که در سلام دادن هم پیشدستی می‌فرمائید؟

بهرحال، عرض کنم بحضور سرکار که هـرنـامـه‌ای بـه‌آدرس کامل مجلـه فرستاده شود به‌دست نویسندگان مورد نظر می‌رسد، منتها بهتر اینست که حتماً عنوان صفحه را ذکر کنید. در ضمن اگر مطالبتان طوری است که نامه مربوط به‌دو بخش از مجله می‌شود، در روی پاکت یک عنوان را مرقوم فرمائید، اما در بالای نامه قید کنید که مثلا مربوط به‌صفحه سردبیر یا مسابقات است. چه در غیر اینصورت ممکن است توزیع کنندهٔ عزیز نامه‌ها، آن را به‌قسمت مسابقات بفرستند ومسئول نازنین صفحه مسابقه هم به‌تصور اینکه این نامه قبلا از نظر مبارک! پاسخگوی بزرگوار! گذشته، ترتیب دفنش را در‌گورستان بایگانی بدهد!

باری، درمورد پرسش شما باید بعرضم! که اتفاقا چند شماره قبل به‌این سئوال پاسخ دادیم وحقیر تعجب می کند سرکار که تمام مطالب مجله را می‌خوانید، چطور متوجه این جواب نشده‌اید. بهرحال همانطور که قبلا متذکر شدیم، باز هم توضیح می‌دهیم که سابق هم نشریه‌یی به‌نام کارگران منتشر می‌شده است، منتها نه بصورت مجله وباین فرمی که مجلهٔ رستاخیز کارگران دارد. دراین صورت از عمر مجله ما بیش از‌چندماه نمی‌گذرد وانشاالله به هزارسال هم خواهد رسید.

دیگر اینکه فعلا تنها خبری که بفکر دست اندرکاران مجله رسوخ نکرده است افزایش قیمت این نشریه است که تصور نمی کنم درآینده، یا حداقل در‌ آینده نزدیک همچنین تصمیمی گرفته‌شود.

سخن آخر اینکه خانم نادرشاهی از محبت شما تشکر کردند وافزودند با اینکه بی نهایت مشتاقم در تابستان از هوای فرح‌بخش تبریز استفاده کنم، معهذا بسبب درگیری بامشغلهٔ فراوان وانجام امور تحریری از پذیرش دعوت شما با نهایت شرمندگی معذورم. لطف ومرحمت سر‌کار مزیـد و پایدارباد.

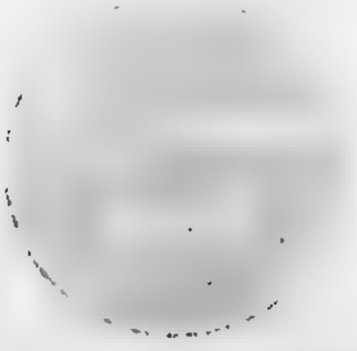

- جناب آقای سردبیر

در برابر اینهمه تلاشی که بکار میبرید تا مجله‌یی مطلوب و دوست داشتنی عرضه کنید، جداً جز ابراز تحسین و تمنای توفیق هرچه بیشتر شما و دوستانتان، کار دیگری از من برنمی‌آید. شاید باور نکنید من که متجاوز از ده سال است به وطن بازگشته‌ام حتی یکبار هم یکی از مجله‌های کشورم را مورد مطالعه‌دقیق قرار ندادم اما چندی قبل که بر سبیل اتفاق مجلهٔ شما را در دست یکی از کارگران کارگاهم دیدم و آن را ورق زدم، باتمام وجود مشتاق و شیفته اش شدم. بهمین علت پیشنهاد می کنم که اولا عکس‌ها و مطالب فهرست مجله را که در صفحه ۳ چاپ میشود تا حدی کوچکتر و مختصرتر بگیرید و بدین ترتیب چند مطلب خواندنی دیگر را در آن بگنجانید. به‌عنوان‌مثال داستان شاهنامه و امثال آن را نیز معرفی کنید تا مشتاقان اینگونه مطالب به مجله شما علاقمندشوند.

ثانیاً، ازکزارشگران خود بخواهید که شرح گفت وشنودها، سمینارها، میزگردها و کنفرانس‌ها را بطورمجمل و چکیده تهیه کنند تا خوانندگان گرفتارو کم‌حوصله نیز بتوانند آنها را مورد مطالعه قرار دهند. بدیهی است در آینده هم هرگاه نکته یی بنظرم برسد، پیشنهاد خواهم کرد.

اصفهان — مهندس عبدالحمید — الف

*دوست ارجمند،

لازم می‌دانم که ازسوی خود و همکارانم از لطف و محبت سرکار، صمیمانه تشکر کنم و متقابلا به عرض برسانم که تنها همین ابراز

عنایت ها و توجهات است که موجبات دلگرمی ما را فراهم می‌سازد. ضمنا پیشنهاد های جنابعالی را مورد بررسی قرار می‌دهیم و درصورت امکان به اجرای آن می‌پردازیم.

*** آقای سردبیر**

از آنجایی که اهل قلم و مبالغه نیستم، همینقدر بطور خلاصه عرض می کنم که شما و دوستانتان تا این تاریخ در کار خود موفق بوده‌اید، و شک نیست که در آینده نیز پیروزی با شما خواهد بود. بهرحال، منظورم از تقدیم این یادداشت اینست که می‌خواهم خواهش کنم در رنگ‌آمیزی بعضی از صفحات دقت بیشتری بکار برید و حتی‌المقدور از رنگهای تند زرد استفاده نکنید. ضمنا این را هم بگویم که همیشه عکس های سیاه‌وسفید شما تیره و مات و درهم است. من چون از امور فنی سردرنمی‌آورم نمی‌توانم آنطور که باید و شاید منظورم را تشریح کنم. بنابراین امیدوارم همین توضیحات گنگ ومختصر شما را روشن کرده باشد.

نکتهٔ آخر اینکه گاه در «صفحه خودمون» لطیفه های بسیار بی‌نمکی با نام خوانندگان چاپ می‌شود. درست است که هدف شما از چاپ این «جوک»ها تشویق و ارضای خوانندگانی است که آنها را می‌فرستند، باوجود این بنده فکر می کنم چاپ نشدن این جوک ها بیش از چاپ شدنش به مصلحت فرستندگان آنهاست. تا نظر شما چه باشد؟

رضائیه — مریم مرشدزاده مطلق

*** خوانندهٔ گرامی،**

با تشکر از تذکرات صمیمانه شما به آگاهی تان می‌رسانیم که درمورد رنگ صفحات و عکس ها تذکر لازم را به مسئول آن دادیم و باید اضافه کنیم که گاهی اوقات بروز این نوع مسایل اجتناب‌ناپذیر است. معهذا ما نهایت کوشش را برای رفع معایب بکار خواهیم برد. ضمناً پسندیدن یا نپسندیدن لطیفه تا حدی بستگی به سلیقه و برداشت شنونده یا خواننده دارد. بدون تردید اگر فرستندگان این نوع جوک ها، مطلب مورد نظر خود را جالب نمی‌دیدند، نمی‌فرستادند بنابراین درمیان خوانندگان مجله، عده کسانی که با فرستندگان این لطیفه همسلیقه هستند، کم نیست. موفق و مؤید باشید.

*** آقای سردبیر عزیز،**

من درکارگاهی اشتغال دارم که بیش از سه‌چهار کارگر ندارد. کارآمای ما مردی است بسیار متدین و پای‌بند اخلاق. بهمین‌علت گذشته از اینکه رفتار کارگران را در داخل کارگاه کنترل می کند، حتی در خارج نیز مواظب ماست. بهرحال منظورم از ذکر این مقدمه، اینست که او بقدری مجله رستاخیز کارگران را مفید و خواندنی تشخیص داده است که همیشه بمحض انتشار ایـــن نشریـــه چند نسخه از آن را خریداری می کند و بما می‌دهد تا مطالعه کنیم. ضمناً بعضی اوقات در باره نوشته‌های مجله از ما سؤالاتی می کند تا ببیند که از مطالعه خود چه‌نتیجه‌ای گرفته‌ایم حالا بنده می‌خواهم از شما خواهش کنم به خانمها و آقایان نویسنده مجله توصیه کنید تاآنجایـــی کــــه ممکن است مطالب را ساده بنویسند. مخصوصاً از بکاربردن کلمات و اصطلاحات لاتین خودداری کنند تا درکش برای همه آسان باشد. ضمناً وقتی که شما گزارشی از یک کارگاه عمومی چاپ می کنید چه مانعی دارد که معایب و نقایص آنجا را نیز مشخص سازید؟ مثلا اگر طرز کار لباسشویی ها تشریح می‌شود، به سهل انگاری و کم توجهی بعضی از مسؤولان این کارگاه در شستن واتو کردن لباس ها هم اشاره‌یی بکنید تا فرد خاطی دررفتار خود تجدید نظر کند.

کرج — یوسف امیدی

*** کارگرارجمند،**

ضمن ستودن صفای قلبی و صمیمیت اشکار شما، امیدواریم رابطهٔ دوستانه‌یی که بین کارآمای کارگاه و کارگران آن برقرار است همواره پایدار بماند. زیرا یکی از مهمترین شرایط و عوامل پیشرفت کار درست‌وجود صمیمیت در کارگاه و کارخانه است. در بارهٔ پیشنهاد اول شما باید عرض کنم که ما همیشه نسبت به این نکته توجه داشته‌ایم و حتی‌المقدور کوشیده‌ایم که نوشته های مجله سلیس وروان، و در ضمن عاری از اصطلاحات ثقیل باشد. و اما در مورد تذکر دوم شما تاکرپر از توضیح هستیم که هیچ مسؤول مؤسسه یی نمی‌خواهد کارش دارای عیب‌ونقص باشد. دراین صورت هرگاه معایب و کمبودهایی در برخی کارگاهها مشاهده شود، ناشی از اشتباه یاقصور است که بی‌شک ترمیم پذیر خواهد بود. گذشته ازاین مسائل، اصولا ضوابط گزارش‌نویسی که مهمترین شرطش رعایت اصل بی‌طرفی است، روا نمی‌دارد که گزارشگر ضمن تشریح رویدادی لب‌به‌انتقاد بگشاید. اما ملاحظه می کنید که در میزگردها نارسائی‌ها و مشکلات وانتقادها بی پرده بیان، وچاپ می‌شود. سعادت و کامیابی شما آرزوی ماست.

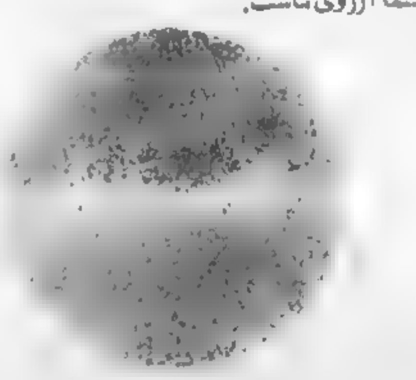

بابل — آقای شمس الله بصری

خدا شاهد است شمسی‌جان که با اینهمه عجایب موجود در کرهٔ زمین ردیف کردن اسامی عجایب هفتگانه کوچکترین لطفی ندارد معهذا چون اطاعت امر تو و دیگر دوستان واجب است، به‌عرض عالی می‌رسانم که عجایب هفتگانه عبارتند از: آرامگاه ماسولوس، اهرام ثلاثه، باغ های معلق بابل، فاروس یافانوس اسکندریه مجسمه آپولو، مجسمه زئوس یا ژوپیتر ومعبد دیانا که البته به‌آن آرتمیس هم می گویند.

خداحافظ عالی زیاد!

قطر — آقای عبدالقادر لاری

غلط نکنم که گرمای هوا جنابعالی را بیاد آب‌وسد و چاه و این جور چیزها انداخته است. وگرنه یکهو و بیخود و بی‌جهت پاراپس وپیش نمی‌گذاشتید و از جان نثار اسم ورسم سدهای ایران را نمی‌خواستید. اما اجازه بدهید که حقیر پیش از همه چیز از جنابعالی استدعا کنم موافقت فرمائید که تنها از سدهای بزرگ وطن نام ببرم. چرا که اگرجزاین شود، تمام صفحهٔ موجود اختصاص می‌یابد به‌چاپ اسامی سدهای ایران. بهرحال این سدها به‌ترتیب بلندی ارتفاع عبارتند از: سدمحمدرضاشاه پهلوی، شهبانو فرح، امیرکبیر، شهنازپهلوی، شاه اسماعیل، فرحناز پهلوی و غیره. البته این راهم عرض کنم که سدهای یادشده بین سالهای ۱۳۲۰ تا ۵۶ ساخته شده است. در پایان سد دوستی آنجناب پاینده باد!

زابل — خانم قدرت — ل

خواهرجان خدا شاهد است که اگرسر کار علیه جلو اسم خودتان کلمه خانم را نگذاشته بودید، حقیر خنگ کور باطن محال بود بفهمم که این نامه نگار بزرگوار خانم تشریف دارند. چرا که از دوران نشو و نمای هابیل وقابیل، نام قدرت به‌مرد اطلاق می‌شده و می‌شود. بهرتقدیر، ضمن تمنای سلامت و توفیق لایزال برای شما و اهل بیت، زحمت‌افزا می‌شوم که نقاشان مشهور ایران طی چندقرن اخیر عبارتند از: کمال‌الدین بهزاد هراتی، رضا منصورعباسی میرزا ابوالحسن غفاری (صنیع الملک)، کمال‌الملک (محمد غفاری)، علیمحمد حیدریان، دکتر اسماعیل آشتیانی، منصورالملکی، استاد حسین بهزاد، محمد بهرامی و غیره...

ضمناً متاسفم از اینکه اسم و لقب آقای «وغیره!» را قید نکرده، پوزش می‌طلبم. ضمنا [illegible]

[illegible]

... تابلوی مرد ... کارتونیست ... میخواهم ... به خداوندی خدا ... کاریکاتوری ... نوشته‌اید ... متوجه‌اش نشده بودم و حالا که تصادفاً چشمم به جمالش روشن شد ناچار به توضیحم! که ما شواهـــدی‌مبنـــی بـــروجـــود کاریکاتور و کاریکاتوریست به شکلی که امروزه متداول است در قرون گذشته نداشته‌ایم. مضافاً اینکه کاریکاتور اصولا سوغات فرنگ است. به هرحال ضمن ... کاریکاتوریست ... وطن، از سروری ... کاریکاتوریستهای ایران عبارتند از: محسن دولو، ... ، محمدی، ... ، سخاورز و بالاخره ایرج خان یکه زارع خودمان. درپایان تندرستی جاودان شما و ظفر بی‌پایان رودهیرمند را خواهانم!

پاسخ های متفرقه

*** تهران — آقای سیدجواد میربابائی** جنابعالی می‌توانید باتفاق دوشیزه نامبرده و ولی ایشان به محضر اول دادگاه شهرستان مراجعه نموده و با توجه باینکه مرقوم داشته‌اید دوشیزه مزبور نزدیک ۱۸ سال دارند دادگاه با ازدواج شما موافقت خواهد کرد.

*** داراب — بانو معصومه. د — خانم عزیز** ضمنا برای من مشروحتر و روشنتر مرقوم فرمائید که وضع فعلی همسرتان چگونه بوده و فرزندان شما کجا و نزد چه کسی زندگی می کنند تا پاسخ لازم داده‌شود.

*** شیراز — حسین. آ —** شما نیز در نامه خود مرقوم نفرموده‌اید که‌خواسته‌تان چیست. از ... که نوشته‌اید ... ، ... بنده‌چه خدمتی ساخته است.

*** اصفهان — آقای سیداحمد موسوی — کارگر محترم شرکت سایپر —** نامه مفصل شما را نیز خواندم لکن خواسته جنابعالی ... نشد. خواهشمندم در نامه مجددی مرا در جریان مشکلات خود در خصوص دوستگاه ... مرقوم فرمائید تا پاسخ لازم عرض کنم.

کرمان — آقای محمد اسماعیل خلیق

بنده هم عرض ارادت می کنم و به آگاهی [illegible]

[illegible]

تهران — آقای ...

[illegible]

... آقای اسماعیل ...

خدا می‌داند وقتی که در خدمت سر کار نشسته‌ام اگر بدترازجنابعالی وخانواده باشد بهتر نیست. صاحبخانه‌یی که مدت ده سال ... برای جان‌نثار درمیرفت، حالا ... است که به طمع دریافت ... به سمردواحوس مبدل شده است. بنابراین تنها صاحب خانهٔ شما نیست که تغییر روبه پیدا کرده و با صدور اجرائیه قصد دربدر کردنتان را دارد. بارهای ... که در ... میشود ... است. به هرحال، ...

هرطورشده و با اقتباس ... صاحب خانه خودرا از «دانگی» سلطان ... ، ... خواندنی ... مسؤولان امر درمورد خانه سازی در ... هستند که انشاالله در ... مسکن هم ... خواهد شد.

سیران — آقای هـ — خ

والله هدوی مانده‌ام ... که چرا مسؤولان ... برای آن دسته از دانشجویان مقیم خارج از کشور که بیش از سی سال دارند، تخفیف بلیط هواپیما قایل نمی‌شوند. زیرا تا آنجا که من می‌دانم هدف از اجرای این نیت مقدس، کمک بـــه دانشجویان ایرانی بوده است. حالا چرا در این گیرودار مسأله سن مورد توجه قرار گرفته است، خدا می‌داند و دستور دهندگان فکـــــر می کنند که دانشجوی بالای سی سال، در خارج از کشور به کاری مشغول شده و ازدرآمد کافی بهره مند است، و گرنه اگرمی گفتنـــد دانشجویانی‌نه‌از لحاظ وزن بالای هشتاد کیلو هستند، ... فامیل بخرند، بازچیزی بود بهرحال همانطور که سرکار خواسته‌اید عین ماجرا را نوشتم تا شاید سروران و دوستان در امریه خود تجدید نظر ... ! ... سایه عالی پاینده.

ورزش کارگر

سرداران شایسته ایران در راه المپیک

ایران، قهرمان ششمین

این همان گل دوم ایران است که با مساعدت حسن روشن به ثمر رسید.

تیم‌ملی فوتبال، باپیروزی برحریف دیرینه خود عراق نخستین گام را در راه تصاحب جام ملتهای آسیا، قاطعانه برداشت. پیروزی ۲ بر صفر برتیم عراق که همواره حریفی قدرتمند برای فوتبال ماست— آنهم در سطح ملی ودر چهارچوب مسابقه‌های جام ملتهای آسیا— بسیار دلپذیر وغرورانگیز است. عراقی‌ها، نوبی تنها برای ارمایش تیم‌تازه تشکیل شده‌ی ملی ایران به میدان آمده بودند، چرا که در سراسر بازی— جزیکبار—نتوانستند دروازه ایران را بخطر بیاندازند، در حالیکه خط‌حمله کوبنده‌ایران، بابدشانسی حداقل سه‌شانس مسلم را از دست داد واگر بخت باعراقی‌ها یار نبود، باکیسه‌هائی پرگل‌میدان را ترک میکردند.

فوتبال عراق، اگرچه درسرسودای رقابت باایران را دارد، ولی‌هرگز نتوانست‌در حد یک حریف خطرناك ظاهرشود وآزمون اخیر براین ادعا مهرتأییدزده است. عراقی‌ها، که چندی پیش در مسابقه‌های جام خلیج‌فارس، در دیدار نهائی بانتیجه دوبرصفر مغلوب کویتی‌ها شده بودند، باامیدهائی به‌جام ملتهای آسیا پانهادند. یک‌روز پیش‌ازمسابقه، «گری‌جج» مربی‌یوگوسلاوی تیم‌ملی عراق باشاره به‌برتری همیشگی فوتبال ایران بر عراق گفت: «مامیکوشیم نتایج سنتی بازیهای گذشته را بدست فراموشی بسپاریم.» مفهوم دیگر این ادعا چنین‌است کما برای پیروزی برایران قدم به‌میدان میگذاریم. قضارا که دراین مسابقه، هرگز عراق چنین ضعیف واسیر در برابر فوتبالیست‌های ما ظاهر نشده بود.

مسابقه ایران وعراق اولین آزمایش حشمت مهاجرانی بعنوان رهبر تیم‌ملی فوتبال بود.

گلهای تیم ایران را ناصر نورانی وحسن روشن به ثمر رساندند.

در تیم ایران‌منصور رشیدی—حسن نظری— نصراله عبدالهی— بیژن ذوالفقارنسب— آندرانیک اسکندریان— علی پروین قلیچ خانی (کاپیتان)— ابراهیم قاسمپور— حسن روشن — ناصر نورانی (غلامحسین مظلومی) وعلی‌خورشیدی بازی میکردند.

ششمین‌دوره مسابقه‌های جام ملتهای آسیااز روز پنجشنبه ۱۳ خردادماه در ورزشگاه باغشمال تبریزگشایش‌یافت. مراسم، ساده ولی‌دلپذیر بود. تیم‌های جمهوری خلق‌چین— کویت ومالزی ونیز نمایندگانی از تیمهای ایران‌وعراق ویمن‌جنوبی رژه‌رفتند.

و نخستین مسابقه بین کویت و مالزی انجام‌شد که کویت دو بر صفر مالزی را مغلوب کرد. مالزی تیمی است که تا لحظات آخر قصد شرکت در جام را نداشت ووقتی تهدید فدراسیون فوتبال ایران، مبنی برلغوبرنامه مسابقه‌ها اعلام شد، مسؤولان فوتبال مالزی، تیمی سرهم کردند وبرای خالی نبودن عریضه به تهران فرستادند. عربستان— سعودی و کره شمالی نیز هریک به نوعی عذر خواستند و نیامدند، و چیزی نمانده بود که موجودیت‌جام بخطر افتد.

در مسابقه‌های ششمین دوره جام ملتهای آسیا شش تیم ایران— عراق— یمن جنوبی— کویت— چین و مالزی شرکت دارند که سه تیم اولی درتهران و بقیه در تبریز مسابقات مقدماتی را برگزارکردند. ایران، در دو جام گذشته، در تهران و بانکوك بمقام قهرمانی رسید، وچنانچه این بارنیز به جام دست یابد، سومین‌عنوان‌قهرمانی‌جام رافتح خواهد کرد.

کویت، که چندی پیش قهرمان جام فوتبال خلیج فارس شد، خود را حریف‌نهائی ایران میداند. میدانیم که تیم کویت از سال پیش، زیرنظر، «زاگالو»، فوتبالیست مشهور و قدیمی برزیل تمرین می کند. «زاگالو» که خود فاتح دوجام جهانی فوتبال بود، با دستمزد سنگین رهبری تیم ملی کویت را بعهده‌گرفته است. «زاگالو» و کویت به دیدار نهائی خود با ایران امیدها دارند..

سا به‌روشنهای تیم ایران

دوره جام ملت‌های آسیا

... به روشنهای تیم ملی فوتبال ایران [illegible]

پروین در مسابقه دوره‌های مقدماتی درخشش چشمگیری داشت و کم کم به روزهای اوج خود نزدیک می‌شود.....

بازیهای دوره مقدماتی ایران اگرچه با پیروزی همراه بود و درچنین شرایطی فتح جام دور از دسترس ایران نیست، ولی هنوز در استخوان بندی تیم ملی ایران دشواریهائی وجود دارد و این برای مربی جدید تیم ملی (مهاجرانی) نمی‌تواند نگران کننده نباشد. تا چند هفته دیگر تیم ملی فوتبال‌ایران در بازیهای مقدماتی المپیک با حریفانی چون لهستان، اوروگوئه، آرژانتین، و نیجریه روبرو خواهد شد (بقرار اطلاع اوروگوئه ازشرکت درمسابقه‌ها عذرخواست و قرار است بجای آن تیم فوتبال آرژانتین شرکت کند) تیم ملی فوتبال ایران که چندی است شکل گرفته، هنوز خود را بازنیافته است. در بازی با عراق دیدیم که گوش چپ (خورشیدی) چقدر ضعف نشان میداد. بازی نگرفتن قاسمپور موجب نزول این بازیکن بزرگ شده بود بطوریکه جز یکی دوبار هرگز نتوانست درحد تام خود ظاهر شود.

بهرحال، تا موقعی که شما این سطور را می‌خوانید، بی‌شک، چهره قهرمان ششمین دوره جام شناخته شده و می‌توانیم با احتمال قریب به یقین ازهم اکنون ایران را قهرمان جام بدانیم، ولی آیا کویت و مربی اش زاگالو نیز با این قاطعیت تیم ما را قهرمان می‌دانند؟ !

ورزش کارگر

سیدعباسی:

ول‌کن نیستم، تا

فرج‌وسی ... نکرانی به مونترال می‌اندیشد. لیس...

... سید عرق ... کرد ... رود و ناگهانی..... در یک بعداز ظهر گرم اواخر بهار..... در سالنی که از ... و هیجان میجوشید. سیدعباسی «از وقتی که ... دو ماه ... پس از چهارسال دوری مجدداً به تشک بازگشته بود، یک هدف داشت ویک حرف میزد: همه‌ی حریفهایم را میزنم و به‌المپیک میروم.» سید، انصافاً، تا لحظات باخت به نوائی، از همه‌ی حریفانش سربود، ۸ تا کشتی کرده بود، ۵ تایش را برده بود. فقط به‌خربی و نوائی باخته بود. «باخت» به‌خربی که مطرح نبود. فقط ضربه شدنش بدست نوائی گوش فلک را کر کرد. سیدعباسی، درحالیکه از حریف یک امتیاز پیش بود، درست در لحظاتی پایان کار، یک ریسک کرد وبازنده شد.

نوائی کاری کرد که در تاریخ کشتی هرگز فراموش نخواهد شد. او، پشت یکی از سرشناسترین قهرمانان ایران را باتشک آشنا کرد. «سید» پس ازشکست غیرمنتظره، شوکه، شد. تمام سرو صداهایش خوابید. مدتی مات ومنگ وگیج بود. آخر چطور ممکن است قهرمانی که تا آستانه دروازه طلائی رسیده است، این چنین شکسته ومغلوب شود. سیدعباسی میخواست در ۶۸ کیلو، از المپیک مدال بیاورد وحالا، این مهم بعهده نوائی است. سیدعباسی یکی دو روز را به‌سکوت برگزار کرد، ولی بعد، یکمرتبه دهانش باز شد. سید به اشتباه خود پی برد وگفت نمی‌بایستی آن اشتباه را مرتکب میشدم وکشتی برنده را می‌باختم، قرار است سیدعباسی را همراه تیم کشتی کرمانشاه به‌لهستان بفرستند. سید میگوید:

— هرچه مربی تیم ملی (صنعتکاران بگوید انجام میدهم. من حاضرم یکباردیگر با نوائی کشتی بگیرم..... من اصلا به‌نوائی نمی‌رسیدم. باخت‌من اتفاقی بود.

سیدعباسی معتقدبود که نوائی «دوپینگ کرده (یعنی داروی تقویتی غیر مجاز مصرف کرده) بهر حال، نام سید از لیست مسافران المپیک حذف شد وکمیته فنی فدراسیون کشتی پس از چند ساعت شور وبحث، نوائی را برسید عباسی ترجیح داد. بنظر ما این کار خوبی است. وقتی کشتی‌گیری در یک مسابقه انتخابی پشت حریفش را بخاک میرساند، چرا باید مسابقه دوم وسوم بگذارند؟ سفر مونترال حق نوائی بود وخوشحالیم که او به‌حقش رسید. این باید درسی برای سیدعباسی و دیگر قهرمانان باشد که بی‌حساب عمل نکنند و بی‌گدار به‌آب نزنند. سیدعباسی یک ژست خوب از خود نشان داد و به‌یکی از خبرنگاران ما گفت که بیدی نیست از این بادها بلرزد و باقاطعیت تا المپیک ۱۹۸۰ (مسکو) همچنان

ملکی به اردو برگشت رکورد زد

ابرهای نفاق اردو برطرف شد!

داود ملکی

داودملکی عضو تیم ملی وزنه‌برداری ایران و کارگرقهرمان دخانیات، بدنبال مطلب هفته پیش به اردوی داود به برگشت و در یک رکوردگیری ... ملکی د ... کیلوگرم رکورد یکضرب ایران را در وزن ... داد. داودملکی ۱۱۵ کیلوگرم یکضرب زد که ۵ کیلو از رکورد ایران که متعلق به خودش بود، بیشتر بود. وی دردوضرب ۱۴۰ کیلو ... و در مجموع دوحرکت نیز ۲۵۵ کیلو ... کیلو رکورد ایران را شکست. ملکی در برابر وزنه‌ی ۱۴۵ کیلوئی ناکام شد. در این رکوردگیری ... در ... وزن ... کیلوگرم ... و در مجموع ... شد. حسن حکمتیان نیز در یکضرب ... کیلو ... بیشتر نزد. در ... وزن عطاراسرمی ... کیلو یکضرب زد وی در دو ضرب ... نداد. حسن خسروی ۹۵ کیلو یکضرب و ۱۳۲ کیلو در دوضرب ...

... وزنه‌برداران ایران ... المپیک اعزام خواهند شد، ... محمدنصیری در ... وزن. نصیری از جمله ... و امید فراوانی میرود که در مونترال روی سکو قرار گیرد. فیض‌اله ناصری و فضل‌اله ناصری در خروس وزن ... داودملکی ... وزن ... به دعوی ... درصورت آمادگی ... مهدی عطاراسرمی ... وزن و ... سنگین وزن. همچنین از اردوی داود به ... به ... و ... در فصای وزنه‌برداری ... شده است و تیم وزنه برداران در اردو و زیرنظر منوچهر برومند، ... ۵۰۰ کیلوئی ... و مربی تیم ملی به تمرین میپردازند. برومند که به تازگی از سفر آموزشی و تجربی به لهستان باز گشته، اندوخته‌های فراوانی با خود به ارمغان آورده است.

برومند ... در لهستان ... مسابقه رسمی بین وزنه‌برداران لهستان و ... به عنوان داور وسط قضاوت کرد.

بانوائی در صورتی [illegible] انتخاب کند کشتی می گیرم

* کشتی گیران آزاد و فرنگی برای المپیک انتخاب شدند

المپیک مسکو در خد متشم!

...س او و عبدالباقر یکی را انتخاب خواهد کرد. در اینجا فرح وشی با امتیاز بر اسماعیل زاده پیروز رسد.

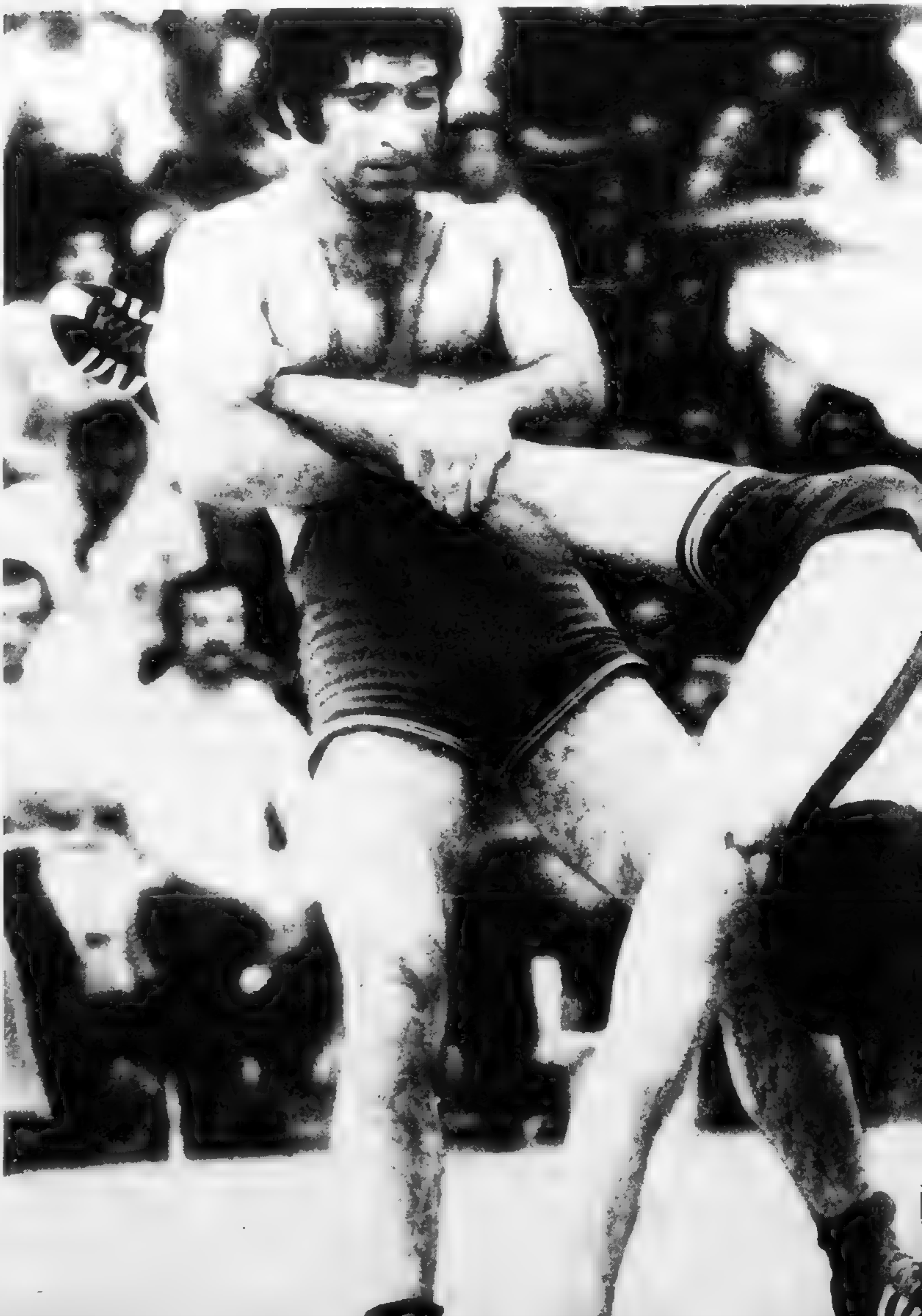

مطرح خواهد بود و بخصوص در فرصت های دیگر انتقام شکست اخیرش را از بوائی خواهد گرفت.

تیم کشتی آزاد که برای المپیک انتخاب شده است:

۴۸ کیلو سبحان روحی- ۵۲ کیلو حبیب فتاحی - ۵۷ کیلو رمضان حیدر - ۶۲ کیلو (فرح وشی یا عبدالباقر) - ۶۸ کیلو محمدرضا بوائی - ۷۴ کیلو منصور برزگر (کاپیتان) - ۸۲ کیلو محمدحسن محبی - ۹۰ کیلو غلامرضا سلیمانی - ۱۰۰ کیلو رضا سوخته‌سرائی - بالای ۱۰۰ کیلو (فیلابی -خلج -ایوب

تیم کشتی فرنگی: ۴۸ کیلو خلیل رشید محمدزاده- ۵۲ کیلو مرادعلی شیرانی- ۶۲ کیلو غلامرضا قصاب - ۶۸ کیلو جعفر علیزاده - ۸۲ کیلو هوشنگ منظرالظهور - ۹۰ کیلو هاشم کلاهی- و ۱۰۰ کیلو بهرام مشتاقی

پهلوان های کوچولو، مردم شهر را به هیجان درآوردند

نوجوانان کارگر کاشان در یک مسابقه جالب و پرهیجان کشتی استعدادهای جالبی از خود نشان دادند. در این مسابقه ها که با اقبال فراوان نوجوانان روبرو شد، گروه زیادی شرکت کردند که درنتیجه تیم کشتی نوجوانان کمیته ورزشی سازمان کارگران کاشان بمقام اول رسیدند. از نبرد پهلوان‌های کوچولو گروه زیادی ازمردم استقبال کردند.

نتیجه مسابقه ها ازاین قرار است:

۱ — در ۲۳ کیلو: عباس حق‌پرست — حسین حلجی نقی‌زاده

۲ — ۲۶ کیلو: ماشاءاله نجفی — عباس زارع

۳ — در ۲۹ کیلو: مهدی تقی‌زاده

۴ — ۳۲ کیلو: قدرت‌اشعریان

۵ — ۳۵ کیلو: رحمت‌الله پیران

۶ — ۳۸ کیلو: عباس سلیمانی — یحیی اکبری

۷ — ۴۲ کیلو: عباس مؤمنیان — محمد نقش زیلوئی

ورزش کارگر

از باشگاههای کارگری تهران دیدن کنیم

زمین ورزش شرکت برق انبار سازمان آب شد!

قهرمان توپولوهای باشگاه

گوشه‌ای از استخر باشگاه

ادعای یک رئیس باشگاه:
کارگران مفت و مجانی ورزش نمی کنند!

« سود برق در سراسر کشور در سال ۲۵۳۴ معادل ۲۲۰۰ میلیون ریال بود و درسال ۵۵ برابر ۳۱۵۸ میلیون ریال پیش بینی شده است.

با وجود این، کارگران شرکت برق منطقه ای در تهران هنوز یک باشگاه درست و حسابی ندارند. مدتها پیش، یک قطعه زمین در حوالی کن برای باشگاه کارگران برق اختصاص داده شد وحتی تابلوی « باشگاه ورزشی شرکت برق منطقه ای تهران در آن نصب شد، ولی سازمان آب، برادر دوقلوی شرکت برق، که ظاهراً دچار کمبود جا بود، آنرا در اختیار گرفت و فعلا از آنجا، بعنوان « انبار» استفاده می کند.

برقی‌ها، در ورزش کارگری و عمومی ما، چهره‌های ناآشنا نیستند. تیم فوتبال برق سالها در طراز تیم‌های خوب ما بود و قهرمانانی نظیر علی توپچی (کشتی گیر) ومنصور کیاشمشکی (اسکی باز) تحویل ورزش ما داد. ولی « فیوز» ورزش باشگاه برق مثل اینکه دائماً می پرد، چون قطع و وصل فعالیت‌های ورزشی باشگاه مانع از گسترش همه جانبه ورزش در این اجتماع بزرگ کارگری شده است. باشگاه برق منطقه ای تهران، در شمال شرقی پایتخت در محله قدیمی شهباز قرار دارد و از چند اتاق بزرگ تو در تو تشکیل شده است، باشگاه برق تهران، دوازده سال پیش موجودیت یافت و در سالهای گذشته در چند رشته ورزشی باشگاه برق فعالیت چشم‌گیری داشت. وقتی مطلب را با داریوش ساعتچی مدیر باشگاه در میان می گذاریم، می‌گوید: البته مشکلاتی داریم. سابق براین ما در رشته‌های فوتبال و والیبال فعالیت‌های زیادی داشتیم و افتخاراتی نیز کسب کردیم، ولی تجارتی‌شدن ورزش به روح ورزش آماتوریزم در کارخانه‌ها لطمه زد و هر روز درخواست‌های ورزشکاران سرشناس بیشتر می‌شد تا جائیکه ترجیح دادیم بدون « قهرمان » باشگاه را اداره کنیم. در مسابقه‌های مختلف طی این چند سال ما بیش از یکصدوپنجاه کاپ برده‌ایم، ولی خوب، چه می‌شود کرد. یا باید پول زیادی داشت و با باشگاههای عمومی در زمینه خریدن قهرمانان رقابت کرد، یا باید در لاك خود فرو رفت.....

از مدیر باشگاه برق در مورد فعالیت‌های فعلی باشگاه برق در سطح کشور می‌پرسم، می گوید: « در حال حاضر ما در تهران در رشته‌های پینگ‌پنگ، تنیس، کشتی، فوتبال، شنا، اسکی و والیبال فعالیت داریم. غیر از این، ما در شهرهای دیگر مانند کرج، قزوین، زنجان، شاهرود و سمنان باشگاههائی برای کارگران خود بوجود آورده‌ایم و تا جائیکه برای ما امکان داشت، تجهیزات و وسایل‌شان را فراهم کرده‌ایم. »

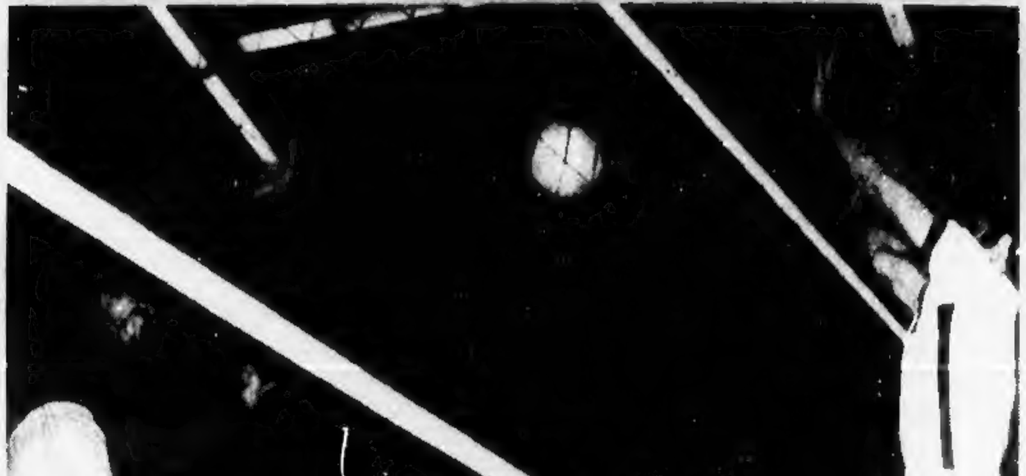

صحنه‌ای از مسابقه والیبال در باشگاه برق منطقه‌ای

صحبت از تعداد کارگران به‌میان میآید، معلوم می‌شود برق منطقه ای تهران ۵۵۰۰ نفر کارگر دارد که از این عده تنها دویست نفرشان ورزش می کنند. جالب اینکه در این کارخانه حتی یک کارگر زن وجود ندارد. می‌پرسم چرا اینقدر کارگران برق به ورزش کم توجه هستند؟ می‌گوید اصولا این را خدمتتان عرض کنیم که کلیه کارگران شرکت برق منطقه‌ای عضو باشگاه هستند، ولی عملا عده ورزشکاران ما خیلی کمتر است. معمولا در باشگاه ما روزانه حدود بیست – سی نفر کارگر ورزش می کنند، ولی یک نکته را توجه داشته باشید که کارگران برق بخاطر کار سخت بدنی که دارند در اوقات استراحت کمتر بفکر ورزش می‌افتند. یک روز عصر چند نفر از کارگران قوی‌هیکل برق را دیدیم. از آنها دعوت کردیم که به باشگاه بروند و ورزش کنند، گفتند ما معمولا از صبح تا ۴ بعدازظهر کار میکنیم. کار ما، بالا رفتن از تیر چراغ و سیم کشی است و واقعاً که کار دشواری است. همه‌اش نیروی بدنی

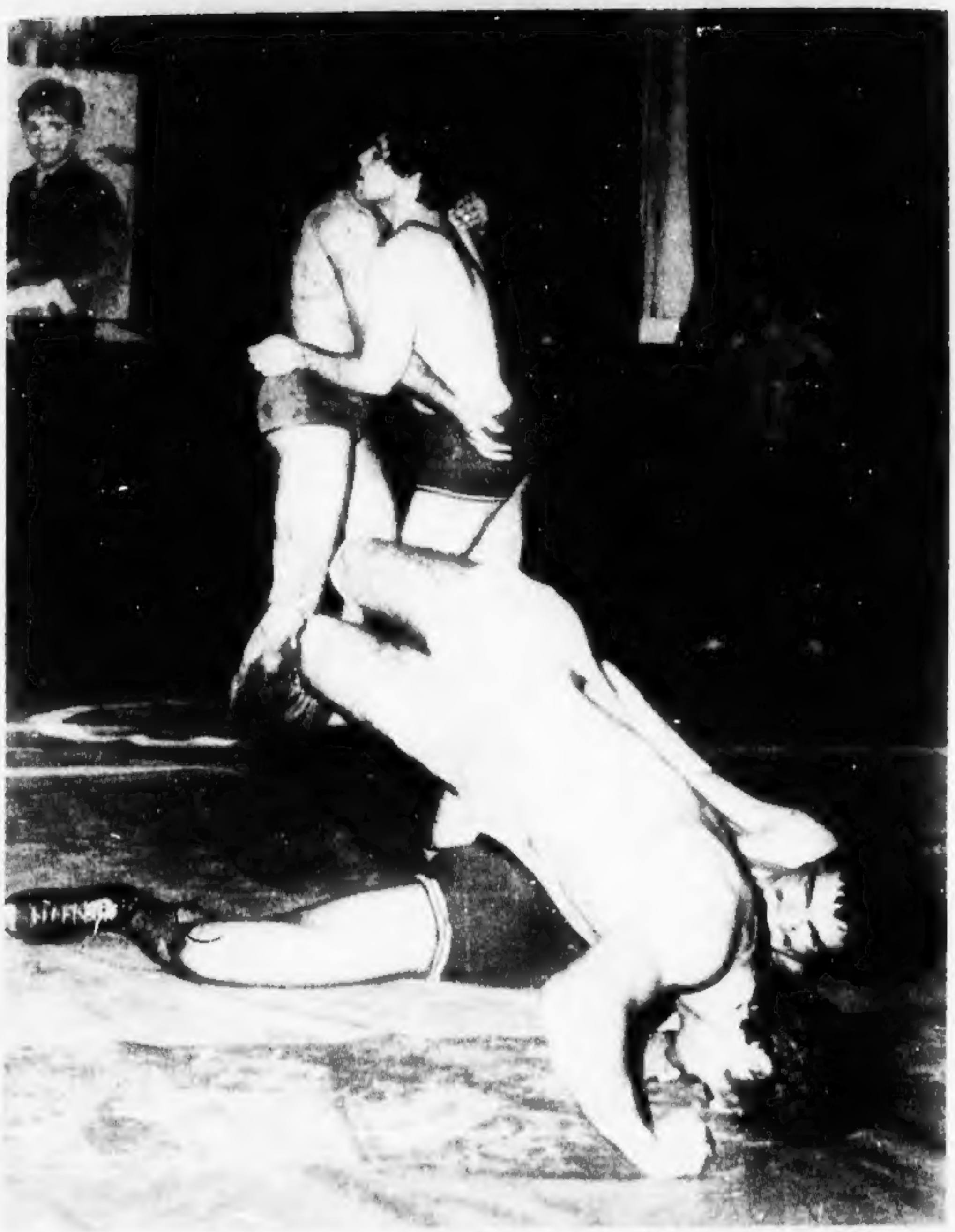

چندتن از کشتی گیران باشگاه برق منطقه ای د رحال تمرین

بکار می رود و حوصله ای برای ورزش کردن باقی نمی ماند.

ورزش مجانی چرا

مدیر باشگاه ورزشی برق منطقه ای که خود فوق لیسانس ورزشی است، گفت:

— بارها کارگرانی را دیده ام که میگویند ورزش کردن بچه درد ما می خورد. اگر در ورزش صاحب تخصص هم بشویم، نه استفاده مادی می بریم ونه در کارداری مان مؤثر است، در حالیکه کارگران متخصص در هنگام طبقه بندی مشاغل امتیاز خاصی میگیرند. یک کارگر سیم کش می گفت بجای یکی دو ساعتی را که باید در روز ورزش بکنم، میروم سیم کشی میکنم و کلی پول گیرم می آید.

در مورد محل باشگاه واینکه این چند اتاق تو در تو باید بیک باشگاه بزرگ ومدرن تغیر شکل بدهد، گفت: ما مدتی است که زمینی در شمال غرب تهران حوالی کوی. کن باین منظور تهیه کرده ایم، ولی امکانات فعلی به ما اجازه نمی دهد که آنرا بسازیم. اگر این باشگاه برای کارگران برق منطقه ای ساخته شود، مسلماً باشگاه مدرنی خواهد بود با کلیه تأسیسات و وسایل لازم ..... ناگفته نماند که محل فعلی باشگاه برق منطقه ای که در داخل کارخانه برق تهران میدان شهباز است، بعلت نبودن زمین مناسب قابل توسعه نیست، چون بقول رئیس باشگاه، در این محل جای کافی برای توربین ها وژنراتورها نیست، چه رسد برای تاسیسات ورزشی.....

در حال حاضر فوتبالیست های این باشگاه از زمین فوتبال شهباز استفاده می کنند وتیم شنا و واترپلو نیز از استخر باشگاه. باشگاه برق از یک اتاق پینگ پنگ، زمین والیبال، اتاق کشتی و..... تشکیل می شود.

ورزشکاران سرشناس این باشگاه عبارتند از:

کشتی

جعفری
تویچی
علی خانی
بختیاری
بهشتی
بازدشتی
پرویز میثاقیان
مصطفوی

پینگ پنگ

بیاتی
کریمی
پاک خواه
عبدالهی

فوتبال

صالحی
گنجی
سیدجعفری

بقیه فوتبال

داورپناه
قلی پور

والیبال

حسین جهانی
حاج قاسم
بیاتی

اسکی

کیا شمشکی

باستانی

صمد نوری
حسن یارمحمدی

پهلوان جایزه بگیر، جایزه داد

منصور برزگر، جایزه یکی از کارگران بنز خاور رامی دهد.

پهلوان جایزه بگیر، که وبترین بزرگی از مدال و کاپ دارد، واین روزها چمدان بسته در انتظار پرواز بسوی مونترال است، این بار خود جایزه داد. منصور برزگر قهرمان کشتی ۷۴ کیلوآزاد ما و کاپیتن تیم ملی کشتی که خود کارگر مکانیک ممتازی است، هفته پیش به تماشای یک مسابقه ورزشی دعوت شد و با حضور خود در این مراسم دوستان کارگر خود را خوشحال کرد. مسابقه بین تیم های والیبال صنایع فلزی و تهران شیمی برگزار شد که به نفع تیم والیبال تهران شیمی پایان یافت. در پایان مراسم منصور برزگر جوائز قهرمانان را به آنان داد.

برزگر که از انتخاب شده های المپیک مونترال است، بار دیگر تأکید کرد که به مدال طلای المپیک می اندیشد.

انعکاس نظرات شما

درباره مسائل ورزشی

اقبال کارگران ورزشدوست و ورزشکار ما از مسایل و رویدادهای ورزشی سخت تحسین انگیز است. دوستان کارگر ما که یا خود در رشته هائی ورزش می کنندو یافرزند و خویشاوند ورزشکار و قهرمانی دارند، اغلب آگاهانه مسایل را بررسی و تحلیل می کنند و به درخواست این دسته از خوانندگان عزیز «رستاخیز کارگران» از این پس ستونی ازمجله را پیرامون انعکاس نظر کارگران و مسایل ورزشی اختصاص می دهد. در این شماره پاسخی بیک نامه و اظهار نظر یک کارگر علاقمند به ورزش را درج می کنیم.

*آقای علیرضا ویشکائی، نامه شما را درباره بازی تاج و پاس درمسابقات جام تخت جمشید در اختیار سرویس ورزشی روزنامه رستاخیز گذاشتیم.

صد رحمت به کارگران گیلان

ضمن آرزوی موفقیت هر چه بیشتر این مجله در راه پیشبرد نیات عالی شاهنشاه آریامهر، باید بگویم که ورزش کارگری همیشه مورد بی لطفی بعضی کارخانه ها قرار داشته است. اگر به ورزشکاران گیلان مرخصی داده نمی شود، مادر مشهد مرخصی را بخشیدیم، همان تعطیلات خودمان را بدهند، متشکر می شویم. من یکی از کارگران ورزشدوست از کارخانه های صنعتی مشهد هستم که در حدود ۶۰۰ نفر کارگر صد درصد جوان دارد. در این جاساعات تعطیل را باید اضافه کاری بکنیم و فرصت پرداختن به ورزش نیست.

لطفاً با تذکر این موضوع به مسؤولان امر اداره کار مشهد، ما را یاری کنید.

مشهد: امضاء محفوظ

* کارگران از نظر روحی چنان ارشاد شده‌اند که خود در راه خدمتگزاری بکشور نیروی قابل توجهی بوجود آورده‌اند.
* با تشکیل حزب رستاخیز ملت ایران بفرمان شاهنشاه آریامهر پایگاهی محکم و یکپارچگی ملت ایران استوار یافت.

کارخانه ویتانا پنجاهمین سال سلطنت دودما

ساعت چهار بعد از ظهر روز چهارشنبه دوازدهم خرداد ماه ۲۵۳۵ شاهنشاهی جشن باشکوهی به مناسبت بزرگداشت پنجاهمین سال سلطنت دودمان پهلوی از طرف کارخانه ویتانا در کارخانه ویتانا برپا کردند.

در این جشن باشکوه تیمسار سرتیپ بیات نماینده محترم مجلس شورای ملی، هیئت مدیره کارخانه و کلیه کارمندان و کارگران کارخانه ویتانا شرکت داشتند.

سالن برگزاری جشن بشکل خاص و زیبائی تزئین گردیده بود. و این خود نشانه آن بود که کارخانه ویتانا با آمادگی قبلی چنین جشن باشکوهی را برپا میسازد.

هلهله و شادی و فریاد های جاوید شاه کارگران کارخانه ویتانا که فضای سالن را پر می‌کرد، شور و شادی جشن را صد چندان میساخت. کارخانه ویتانا برای گرمی جشن خود عده‌ای از هنرمندان معروف کشور را دعوت کرده بود که هر کدام بسهم خود جلوه گر این جشن شدند.

جشن باشکوه کارخانه ویتانا با نواختن سرود شاهنشاهی آغاز شد ابتدا آقای جبار تهرانچی و سپس تیمسار سرتیپ بیات و سرانجام نماینده کارگران سخنانی پیرامون پنجاه سال سلطنت دودمان پهلوی ایراد کردند. جشن با برنامه های هنری ادامه یافت و درخلال اجرای برنامه های هنری آقای خلیل برادران سمیعی که از کارمندان با سابقه و لایق کارخانه ویتانا می باشد، اشعاری را که بمناسبت این جشن سروده بودند با شور و هیجان خاصی قرائت کردند.

سرانجام جشن درمیان ابراز احساسات شدید نسبت به خاندان جلیل سلطنت و با فریاد های جاوید شاهنشاه آریامهر و سرافراز باد شهبانوی گرامی و ولیعهد محبوب خاتمه ای خوش یافت.

تیمسار سرتیپ بیات نماینده مجلس شورایملی سخنان مبسوطی پیرامون جشنهای پنجاهمین سال‌سلطنت دودمان پهلوی ایراد کردند

سخنان آقای جبار تهرانچی عضو هیئت مدیره شرکت:

بنمایندگی هیئت‌مدیره، کارگران و کارمندان کارخانه ویتانا تشریف فرمائی حضار محترم را باین جشن ساده ولی صمیمی خیرمقدم عرض میکنم.

همانطور که اطلاع دارید این جشن بمناسبت بزرگداشت پنجاهمین سال شاهنشاهی دودمان پهلوی و برای سپاس نسبت باینهمه ترقی و افتخاراتی که نصیب ملت ایران شده برپا میگردد. بخصوص آنکه این کارخانه هستی و موجودیت خود را نیز مرهون امکاناتی است که این عصر پرشکوه ببار آورده.

ممکن بود چنین جشنی را در یک سالن عمومی از قبیل سینما باشگاه و غیره برگذار کنیم، ولی همکاران محترم ترجیح دادند که این مراسم درخانه خودشان برگذار شود که معرف همبستگی آنان بوطن باشد و هم فرصتی را فراهم آورد که فرد فرد همکاران ما باشرکت در تدارکات جشن احساسات عمیق خود را نشان دهند.

سخنران این مجلس، تیمسار سرتیپ بیات نماینده محترم مجلس شورایملی هستند که با قبول تقاضای ما برای ایراد یک سخنرانی در این جشن بر ما منت گذارده‌اند. بنده ضمن سپاسگزاری میکروفون را در اختیارشان میگذارم.

سخنان تیمسار سرتیپ بیات، نماینده مجلس شورایملی

حضار محترم خانمها آقایان

افتخار دارم در جلسه‌ای که بمناسبت بزرگداشت جشن پنجاه ساله سلطنت دودمان پهلوی تشکیل شده است چند دقیقه صحبت کنم. درآغاز سخن یادآور میشوم: وضع ایران قبل از سلسله جلیل پهلوی نه آنقدر از زمان ما دور است که فرد فرد ملت ایران از آن بی اطلاع باشند. میتوان در یک جمله وضع اسف انگیز آن زمان را خلاصه کرد که حتی وجود اسمی و ظاهری ایران و ایرانی در شرف زوال بود و چنانچه مدت کوتاهی بهمان وضع میگذشت هر قسمت از ایران که عملا سالها تحت قیادت خارجی بود اسماً نیز جزئی از مستملکات خارجیان میشد. ولی از آنجا که همواره خدا با ماست بقول حافظ شیرازی

مدعی خواست که آید بتماشاگر راز
دست غیبت آمد و بر سینه نامحرم زد

خدای ایران نخواست و سردار بزرگ و نامی ایران با تفضل الهی ظهور کرد و بدون مجامله و مداهنه بایستی گفت که این نابغه نامدار در زمانی بس کوتاه ایران بزرگ و نوینی ایجاد کرد که حتی بتصور هم نمی آمد. تاریخ ایران گویاست که ملت شریف ایران هر گاه که راهبر و قائد توانائی داشته نبوغ ذاتی خود را نشان داده است. مثلا همان ملتی که سالها درحال ضعف و مذلت مقهور چند نفر افغانی بود، با پیدا شدن سردار بزرگی چون نادرشاه توانست تا هندوستان را تسخیر کند.

این بار نیز با پیشوائی نادر ثانی و نادره زمان یعنی رضا شاه کبیر یکباره چنان جهشی بوقوع پیوست که براستی بمعجزه شبیه تر بود.

شمردن یکایک خدمات رضاشاه کبیر خود نیاز به بحث مفصلی دارد که چون بر کسی پوشیده نیست از اظهار آن صرف نظر میشود. فقط از حضار محترم میخواهم که بهر یک از شئون مملکت که خود انتخاب میکنند نگاه کنند تا بعلانیه ببینند که هیچ قسمتی نیست که اثری از رضاشاه کبیر درآن تجلی نکند.

متأسفانه از بدحادثه اتفاقات وجنگ جهانی نگذاشت که ایرانی بتواند بیش از آن از وجود چنان قائد توانائی بهرمند شود. و کارها به آن نتایج عالی که امید و آرزوی میلیونها ایرانی میهن پرست بود برسد.

جای افتخار و شکرگزاری باقیست که بلافاصله فرزند برومندش جانشین پدر تاجدار خود شد و زمام کار را در کف با کفایت خود گرفت. بقول حافظ شیراز «صد شکر که این آمد و صد حیف که آن رفت»

شاهنشاه از نخستین روزهای زمامداری با معضلات فراوان و دشواریهای بسیاری روبرو شدند، ولی

اندر بلای سخت پدید آرد
فضل و بزرگواری و سالاری

و معظم‌له نبوغ ذاتی خود را چنانکه میدانید نشان دادند و سیمای سیاسی و اجتماعی کشورعزیز ما ایران را درخشانتر ساختند.

شاهنشاه در کتاب انقلاب سفید میفرمایند:

«در ۵ شهریور ۱۳۲۰ که من زمام امور را بدست گرفتم شیرازه کارها در اثر تجاوز بیگانگان بکلی از هم گسیخته بود و بطوریکه گفتم نیروهای اهریمنی فساد و ارتجاع و ستون پنجم خارجی که دردوران پدرم موقتا سر کوب شده بودند از نو میدان وسیعی برای تاخت و تاز خود بدست آوردند. ازآن زمان تا مدتی قریب ۲۲ سال یعنی تا بهمن ۱۳۴۱ من و کشورم نشیب و فرازهای عجیبی را گذراندیم و صحنه‌های ساختگی گوناگونی را شاهد بودیم که سر نخ غالب بازیگران آنها چون عروسکهای خیمه شب بازی در دست خارجیها بود»

شاهنشاه با نبوغ ذاتی. عشق افراطی به ملت و میهن — هوش استثنائی استعداد فطری و تلاش شبانه روزی. اول از تسلط بیگانگان در شمال و جنوب که سلطه آن بر سر ایران و ایرانی سنگینی میکرد جلوگیری فرمودند و سپس بکلیه مشکلات فائق آمدند و به نابسامانیهای کشور پایان بخشیدند

خلاصه اینکه: کشور ایران را از حالیکه میدانید بوضعی که می‌بینید درآوردند خدمات شاهنشاه آریامهر نیازی بشرح و بسط ندارد، زیرا «آنجا که عیان است چه حاجت به بیان» و نه شرح آن به آسانی مقدور است برای نمونه عرض میکنم که اگرشما ممالکی را که پس ازجنگ جهانی دوم تمام یا قسمتی از خاکشان در اشغال بیگانگان بود ازخاطر بگذرانید بزودی درمی‌یابید که حتی یک کشور نتوانسته است از چنگ اشغال خارجی بگریزد. این فقط آذربایجان عزیز ماست که با تفضل الهی و درایت و هدایت ذات مبارک ملوکانه از یوغ اشغال و تجزیه نجات یافته است.

چون در جلسه‌ای که اکثریت آن از کارگران و کارمندان عزیز تشکیل شده است صحبت میکنم یادآور میشوم که مگر درسایه انقلاب شاه و ملت نبوده است که کارگران با استفاده ازعنایت و توجه بیدریغ رهبر اندیشمند خود ازحالیکه چندسال پیش داشتند بوضعی که امروز دارند تغییر وضع داده‌اند و اکنون از سودویژه کارخانه‌ها بیمه کامل — خرید سهام کارگاهها — وآموزش همگانی تاآن حد بهرمند میشوند که حتی در اکثر کشورهای مترقی دیگر که سالهای متمادی پیشتازان صنعت جهان بوده‌اند مشابه چنین مزایائی نصیب کارگران نشده‌است.

خوشبختانه امروز زن ومرد کارگر ایرانی همه یکسان از مزایای انقلاب شاه و ملت برخوردارند و در سایه همین جهش انقلابی عموم کارگران از رفاه و سعادت کامل برخوردارند بطوریکه اساس زندگی کارگر زحمتکش در جهت بهبود و بهزیستی تحولی چشمگیر یافته است.

امروز کارگران ایران علاوه بر بهبود وضع مالی خوشبختانه از نظر روحی نیز چنان ارشاد شده‌اند که خود در راه خدمتگزاری بکشور نیروی قابل توجهی بوجود آورده‌اند و افرادیکه خدای نخواسته ممکن بود تحت تأثیر تبلیغات گمراه کننده عناصری ناباب در جمعشان پیدا شود، خود دانسته و فهمیده هر یک چون سربازی فداکار در راه جانبازی به شاهنشاه و میهن آمادگی کامل دارند و این تنویر و پرورش افکار کار کم اهمیتی نیست.

کارگران ایران امروز صفی از صفوف خدمتگزاران شاه و میهن را تشکیل میدهند و همه میکوشند که با بالا بردن مهارت و

ن پهلوی را جشن گرفت

تخصص — بازده و بهره وری کار — بهبود و مرغوبیت تولید — وتکنولوژی صحیح جوابگوی اینهمه عنایت و توجهات خاص منجی و حامی دلسوز خود باشند.

من بعنوان یک فرد خدمتگزار ایرانی دوام سلطنت خاندان جلیل پهلوی را از پرورد گار توانا مسئلت دارم و سلامت

آقای کرمعلی هزارخانی نماینده کارگران کارخانه ویتانا

و سعادت ملت شریف ایران و توفیق کارگران عزیز را که خود طبقه زحمتکش و مؤثری از ملت ایران را تشکیل میدهند از خداوند بزرگ آرزومندم

جاوید شاهنشاه پاینده ایران

سخنان آقای کرمعلی هزارخانی نماینده کارگران ویتانا

بنام خدا وبنام شاهنشاه آریامهر

درود بروان پاک رضا شاه کبیر بنیان گذار ایران نوین

بسیار سپاسگزارم که بمن کارگر اجازه داده شد که بر حسب وظیفه درباره این روز بزرگ چند کلمه‌ای معروض دارم در ابتدا پنجاهمین سال سلطنت پر افتخار دودمان پهلوی را از طرف خودو کارگران و کارمندان شرکت سهامی عام ویتانا بتمام شما میهمانان گرامی وعموم ایرانیان وطن پرست تبریک و تهنیت عرض نموده وبقای سلطنت پر افتخار شاهنشاهی ایران را از خداوند بزرگ مسئلت میدارم. شور وهیجان ما کارگران شاه دوست و وطن پرست دراین گرد هم آئی عظیم نمونه ای از جشن های پر شکوه این آئین ملی میباشد که گویای این حقیقت بارزاست که عشق به خاندان پهلوی با سرشت هر ایرانی اصیل ووطن پرست عجین شده ودر اعماق وجودش ریشه دوانیده وبا خونش درآمیخته است، زیرا پنجاه سال پیش در حالیکه ایران درفضای غم بار ودردناک خود میرفت تا آخرین آثار موجودیت خود را با تجزیه خاک ایران از دست بدهد بلطف پروردگار توانا معجزه تاریخ کهنسال ایران بوقوع پیوست، و سردار نام آور ایران اعلیحضرت رضاشاه کبیر سرباز جانباز وبلند اختری که سر تا پای وجودش عشق به وطن وعشق به سربلندی ایران بود رسالت یافت تا سکان کشتی در حال زوال سرزمین جاودانه وطن ما را بدست گیرد، وآنرا نجات دهد وایران نوی بنیان گذارد.

آنچه خواست خدا بود انجام شد . یعنی رضاشاه کبیر قیام کرد ودرسایه اش ملت ایران بپا خاست وبحرکت درآمد ودرلوای پرچم سه رنگ ایران بدست سر سلسله دودمان افتخار آفرین پهلوی اوج گرفت.

پس ازوی هدفهای ملی وسازنده اش متوقف نشد ، بلکه با تحرک وگسترش هر چه وسیعتر بدست توانای فرزند برومندش شاهنشاه آریامهر ادامه یافت ، پس از انقلاب شاه وملت جهش برق آسائی بود بطرف تکامل همه‌جانبه آرمانهای ملی زیرا همچنانکه میدانیم کشورما در عصر درخشان پهلوی گام به حیات تازه‌ای نهاده تا آنجا که امروز کشوری آباد ، فرهنگ و اقتصاد وبهداشتی پیشرفته ، صنایعی قدرتمند و جامعه‌ای مرفه وآسوده داریم.

کشاورز ایرانی آزاد شد ، کارگر ایرانی ارزش اجتماعی خودرا باز یافت ، وتوانست در راه اجرای منویات قائد عظیم الشان ایران در باز سازی واعتلای نام وطن در صف مقدم سربازان انقلاب اصیل شاه وملت قرار گیرد . در پناه انقلاب شاه وملت جامعه مرفه بر مبنای عدالت اجتماعی پدید آمد وسرانجام پیشرفتهائی که درسال‌های اخیر در پرتو اصول ۱۷ گانه انقلاب شاه وملت نصیب مردم ایران شد.

با تشکیل حزب رستاخیز ملت ایران بفرمان شاهنشاه آریامهر پایگاهی محکم ویک پارچه گی ملت ایران استوار یافت.

درخاتمه عرایضم با صدای بلند میگویم در عصر پر افتخار شاهنشاهی پهلوی صدها قانون بنفع طبقه کارگر تصویب شده ازجمله سهیم شدن کارگران در سود کارخانه ، اینها همه نشانه توجه وعنایات خاصه شاهنشاه آریامهر به طبقه کارگر است . و ما کارگران و کارمندان و کار آمایان کارخانجات بیسکویت سازی ویتانا که اولین سنگ صنعت بیسکویت سازی را در ایران بنیاد نهاد ، همگام با ملت شریف وحق شناس ایران ، پنجاهمین سال شاهنشاهی پهلوی را گرامی میداریم وازنثار جان خود در راه خدمت به شاهنشاهی ووطن عزیزمان ایران دریغ نداریم.

جاوید شاهنشاه آریامهر

پاینده ایران

برقرار باد دودمان پرعظمت پهلوی

شعر آقای خلیل برادران سمیعی

آقای خلیل برادران سمیعی که از کارمندان لایق و باسابقه کارخانه ویتانا می باشند از طبع ظریف شاعرانه برخوردار هستند و به مناسبت برگزاری این جشن اشعاری سروده بودند که خود با شور و هیجان خاصی باین شرح قرائت کردند.

چنین فرمود شاهنشاه.
بلمن ،
با تو ،
با او ،
با همه مردم.
به پا
تا کی بخواب غفلت ورؤیای
شیرین خیالی خفته خواهی ماند ؟
پس !
بیا ای کارگر، ای برزگر، ای پیشه ور
ای هموطن ، بده دستت بمن.
تا .
بزیر پرچم پرافتخار حزب رستاخیز ملت
درپی شاهنشه ایران با عزت
کمر بندیم بهر جانفشانی درره میهن
همان
کنیم ازبیخ وبن ما ریشه جهل وتباهی را
دگرباره برافرازیم برعالم لوای آریائی را
بگیریم ره برآنانی که خائن بر وطن هستند
که با بیگانگان وخصم مام میهن
عهد بربستند.
اگر خواهیم خاک خویش راآزاد و
خود را سرفراز و شاه جاویدان ؟
نهیم مردانه پای خویش درمیدان
برون آید
همه با هم بگوئیم زنده وپاینده
شاهنشاه وجاویدان همه
ارکان این اقوام
که نگذارد دگر آن خواب
غفلت
آن دیو مهیب جهل و مرگ
راه بربندد برملت
کنون کز دولت وبخت وتدبیر
شهنشاهی
خاموش است نفس درسینه
دشمن را
—
به بانگ پهلوی این نغمه را
سرداده وگوئیم
جاوید شاه ونام پهلوی
همواره جاویدان
رویم جان بر کف اندر راه آن
مقصود عالی شهنشاهی
بدنبال بهین شه آریامهر وجوانبختی
که تدبیرش جهان بگرفت
بیا ای کارگر ای هموطن که
دراینجا همین سال شهنشاهی پهلوی
جشنی به پاداریم وبهم تبریک برگوئیم و
گوئیم جاویدان شاهنشه ایران.
بیائید ای عزیزان ما همه با هم
یکی پیمان محکم بازبربندیم و
نگذاریم که دم ازحلق خائن
هرآنکو هست دشمن شه وملت

آقای جبار تهرانچی به نمایندگی از طرف هیئت مدیره کارخانه ویتانا سخنانی ایراد کردند.

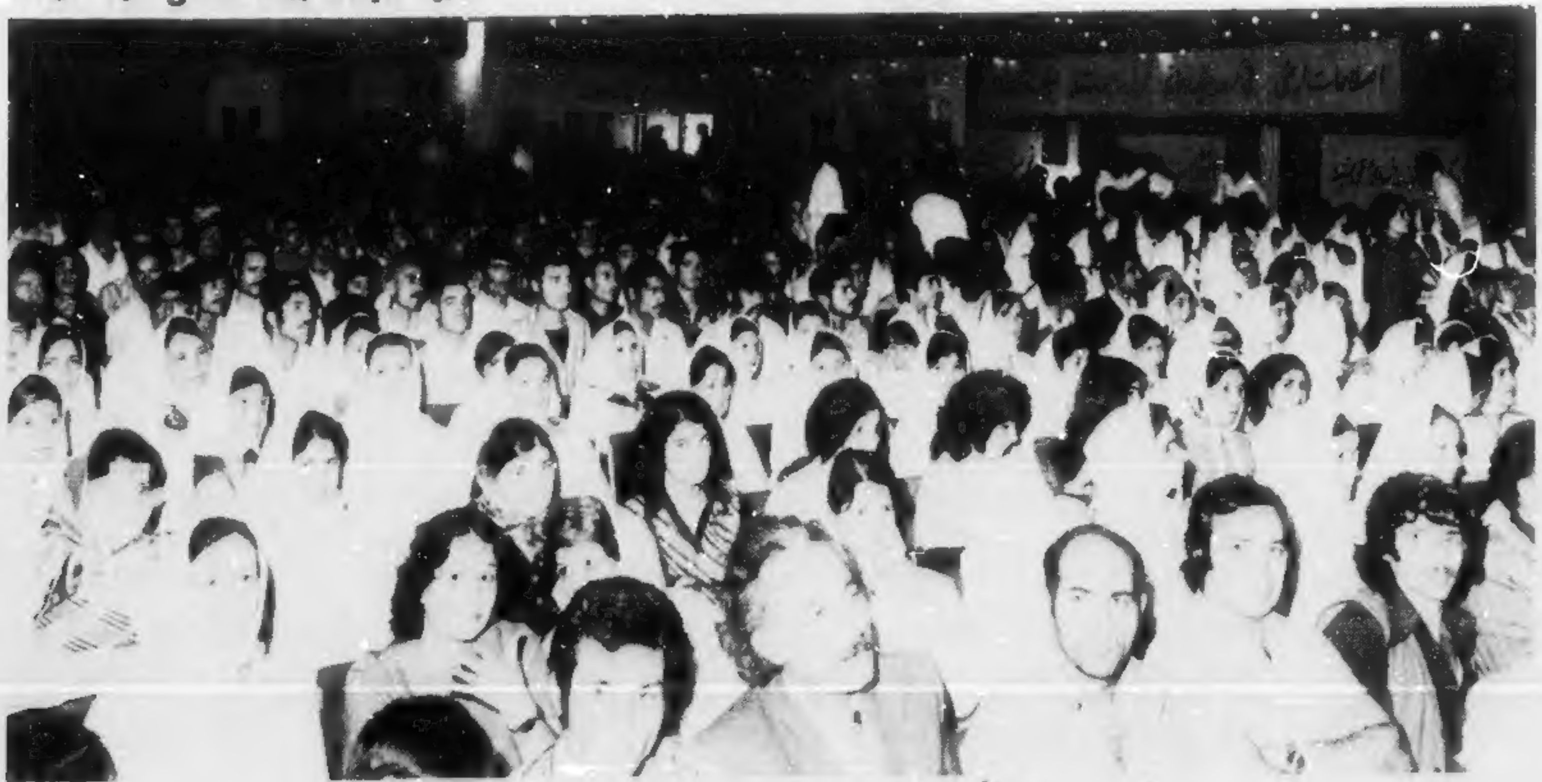

تصویری از کارگران کارخانه ویتانا که در جشن ویتانا شرکت داشتند.